

صاحب الزمان آرامان

پایانے برجامعہ آخر الزمان

حسین مجیدی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آرمان شہر صاحب الزمان

پایانی برجامعہ آخر الزمان

حسین مجددؑ

سرشناسه	: مجدی، حسین، ۱۳۵۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: آرمان شهر صاحب الزمان / مولف حسین مجدی.
مشخصات نشر	: قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۲۱۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲-۰۹۸-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: آخرالزمان (اسلام)
موضوع	: End of the world (Islam
موضوع	: مهدویت
موضوع	: Mahdism
رده بندی کنگره	: ۳/م ۳۴۴ ۱۳۹۷/BP۲۲۲
رده بندی دیویی	: ۴۴/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۱۲۴۶۶۲

آرمان شهر صاحب الزمان



بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود
انتشارات

- مؤلف: حسین مجدی
- طراح جلد و صفحه آرا: مسعود سلیمانی
- ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲-۰۹۸-۹
- نوبت چاپ: اول / بهار ۱۳۹۷
- شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- قیمت: ۱۱۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است.

○ قم: خیابان شهید / کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهید علیان / پ: ۲۶ / تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۱۱۳۰-۱ / نمایر: ۰۲۵-۳۷۷۴۴۲۷۳
○ تهران: خیابان انقلاب / خیابان قدس / خیابان ایتالیا / پ: ۹۸ / تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۹۸۶۰۰ / نمایر: ۰۲۱-۸۹۷۷۴۳۸۱

○ www.mahdaviat.ir

○ info@mahdaviat.ir

○ Entesharatbonyad@chmail.ir

تقدیر و تشکر

با حمد و سپاس خداوند تبارک و تعالی و درود و صلوات بر خاتم الانبیاء و اهل بیت گرامی ایشان

تقدیر و تشکر از پدر گرامی و مادر مهربانم که محبت اهل بیت عصمت و طهارت را در دل من نهادینه کردند و مرا به سوی کسب علوم و معارف ایشان رهنمون نمودند. و از همسر و فرزندان مهربان و صبورم که از همکاری و همراهی دریغ ننمودند، سپاسگذاری می‌کنم.

تقدیر و تشکر فراوان دارم از اساتید بزرگوارم، در مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم، بالاخص جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر رحیم کارگر و حجت الاسلام علی فاطمی نژاد که این تلاش ناچیز مرهون راهنمایی‌های بی دریغ ایشان است. و همچنین از برادر بزرگوارم، جواد مجدی و سرور گرامی جناب آقای علی کبیری، که در این مسیر مرا حمایت کردند سپاسگذارم.

تقديم به ساحت مقدس

مُعِزُّ الْأَوْلِيَاءِ وَ مُذِلُّ الْأَعْدَاءِ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ الْأُمَّةَ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ
الْكَلِمَ وَيُلَمَّ بِهِ الشَّعْثَ وَيَمْلَأَ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا

فهرست مطالب

مقدمه	۱۵
بیان مسئله و تعیین قلمرو آن	۱۹
فصل اول: مفاهیم و کلیات	۲۱
گفتار اول	۲۳
اصطلاحات و واژه شناسی	۲۳
۱. صاحب الزمان	۲۳
معنای لغوی	۲۳
معنای اصطلاحی	۲۳
۲. آخر الزمان	۲۴
معنای لغوی	۲۴
معنای اصطلاحی	۲۴
۳. مهدی	۲۵
معنای لغوی	۲۵
معنای اصطلاحی	۲۶
۴. مهدویت	۲۶
معنای لغوی	۲۶
معنای اصطلاحی	۲۶
۵. اجتماع	۲۷
معنای لغوی	۲۷
معنای اصطلاحی	۲۷
۶. جامعه	۲۸
معنای لغوی	۲۸
معنای اصطلاحی	۲۸
گفتار دوم	۳۰
بیان انواع جوامع	۳۰

الف) انواع جوامع	۳۰
۱. جامعه مرده	۳۱
۲. جامعه در حال رشد	۳۱
۳. جامعه ایده آل	۳۲
ویژگی های جامعه ایده آل	۳۳
آینده جامعه ها	۳۴
ب) چرایی و ضرورت الگوبرداری از جامعه مهدوی	۳۵
تعریف سیره و وجه دلالت آن	۳۶
ادله جواز اقتدا به سیره مهدوی	۳۶
الف) ادله عقلی	۳۷
ب) ادله نقلی	۳۷
فصل دوم: ویژگی ها و ابعاد جامعه آخرالزمان	۴۱
چیستی آخرالزمان	۴۶
گفتار اول	۵۱
وضعیت فرهنگی و اعتقادی جامعه آخرالزمانی	۵۱
۱. ویژگی اخلاقی و تربیتی	۵۱
۱-۱. رواج لذت گرایی	۵۱
۱-۲. شیوع گسترده مفاسد اخلاقی - تربیتی	۵۲
۱-۳. نهادینه شدن صفات رذیله	۵۴
۲. ویژگی دینی و تبلیغی	۵۵
۲-۱. انحراف از دین و برداشت های نادرست	۵۵
۲-۲. بحران معنویت و گرایش به مادیت	۵۶
۲-۳. تعطیلی حدود و احکام الهی و ترویج فسق و فجور در جامعه	۵۹
۲-۴. قرار گرفتن امور ضد ارزشی در جایگاه امور ارزشی	۶۰
۲-۵. گریز از دین	۶۵
۳. ویژگی علمی و فکری	۶۶
۳-۱. افول علوم انسانی و رشد علمی محدود به ابعاد مادی	۶۶
۳-۲. جاهلیت مدرن	۶۶

فهرست مطالب / ۹

برخی از ویژگیهای جاهلیت الاولى	۶۷
برخی ویژگیهای جاهلیت مدرن	۶۷
جمع بندی	۷۰
گفتار دوم	۷۱
وضعیت سیاسی اجتماعی جامعه آخرالزمان	۷۱
الف) ویژگیهای سیاسی	۷۱
۱. عدم توفیق حکومت‌های مختلف	۷۱
۲. تزلزل حکومت‌ها	۷۱
۳. استبداد حکومت‌ها	۷۲
۴. نا امنی و کشتارها	۷۴
۵. وقوع اختلافات و آوارگی شیعیان	۷۶
ب) ویژگیهای اجتماعی	۷۸
۱. طرد صلحا	۷۸
۲. گسیختن روابط انسانی	۷۸
۳. رشد جهالت و دنیاپرستی	۸۰
۴. خودخواهی (فردگرایی) و عدم توجه به مشکلات بقیه افراد جامعه	۸۱
۵. گسستن روابط خانوادگی	۸۱
۶. انگیزه‌های غیرانسانی و سودجویانه در روابط اجتماعی	۸۲
جمع بندی	۸۳
گفتار سوم	۸۴
وضعیت اقتصادی جامعه آخرالزمان	۸۴
۱. ویژگیهای تولیدی و عمرانی	۸۵
۱-۱. خشک‌سالی و بی‌رونقی کشاورزی	۸۵
۲-۱. شهوت ثروت اندوزی	۸۵
۳-۱. زیاده‌خواهی	۸۸
۲. ویژگیهای توزیعی	۸۹
۱-۲. بی‌عدالتی در توزیع	۸۹
۲-۲. آلودگی‌های اقتصادی	۹۱

۹۲.....	۳. ویژگی های مصرفی
۹۲.....	۳-۱. ترک زهد و ساده زیستی
۹۳.....	۳-۲. بی توجهی به اقشار ضعیف جامعه
۹۴.....	جمع بندی
۹۷.....	فصل سوم: ویژگی ها و ابعاد جامعه مهدوی
۹۹.....	عصر ظهور
۱۰۱.....	گفتار اول
۱۰۱.....	ویژگی فرهنگی اعتقادی
۱۰۱.....	۱. ویژگی اخلاقی و تربیتی
۱۰۱.....	۱-۱. گسترش اخلاق
۱۰۳.....	۱-۲. رشد تربیت انسانی
۱۰۴.....	۱-۳. از بین بردن رذایل اخلاقی
۱۰۵.....	۲. ویژگی دینی و تبلیغی
۱۰۵.....	۲-۱. احیای کتاب و سنت
۱۰۶.....	۲-۲. گسترش معنویت
۱۰۷.....	۲-۳. اقامه حدود الهی
۱۰۷.....	۲-۴. غلبه اسلام و جهان شمولی آن
۱۰۹.....	۳. ویژگی علمی و فکری
۱۰۹.....	۳-۱. تکامل عظیم علمی
۱۱۰.....	۳-۲. تصحیح انحراف های فکری گروه های اجتماعی و مبارزه با بدعتها
۱۱۳.....	جمع بندی
۱۱۴.....	گفتار دوم
۱۱۴.....	وضعیت سیاسی اجتماعی
۱۱۴.....	الف) ویژگی های سیاسی
۱۱۴.....	۱. تشکیل حکومت فراگیر جهانی
۱۱۶.....	۲. مدیریت انقلابی و شایسته سالاری دینی
۱۱۶.....	۳. مساوات در برابر قانون
۱۱۷.....	۴. امنیت فراگیر

فهرست مطالب / ۱۱

۱۱۹.....	۵. قانونمندی کامل
۱۲۰.....	ب) ویژگی‌های اجتماعی
۱۲۰.....	۱. عدالت اجتماعی
۱۲۲.....	۲. عدالت و پیشرفت‌های قضائی
۱۲۳.....	۳. حیات مجدد اجتماعی
۱۲۴.....	۴. رفاه اجتماعی
۱۲۶.....	۵. حفظ و ارتقاء محیط زیست
۱۳۰.....	جمع بندی
۱۳۱.....	گفتار سوم
۱۳۱.....	ویژگی‌های اقتصادی
۱۳۲.....	۱. ویژگی‌های تولیدی و عمرانی
۱۳۳.....	۱-۱. بهره‌وری کامل از منابع طبیعی
۱۳۴.....	۱-۲. عمران و آبادانی
۱۳۵.....	۱-۳. رشد فوق‌العاده اقتصادی
۱۳۵.....	۱-۴. پیشرفت صنایع در آن عصر
۱۳۸.....	۲. ویژگی‌های توزیعی و اصلاحی
۱۳۸.....	۲-۱. توزیع عادلانه ثروت
۱۳۹.....	۲-۲. بازپس گیری ثروت‌های غصب شده و ایجاد اقتصاد سالم
۱۴۰.....	۳. ویژگی مصرفی
۱۴۰.....	۳-۱. رواج فرهنگ زهد و ساده زیستی
۱۴۲.....	۳-۲. توجه به اقشار ضعیف و کم درآمد
۱۴۳.....	جمع بندی
۱۴۵.....	فصل چهارم: وجوه الگو گیری و زمینه سازی جامعه آخرالزمانی از جامعه مهدوی
۱۴۷.....	گفتار اول
۱۴۷.....	نقد جامعه آخرالزمانی
۱۴۸.....	۱-۱. نقد فرهنگی - اعتقادی
۱۴۸.....	یکم. شبیخون فرهنگی
۱۵۲.....	دوم. رواج لذت پرستی و بی حجابی

- سوم. شیوع گسترده مفاسد اخلاقی ۱۵۳
۱. کاهش ازدواج ۱۵۴
۲. افزایش طلاق ۱۵۵
۳. افزایش روابط نامشروع ۱۵۵
۴. افزایش آمار جنایت و خشونت علیه زنان ۱۵۵
۵. کاهش میزان بازدهی کار و تحصیل در جامعه ۱۵۵
- چهارم. بحران معنویت و گریز از دین ۱۵۶
- ۲-۱. نقد سیاسی - اجتماعی ۱۵۷
- الف) نقد وضعیت سیاسی ۱۵۸
۱. استبداد حکومت ها ۱۵۸
۲. تزلزل حکومت ها ۱۵۸
- ب) نقد وضعیت اجتماعی ۱۵۹
۱. نابودی روابط سالم انسانی و شیوع روابط ناسالم در فضاهاى حقیقی و مجازی ۱۶۰
۲. فرو پاشی نظام خانواده ۱۶۱
۳. حاکمیت جاهلیت مدرن در تمام ابعاد ۱۶۲
۴. شایع شدن دنیاپرستی و ریاکاری ۱۶۳
۵. کم فروغ شدن عواطف و روابط انسانی ۱۶۴
۶. گسستن روابط خانوداگی و تغییر مفهوم خانواده ۱۶۴
۷. انگیزه های غیر انسانی و سودجویانه در روابط اجتماعی ۱۶۴
۸. قرار گرفتن امور ضد ارزشی در جایگاه امور ارزشی ۱۶۵
۹. شیوع فساد در جامعه ۱۶۵
- ۳-۱. نقد اوضاع اقتصادی جامعه آخرالزمان ۱۶۵
- نقض شاخص های عدالت اقتصادی مهدوی در جامعه آخرالزمانی ۱۶۸
- الف) چگونگی تولید ثروت (رشد اقتصادی پایدار) در جامعه آخرالزمانی ۱۶۸
۱. فراموشی مالکیت الهی ۱۶۹
۲. معاملات حرام و شیوع ربا در معاملات ۱۷۰
- ب) چگونگی توزیع ثروت در جامعه آخرالزمانی ۱۷۰
۱. ترک تکافل و عدم حمایت از اقشار ضعیف جامعه ۱۷۱

فهرست مطالب / ۱۳

۲. زیاده خواهی.....	۱۷۱
ج) چگونگی مصرف ثروت در جامعه آخرالزمانی.....	۱۷۲
۱. ترک زهد و ساده زیستی.....	۱۷۲
۲. رواج بت پرستی مدرن.....	۱۷۳
جمع بندی.....	۱۷۴
بعد سیاسی.....	۱۷۴
بعد فرهنگی.....	۱۷۴
بعد اقتصادی.....	۱۷۴
گفتار دوم.....	۱۷۵
بیان تمایزات و وجوه برتری جامعه صاحب الزمان.....	۱۷۵
الف) بیان تمایزات و وجوه اختصاصی جامعه مهدوی.....	۱۷۸
۱. حاکمیت امام معصوم.....	۱۷۸
۲. عمل بر اساس علم غیبی و حکم طبق باطن امور.....	۱۷۹
۳. شدت عمل و سخت گیری بر مخالفان.....	۱۷۹
۴. اجازه استفاده از امور ماورایی و داشتن نیروهایی ویژه.....	۱۷۹
۵. منابع مالی نامحدود برای اداره جامعه.....	۱۸۰
ب) وجوه الگوگیری و برتری جامعه مهدوی.....	۱۸۰
وجوه الگوگیری در بعد فرهنگی - اعتقادی.....	۱۸۰
۱. بازیابی کرامت آدمی.....	۱۸۱
۲. حاکمیت ارزش های اخلاقی.....	۱۸۲
۳. نهادینه کردن فرهنگ ساده زیستی و دوری از تجملات و فخر فروشی.....	۱۸۳
۴. تلاش و استقامت در راه رسیدن به هدف.....	۱۸۴
۵. احیای دوباره اسلام، قرآن و سنت نبوی.....	۱۸۵
۶. تلاش برای حاکمیت عقل بر هوای نفس.....	۱۸۶
۷. تلاش برای ایجاد جامعه و فرهنگ قرآنی.....	۱۸۷
۸. برجسته کردن ماهیت عبادی انسان.....	۱۸۸
وجوه الگوگیری در بعد سیاسی اجتماعی.....	۱۸۹
۱. وفاق ملت ها و امتهای.....	۱۸۹

۲. پرورش افراد مستعد..... ۱۹۰
۳. پناهی برای مردم ۱۹۱
۴. گسترش عدالت اجتماعی ۱۹۱
- جلب خشنودی مردم و حفظ ارتباط مردمی..... ۱۹۳
۱. بازپس گیری حقوق مستضعفان از مفسدان اقتصادی و اجتماعی..... ۱۹۴
۲. نظارت دقیق و با شدت و حدت لازم بر عملکرد کارگزاران..... ۱۹۵
۳. شایسته سالاری و عزل کارگزاران غیر صالح ۱۹۵
۴. بی نیاز کردن مردم با معنویات..... ۱۹۶
۵. تلاش برای عمران و آبادی جامعه ۱۹۶
۶. حمایت از اقشار ضعیف و آسیب پذیر ۱۹۷
- وجوه الگوگیری در بعد اقتصادی ۱۹۸
۱. سامان دهی اقتصاد..... ۱۹۸
۲. عدالت اقتصادی ۱۹۹
۳. تلاش برای ایجاد رفاه اقتصادی با محوریت ایمان به خدا ۲۰۱
۴. ایجاد اشتغال ۲۰۲
۵. تلاش برای بهره برداری بهتر از منابع طبیعی برای ارتقای سطح کیفی زندگی .. ۲۰۳
۶. گرفتن مالیات و بازگرداندن اموال غصب شده به صاحبان آنها ۲۰۳
۷. مبارزه با سرمایه داری و ایجاد شکاف طبقاتی ۲۰۳
- جمع بندی و پیشنهادها..... ۲۰۴
- فهرست منابع ۲۰۸
- نشریات و مجلات ۲۱۵
- نرم افزارها ۲۱۶

پیشگفتار

او منتظر است تا که ما برگردیم ماییم که در غیبت کبری ماندیم
در این کتاب به مقایسه جامعه آخرالزمانی با صاحب الزمانی در سه بُعد؛ سیاسی-
اجتماعی، فرهنگی- اعتقادی و اقتصادی پرداخته‌ایم. و تلاش کرده‌ایم به جامعه
صاحب الزمانی نه تنها به عنوان آرمانی دوردست، بلکه به عنوان الگوی واقعی برای سامان
بخشیدن به وضع موجود نگاه کرده و با اشاره به برخی از شاخص‌ها، توجه به آن‌ها را در تمام
ابعاد نظام اسلامی در جامعه آخرالزمانی ضروری می‌دانیم؛ زیرا فقط در سایه آن انسان‌ها به
رشد و کمال می‌رسند. به نظر می‌رسید کتاب‌ها و پژوهش‌هایی که درباره این دو جامعه
نوشته شده جامع نبوده و بیشتر جنبه توصیفی دارد. نیز مقایسه تطبیقی بین این دو جامعه
تاکنون صورت نگرفته، لذا در این کتاب با ایجاد شناخت نسبت به معایب جامعه
آخرالزمانی و لزوم برطرف کردن آن‌ها و بیان وجوه پیوند این دو جامعه، پیشنهاد می‌شود که
شاخصه‌های جامعه مهدوی را در حد توان در جامعه خود پیاده کرده و با الگوگیری ضمن
تقویت نقاط مثبت و برطرف کردن نقاط ضعف، جامعه‌ای رابط بین جامعه آخرالزمانی و
صاحب الزمانی به نام «جامعه منتظر و زمینه ساز» طراحی کنیم.

ما در این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و استفاده از منابع دست اول روایی در فصل اول
مفاهیم و کلیات و در فصل دوم روایاتی را که به بیان ویژگیهای: فرهنگی- اعتقادی، سیاسی
- اجتماعی و اقتصادی، جامعه آخرالزمانی پرداخته‌اند، مورد بررسی قرار داده‌ایم تا وضع
نامطلوب جامعه را به خوبی ترسیم کرده و با ایجاد انگیزه در تک تک افراد، آن‌ها را به تلاش
برای رهایی از وضعیت موجود و رسیدن به جامعه مطلوب واداریم. در فصل سوم نیز
ویژگی‌های جامعه مهدوی را مورد بررسی قرار داده‌ایم تا بتوانیم به الگوی مناسبی برای جامعه
منتظر دست یابیم. در نهایت در فصل چهارم برای بررسی وجوه الگوگیری و زمینه سازی
جامعه منتظر، از جامعه صاحب الزمانی، در گفتار اول آن به نقد جامعه آخرالزمانی و بیان
کاستی‌ها و مشکلات آن پرداخته و در گفتار دوم تمایزات و وجوه برتری جامعه مهدوی را
بیان کرده‌ایم.

امید است مقبول حضرتش واقع شود.

﴿يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَّا الضُّرَّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ

تَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ﴾.

ادبم رنگ ریا دارد بی اخلاصم	عملم هم نفس ابر تو دلبر نشود
کار خود می کنم بر تو ندارم کاری	چشمم از هجر فراق تو دگر تر نشود
یک به یک می رود از چشم نعمات ای افسوی	مددی حال من غم زده بدتر نشود
هر کسی سوی ظهور تو قدم بردارد	دلش از ظلمت ایام مکدر نشود

اسفند ۱۳۹۶، مصادف با میلاد با سعادت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)

حسین مجدی - شهر مقدس قم

majdi_hosseini@yahoo.com

مقدمه

حکومت جهانی موعود را از دو منظر می‌توان مورد مطالعه قرارداد. در منظر اول به این حکومت تنها به عنوان آرمانی دوردست که هیچ تأثیری هم در واقعیت‌های جاری جامعه ندارد نگریسته می‌شود.

اما در منظر دوم، این حکومت - با همه ویژگی‌های آرمانی آن - نه تنها به عنوان غایت آمال بشر، بلکه به عنوان الگوی واقعی برای سامان بخشیدن به وضع موجود هدفی عینی که می‌تواند حرکت‌های اجتماعی ما را جهت بخشد؛ قابل مطالعه است.

اگرچه تحقق کامل این آرمان جز به دست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف میسر نیست، اما کسب شناخت و آگاهی بیشتر نسبت به معایب و کاستی‌های جامعه آخرالزمانی و ایجاد آمادگی برای برطرف کردن آنها ضرورت دارد که راه آن تشکیل یک جامعه منتظر، مطلوب و زمینه‌ساز برای تحقق جامعه مهدوی است و این با تبیین وجوه پیوند جامعه «آخرالزمانی» با «صاحب‌الزمانی» و الگوگیری از شاخص‌های جامعه صاحب‌الزمانی زمینه تحقق آن جامعه فراهم خواهد شد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی در یکی از بیانات خود، ضمن اشاره به ضرورت «اهتمام به مسئله عدالت اجتماعی در کشور» و لزوم مقابله با «طبقه بهره‌مندان از پول‌های حرام» و «مرفهان بی‌درد» به نکته مهمی اشاره کردند که توجه به آن می‌تواند ما را در ارائه تصویری روشن از منظر دوم یاری دهد.

ایشان در سخنان خود موضوع «عدالت گستری» و «قسط آفرینی» را که در روایات اسلامی، به عنوان یکی از شاخصه‌های مهم انقلاب مهدوی بدان اشاره شده، بررسی کرده و توجه به این موضوع را در همه برنامه‌های نظام اسلامی ضروری دانسته‌اند:

«نظام اسلامی، نظام عدالت است. شما که آرزومند و مشتاق ظهور خورشید مهدویت در آخرالزمان هستید و الآن حدود هزار و دویست سال است که ملت اسلام و شیعه در انتظار ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، چه خصوصیتی برای آن بزرگوار ذکر می‌کنید؟ «الذی یملاء الله به الارض قسطاً و عدلاً» نمی‌گویید که «یملاء الله به الارض دیناً». این نکته خیلی مهمی است. چرا به این نکته توجه نمی‌کنیم؟ اگرچه قسط و عدل متعلق به دین است اما هزار سال است که امت اسلامی برای قسط و عدل دعا می‌کند و این نظام اسلامی که به وجود آمده است؛ اولین کارش اجرای قسط و عدل است. قسط و عدل، واجب‌ترین کارهاست. ما

کارهای گوناگون، رفاه، مبارزه، جنگ، سازندگی و توسعه را برای قسط و عدل می خواهیم. در محیط قسط و عدل است که انسان ها می توانند رشد کنند. به مقامات عالی بشری برسند و کمال انسانی خود را به دست بیاورند. قسط و عدل، یک مقدمه واجب برای کمال نهایی انسان است. چطور می شود به این قضیه بی اعتنائی کرد؟!^۱

جان کلام رهبرانقلاب در سخنان یادشده این است که ما نباید به فرهنگ مهدویت و انتظار، با همه مشخصه هایی که در روایات ما برای آن برشمرده شده است، به عنوان مجموعه معارفی که فقط ترسیم کننده وضعیت آینده جهان هستند و هیچ نسبتی با وضعیت کنونی مسلمانان ندارند، نگاه کنیم، بلکه باید این فرهنگ را در تمام عرصه های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه خود جاری و ساری بدانیم و در پی آن باشیم که ویژگی های ذکرشده برای جامعه موعود را، تا آنجا که در توان داریم، در جامعه خود پیاده کنیم و اگر فعلاً توفیق دستیابی به جامعه موعود را نداریم، لااقل با الگو قرار دادن آن، جامعه مطلوب را بنیان نهیم. چنانکه امام راحل علیه السلام نیز به این موضوع اشاره کرده و می فرماید:

پر کردن دنیا از عدالت را ما نمی توانیم بکنیم، اگر می توانستیم می کردیم... الان عالم پر از ظلم است، اگر ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم، باید بگیریم، تکلیف ما است... اما نمی توانیم بکنیم؛ چون نمی توانیم بکنیم، باید او بیاید تا بکند. اما ما باید فراهم کنیم کار را. فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت...^۲

اگر الگوپذیری از قیام عدالت گستر مهدی موعود علیه السلام در جامعه اسلامی ما، به صورت یک فرهنگ درآید و همه متصدیان نظام اسلامی خود را موظف به شناخت ویژگی های دولت کریمه آخرین ذخیره الهی بدانند و سعی کنند که زندگی فردی و فعالیت اجتماعی خود را بر آن ویژگی ها منطبق سازند آن وقت است که معنای واقعی انتظار فرج تحقق می یابد، زیرا ما وقتی می توانیم خود را منتظر واقعی بدانیم که در عمل به آرمان هایی که تحقق آنها را انتظار می کشیم پایبند باشیم. بنابراین باید روایاتی را که به بیان خصایص یگانه مصلح موعود و طرح ویژگی های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اعتقادی و اقتصادی حکومت جهانی آن حضرت پرداخته اند مورد بررسی قرار دهیم تا در نهایت بتوانیم به الگوی مناسبی از جامعه

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، پنجشنبه ۲۶ تیرماه ۱۳۷۶.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۷.

موعود دست یابیم؛ الگویی که بتواند حیات اجتماعی ما را در عصر حاضر سامان دهد. لذا ما در این کتاب به بیان برخی از ویژگی‌های سیاسی، اجتماعی، اعتقادی، دینی و اقتصادی جامعه مهدوی که در روایات درباره حکومت جهانی آن حضرت مطرح شده است، می‌پردازیم. در فصل اول به مفاهیم و کلیات اشاره کرده و در فصل دوم ویژگی‌ها و ابعاد جامعه آخرالزمانی را از حیث وضعیت فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تبیین کرده و در فصل سوم به بررسی و بیان ویژگی‌ها و ابعاد جامعه مهدوی در همین ابعاد پرداخته‌ایم. و در نهایت در فصل چهارم برای بررسی وجوه الگوگیری و زمینه‌سازی «جامعه آخرالزمانی» از «جامعه صاحب‌الزمانی» در گفتار اول به نقد جامعه آخرالزمانی و بیان کاستی‌ها و مشکلات آن پرداخته‌ایم و در گفتار دوم تمایزات و وجوه برتری جامعه مهدوی را بیان کرده‌ایم تا در نتیجه بتوانیم با الگوبرداری از جامعه مهدوی در ابعاد فرهنگی، اعتقادی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه آخرالزمانی را تبدیل کنیم به جامعه‌ای شبیه جامعه مهدوی و زمینه‌ساز برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه به امید اینکه این تلاش ناقابل مقبول حضرتش واقع شود.

بیان مسئله و تعیین قلمرو آن

طبق آیات و روایات آینده جهان شامل دو بخش متفاوت و متمایز از هم است. از یک طرف شاهد یک جامعه‌ای هستیم که در آن جهان دچار مشکلات و چالش‌های عدیده‌ای می‌گردد و شاهد یک سیر نزولی جامعه انسانی به گونه‌ای هستیم که جامعه در آن به پایین‌ترین سطح ممکن اخلاقی - دینی و انسانی می‌رسد، به طوری که در این جامعه گفتمان‌هایی نظیر فردگرایی، اباحه‌گری، مادی‌گرایی، ابلیس‌گرایی، حیا زدایی و مواردی دیگر مطرح هست، که باعث سیر نزولی بشریت شده است، اما این جامعه ویژگی‌های مثبتی هم دارد که عبارت است از امکان بهره‌گیری و الگوبرداری از خصوصیات جامعه صاحب‌الزمانی (مهدوی) و امکان زمینه‌سازی و زمینه‌ساز بودن برای جامعه مهدوی. از طرف دیگر طبق پیش‌گویی منابع و حیانی جامعه‌ای مطلوب و کامل در آینده شکل خواهد گرفت که از آن تحت عنوان جامعه آخرالزمانی (مهدوی) و جامعه عصر ظهور نام برده می‌شود، در این جامعه که پس از جامعه آخرالزمانی قبل از ظهور شکل می‌گیرد، شاهد کاهش همه مشکلات بشر و رشد و تعالی مادی و معنوی او خواهیم بود و گفتمان‌هایی نظیر عدالت، سبک زندگی اسلامی، خداپرستی و... مطرح است. و از رهگذر مقایسه بین این دو جامعه است که می‌توان به وجود دو نوع زیست و حیات مختلف فکری، اجتماعی و انسانی که باعث وجود دو جامعه گوناگون می‌شود دست یافت و در نتیجه می‌توان از آن برای

اصلاح جامعه انسانی و نیز برنامه ریزی برای قرار گرفتن در مسیر آینده مطلوب بهره جست، زیرا به نظر می رسد رابطه بین دو جامعه آخرالزمانی و صاحب الزمانی با ایجاد جامعه زمینه ساز و منتظر محقق خواهد شد. پس مسئله اصلی این پژوهش شناخت ابعاد مختلف دو جامعه قبل و بعد از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه ضمن مقایسه و ارزیابی آن دو، و ارائه راهکارهایی جهت برون رفت از وضعیت نامناسب جامعه آخرالزمان و قرار گرفتن در مسیر جامعه مهدوی، البته با ایجاد جامعه زمینه ساز و منتظر می باشد.

و نیز می خواهیم بیان کنیم که چه وجوه و ویژگی هایی قابلیت بهره گیری و الگوبرداری از جامعه مهدوی برای جامعه آخرالزمانی را دارد؟ و جامعه آخرالزمانی برای زمینه سازی چه باید بکند؟

این تحقیق به دلایلی ضروری به نظر می رسد:

۱. کسب شناخت و آگاهی بیشتر نسبت به معایب و کاستی های جامعه آخرالزمانی؛
 ۲. لزوم برطرف کردن این معایب و کاستی ها با الگوبرداری از جامعه مهدوی؛
 ۳. ایجاد یک جامعه منتظر و مطلوب و زمینه ساز برای تحقق جامعه مهدوی.
- این پژوهش به عنوان اولین تحقیق به صورت مستقل و کامل در صدد بررسی تطبیقی و مقایسه ای این دو جامعه و ارائه راهکارهای مناسب جهت برون رفت از وضعیت نامناسب جامعه آخرالزمان و قرار گرفتن در مسیر جامعه مهدوی می باشد. امیدوارم که تدوین این کتاب بتواند در بهبود هریک از موارد مذکور مثمر و موثر واقع شود.



فصل اول: مفاهیم و کلیات

گفتار اول

اصطلاحات و واژه شناسی

در این گفتار به بررسی و تحلیل واژگان کلیدی مانند: صاحب الزمان، آخرالزمان، مهدی و مهدویت، جامعه و اجتماع می پردازیم.

۱. صاحب الزمان

معنای لغوی

در کشف اصطلاحات الفنون گوید: در اصطلاحات صوفیه است که صاحب الزمان و صاحب الوقت و صاحب الحال کسی است که متحقق باشد به جمعیت برزخیت اولی و مطلع بر حقایق اشیاء، و خارج از حکم زمان و تصرفات گذشته و آینده الی الابد. پس زمان ظرف احوال و صفات و افعال اوست و بدین جهت در آن به طی و نشرو در مکان به قبض و بسط تصرف کند، چه او متحقق به حقایق است و طبایع و حقائق در اندک و بسیار و دراز و کوتاه و بزرگ و کوچک یکسان است، زیرا وحدت و کثرت و مقادیر همه عوارض اند و آنسان که در (وعاء) و هم در آن مقادیر تصرف تواند کرد همچنین در عقل نیز تصرف کند. لقب محمد بن الحسن العسکری، امام دوازدهم شیعیان، مهدی منتظر.^۱

معنای اصطلاحی

از آنجا که طبق روایات،^۲ هیچ گاه زمین از حجت خالی نیست، در هر زمان يك نفر از اولیای الهی امام زمان خود و حجت الهی و خلیفه الهی در روی زمین است. بنابراین صاحب الزمان به معنای امام زمان و حجت خدا در روی زمین است و این امام صاحب الامر به معنای اولوالامری است که در قرآن اطاعتش همانند اطاعت خدا و رسول خدا واجب شده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾؛

۱. دهخدا علی اکبر، لغتنامه، ج ۱۰، ص ۱۴۷۴۲.

۲. کلینی، اصول کافی، (ط الاسلامیه)، ج ۱، ص ۱۷۹.

ای اهل ایمان از خدا و از پیامبر و صاحبان امرتان اطاعت نمایید.^۱

طبیعی است که صاحب زمان به این معنی که حجت خدا بر روی زمین است، بر زمان و مکان و تمام موجودات امکانی به اذن خدا احاطه دارد.

در برخی روایات به این لقب اشاره شده است. امام صادق علیه السلام فرمود: «وآخرین آنها قائم به حق، بقیه الله در زمین و صاحب الزمان است».^۲

در دعای فرج نیز به این لقب اشاره شده است: «... فَأَنْتَ كَمَا حَافِظَايَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْغَوْثَ الْغَوْثَ ...».^۳

پس معنای صاحب الزمان برای حضرت مهدی علیه السلام یعنی ایشان دارای قدرت هدایت باطنی و ولایت تشریعی و تکوینی است. نام صاحب الزمان، صاحب الامر، ولی عصر، امام زمان و امام عصر در علم کلام شیعی به معنای صاحب اختیار در تدبیر و رهبری جامعه اسلامی و بیان و حفظ شریعت است. و در عرفان شیعی به معنای کسی می باشد که دارای اختیار و قدرت معنوی برای دریافت فیض و رساندن فیض به موجودات است؛ اعم از آن که این فیض و رحمت، نعمتی تشریعی برای هدایت و تکامل معنوی باشد یا نعمتی تکوینی برای هدایت تکوینی و حرکت به سوی کمال مادی.^۴

۲. آخر الزمان

معنای لغوی

دوره آخر، قسمت واپسین از دوران روزگار که به قیامت متصل می گردد.^۵

معنای اصطلاحی

دوره پایانی دنیا و زمان شکل گیری ظهور و حکومت مهدی علیه السلام موعود علیه السلام

«آخر الزمان» ترکیبی اضافی و به معنای بخش پایانی زندگی دنیا است. واژه آخر الزمان در قرآن به کار نرفته است؛ اما مطالب گوناگونی درباره آن، از آیات قابل استفاده است. قرآن کریم به طور کلی، جهانیان را به دو بخش پیشینیان و پسینیان تقسیم کرده و برای هریک

۱. نساء (۴)، ۵۹.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۴۲، ح ۲۳.

۳. بحار الانوار، ج ۸۸، ص ۱۹۱.

۴. رک: هدایت در قرآن، آیت الله جوادی آملی، ص ۳۰-۳۷.

۵. فرهنگ لغت معین، ج ۱، ص ۳۴.

ویژگی‌هایی بیان نموده است.

آخرالزمان، دو ویژگی مهم و اساسی دارد:

اول: آخرین مرحله زندگی در دنیا است؛

دوم: این دوران، خود به دو بخش با ویژگی‌های خاص تقسیم می‌شود.

۱. دورانی سراسر انحطاط اخلاقی، ستم و بیداد.

۲. دورانی سرشار از معنویت در پرتو حکومت شایستگان.

بنیان‌های کلی باور به این دوران را همه مذاهب و گروه‌های بزرگ اسلامی پذیرفته‌اند، ولی در راستای وابستگی این دگرگونی‌ها به ظهور و قیام حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریک و نیز ویژگی‌های شخص آن مصلح جهانی، دیدگاه‌های ناهمگونی پدید آمده است.^۱

در فرهنگ مسلمانان، افزون بر اصطلاح «علائم آخرالزمان» اصطلاح مشابه «اشارات الساعة» یعنی علائم برپا شدن رستاخیز وجود دارد. این اصطلاح، ویژه علائم وقوع قیامت است؛ ولی با بررسی روایات ذیل این عنوان درمی‌یابیم که مضمون این روایات، مطالب مشترک بسیاری با روایات آخرالزمان دارد؛ ولی بین مسئله آخرالزمان و قیامت به صورت آشکار تفاوت است؛ زیرا به عقیده مسلمانان، قیامت، پس از فناى این عالم مادی است و پس از آن زندگی جاودانه است؛ اما دوره آخرالزمان، بخش پایانی همین دنیا است که در آن، جامعه و افراد، دچار تحولات عظیم می‌شوند.

۳. مهدی

معنای لغوی

این کلمه، اسم مفعول از ریشه ناقص معتل اللام (هَدی، یهدی، هدایة)، به معنی هدایت شده است. از آنجاکه لغت نامه‌های عربی در سده‌های نخستین، به‌طور جداگانه به واژه مهدی نپرداخته و تنها ریشه اصلی آن را معنا کرده‌اند؛ می‌توان گفت که نظر احمد بن فارس جامع اقوال است. به نظر او، برای واژه «هدی» دو تعریف وجود دارد؛ یکی همان معنای فاعلی، یعنی پیش افتادن برای نشان دادن راه راست و دیگری به معنی بخشیدن هرگونه تحفه و پیشکش برای محبوب.^۲ اما در لغت نامه‌های جدید، واژه مهدی به شکل مستقل مطرح شده و معنای لغوی آن (هدایت شده)، از تعریف اول کلمه هدی گرفته شده است.

۱. فرهنگنامه مهدویت، حرف الف، واژه آخرالزمان، ص ۱۵.

۲. معجم مقاییس اللغة، واژه هدی، ج ۶، ص ۴۲.

معنای اصطلاحی

در متون دینی هم در مفهوم خاص اصطلاحی، یعنی منجی موعود به کار رفته است. امام باقر (ع) در بیان دلیل این لقب فرمودند: «به جهت اینکه به تمامی امور پنهان هدایت می شود، او تورات و سایر کتاب های الهی را از غاری در انطاکیه بیرون خواهد آورد.»^۱ شیخ طوسی در کتاب الغیبه از ابوسعید خراسانی نقل کرده:

... فقلت: لای شیء سمی المهدی؟ قال: لانه یهدی إلى کل أمر خفی...^۲ از امام صادق (ع) پرسیدم به چه جهت امام زمان (ع) مهدی نامیده شده است؟ فرمود: چون به هر امر مخفی هدایت می شود.

البته این لقب گاهی در معنای فاعلی، یعنی هدایت کننده، نیز به کار رفته است. محمد بن عجلان از امام صادق (ع) نقل کرده است: «... از آن جهت مهدی نامیده اند که مردم را به آیینی که از دست داده اند هدایت می کند.»^۳

۴. مهدویت

معنای لغوی

واژه مهدویت از ریشه «هَدَى، یَهْدِی» و برگرفته از صیغه «مهدی» به معنای هدایت کننده (فاعلی) یا هدایت شده (مفعولی) است.^۴ با این وصف، واژه مهدویت، بر اثر کثرت استعمال، به صورت مصدر جعلی برای موضوعات مربوط به مهدی به کار می رود.

معنای اصطلاحی

در روند استخراج و ترکیب اصطلاح «مهدویت» می توان دو نظر ارائه کرد:

الف) مصدر صناعی، جعلی

مصدری است که از ترکیب اسم یا صفتی با کلمه «یت» در عربی و «یدن» در فارسی به دست می آید مانند خاتمیت، زوجیت، مالکیت، مهدویت و ... در عربی و طلبیدن، بلعیدن و ... در فارسی. «مهدویت» کلمه مرکب از دو جزء است یکی «مهدوی» که صیغه اسم فاعل یا

۱. طوسی، الغیبه، ص ۲۳۷، ح ۲۶.

۲. همان، ص ۴۷۱.

۳. الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۳، ح ۲.

۴. لغت نامه دهخدا، ماده «مصدر» و ماده «یت»، ج ۵، ص ۳۵۷.

مفعول است و دیگری «یت» که علامت مصدر جعلی است. مصدر جعلی اسم مصدری است که از اسم دیگر انتزاع می‌شود و مهم‌ترین آثار و خواص و مباحث آن اسم را در خود دارد مانند انسانیت از انسان، بنابراین مهدویت موضوع و اسمی است که از خواص و آثار و مباحث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برخوردار است.^۱

ب) وصف برای موصوف محذوف

واژه «مهدویت» وصف است برای موصوف محذوف که مسائل یا عقاید یا مباحث است، مانند «الحسنه» یا «السيئه» در این آیه شریفه «مَنْ جَاءَ بِالْحُسْنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ»^۲ که وصف است برای موصوف محذوف «الاعمال».

بنابراین مهدویت یعنی عقاید و مسائلی که منسوب و مربوط به مهدی است. در این تفسیر، مهدویت به مفهومی شبیه کاربردهای با پسوند «ایزم» و «ایسم» می‌شود مانند ماتریالیسم، یعنی عقیده و یا مکتبی که به اصالت ماده معتقد است یا سکولاریسم که اندیشه یا مکتبی را گویند که به جدایی دین از دنیا باور دارد.^۳

نظریه دوم مناسب به نظر می‌رسد و به این ترتیب مهدویت یعنی مسائل و عقایدی که پیرامون حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مطرح می‌شود.

۵. اجتماع

معنای لغوی

«اجتماع به معنای گردآمدن، تجمع، اجماع، نزدیکی جسمی به جسم دیگر، سازگاری نمودن و... آمده است».^۴

معنای اصطلاحی

در اصطلاح جامعه‌شناسی عبارت است از: «گونه‌ای از زندگی افراد انسانی که براساس روابط شخصی و منزلت‌های مبتنی بر رسوم و هنجارها جریان می‌یابد. در اجتماع، همدلی

۱. النحو الوافی؛ العلوم العربیه، ج ۳، ص ۲۸۶.

۲. انعام (۶)، ۱۶۰.

۳. درسنامه مهدویت، ج ۱، ص ۲۳۵.

۴. لغت نامه دهخدا، ج ۱، ص ۱۰۴۹.

کنش های مبتنی بر ارتباطات شخصی و صمیمیت وجه اصلی زندگی گروهی است.^۱
 همچنان که خداوند می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا...﴾^۲

تا آنجا که به مسئله حفظ مجتمع از تفرق و انشعاب اشاره نموده و می فرماید: ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ... وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ﴾^۳.
 و آیاتی دیگر که به طور مطلق مردم را به اصل اجتماع و اتحاد دعوت می کند.^۴
 از بررسی واژه اجتماع چنین به دست می آید که اجتماع حاصل ارتباط میان افراد است. انسان ناگزیر از این ارتباط است و زندگی اجتماعی، مطابق با فطرت انسان است و تاریخچه آن به خلقت بشر برمی گردد.

۶. جامعه

معنای لغوی

لفظ جامعه، مفرد مؤنث اسم فاعل از ریشه «جمع» است. و در لغت به معنای «توده مردم، گروهی از مردم، مردم یک شهر یا کشور...»^۵.

معنای اصطلاحی

برای جامعه معانی اصطلاحی گوناگون صورت گرفته، از جمله «وضع و حالت انسان هایی که تحت قانون مشترک زیست می کنند، گروهی از مردم... که به منظور تأمین نیازمندی های مادی و معنوی خود جمع می شوند و روابط و مناسبات اجتماعی میان آنها برقرار می شود»^۶.
 استاد مطهری می گوید:

مجموعه ای از افراد انسانی که با نظامات و سنن و آداب و قوانین خاص به یکدیگر پیوند خورده و زندگی دسته جمعی دارند، جامعه را تشکیل می دهند. زندگی

۱. دایرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، ج ۱، ص ۳۹.

۲. «ای مردم، ما شما را از نری و ماده ای بیافریدیم. و جماعت ها و قبیله ها کردیم تا یکدیگر را بشناسید...» (حجرات (۴۹)، (۱۳)).

۳. «باید از شما... مردم را به سوی خیر دعوت نموده... و شما مانند آن اقوام مباشید که فرقه فرقه شدند» (آل عمران (۳)، (۱۰۵)).

۴. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۱۵۰.

۵. فرهنگ عمید، ص ۴۵۱.

۶. مبانی جامعه شناسی، ص ۷۴.

دسته جمعی این نیست که گروهی از انسان‌ها در کنار یکدیگر و در يك منطقه زیست کنند و از يك آب و هوا و يك نوع مواد غذایی استفاده نمایند. درختان يك باغ نیز در کنار یکدیگر زیست می‌کنند و از يك آب و هوا و يك نوع مواد غذایی استفاده می‌نمایند، اما زندگی اجتماعی ندارند و جامعه تشکیل نمی‌دهند.^۱

از مطالب فوق نتیجه می‌گیریم که در تعریف جامعه محدوده مکانی، زمانی، نژاد و حرفه رکن محسوب نمی‌شود و به طور جمع‌بندی در تعریف اصطلاحی جامعه می‌توان گفت: گروهی از انسان‌ها که با یکدیگر روابط متقابل داشته و اهداف مشترکی را دنبال نموده و انتظار رفتار مشترکی از یکدیگر دارند. بنابراین جامعه منتظر آخرالزمانی، مجموعه‌ای از افراد دارای مذهب تشیع بشوند که منتظر دوازدهمین امام معصومند و رفتار مشترکی را در راستای انتظار از یکدیگر توقع دارند.

۱. مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲، ص ۳۳۱.

گفتار دوم

بیان انواع جوامع

در مورد آینده جامعه و هدف نهایی جوامع اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه، بیانات دقیقی مطرح کرده‌اند که به دو مورد اشاره می‌کنیم:

«... حرکت جوامع اسلامی و حرکت همه جوامع بشری، به سوی خیر و صلاح است، به سوی حکومت حق و عدالت است؛ به سوی نابودی خواست‌های استبداد است؛ به سوی روی کار آمدن مستضعفان است که در شکل عادل‌ترینش در دوران ظهور ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تأمین می‌شود»^۱.

«... در حقیقت آن جامعه‌ای که در دوران ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به وجود خواهد آمد؛ همان جامعه‌ای است که همه پیغمبران الهی، برای تهیه مقدمات آن از جانب الهی مبعوث شدند، یعنی ایجاد یک جامعه‌ای که بشریت در آن جامعه، بتواند به رشد و کمال متناسب خود برسد. اگر این آیه قرآن که درباره بعثت پیامبران می‌فرماید: «لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ یعنی؛ پیغمبران مبعوث شدند تا قسط و عدل در جامعه بشری استوار بشود، اشاره به هدف بعثت می‌کند، پس حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و جامعه مهدوی، همان جامعه‌ای است که این هدف را، به طور کامل تأمین می‌کند»^۲.

امروزه با توجه به گسترش علم جامعه‌شناسی و سایر علوم، تقسیمات مختلفی از جامعه‌ها به عمل آمده است. مثلاً از نظر سیاسی؛ لیبرالیسم، مارکسیسم، سوسیالیسم و پادشاهی و از نظر اقتصادی؛ عقب مانده، جهان سوم، در حال رشد و پیشرفته و یا در تقسیم دیگر به کشاورزی، صنعتی و... تقسیم می‌شوند.

منظور از انواع جوامع در این قسمت، اشاره به جامعه مرده و در حال رشد و جامعه ایده آل است.

الف) انواع جوامع

در جامعه‌شناسی تقسیمات مختلفی برای جامعه مطرح شده، ولی از آنجا که آن

۱. نیمه شعبان مشهد ۶۲/۳/۷.

۲. خطبه نماز جمعه ۶۰/۳/۲۹.

تقسیمات تک بعدی است مثلاً از منظر سیاسی یا اقتصادی به تقسیم جامعه پرداخته‌اند، به نظر می‌رسد تعریف استاد مطهری درباره انواع جوامع دسته بندی جامعی باشد، لذا ما به بیان انواع جوامع از نگاه ایشان می‌پردازیم.

۱. جامعه مرده

استاد مطهری زنده بودن یک جامعه را منوط به وجود برخی ویژگی‌ها می‌داند و برعکس مرده بودن جامعه را هم به علت وجود برخی خصوصیات می‌پندارد. ایشان یکی از علامت‌های جامعه مرده را وارونه قرار دادن قوانین حاکم که منجر به سعادت افراد می‌شود می‌داند و از مردم جامعه خود به علت وارونه کردن قوانین اسلامی گلایه می‌کند. علامت دیگر جامعه مرده را عمل به برخی قوانین و ترک بعضی دیگر می‌داند. حرکت را نشانه یک جامعه زنده و سکون را نشانه جامعه مرده می‌داند. استاد مطهری همبستگی را از علائم زنده بودن جامعه و تفرقه را خاصیت جامعه مرده می‌داند و از اختلاف مسلمین رنج می‌برد و آن را دلیل مرگ جامعه اسلامی می‌داند. ایشان یکی دیگر از علائم مردگی جامعه را پذیرش دروغ و عدم قبول حرف راست می‌داند. ایشان عدم اعتماد به نفس و گریزان بودن از عمل و توجه صرف به ایمان و خیال بافی و فرار از واقعیات را نشانه دیگر جامعه مرده می‌داند.^۱

۲. جامعه در حال رشد

امروزه برای اهل فن، مفهوم جامعه در حال رشد، کشورهای در حال توسعه را تداعی می‌کند، اما استاد مطهری جامعه را به منزله میدان مسابقه‌ای فرض می‌کند که افراد در حال مسابقه با یکدیگر هستند و جامعه‌ای را در حال رشد می‌داند که شرایط مسابقه در آن به طور یکسان برای همگان فراهم و آماده باشد و افراد بر اساس لیاقت و استعدادها در مسابقه شرکت کنند و پیروزی کسب نمایند.

جامعه اسلامی در ابتدای کار خود به گونه‌ای رشد کرد که پس از مدت اندکی توانست دو امپراطوری بزرگ جهان را منهدم نماید و به دورترین سرزمین‌ها نفوذ کند. استاد مطهری علت این رشد سریع را عمل به فرمان‌های اسلام می‌داند. قوانین اسلام مانند مواردی مبنی بر عدم تبعیض بین عرب و عجم و مهربانی با خود و خشم با دشمن و عمل به آنها بود که اسلام را

۱. حق و باطل به ضمیمه احیای تفکر اسلامی، ص ۷۶-۱۱۳.

گسترش داد.

استاد مطهری سرعت رشد مسلمانان را وابسته به خود آنها نمی داند، بلکه قوانین را مهم می شمارد و معتقد است اگر امروز هم به قوانین اسلام درست عمل شود، اسلام وسعت می یابد. پس جامعه ای که زمینه های کافی برای رشد استعداد های عالی انسانی از نظر مادی و معنوی را فراهم کند و افراد بر اساس لیاقت و شایستگی و تلاش بتوانند به کمال برسند جامعه در حال رشد است و جامعه صدر اسلام این گونه بوده است.^۱

۳. جامعه ایده آل

انسان ها با توجه به نوع نگرش خود به انسان و جهان هستی به آینده فکر می کنند و از سویی فطرت کمال طلبی انسان، او را به دنبال وضعیت ایده آل می کشاند. دانشمندان زیادی درباره جامعه ایده آل نظر داده اند. افلاطون مدینه فاضله را مطرح می کند و معتقد است که حکومت ها هرچه به آن شبیه تر باشند به ایده آل و کمال نزدیک ترند. مدینه فاضله یعنی جامعه ای که اجرای عدالت در آن میسر است و هرکس بر اساس استعداد خود به شغلی مشغول است و حاکم آن فیلسوف است.^۲

آگوستین شهر خدا را مطرح می کند و معتقد است که انسان های پاک و برگزیده در آن زندگی می کنند که نمایندگان خداپرستی هستند. وظیفه کلیسا کمک به انسان ها است تا در شهر خدا پذیرفته شوند و هدف شهر خدا در این دنیا تحقق صلح و عدالت است.^۳

نظریه های دیگری هم وجود دارد که معتقدند بشر موجودی شرو فاسد است، پس پایان دادن به حیات او عاقلانه ترین کار است. گروهی دیگر رشد انسان در علم و فناوری را باعث نابودی نهایی بشر می دانند و عده ای مالکیت فردی را بلای جان انسان می دانند و بر این عقیده اند که جبر ماشین _ روزی _ این مرحله را هم کنار خواهد گذاشت و خوشبختی فرا خواهد رسید. استاد مطهری شرو فساد و جبر تمدن را رد کرده و آینده ای روشن برای انسان ترسیم می کند که در آن جامعه، شرو فساد ریشه کن خواهد شد. البته استاد مطهری این نظریه را ملهم از دین می داند و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در همین راستا تلقی می کند.^۴

۱. اسلام و مقتضیات زمان، ج ۱، ص ۵۵-۶۶.

۲. تاریخ اندیشه های سیاسی در غرب، ص ۴۸.

۳. همان، ص ۴۲.

۴. قیام و انقلاب مهدی، ص ۶۰.

ویژگی‌های جامعه ایده آل

درباره آینده بشریت نظریه‌های مختلفی مطرح است. نظریه برگزیده که برگرفته از آموزه‌های اسلامی است و نوید به قیام و انقلاب مهدی موعود می‌دهد، عبارت است از اینکه ریشه فسادها و تباهی‌ها نقص روحی و معنوی انسان است. انسان هنوز دوره جوانی و ناپختگی را طی می‌کند و خشم و شهوت بر او و عقل او حاکم است. انسان بالفطره در راه تکامل فکری و اخلاقی و معنوی پیش می‌رود؛ نه شر و فساد لازم لاینفک طبیعت بشر است و نه جبر تمدن فاجعه خودکشی دسته جمعی را پیش خواهد آورد. آینده‌ای بس روشن و سعادت بخش و انسانی که در آن شر و فساد محو خواهد شد در انتظار بشریت است.

بنابراین آرمان قیام و انقلاب مهدی علیه السلام یک فلسفه بزرگ اجتماعی - اسلامی است و جدای از اینکه الهام بخش ایده و راهگشا به سوی آینده است، آینه بسیار مناسبی است برای شناخت آرمان‌های اسلامی. این نوید، ارکان و عناصر مختلفی دارد که برخی فلسفی و جهانی است و جزئی از جهان بینی اسلامی است، برخی فرهنگی و تربیتی است، برخی سیاسی است، برخی اقتصادی است، برخی اجتماعی است، برخی انسانی یا انسانی - طبیعی است. در این مجال کم فقط برای اینکه ماهیت «جامعه مهدوی» روشن شود به طور اجمال به برخی شاخصه‌های این جامعه اشاره می‌کنیم.

۱. خوشبینی به آینده، یعنی درنهایت تقوا و صلاح و صلح و عدالت و آزادی و صداقت بر زور و استکبار پیروز خواهد شد؛
۲. حکومت واحد جهانی تشکیل خواهد شد؛
۳. آبادانی کره زمین به حدی خواهد رسید که هیچ نقطه خرابی وجود نداشته باشد؛
۴. بشر از نظر عقلی به بالاترین حدّ رشد رسیده و از اسارت شرایط طبیعی، اجتماعی و غرایز نجات می‌یابد؛
۵. بیشترین استفاده از مواهب دینی می‌شود؛
۶. در بین انسان‌ها مساوات کامل برقرار می‌شود؛
۷. روح و روان انسان‌ها، از بیماری روحی و معنوی خالی شده و تمام مفاصل از بین می‌رود؛
۸. صلح و صفا و محبت به جای جنگ و خونریزی حاکم می‌شود؛
۹. انسان با طبیعت سازگاری ایجاد می‌کند.^۱

آینده جامعه‌ها

آینده جوامع بشری چگونه است؟ آیا این فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و این جامعه‌ها و ملیت‌ها برای همیشه به وضع موجود ادامه می‌دهند، یا حرکت انسانیت به سوی تمدن، فرهنگ و جامعه یگانه است و همه این‌ها در آینده رنگ خاص خود را خواهند باخت و به رنگ اصلی که رنگ انسانیت است درخواهند آمد؟

این مسئله نیز وابسته است به مسئله ماهیت جامعه و نوع وابستگی روح جمعی و روح فردی به یکدیگر. بدیهی است بنا بر نظریه اصالت فطرت و اینکه وجود اجتماعی انسان و زندگی اجتماعی او و بالاخره روح جمعی جامعه وسیله‌ای است که فطرت نوعی انسان برای وصول به کمال نهایی خود انتخاب کرده است، باید گفت جامعه‌ها و تمدن‌ها و فرهنگ‌ها به سوی یگانه شدن، متحدالشکل شدن و درنهایت امر در یکدیگر ادغام شدن سیر می‌کنند و آینده جوامع انسانی، جامعه جهانی واحد تکامل یافته است که در آن همه ارزش‌های بالقوه انسانی به فعلیت می‌رسد و انسان به کمال حقیقی و سعادت واقعی خود و بالاخره به انسانیت اصیل خود خواهد رسید. از نظر قرآن این مطلب مسلم است که در نهایت، حکومت و عاقبت از آن متقین است.

علامه در تفسیر المیزان می‌گوید: «کاوش عمیق در احوال کائنات نشان می‌دهد که انسان نیز به عنوان جزئی از کائنات در آینده به غایت و کمال خود خواهد رسید».^۱ آنچه در قرآن آمده است که استقرار اسلام در جهان امری شدنی است، تعبیر دیگری است از این مطلب که انسان به کمال تام خود خواهد رسید. قرآن آنجا که می‌گوید: «فرضاً شما از این دین برگردید، خدا قوم دیگر را به جای شما برای ابلاغ این دین به بشریت و مستقر ساختن این دین خواهد آورد».^۲ و همچنین آیه کریمه که می‌فرماید: «خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترس ایشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقان اند».^۳ و همچنین آنجا که می‌فرماید: ﴿أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِي

۱. ترجمه المیزان، ج ۴، ص ۱۰۶.

۲. ﴿مَنْ يَرْثْكُمْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾ (مائده (۵)، ۵۴).

۳. ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ

الصَّالِحُونَ^۱! در حقیقت می‌خواهد ضرورت خلقت و پایان کار انسان را بیان نماید. استاد مطهری همچنین تحت عنوان «دین حق در نهایت امر پیروز است» می‌گوید:

نوع انسان به حکم فطرتی که در او ودیعه نهاده شده است طالب کمال و سعادت حقیقی خود یعنی استیلا بر عالی‌ترین مراتب زندگی مادی و معنوی به صورت اجتماعی هست و روزی به آن خواهد رسید. اسلام که دین توحید است برنامه چنین سعادت است. انحرافات که در طی پیمودن این راه طولانی نصیب انسان می‌گردد نباید به حساب بطلان فطرت انسانی و مرگ آن گذاشته شود. همواره حاکم اصلی بر انسان همان حکم فطرت است و بس؛ انحرافات و اشتباهات از نوع خطای در تطبیق است. روزی انسان به غایت و کمالی که به حکم فطرت بی‌قرار کمال جوی خود آن را جستجو می‌کند، خواهد رسید. آیات سوره روم از آیه ۳۰ که با جمله: ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾ آغاز می‌شود و با جمله ﴿لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ پایان می‌یابد، همین معنی را می‌رساند که حکم فطرت در نهایت امر تخلف‌ناپذیر است و انسان پس از يك سلسله چپ و راست رفتن‌ها و تجربه‌ها راه خویش را می‌یابد و آن را رها نمی‌کند. به سخن آن عده نباید گوش فرا داد که اسلام را همانند يك مرحله از فرهنگ بشری که رسالت خود را انجام داده و به تاریخ تعلق دارد می‌نگرند. اسلام، به آن معنی که ما می‌شناسیم و بحث می‌کنیم، عبارت است از انسان در کمال نهایی خودش که به ضرورت ناموس خلقت روزی به آن خواهد رسید.^۲

ب) چرایی و ضرورت الگوبرداری از جامعه مهدوی

جامعه منتظر به جامعه‌ای گفته می‌شود که افراد آن با زمینه‌سازی ظهور و عمل کردن به وظایف خود در عصر غیبت کبری، به امید ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تشکیل حکومت عدل جهانی و جهانی کردن دین مقدس اسلام به سر می‌برند و خود را از آسیب‌های جامعه آخرالزمانی دور ساخته و سعی می‌کنند طبق شاخصه‌هایی که برای جامعه مهدوی در ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بیان شده عمل کنند. ممکن است در

لَهُمْ دِينُهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يُغْبِذُونَ بِي شَيْئًا^۱؛ (نور (۲۴)، ۵۵).

۱. «همانا بندگان صالح و شایسته من وارث زمین خواهند شد»؛ (انبیاء (۲۱)، ۱۰۵).

۲. مجموعه آثار مطهری، ج ۲، ص ۳۶۲.

مورد بحث ما این تصور پیش آید که بین جامعه آخرالزمانی و جامعه صاحب الزمانی (مهدوی) تفاوت ماهوی وجود دارد، لذا اقتدا به سیره حضرت و الگوبرداری از جامعه مهدوی که در آینده شکل خواهد گرفت ممکن نیست. بنابراین ما در اینجا ابتدا به دلالت سیره معصومین اشاره کرده و در ادامه به بیان چرایی و ضرورت الگوبرداری از جامعه مهدوی می پردازیم.

تعریف سیره و وجه دلالت آن

سیره یعنی: روش، طریقه و سنت.^۱ راغب اصفهانی می گوید: سیره به معنای حالتی است که انسان یا غیر او بر آن حالت زندگی می کند؛ چه آن حالت غریزی باشد و چه اکتسابی.^۲ سنت نزد اصولی ها عبارت است از: قول، تقریر و فعل معصوم. و حجیت آن بر پایه پذیرش عصمت برای ایشان قرار داده شده.^۳ شهید صدر می گوید:

چون معصوم در مسایل اجتماعی و سیاسی و امور دنیوی و اخروی، اعمال انسانی، قضاوت و حکومت مرتکب هیچ گونه خطایی نمی شود، پس همه اقوال و افعال او قابل الگو برداری است، حتی از سکوت معنادار و تایید آمیز او می توان در راه کشف حکم شرعی و شناخت موضع دین و شریعت استفاده کرد.^۴

در اصطلاح «سیره» به معنای خصوص رفتارهای معصوم است. بنابراین اگر سنت قولی را حدیث بنامیم، سنت فعلی و تقریری را باید سیره نامید.^۵

ادله جواز اقتدا به سیره مهدوی

از آنجا که سیره معصومین دارای خصوصیات مانند جامعیت و شمول، منشاء الهی و محتوای عمیق داشتن، مبین قرآن بودن و ارائه گرازش های اسلامی است؛ لذا اصل در سیره معصومین بر جواز اقتدا است. همچنان که امام حسین علیه السلام عمل کرد و فرمود:

ارید ان آمر بالمعروف و انهی عن المنکر و اسیر بسیره جدی و ابی علی بن ابی

۱. المصباح المنیر، ج ۱، ص ۳۶۱؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۶۱.

۲. مفردات الفاظ القرآن، واژه سار، ص ۴۳۳.

۳. الاصول العامه للفقہ المقارن، ص ۱۲۲.

۴. دروس فی علم الاصول، مبحث دلیل شرعی غیر لفظی.

۵. «سیره مهدوی و دولت منتظر»، مشرق موعود، سال سوم، شماره ۱۰، ص ۳۴.

طالب؛^۱ تصمیم دارم امر به معروف و نهی از منکر کنم و روش جد و پدرم را دنبال نمایم.

یعنی سبک و قانون رفتاری آنان را در اجرای احکام الهی پی گرفته، بدان عمل کنم. و ترکیب این ویژگی‌ها با صفات شخصیتی معصومین نظیر عصمت، طهارت ذاتی و علم بی پایان، نقش الگویی ایشان را برجسته‌تر می‌سازد و آنان را به عنوان اسوه‌های جامع الهی به جامعه بشری معرفی می‌کند.

ادله جواز اقتدا به سیره معصومین را می‌توان به دو دسته ادله عقلی و نقلی تقسیم کرد:

الف) ادله عقلی

همان ادله‌ای که بر اصل وجود امام و شرط عصمت برای او دلالت دارد، چون اگر وجود امام معصوم در هر زمان برای هدایت بشر ضرورت داشته باشد، ولی عمل او سرمشق زندگی ما نباشد، لازمه‌اش نقض غرض از نصب امام و اثبات عصمت او است.^۲ خواجه نصیرالدین طوسی راجع به «سبب غیبت» می‌گوید:

و أما سبب غیبت فلا يجوز أن يكون من الله سبحانه ولا منه كما عرفت فيكون من المكلفين، وهو الخوف الغالب و عدم التمكين و الظهور يجب عند زوال السبب؛^۳ اما سبب غیبت امام دوازدهم، پس جایز نیست که از جانب خدای سبحان و یا از جانب خود آن حضرت باشد؛ بلکه از مردم و مکلفین است و آن خوف غالب و تمکین نداشتن مردم از امام است و هر موقع این سبب زایل شود، یعنی مردم تمکین و اطاعت از امام نمایند ظهور واجب می‌شود.

بنابراین عقل حکم می‌کند به فراتر از جواز، یعنی ما مکلفیم که با اقتدا به حضرت و عمل به سیره ایشان زمینه ظهور را فراهم کنیم.

ب) ادله نقلی

آیات و روایاتی که پیروی از امام و متابعت از اعمال ایشان را ضروری می‌داند، مثل:

۱. فرهنگ جامع سخنان امام حسین (ع)، ص ۳۲۹.

۲. کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۳۴۵.

۳. رساله امامت، فصل سوم، ص ۲۵.

﴿أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يَتَّبِعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِي فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾^۱
 ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ﴾^۲
 پیامبر ﷺ فرموده اند:

خوشا به حال کسی که قائم از اهل بیت مرا درك کرده و در غیبت او قبل از قیامش
 به او اقتدا نماید...^۳

و روایاتی که مضمونش یاری جستن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه از ما و لزوم یاری دادن و بیعت
 با ایشان است، نیز از این دست محسوب می شوند.^۴ مانند روایت امام صادق علیه السلام که
 می فرماید:

باید هریک از شما برای خروج قایم اسلحه آماده کند. چون وقتی خداوند ببیند
 کسی به نیت یاری مهدی اسلحه تهیه کرده امید می رود خداوند عمر او را دراز کند،
 تا ظهور را درك کند و از یاوران مهدی باشد.^۵

اگر آنچه را حضرت می خواهد تحقق بخشد، ربطی به دوران ما نداشته باشد، پس معنای
 یاری خواستن حضرت از ما و مؤثر بودن اصلاح جامعه در تعجیل فرج ایشان چیست؟ بنابر
 این باید اذعان داشت که سیره مهدوی قابل تأسی و الگو برداری است و افراد جامعه باید با
 پیروی از فرامین حضرت و عمل به سیره ایشان، یاری خود را نشان داده و در راستای تعجیل
 فرج ایشان گام بردارند.

بنابراین اگر تصور شود که بیان وقوع چنین سیره ای در آینده از زبان آیات و روایات تنها
 نشان دهنده غایت نهایی سیرتاریخ بشر، و امیدوار کردن انسان به ظهور تمدن واقعی
 اسلامی است و برای ما که بدان افق نرسیده ایم پیام عملی ندارد؛ باید گفت: علاوه بر اینکه از
 ادله نقلی گوناگون چنین درمی یابیم که رفتار مردم در عصر غیبت، در تقدیم و یا تأخیر ظهور
 حضرت مؤثر است، باید توجه داشت که تحولات اجتماعی تمهید پذیر و تدریجی است و
 هیچ گونه حادثه اجتماعی به طور اعجاز گونه به یکباره تحقق نمی یابد. پس در تند یا کند

۱. «آیا آن که به حق راه می نماید به متابعت سزاوارتر است یا آن که به حق راه نمی نماید و خود نیز نیازمند هدایت است؟
 شما را چه می شود؟ چگونه حکم می کنید؟» (یونس (۱۰)، ۳۵).

۲. «برای شما اگر به خدا و روز قیامت امید می دارید رسول الله مقتدای پسندیده ای است» (احزاب (۳۳)، ۲۱).

۳. «طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ يَأْتُمُّ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ...» (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۶،
 باب ۲۵، ح ۲).

۴. مکشال المکارم، ج ۲، ص ۲۱۹-۲۳۶ و ۳۰۶.

۵. «... لِيُعِدَّنَا أَخَذَكُمْ لِيُخْرِجَ الْقَائِمَ وَلَوْ سَهْمًا...» (الغیة، نعمانی، ص ۳۲۰، باب ۲۱، ح ۱۰).

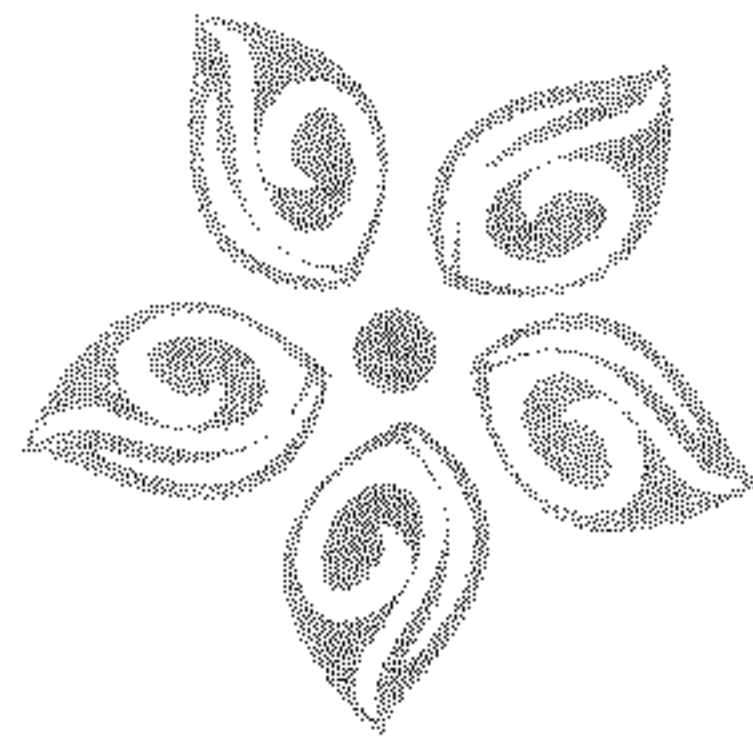
شدن این سیرتاریخی مقدمات و آمادگی جامعه مثمرثمر خواهد بود. لذا برای رسیدن به جامعه مهدوی باید با انتظار پویا، یعنی فراهم کردن زمینه ظهور حضرت تلاش کنیم. از طرفی با توجه به تبیین گسترده روایات از وضعیت عصر ظهور، پی می‌بریم که لسان روایات تبیین واقعیتی تحقق‌پذیر در آینده است که مانند همه حوادث اجتماعی از عوامل واقعی خود نشأت می‌گیرد نه لسان اسطوره‌ای و صرف تبیین آرمانی و افسانه‌ای از آینده، زیرا نصوص در این مورد به لسان اخبار از آینده است بنابراین با توجه به این قاعده که بین علت و معلول باید سنخیت وجود داشته باشد، جامعه زمینه ساز باید به وسیله الگوبرداری از شاخصه‌های جامعه مهدوی که روایات به آنها اشاره کرده خود را در عمل هم سنخ جامعه مهدوی گرداند. یعنی همان وضعیتی را که روایات برای جامعه مهدوی در ابعاد مختلف ترسیم کرده‌اند باید در حد توان، امکانات و تلاش خود را در جامعه زمینه ساز نیز ترسیم کنیم.

شاید برخی بگویند سیره معصومین در صورتی قابل تأسی است که مربوط به ویژگی‌های آنان نباشد، در حالی که سیره حکومتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بدان گونه که در روایات ترسیم شده است، مربوط به شخص او به عنوان آخرین امام است که برپا کننده حکومت جهانی و احیای اسلام است و قابل الگوبرداری و تأسی نیست.

باید گفت در سیره معصومین، آنجا که دلیل قطعی بر اختصاص رفتاری به ایشان دلالت کند، آن رفتار قابل تأسی نیست و در غیر آن اصل اولی جواز تأسی و اقتدا است. بنابراین در مورد سیره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ما می‌توانیم این وجوه اختصاصی را شناسایی کنیم، چه این وجوه مربوط به خصوصیتی در شخص حضرت باشد یا مربوط به خصوصیتی در زمان و مکان ظهور که قابل تعمیم به دیگر زمان‌ها و مکان‌ها نیست. و در غیر این موارد به سیره حضرت اقتدا کرده و برای جامعه خود الگوبرداری کنیم.^۱

بنابراین چرایی و ضرورت اقتدا و الگوبرداری از سیره و روش حکومتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در جامعه مهدوی برای جامعه آخرالزمانی در ابعاد فرهنگی، اعتقادی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تبیین شد. و پذیرفتیم که دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکومت او دارای خصوصیتی است که فقط در زمان ظهور او امکان پذیر است، ولی در غیر این موارد می‌توانیم سیره آن حضرت را الگوی خود قرار داده و به اندازه توان محدود خود، جامعه مهدوی را برپا کنیم. و شاید یکی از علل توصیف خصوصیات دولت مهدوی در عصر ظهور در لسان روایات این باشد که ما از این دولت الگو گرفته و تا حد امکان خود را به حضرت و دولت او شبیه نماییم.

۱. «سیره مهدوی و دولت منتظر»، مشرق موعود، سال سوم، شماره ۱۰، ص ۴۴.



فصل دوم: ویژگی‌ها و ابعاد جامعه آخرالزمان

اسلام برپایه‌ی یک نیاز فطری بشر و با یک استدلال حکیمانه بر این اعتقاد است که اگر قرار باشد جامعه‌ی بشری به بهترین شیوه اداره شده و بشر روح صلح، امنیت و سعادت واقعی را به خود دیده و راه رشد و تکامل را طی نماید، راهش این است که همگان تحت حکومت واحد جهانی مبتنی بر قوانین آسمانی اسلام درآیند. که طبق آیات و روایات این امر به طور کامل در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام محقق خواهد شد.

از طرفی شاید به خاطر اوصافی که روایات از جامعه آخرالزمان مطرح کرده‌اند که چهره غالب آنرا ظلم و سیاهی بیان می‌کنند، افراد دچار برداشت‌های غلطی از مهدویت و وظیفه و جایگاه خود در جامعه آخرالزمانی شوند. مثلاً به خاطر چهره سیاه جامعه از داشتن نقش مفید برای تعجیل فرج ناامید شده و بعضی گمان می‌کنند که چون اصلاح جهان از فسادها به دست امام مهدی علیه السلام خواهد بود ما در برابر تباهی‌ها و ناهنجاری‌ها هیچ وظیفه‌ای نداریم و بلکه ممکن است گفته شود که برای نزدیک شدن ظهور باید برای ترویج بدی‌ها و زشتی‌ها در جامعه اقدام کنیم!! امام خمینی رحمته الله علیه در نقد این دیدگاه فرموده‌اند:

ما اگر دستمان می‌رسید، قدرت داشتیم، باید برویم تمام ظلم‌ها و جورها را از عالم برداریم؛ تکلیف شرعی ماست... ما بر خلاف آیات شریفه قرآن دست از نهی از منکر برداریم؟ دست از امر به معروف برداریم و توسعه بدهیم گناهان را برای این که حضرت بیایند؟!^۱

عده‌ای از ظاهر بعضی از روایات اینگونه برداشت کرده‌اند که هر قیامی قبل از قیام امام مهدی علیه السلام محکوم و مردود است. امام خمینی رحمته الله علیه در نقد این دیدگاه فرموده‌اند:

باید تمامی قدرت‌ها و ابر قدرت‌ها بدانند که ما تا آخرین نفر و تا آخرین منزل و تا آخرین قطره خون برای اعتلای کلمه الله ایستاده‌ایم و بر خلاف میل تمامی آنان،

حکومت نه شرقی و نه غربی را در اکثر کشورهای جهان پی ریزی خواهیم نمود.^۱

بنابراین در ابتدای این فصل به عنوان مقدمه و برای رفع این برداشت‌های غلط با بیان روایات به معرفی دو گروه متفاوت از افراد جامعه آخرالزمانی می‌پردازیم. به این امید که منتظران ظهور به نقش و جایگاه و وظیفه خود در زمان غیبت آشنا تر شده و جامعه منتظرو زمینه ساز را به عنوان حلقه مفقوده بین این دو جامعه تشکیل دهند.

در روایاتی که از پیامبر اعظم ﷺ در زمینه ویژگی‌های امت اسلام در هنگامه ظهور نقل شده است، تقسیم مردمان به دو گروه متفاوت کاملاً مشهود است.

الف) گروهی که مورد مدح و ستایش پیامبر ﷺ قرار می‌گیرند که همان اهل ایمان و صداقت‌اند.

ب) و در مقابل، گروهی که به شدت ذم و نکوهش می‌شوند. در اینجا برای روشن شدن موضوع از هریک از دو گروه روایات نمونه‌هایی را نقل می‌کنیم.^۲

روایات گروه اول

۱. گروهی پس از شما خواهند آمد که اجر و پاداش یک مرد از آنها با پاداش و اجر پنجاه نفر از شما برابر است. اطرافیان گفتند: ای رسول خدا! ما در جنگ‌های بدر و احد و خندق همراه شما بودیم و قرآن میان ما نازل شد. حضرت فرمودند: اگر به اندازه آنها بار تکالیف بر دوش شما گذاشته شود تحمل نمی‌کنید و مانند آنها صبر ندارید.^۳

واضح است که تحمل تکالیف و صبر فراوان از ویژگی‌های مؤمنان راستین به دین اسلام است.

۲. ای علی! بدان که عجیب‌ترین مردم از نظر ایمان و بزرگ‌ترین مردم از نظر یقین، قومی هستند که در آخرالزمان می‌باشند، پیامبر را ندیده و امامشان نیز از آنها پنهان است، اما به سیاه بر سفید ایمان دارند.^۴

۱. همان، ص ۶۱.

۲. منتخب‌الاثار، ج ۱، ص ۸۵.

۳. الغیبه، طوسی، ص ۲۷۵.

۴. «یا علی أعجبُ النَّاسِ إيماناً وأعظمُهُم يقيناً قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَحُجِبَ عَنْهُمْ الْحُجَّةُ فَأَمَّنُوا بِسَوَادٍ عَلَى بَيَاضٍ» (من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۶۶، ح ۵۷۶۲)؛ وصایای نبی؛ کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۸۸، باب ۲۵، ح ۸.

حدیث یادشده بیانگر این مطلب است که امت آخرالزمانی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله اگرچه آن حضرت را ندیده‌اند، اما به مکتوبات قرآن و حدیث و سیره ائمه اطهار که نوشته و خطی سیاه بر صفحه‌ای سپید است، ایمان می‌آورند.

۳. همیشه گروهی از امت من بر حق هستند تا امر خدای عزوجل ظهور کند.^۱

اشاره آن حضرت به ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه است.

۴. هنگامه ظهور حضرت مهدی قومی و گروهی خواهند آمد که اجر و پاداش آنها همانند اجر و پاداش پیشینیان است، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و با اهل فتنه و آشوب درگیر می‌شوند.^۲

پرواضح است تنها کسانی می‌توانند چنین ویژگی‌هایی داشته باشند که به حقیقت نبوت رسول الله صلی الله علیه و آله و امامت ائمه معصومین علیهم السلام اعتقاد راسخ داشته باشند و مؤمن راستین و حقیقی باشند. اما در مقابل این گروه، گروه دیگری نیز وجود دارد که افعالشان چیزی جز وقایع ذیل را دنبال ندارد.

روایات گروه دوم

۱. زمانی بر امت من خواهد آمد که از قرآن جز رسم و خط آن و از اسلام جز نام آن، باقی نمی‌ماند. آنها را مسلمان می‌نامند در حالی که دورترین مردم از اسلام هستند. مساجد آنها آباد است، اما به سبب خالی بودن از هدایت خراب و ویران‌اند. فقیهان آن زمان بدترین فقها در زیر آسمان خواهند بود، فتنه و آشوب از خودشان شروع شده و به خودشان بر خواهد گشت.^۳

۲. ای کسی که از ساعت ظهور (الساعة) قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه می‌پرسی؟ ظهور هنگام پلیدی امرا و دورویی و خدعه قاریان قرآن، هنگام نفاق علما و زمانی است که امت من منجمین را تصدیق و سرنوشتی را که خداوند برای آنها قرارداد تکذیب می‌کنند. زمانی است که مردمان امانت را غنیمت بگیرند و صدقه را زیان و خسارت و فحشا را حلال و جایز و بندگی خداوند متعال را تکبر و وقت‌گذرانی بر

۱. الدرالمشور، ج ۱، ص ۳۲۱.

۲. دلائل النبوه، ج ۶، ص ۵۱۳.

۳. «... مَسِيئَتِي زَمَانٌ عَلَى أُمَّتِي لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ...» (بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱).

مردم بدانند.^۱

۳. در آن روز (یوم الساعة) فتنه‌ها و آشوب‌های بسیاری است، فتنه‌ها همانند پاره‌های سیاه شب، روی می‌آورند و ایجاد می‌شوند. در هنگام صبح مرد مسلمان است و مؤمن و شبانگاه کافر می‌شود، شبانگاه مؤمن می‌گردد و صبح کافر. گروهی از آنان دینشان را به کالای اندکی از دنیا می‌فروشند. کسی که رباخواری نکند غباری از رباخواری بر او بنشیند.^۲

البته این تصویر سیاه از دوران پیش از ظهور، چهره غالب آن دوره است، چراکه در همین روزگار هستند دین‌باوران حقیقی که بر عهد خود با خداوند استوار می‌مانند. بنابراین روایات، جهان پیش از ظهور دوران تلخ و روزگار فساد و ستمگری است، اما پاک بودن و دیگران را به خوبی‌ها دعوت کردن از وظایف حتمی منتظران است که با بیان اوصاف این جامعه در این فصل به سختی وظیفه و تکلیف منتظران واقعی پی خواهیم برد. ما در این فصل ویژگی‌ها و ابعاد جامعه آخرالزمانی را تحت عناوین فرهنگی-دینی، سیاسی-اجتماعی و اقتصادی در سه گفتار مورد بررسی قرار می‌دهیم.

چیستی آخرالزمان

یکی از آموزه‌های مهم دینی درباره آینده تاریخ، بحث از «آخرالزمان» است. این واژه معانی و مفاهیم متفاوتی دارد؛ اما آنچه مربوط به مهدویت است، عبارت است از اینکه: «آخرین بخش از زمان که در آن مهدی موعود ظهور می‌کند و تحولات عظیمی در عالم واقع می‌شود». براین اساس در فرهنگ عامه مسلمانان - به خصوص شیعه - اصطلاح «آخرالزمان» حکایت از عصری می‌کند که مهدی موعود در آن ظهور می‌کند و تحولات ویژه‌ای در جهان رخ می‌دهد.^۳

جالب اینکه ادیان ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) در این مطلب اشتراک دارند که مراد از آخرالزمان، دوره‌ای از زندگی بشر است که ظلم و فساد از بین می‌رود و ظالمان و ستمگران، به جزای عمل خود می‌رسند و صالحان و مؤمنان وارث زمین می‌شوند.^۴

۱. ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۶۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۲۲۹.

۳. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، صص ۱۳۴-۱۳۵.

۴. آخرالزمان در ادیان ابراهیمی، ص ۲۶۱.

در نظر اسلام، آخرالزمان قطعه‌ای از همین دوره از عالم است که مسبوق به اتفاقات و حوادث گوناگون و غیرمترقبه و بی‌سابقه خواهد شد؛ ولی درنهایت، مقطع آخرالزمان همراه امنیت، آرامش و معنویت خواهد بود و با اتمام این دوره و به کمال رسیدن انسان‌ها و تحقق وعده الهی، عمرعالم به پایان خواهد رسید و از آن پس قیامت برپا خواهد شد. در این دوران، اتفاقات نجومی و آسمانی خارق‌العاده‌ای واقع می‌شود؛ اما عالم به کلی دگرگون نمی‌شود و تبدل کامل، مخصوص آخرت و زندگی جاوید خواهد بود: ﴿يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ﴾^۱ در آن روز که این زمین به زمین دیگر، و آسمان‌ها (به آسمانه‌ای دیگری) مبدل می‌شود، و آنان در پیشگاه خداوند واحد قهار ظاهر می‌گردند!

در قرآن کریم از آخرالزمان به روشنی سخن به میان نیامده، اما در لابلای برخی از آیات به آن اشاره شده است. این آیات را به چند دسته می‌توان تقسیم کرد:

۱. از وقوع برخی از رخدادها خبر داده که از گذشته تا حال تحقق نیافته و از آن جا که در خود این آیات وقوع آنها به ظهور نشانه‌های قیامت همراه است، می‌توان نتیجه گرفت که ظرف تحقق آنها آخرالزمان است.^۲ چنان که از خروج یاجوج و ماجوج و خرابی سد ذوالقرنین خبر داده و این رخداد را نزدیک به قیامت دانسته است.^۳ هم چنین نزول عیسی علیه السلام از آسمان را از نشانه‌های قیامت برشمرده.^۴ و رجعت گروهی از انسان‌ها به عنوان رخدادی پیش از وقوع قیامت معرفی شده است.^۵

۲. از میراث‌بری زمین توسط صالحان و مستضعفان و حکومت آنان به عنوان سنت و اراده تخلف ناپذیر الهی خبر داده شده است.^۶ و از آن جا که میراث‌بر، اموال و امتیازات

۱. ابراهیم (۱۴)، ۴۸.

۲. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۹۹-۱۰۰.

۳. ﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا﴾؛ «و چون وعده پروردگارم فرارسد، آن [سد] را درهم کوبید، و وعده پروردگارم حق است». (کهف (۱۸)، ۹۸)؛ ﴿حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ﴾؛ تا وقتی که یاجوج و ماجوج [راهشان] گشوده شود و آنها از هر پشته‌ای بتازند. (انبیا (۲۱)، ۹۶).

۴. ﴿وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا﴾؛ «و از اهل کتاب، کسی نیست مگر آن که پیش از مرگ خود حتماً به او ایمان می‌آورد، و روز قیامت [عیسی نیز] بر آنان شاهد خواهد بود». (نساء (۴)، ۱۵۹).

۵. ﴿وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ﴾؛ «و چون قول [عذاب] بر ایشان واجب گردد، جنبنده‌ای را از زمین برای آنان بیرون می‌آوریم که با ایشان سخن گوید که: مردم [چنان که باید] به نشانه‌های ما یقین نداشتند». (نمل (۲۷)، ۸۲).

۶. ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾؛ «و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم، و ایشان را وارث [زمین] کنیم». (قصص (۲۸)، ۵۰).

صاحبان پیشین را مالک می‌شود، می‌توان دریافت چنین میراث بری گسترده‌ای که تمام زمین را دربرمی‌گیرد، پس از آخرین سلسله از حکمرانی و سلطه بر زمین توسط زمام داران ناشایسته در فرجام جهان، تحقق می‌یابد؛ زیرا با فرض هر حکومتی پس از صالحان و مستضعفان، میراث بری آنها مفهومی نخواهد داشت.

۳. چیره شدن اسلام بر همه ادیان و حاکمیت مطلق اسلام بر تمام جهان که در آیاتی از قرآن پیش بینی شده^۱ امری است که تاکنون تحقق نیافته و رخدادی نیست که به صورت طبیعی و بدون استفاده از دعوت علنی و همگانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و استفاده از قدرت اعجاز و قهر تحقق پذیر باشد. از این رو باید پذیرفت این وعده الهی در دوران پایانی دنیا، هم زمان با ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف انجام خواهد گرفت.^۲

افزون بر قرآن، آخرالزمان و رخدادهای آن به صورتی بس گسترده و با جزئیات بسیار در روایات فریقین انعکاس یافته و صاحبان جوامع روایی این روایات را در کتاب‌هایی با عناوین «الفتن و الملاحم» یا «الفتن و اشرط الساعه» ذکر کرده‌اند.^۳

آخرالزمان، اصطلاحی است که در احادیث و تالیف‌های مسلمانان به چشم می‌خورد. در کتب حدیثی و تفسیر، آخرالزمان خود به دو مرحله متفاوت تقسیم می‌شود: الف) دوران نخست که انسان به مراحل پایانی انحطاط اخلاقی می‌رسد. فساد اخلاقی و ستم همه جوامع بشری را فرامی‌گیرد و واپسین امیدهای بشری به ناامیدی می‌گراید؛ از بُعد کیهانی هم عالم، به اتفاقات و پدیده‌های پیش‌بینی نشده دچار می‌شود. (عصر پیشا ظهور) ب) دوران دوم، عصر تحقق وعده‌های الهی به پیامبران و اولیای خداست (عصر پسا ظهور) که با قیام مصلح جهانی آغاز و تحول عظیمی در جامعه واقع می‌شود؛ فساد و ظلم از میان می‌رود و توحید، عدل، رشد کامل عقلی و علمی در سراسر زندگی انسان‌ها گسترش می‌یابد.^۴ با توجه به روایات می‌توان گفت که «عصر پسا ظهور» ورود به مرحله متعالی تاریخ

۱. این امر در آیه ۳۳ سوره توبه، آیه ۹ سوره صف و آیه ۲۸ سوره فتح انعکاس یافته است. در سوره‌های توبه و صف چنین آمده است: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾؛ «اوست کسی که فرستاده خود را با هدایت و آیین درست روانه کرد، تا آن را بر هر چه دین است فائق گرداند، هر چند مشرکان را ناخوش آید».

۲. در روایاتی از اهل بیت علیهم السلام بر این امر تصریح شده است. برای مثال، نک: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱.

۳. برای مثال نک: بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۹۱، باب اشرط الساعه و قصه یاجوج و ماجوج؛ صحیح بخاری، ص ۱۲۴۹، کتاب الفتن؛ صحیح مسلم، ص ۱۲۰۸، کتاب الفتن و اشرط الساعه؛ یاجوج و ماجوج فتنه الماضي والحاضر والمستقبل.

۴. جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت، ص ۵۸.

است؛ که انسان‌ها به کمال رسیده و جهان شاهد بهترین دوران از زندگی بشری خواهد بود. در نظر عده‌ای از علماء و مفسران متأخر،^۱ علاوه بر روایات، آیاتی نیز درباره حکومت توحید و عدل هست^۲ که آینده جوامع انسانی را بیان می‌کند. این عده از مفسران، معتقدند که آیات مربوط به استخلاف انسان و فرمانروا شدن نیکوکاران در زمین، وراثت صالحان و پیروزی حق بر باطل، آیاتی هستند که سرنوشت آینده بشریت را پیشگویی می‌کنند و مستقیماً به مسئله آخرالزمان مربوط‌اند. چنین افرادی آیات و روایات مربوط به تحولات آخرالزمان را بیانگر نوعی فلسفه تاریخ می‌دانند. در نظرایشان، تحولات آخرالزمان که در روایات بیان شده، چیزی جز آینده طبیعی جامعه انسانی نیست. عصر آخرالزمان، عبارت از دوران شکوفایی تکامل اجتماعی و طبیعی نوع انسان است. چنین آینده‌ای، امری است محتوم و مسلمانان باید منتظر آن باشند. این انتظار هرگز نباید منفعلانه باشد؛ بلکه باید حالتی سراسر فعالیت و امیدواری باشد؛ در چارچوب چنین برداشت فلسفی‌ای، آخرالزمان قطعه معینی از تاریخ نوعی انسان است که نه ممکن است پیش افتد و نه به عقب افکنده شود. نوع انسان، باید حرکت تکاملی تدریجی خود را که بر مبنای پیروزی تدریجی حق بر باطل صورت می‌گیرد، همواره دنبال کند تا به دوره آخرالزمان برسد.^۳

در نقطه مقابل این تصور که طرحی برای فلسفه تاریخ است، علمای قدیم^۴ نه در تفسیر آیات، سخن از تحول طبیعی جامعه انسانی به سوی حکومت توحید و عدل به میان آورده‌اند و نه روایات آخرالزمان را به چنین فلسفه‌ای برای تاریخ مربوط کرده‌اند. در نظر آنان، تحولات آخرالزمان، امری است غیرعادی که در آخرین بخش زندگی نوع انسان واقع می‌شود و به تحولات قبلی جامعه انسانی مربوط نمی‌گردد؛^۵ چون به نظراین افراد، تاریخ، عبارت از مجموعه حوادث پراکنده و جدا از هم است که هر دوره، اتفاقات ویژه خود را دارد. بر این اساس هم، پیروزی حق بر باطل، ویژه دوره آخرالزمان است و نه فلسفه‌ای که تاریخ بر اساس آن حرکت می‌کند. طبق این نظر، ممکن است هر قطعه از تاریخ نوع انسان، آخرالزمان باشد.

به طور کلی می‌توان گفت اعتقاد به آخرالزمان، میان همه فرقه‌های بزرگ اسلامی

۱. علامه طباطبایی، مرتضی مطهری، سید قطب، محمد رشیدرضا، شهید سید محمد باقر صدر.

۲. اعراف (۷)، ۱۳۸؛ انبیاء (۲۱)، ۱۰۵؛ صافات (۳۷)، ۱۷۱ و ۱۷۲.

۳. مجموعه آثار مطهری، ج ۲، ص ۳۶۲.

۴. کمال الدین، شیخ صدوق و الغیبه، شیخ طوسی.

۵. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، صص ۱۳۶-۱۳۴.

مورد پذیرش است؛ اما در این که تحولات آخرالزمان با ظهور مهدی موعود آغاز خواهد شد یا مصداق مهدی موعود، چه کسی است، اختلاف است.

بنابراین می توان چنین نتیجه گرفت که مفهوم آخرالزمان، عبارت از قطعه و دوره آخر عمر این نسل از بشر است که مقدمه ای برای پایان این دوره عالم و سپس برپایی قیامت است؛ اما خود این دوره مدتی از عمر بشر را در برمی گیرد که با ظهور منجی و مصلح، بشر به تکامل و ترقی لایق خود نایل می شود و در نهایت، جهان رو به صلاح و رستگاری می رود؛ اگرچه قبل از این دوره و مقدم بر آن، جهان و زندگی بشری مدتی دست خوش تحولات و دگرگونی هایی می شود که از آنها با عنوان علائم آخرالزمان تعبیر می شود و بیشتر، بعد منفی دارند؛ و فطرت سالم بشری از وجود آنها رنج می برد و جوامع، دچار اضطراب می شوند.

با توجه به تقسیم آخرالزمان به دو بخش متمایز: پیش از ظهور و بعد از ظهور، در آموزه های اسلامی نیز تصویری کاملاً متفاوت از آخرالزمان ارائه شده است.

بنابراین ما در فصل دوم در سه بعد فرهنگی - دینی، سیاسی - اجتماعی و اقتصادی به بررسی ابعاد جامعه آخرالزمانی در مقطع قبل از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می پردازیم و در فصل سوم ابعاد جامعه بعد از ظهور (جامعه مهدوی) و مقارن حضور حضرت را بررسی می کنیم تا در نهایت از مقایسه این دو جامعه بتوانیم برای تقویت جبهه حق و ارتقاء جامعه منتظر گامی برداریم.

گفتار اول

وضعیت فرهنگی و اعتقادی جامعه آخرالزمانی

درباره وقایع معنوی قبل از فرارسیدن آخرالزمان، روایات ما وضع غالب در جوامع بشری را روبه انحطاط و دوری از معنویات و فطرت انسانی معرفی کرده که از جنبه‌های مختلف قابل توجه می‌باشد. در این گفتار وضعیت فرهنگی و اعتقادی جامعه را ذیل چند عنوان مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. ویژگی اخلاقی و تربیتی

۱-۱. رواج لذت‌گرایی

یکی از مکاتب اخلاقی واقع‌گرای طبیعی، لذت‌گرایی است. «اصل بنیادین لذت‌گرایی این است که: عمل و رفتار درست عملی است که دست کم به اندازه هر بدیل دیگری غلبه لذت برالم را در پی داشته باشد»^۱. به عبارتی هر چیزی که خوشایند و لذت بخش باشد خوب است. مکتب لذت‌گرایی حسی می‌گوید: هر چیزی که دارای لذت حسی باشد ذاتا خوب است. و در زندگی بهره‌مندی از لذات حسی مهم است. این دیدگاه منتسب به یکی از شاگردان سقراط به نام آریستیپوس کورنایی است. او در پی لذاتی بود که فقط لحظه‌ای و زود گذرند. می‌گفت نه لذت مورد انتظار در آینده را می‌توان لذت دانست و نه یادآوری لذت گذشته را.

متأسفانه در جامعه آخرالزمانی، اشتغال به لذت‌گرایی حسی تبدیل به یک فرهنگ شده که با روح اسلام ناسازگار است که در نتیجه آن افراد در سطح جامعه به دنبال منافع و لذات شخصی خود حرکت کرده و کاری با جامعه و ملزومات آن ندارند و حتی حرام الهی را نیز حلال می‌دانند و لذات زودگذر حسی و خیالی و بعضاً حرام دنیایی را بر لذات حلال و پایدار معنوی و اخروی مقدم می‌دانند. این نگرش در ابعاد مختلف سیاسی اجتماعی، فرهنگی، اعتقادی و اقتصادی، در حیطه فردی و اجتماعی تاثیرگذار است. لذا افراد عملاً برخلاف اسلام و اصول اخلاق انسانی عمل می‌کنند. از حضرت علی علیه السلام روایت شده که

۱. فلسفه اخلاق ویلیام، ص ۱۷۹.

در آخر الزمان - که بدترین زمان هاست - زنانی ظاهر می شوند که از نظر حجاب و پوشش وضع خوبی ندارند و اهل فتنه و شهوت پرست و دنبال لذات نفسانی اند و حرام الهی را حلال می کنند و این افراد خالد در جهنم خواهند بود.^۱

عصر ما به عصر مادیت، عصر حیوانیت انسان عاقل و عصر به هم آمیختن ارزش ها با ضد ارزش ها تبدیل شده است. شبکه های ماهواره ای با دعوت به بطالت و قدر ندانستن ایام عمر و زندگی، می تواند نمونه شاخصی از تلاش فرهنگ غربی برای توسعه و سلطه فرهنگ مصرف و لذت گرایی بر جهان در عصر حاضر باشد. وجود بیش از ۳۲۰۰۰ شبکه ماهواره ای در دنیا که از این تعداد ۱۸۰۰۰ شبکه در ایران (تعداد ۳۰۰۰ شبکه به وضوح) قابل دریافت است که در نوع خود در بین تمامی کشورهای دنیا بی نظیر است، نشان از نقشه ای شوم و البته برنامه ریزی شده برای جامعه ی هدف «فرهنگ اسلامی و البته انسانی» است.^۲

آنان بر این باورند که مهم ترین گام در جهت انهدام و به انحراف کشیدن یک جامعه اسلامی، تبلیغ سبک زندگی غربی به عنوان سبک مدرن و امروزین زندگی در نهایت تغییر و استحاله سبک زندگی جوامع اسلامی را در پی خواهد داشت. و همچون نبرد آندلس و تاریخ معاصر (جنگ افغانستان و عراق) می بایست کوچکترین و مهم ترین نهاد جامعه یعنی خانواده را هدف قرار دهند. آنها در این راه، ابتذال و انحراف اخلاقی را موثرترین مسیر می دانند، و از هیچ تلاشی در حیا زدایی از زنان و غیرت زدایی از مردان، فروگذار نکرده اند.

از این رو ضروری است تا با رصد، شناسایی، تبیین، تحلیل، و اطلاع رسانی به موقع و به هنگام پیرامون هجمه های جنگ رسانه ای دشمن علیه جامعه اسلامی به خصوص قشر زنان که به واقع مادران حال و آینده و مربیان انسان ساز این مرز و بوم می باشند، اقدام به ایجاد آگاهی و بصیرت افزایی در جامعه مخاطب گردد. امید است با تلاش مدیران و تبیین اهداف شوم استعمار، زنان غیور ایرانی، در مواجهه با این هجمه های مخرب فرهنگی، سبک زندگی فاطمی را پیشه نمایند و با تاسی جستن به اسوه عفت و حیا، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام روز به روز موجبات تعالی و ارتقای ارزش های دینی و معنوی جامعه را بیش از پیش فراهم سازند.

۱-۲. شیوع گسترده مفاسد اخلاقی - تربیتی

۱. «يُظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ... نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ غَارِيَاتٍ... مَا يَلَاتُ إِلَى الشَّهَوَاتِ...» (من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۲۴۷، باب ۱۱، ح ۱۱۷۴).

۲. آناتومی جامعه، ص ۳۲۷.

توسعه یافتن مفاسد اخلاقی در تمام ابعاد یکی از تبعات سوء در بعد فرهنگی اعتقادی گرایش به سوی لذت‌گرایی حسی در سطح جامعه است که خودش آسیب‌های فراوانی مانند: تزلزل و کم شدن کارکردهای خانواده، و از بین رفتن اعتماد و رواج بد بینی در سطوح مختلف جامعه را در پی دارد. یکی از انحراف‌های خطرناکی که جامعه پیش از ظهور به آن گرفتار می‌شود، گسترش ناامنی اخلاقی است.

در آن روزگار، فساد و بی‌بندوباری اخلاقی، به‌طور گسترده‌ای گسترش می‌یابد. قبح و زشتی کردارهای حیوانی گروهی انسان‌نما، بر اثر گسترش فساد و تکرار آن از بین می‌رود و حالت عادی و طبیعی به خود می‌گیرد. فساد چنان فراگیر می‌شود که کم‌تر کسی می‌تواند و یا می‌خواهد از آن جلوگیری کند.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود:

قائم زمانی خواهد آمد که مردها خود را شبیه زنان کنند و زنان شبیه مردان شوند. آنگاه که مردان به مردان اکتفا کنند یعنی لواط کنند و زنان به زنان ... و مردم مرتکب زنا شوند و ربا بخورند ...^۲.

یکی از مفاسد تربیتی، کم‌توجهی والدین به تربیت دینی فرزندان و مانع تراشی برای علم آموزی دینی و گرایش‌های الهی آنان است:

وای بر فرزندان آخرالزمان از روش پدرانشان! نه از پدران مشرکشان، بلکه از پدران مسلمانشان که چیزی از فرایض دینی را به آنها یاد نمی‌دهند و اگر فرزندشان نیز از پی فراگیری معارف دینی بروند، منعشان می‌کنند و تنها از این خشنودند که آنها درآمد آسانی از مال دنیا داشته باشند، هر چند ناچیز باشد؛ من از این پدران بیزارم و آنان نیز از من بیزارند.^۳

به گزارش ایسنا در تاریخ ۳۱ فروردین ۱۳۹۲، نمایندگان پارلمان فرانسه قانون ازدواج همجنس‌گرایان را تصویب کردند. بدین ترتیب ازدواج همجنس‌گرایان در فرانسه در نهایت پس از قریب به هفت ماه بحث و جدل میان نمایندگان، به صورت قانونی درآمد. هیلاری کلینتون وزیر خارجه پیشین آمریکا و کاندیدای ریاست جمهوری ۲۰۱۶، از ازدواج

۱. چشم‌اندازی به حکومت مهدی، ص ۵۵.

۲. کمال‌الدین، ج ۱، ص ۳۳۱، باب ۳۲، باب ما أخبر به محمد بن علی الباقر علیه السلام من وقوع الغيبة بالقائم، ح ۱۷، مئی یخروج قائمکم.

۳. جامع‌الآخبار، ص ۱۰۶، فصل ۶۲.

همجنس گرایان حمایت کرد. از طرفی کلیسای اسقفی اپیسکوپال خود را به عنوان اولین گروه مذهبی در امریکا معرفی کرد که به تقدیس ازدواج همجنس بازان رأی می دهد.^۱

۱-۳. نهادینه شدن صفات رذیله

پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرموده اند:

برامت من زمانی بیاید که باطن آنها پلید و ظاهرشان به جهت طمع در دنیا آراسته باشد و خداوند را در نظر ندارند عمل آنها ریا است و از او نمی ترسند. خداوند نیز همه آنان را عقوبت خواهد کرد و هرچه دعا کنند، حتی دعای غریق، مستجاب نخواهد شد.^۲

الف) هوا پرستی و کم فروغ شدن عواطف انسانی

پیش از آمدن مصلح و در آخر الزمان، جوامع بشری از جدایی و تفرقه رنج می برند. و انسان ها آرزوی یکدل و یکسو بودن را دارند و هرکسی و گروهی، از آموزه های دینی، برداشت و تفسیر متفاوتی دارد که باعث اختلاف در مسائل و رفتارهای اجتماعی می شود. از این رو هر جامعه یا گروهی برای تثبیت خود، دیگری را زیر سؤال می برد و در خوار و زبون کردن دیگری می کوشد.

رسول گرامی اسلام ﷺ وضعیت آن روزگار را از نظر عاطفی چنین بیان می دارد:

در آن روزگار، بزرگ ترها به زبردستان و کوچک ترها رحم نمی کنند و قوی بر ضعیف ترحم نمی نماید. در آن هنگام، خداوند به او (مهدی) اذن قیام و ظهور می دهد.

نیز آن حضرت می فرماید:

قیامت برپا نمی شود تا آنکه زمانی فرارسد که مردی (از شدت فقر) به اقوام و بستگان خود مراجعه کند و آنان را به خویشاوندی سوگند دهد تا بلکه به او کمک کنند؛ ولی چیزی به او نمی دهند. همسایه از همسایه خود کمک می طلبد و او را به حق همسایگی سوگند می دهد؛ ولی همسایه کمکش نمی کند.^۳

۱. پورتال خبری ممتاز نیوز www.momtaznews.com.

۲. «سَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ تَحْبُثُ فِيهِ سَرَائِرُهُمْ وَتَخْشُنُ فِيهِ عَلَانِيَتُهُمْ»؛ (الكافي، (ط - الاسلاميه)، ج ۸، ص ۳۰۶، باب حديث ابی ذر، ص ۲۹۷، ح ۴۷۶).

۳. «... وَلَا يَرْحَمُ كَبِيرُكُمْ صَغِيرَكُمْ وَلَا يُؤْفِقُ صَغِيرُكُمْ كَبِيرَكُمْ ...»؛ (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۰، باب ۲۵، علامات ظهور، ح ۱۴۸ و ج ۳۶، ص ۳۳۵).

ب) فراگیری و شیوع عصیان الهی
حضرت علی علیه السلام در مورد اوضاع آخرالزمان فرمودند:

... مردم راه و رسم و فرهنگ و معنویت نماز را نابود ساختند و به پوسته آن قناعت کردند و ویژگی امانت و امانتداری را ضایع ساختند و دروغ پردازی را روا شمردند و رباخواری را مباح دانستند و رشوه دادند و گرفتند و دین به دنیا فروختند. و قطع رحم کردند و هواهای دل را پیروی کردند و ریختن خونها را آسان ساختند. و زنان برزینها سوار شدند و تلاش کردند خود را شبیه مردان سازند.^۱

روایت نشانگران است که: در این جامعه‌ها، نماز که ستون دین است، محتوای خویش را از دست می‌دهد، امانت‌ها ضایع می‌گردد و دروغ‌گویی روا می‌شود و رباخواری و بهره‌کشی مباح می‌گردد و پیوندهای خویشاوندی گسسته می‌شود. ریختن خون شایستگان و خوبان و ظلم ستیزان آسان می‌گردد و ستمکاران به ستم خود فخر می‌فروشند و کارهای زشت، رواج و گسترش می‌یابد. نیز روایت نشانگران است که دختران جوان، لباس مردان را به تن می‌کنند، موهای خویش را مردانه آرایش می‌کنند و ...

۲. ویژگی دینی و تبلیغی

۲-۱. انحراف از دین و برداشت‌های نادرست

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

مهدی از ولد من و اسم و کنیه او اسم و کنیه من است و شبیه‌ترین مردم به من خلقا و خلقا است، او غیبتی خواهد داشت که امت در زمان غیبت او گمراه خواهند شد و او خواهد آمد و زمین را از عدل و قسط پر خواهد کرد همچنان که از جور و ظلم پر شده.^۲

در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام اشاره می‌کند که در آخرالزمان مؤمنین امتحان شده و به خاطر طول غیبت شک در قلوبشان ایجاد شده و اکثراً مرتد می‌شوند و از قبول ولایت شانه خالی

۱. «... إذا أُمَاتِ النَّاسُ الصَّلَاةَ وَأَضَاعُوا الْأَمَانَةَ وَاسْتَخَفُّوا بِالْأَمَاءِ...» (کمال‌الدین، ج ۲، ص ۵۲۵ و ۵۲۶).

۲. «... تَكُونُ بِهِ غَيْبَةً وَخَيْرَةٌ تَضِلُّ فِيهَا الْأُمَمُ ثُمَّ...» (کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۸۶، باب ۲۵، باب ما أخبر به النبي من وقوع الغيبة بالقائم، ح ۱).

می‌کنند.^۱

مثلاً امروزه در جوامع مختلف شاهد بروز مدعیان دروغین در زمینه‌های مختلف مانند مباحث مهدویت و عرفان‌های کاذب هستیم که در جدیدترین سوء استفاده از اعتقادات مردم ساده لوح در جامعه اسلامی ایران شاهدیم که در تهران (۱۳۹۴/۰۹/۲۹) فردی به نام شیخ اکبر تهرانی ادعا می‌کند که تعداد معصومین به ۱۵ نفر افزایش یافته است. و خود را معصوم پانزدهم معرفی می‌کند که این یک نوع بارز انحراف در دین است.^۲

گرایش‌ات الهی و عرفانی از امور فطری و غیر قابل تغییر هستند که در همه انسان‌ها و زمان‌ها وجود دارند، ولی آموزه‌های وحیانی به تدریج در طول زمان به دلایل مختلفی به طور عمد یا سهوی دچار انحرافات شده است. و آیین‌ها و ادیانی که امروزه در دنیا به صورت بت پرستی و شبه آن وجود دارد مانند: بودیسم، یوگا و آیین‌های موجود بین چینی‌ها، تبتی‌ها و هندی‌ها، همه شکل‌هایی تحریف شده از ادیان الهی‌اند. که به تدریج بر اثر عوامل مختلفی نظیر: جاه طلبی و هوا پرستی به وجود آمده‌اند. امروزه نیز کم و بیش در تمام ابعاد اسلام انحرافات وارد شده از همین رو تلاش امام خمینی رحمه الله این بود که به تعبیر خودشان اسلام ناب محمدی را عرضه کنند و با خرافات و انحرافات به وجود آمده مبارزه کنند.^۳ این انحرافات از صدر اسلام تاکنون وجود داشته به عنوان مثال در زمان حضرت علی علیه السلام در هر سه جنگ ایشان بروز انحرافات اعتقادی بالاخص در خواصی نظیر طلحه و زبیر دیده می‌شود. و ورود رهبانیت به اسلام و ظهور عرفان‌های کاذب و نوظهور در عصر حاضر مانند: کریشنا، رام الله، سای بابا از شرق و عرفان‌های غربی نیز مصادیقی از انحرافات در آموزه‌های الهی است. دو منبع و زمینه اساسی این انحرافات طبق روایات، نادانی و هواپرستی است که در جامعه آخر الزمانی به اوج خود رسیده. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «سرچشمه همه فتنه‌ها، پیروی از هوای نفس و احکامی که برخلاف شرع صادر می‌گردد، است».^۴

۲-۲. بحران معنویت و گرایش به مادیت

پیش از ظهور امام زمان علیه السلام جو حاکم بر جهان، جو ستم، گناه و فساد خواهد بود:

۱. «... وَ تَوَلَّى الشُّكُوكُ فِي قُلُوبِهِمْ مِنْ طُولِ غَيْبَتِهِ وَازْدَادَ أَكْثَرُهُمْ...» (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۳، باب ۳۳، ح (۵)).

۲. <http://groshangari.ir>

۳. در جستجوی عرفان اسلامی، ص ۷۰.

۴. نهج البلاغه، خطبه ۵۰.

«إِقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ»^۱ در این آیه، مردم به غفلت و اعراض از خداوند، متصف شده‌اند. علامه در المیزان ذیل آیه علت غفلت و اعراض مردم از خداوند را، دل بستن به دنیا و سرگرم آن شدن می‌داند. که در نتیجه دلهایشان از محبت دنیا پر شده و دیگر جایی خالی برای یاد قیامت، یادی که دلهایشان را متاثر کند در آن باقی نمانده، حتی اگر دیگران هم متذکرشان کنند باز متوجه نمی‌شوند، و هم چنان در غفلت از قیامت هستند، چون آن طور که باید، آن را تصور نمی‌کنند، و گرنه دلهایشان متاثر می‌شد. که این حالات را به طور محسوسی در انسان‌های جوامع آخرالزمانی شاهدیم. در روایات نیز منظور از اشراف الساعة که در آیه ۱۸ سوره محمد، به آن اشاره شده، رواج بیش از حد کفر، فسق و ظلم دانسته شده و موارد متعددی از آن برشمرده شده است.^۲

در دوران پیش از ظهور، عبادت و پرستش خدای بزرگ، چنان‌که شایسته است انجام نمی‌شود. اکثر انسان‌ها در مادیات و دنیا غرق شده‌اند و به هدف خلقت خویش نمی‌اندیشند. و غافل شده‌اند از اینکه روزی به سوی خدا بازمی‌گردند و در این دوران کوتاه زندگی باید خود را آماده سفر به سوی خداوند سازند.

رسول خدا ﷺ وضعیت دینی جامعه را به خوبی توصیف کرده و فرموده‌اند:

به زودی زمانی برامت من فرارسد که از قرآن جز رسم و از اسلام جز اسم باقی نماند. آنان به نام مسلمان خوانده می‌شوند در حالی که دورترین مردم از اسلام‌اند، مساجد آنان آباد و از هدایت خراب (خالی) است. فقهای آن زمان بدترین فقها در زیر آسمان اند فتنه از ایشان آغاز می‌شود و به آنان بازمی‌گردد.^۳

امام صادق علیه السلام فرمودند:

إذا قام جاء بامر جديد كما دعى رسول الله في بدوا الاسلام الى امر جديد؛^۴ هر زمان که قائم ما قیام کند امر تازه‌ای می‌آورند، چنان‌که رسول اکرم ﷺ در ابتدای اسلام چنین بودند (قرآن را آوردند).

۱. انبیاء (۲۱)، ۱.

۲. تفسیر قمی، ج ۲، صص ۲۷۹-۲۸۲؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۷.

۳. «مَسَائِي زَمَانٌ عَلَى أُمَّتِي لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ وَلَا مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ يَسْمَوْنَ بِهِ وَهُمْ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنْهُ مَسَاجِدُهُمْ غَامِرَةٌ وَهِيَ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى فَقَهَاءُ ذَلِكَ الزَّمَانِ شُرَفُ فَقَهَاءٍ تَحْتَ ظِلِّ السَّمَاءِ مِنْهُمْ خَرَجَتِ الْفِتْنَةُ وَإِلَيْهِمْ تَعُودُ»؛ (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۰، باب ۲۵ علامات ظهوره، ح ۲۱).

۴. ارشاد مفید، ص ۳۵۹؛ منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، ج ۸، ص ۳۵۳.

بنابراین معلوم می شود پیش از ظهور، احکام خداوند تغییر می کند؛ یعنی حلال، حرام و حرام، حلال می شود. متأسفانه امروزه حتی در دنیای اسلام این تفکر غالب شده است که انسانی خوشبخت و پیشرفته تر است که کام جویی هر چه بیشتر از طبیعت و مواهب موجود زندگی داشته باشد. بطوری که ممکن است به فراموشی اصول اولیه انسانیت، دین و طبیعت منجر شود.

سؤال: مطابق نص قرآن، پیامبر اسلام، خاتم انبیا و دین او نیز خاتم ادیان است، بنابراین مراد از امر جدید در این روایت چیست؟^۱

پاسخ

طبیعت هر نهضت و قیام و انقلابی، گرچه تجدید نظر کردن در برنامه های گذشته بوده و در صدد پیاده کردن امری جدید است، زیرا نوآوری از ارکان هر نهضت به شمار می آید. اما در انقلاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این بدان معنی نیست که حضرت از اصول اولی شریعت دست برداشته و دین جدید خواهد آورد؛ زیرا حضرت، در صدد احیای همان شریعت جدّ خود می باشد، گرچه ممکن است آن را با اسلوب جدیدی پیاده نماید. بلکه چنان اسلام را از میان انبوه خرافات و تحریف ها و تفسیرهای نادرست و برداشت های غلط بیرون می آورد که بنائی کاملاً نو و جدید جلوه می کند. این مطالب هنگامی بیشتر روشن می شود که به نکات زیر توجه شود:

۱. مطابق برخی روایات، بخشی از احکام به جهت نبود شرایط و مقتضیات در عصر معصومین بیان نشده و تنها علمش نزد اهل بیت علیهم السلام باقی مانده است، و در عصر ظهور، آن احکام بیان خواهد شد؛

۲. بخشی از احکام به جهت ضایع شدن کتاب ها و احادیث تلف شده و به دست ما نرسیده است که قطعاً نزد امام زمان علیه السلام موجود است و در عصر ظهور آنها را بیان کرده و به اجرا خواهد گذاشت؛

۳. در عصر غیبت به جهت دوری از امام معصوم، علما و فقها مأمور به اخذ وظیفه از ادله ای هستند که غالب آنها ظنی است و در نتیجه، احکامی که استخراج می شود احکام ظاهری است نه واقعی، گرچه در عصر غیبت مأمور به عمل به آنها هستیم، ولی در عصر ظهور توسط امام زمان علیه السلام احکام واقعی عرضه می شود؛

۴. تا عصر ظهور دیدگاه و سطح فکر و تعقل مردم بسیار بالا رفته و آمادگی و قابلیت هایی

۱. رک: دین جدید در عصر ظهور، محمد مهدی لطفی.

فوق‌العاده در فهم معارف دینی خواهد یافت، که در نتیجه احتیاج به پاسخ‌گویی با انحراف مختلف به این خواسته‌ها است.

۲-۳. تعطیلی حدود و احکام الهی و ترویج فسق و فجور در جامعه

پیامبر ﷺ خطاب به اصحاب خود چنین فرمودند: چگونه می‌شود حال شما هنگامی که زن‌های شما فاسد شوند و جوانان شما به فسق و فجور بگرایند و بدتر از آن زمانی است که شما به منکر امر و از معروف نهی نمایید و سخت‌تر از آن این است که شما منکر را معروف و معروف را منکر پندارید، و آن زمانی است که علما فاسق و رذایل عالم شده و خوبان شما باهم درگیر شوند.^۱

به عنوان نمونه، در فرانسه هر دو ساعت به یک زن تجاوز می‌شود. این در حالی است که بعضی از سازمان‌ها از جمله انجمن مقابله با تجاوز به زنان در فرانسه معتقد است هنوز وحشت اعلام شکایت علیه تجاوز به عنف در فرانسه از سوی زنان از بین نرفته است و تنها نصف قربانیان نزد پلیس شکایت می‌کنند. بنابر تحقیقات وزارت دادگستری آمریکا، عمل و تجارت فساد و فحشا به کار و تجارتی پرسود در آمریکا تبدیل شده است که به طوری که درآمد و سرمایه آن به ۸ میلیارد دلار می‌رسد. اکنون حدود ۹۰۰ سینما در آمریکا مخصوص اکران و پخش فیلم‌های مستهجن است. قانونی کردن ازدواج هم جنس‌گرایان در کشورهای غربی از جمله بلژیک، هلند، اسپانیا و... یکی دیگر از نشانه‌های بارز فساد است.^۲ شاید اشکال شود که آنها مسلمان نیستند که شما آنها را با احکام اسلامی محک می‌زنید. در پاسخ می‌گوییم:

اولاً: بحث از جامعه انسانی است و شامل مسلمان و غیرمسلمان نیز می‌شود؛
ثانیاً: انسان موجودی است اجتماعی و وقوع این گونه ناهنجاری‌ها و گناهان به دیگر جوامع هم سرایت خواهد کرد؛
ثالثاً: انسان‌ها دارای فطرت مشترک الهی‌اند و اگر غبار غفلت از فطرت بشر زدوده شود با این ناهنجاری‌ها مخالفت خواهد کرد.

رابعاً: اسلام به عنوان آخرین دین الهی جهان شمول و فراگیر خواهد شد و ما باید با تبلیغ درست دین اسلام ریشه این مفساد را زده و قبح آن را در جوامع بشری نهادینه کنیم.

۱. «كَيْفَ بِكُمْ إِذَا فَسَقَ فِثْيَانُكُمْ وَإِذَا ظَلَعَتْ نِسَاؤُكُمْ»؛ (الكافی، ج ۵، ص ۵۹، کتاب الجهاد باب الامر بالمعروف... ح ۱۴).

۲. از نگاه آمار، صص ۱۶۶ و ۲۰۷ و ۲۱۹.

البته بیان اینها بدان معنا نیست که کشورهای اسلامی در حد مقبولی قرار دارند، بلکه تا رسیدن به حد مقبول و شایسته راه طولانی وجود دارد.

۲-۴. قرار گرفتن امور ضد ارزشی در جایگاه امور ارزشی

حضرت علی (ع) می فرماید:

زمانی خواهد آمد که جز حيله گرا احترام نشود، به جز فاجر تجلیل نگردد، به جز آدم منصف خوار نگردد، صدقه را جریمه پندارند، صله ارحام را با منت انجام دهند و عبادت را برای فخرفروشی به مردم بجا آورند. در چنین زمانی حکومت با مشورت زنان، امارت با کودکان و تدبیر با خواجهگان می شود.^۱

و در جای دیگر نیز می فرماید:

... نشانه آن هنگامی است که مردم نماز را بمیرانند، امانت را ضایع گردانند، دروغ را جایز شمارند، رباخواری کرده و رشوه بگیرند، بناها را محکم و مرتفع بسازند، دین را برای دنیا بفروشند، سفيهان را بکار گیرند، با زن ها مشورت کرده و قطع رحم نمایند، از هوای نفس پیروی کنند، حلم نوعی ضعف و ظلم فخر شمرده شود.^۲

یکی از عوامل تبدیل کننده ضد ارزش ها به ارزش هنجارها هستند. باید توجه داشت که اگر در یک جامعه حرمت و زشتی رفتارهای ناهنجار و مبتذل از بین برود، آن رفتار بمرور به عنوان هنجار در جامعه پذیرفته می شود، و از آنجا که هنجارها تبدیل به ارزش شده و فرهنگ جامعه را می سازند. پس در نتیجه جامعه دچار تخریب و حتی تغییر فرهنگی می شود. متأسفانه امروزه در حالی که کمتر از ۴۰ سال از قیام و انقلاب مردم ایران گذشته، بعضاً تغییرات فرهنگی و هنجارهای اجتماعی ناسازگار با آموزه های اسلامی را در جامعه شاهدیم. مثل وضع پوشش جوانان و رابطه به معنای دوستی دختر و پسر نامحرم بدون عقد ازدواج.

به عنوان نمونه:

آمار تکان دهنده مجلس از روابط دختر و پسر در ایران: در این گزارش با استناد به نامه ای از

۱. «... يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَقْرَبُ فِيهِ إِلَّا الْمَاجِلُ ...» (نهج البلاغه صبحی الصالح، ص ۴۸۵، حکمة ۱۰۲).

۲. «... عَلَامَةُ ذَلِكَ إِذَا أَمَاتَ النَّاسُ الصَّلَاةَ وَأَضَاعُوا الْأَمَانَةَ ...» (کمال الدین، صص ۵۲۸-۵۲۵ باب ۴۷، باب حدیث دجال

وزارت آموزش و پرورش، نتایج تحقیق بر ۱۴۱ هزار و ۵۵۵ دانش آموز دختر و پسر دوره متوسطه در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۷ منتشر شده است. براساس این تحقیق، ۱۰۵ هزار و ۴۶ نفر دانش آموز یعنی ۳۰۷۴ درصد دارای رابطه «دوستی با جنس مخالف» بوده‌اند. همچنین طبق این گزارش، در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۷ از ۱۴۱۵۵۲ دانش آموز (دختر و پسر) دوره متوسط در کل کشور تعداد ۲۴۸۸۹ نفر (۵۰۱۷ درصد) دارای روابط همجنسگرایی (لواط و مساحقه) بودند.^۱

متأسفانه امروزه دوستی با جنس مخالف به عنوان یک ارزش در بین جوانان مطرح است. و بعضاً کسی که دوستی از جنس مخالف ندارد بی کلاس و عقب افتاده نامیده می‌شود. به عنوان مثال جوانی که دوستی از جنس مخالف ندارد، بدلیل مقایسه اجتماعی او هم می‌خواهد یا مجبور است خود را با بقیه تطبیق دهد. و می‌خواهد از دیگران عقب نماند (احساس محرومیت نسبی) و یا دیگران او را مسخره نکنند (مجازات) لذا او بعلت نیاز به احترام و جلوگیری از بی حرمتی، از کاری که بقیه انجام می‌دهند تبعیت می‌کند.^۲ این قاعده در مورد تمام ناهنجاری‌ها جاری شده و به مرور آنها را تبدیل به هنجار بعد ارزش و در نهایت فرهنگ پذیرفته شده جامعه می‌کند. با دقت در وضعیت حجاب زنان از زمان انقلاب تاکنون (سال ۱۳۹۶) به صحت این قاعده و روند پی خواهیم برد.

تأملی بر سیر تحول حجاب بانوان ایرانی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

حجاب بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا جنگ تحمیلی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، پای بندی به ارزش‌های اسلامی و رعایت حجاب و عفاف جان تازه‌ای می‌گیرد؛ به گونه‌ای که ملت، شاهد گرایش تعداد زیادی از زنان کشور به سمت چادر هستند. بعد از گذشت کم‌تر از یک ماه از پیروزی انقلاب و حضور زنان بی حجاب در اداره‌ها و سازمان‌های مختلف، ناخشنودی انقلابیون از وضعیت موجود تشدید می‌شود. امام خمینی با ابراز نارضایتی از این شرایط، اولین نطق تاریخی خود را درباره‌ی مسئله‌ی حجاب در ۱۵ اسفند ۱۳۵۷ انجام داده و می‌فرمایند:

در وزارت خانه‌های اسلامی نباید زن‌های لخت بیایند. زن‌ها بروند؛ اما با حجاب باشند. مانعی ندارد بروند؛ اما کار نکنند، لکن با حجاب شرعی باشند، با حفظ جهات

۱. کد خبر: ۱۹۴۱۳۶. <http://www.parsine.com>

۲. آناتومی جامعه، ص ۳۱۷.

شرعی باشند.^۱

پس از موضع گیری صریح حضرت امام خمینی درباره ی ضرورت پوشش اسلامی برای زنان در عرصه ی اجتماعی، بلافاصله در ۱۶ اسفند ۵۷، موجی از اعتراض ها از سوی زنان بی حجاب در جامعه راه می افتد. عده ای رسماً با برپایی گردهمایی و تجمعات اعتراض آمیز در مقابل فرمان امام می ایستند. اعتراض چند هزار نفری در دانشکده ی فنی دانشگاه تهران، اعتراض کارمندان زن برخی بیمارستان های تهران و زنان شاغل در مخابرات و وزارت امور خارجه بخشی از این اعتراض ها را تشکیل می دهد. آرام آرام درگیری و تشنج میان اقشار مذهبی، به خصوص زنان با حجاب با زنان بی حجاب رو به گسترش می گذارد که محملی را برای افراد مغرض فراهم می کند تا با انگیزه های گوناگون، آتش تنش های اجتماعی را شعله ورتر کنند.

۱۲ فروردین ۱۳۵۸، مردم با رأی بیش از ۹۸ درصدی به جمهوری اسلامی بار دیگر بر خواست خود مبنی بر اسلامی شدن فضای کشور تأکید می کنند. راهپیمایی زنان محجبه در حمایت از گسترش پوشش اسلامی در جامعه برگزار می شود. مبارزه با بی حجابی یک خواست عمومی می شود. ضعف دولت در برخورد با بی حجابی بار دیگر پای مردم را به مسئله باز می کند. برخورد با زنان بی حجاب شدت می گیرد و دیگر بار عناصر منحرف تلاش می کنند تا با اعمال برخی تندروی ها، هزینه هایی را به انقلابیون تحمیل کنند.^۲

وضعیت حجاب در دوران جنگ تحمیلی

در ۱۳ تیر ۱۳۵۹، امام خمینی در پاسخ استعلام در مورد تعرض عده ای از افراد ناآگاه و احياناً ضد انقلاب، به بانوان بی حجاب پیامی خطاب به ملت مسلمان ایران مبنی بر عدم تعرض به بانوان بی حجاب صادر فرمودند: «ممکن است تعرض به زن ها در خیابان، کوچه و بازار، از ناحیه ی منحرفان و مخالفان انقلاب باشد؛ از این جهت، کسی حق تعرض ندارد و این گونه دخالت ها برای مسلمان ها حرام است و باید پلیس و کمیته ها از این گونه جریان ها جلوگیری کنند».^۳

پس از این پیام، از ۱۴ تیر ۱۳۵۹ ورود زنان بی حجاب به اداره ها و سازمان های دولتی ممنوع شده و زنان موظف می شوند تا ضمن پوشیدن لباس های آستین بلند، روسری نیز به

۱. صحیفه ی امام، ج ۶، ص ۳۲۸.

۲. همان، ج ۱۲، ص ۵۰۲.

۳. همان.

سرکنند. از رمضان سال ۱۳۶۰ نهادهای نظارتی و قضایی تلاش می‌کنند تا با وضع قانون‌ها، با مظاهر منکرات خصوصاً بی‌حجابی برخورد کنند؛ لذا براساس قانون‌های جدید، اماکن عمومی موظف به نصب تابلوهایی با مضمون «عدم پذیرش افراد بی‌حجاب» می‌شوند.

در سال‌های بعد به دلیل حساسیت مردم و مسئولان، تا حد قابل توجهی شرایط و فضای کشور به نفع حجاب تغییر می‌کند؛ اما از سال ۱۳۶۲ معضل بدحجابی جانشین بی‌حجابی می‌شود. اما جو انقلابی و مذهبی کشور هم چنین جنگ و دفاع مقدس، فرصت بسط چنین مسائلی را به آنان نمی‌دهد. در سال‌های جنگ، شور و اشتیاق دینی و انقلابی و احساس نیاز به وحدت در مقابل دشمن، حتی قبل از تصمیم قانون‌گذاران، زنان ایران را مشتاقانه و یک پارچه با انتخاب پوشش اسلامی، نه فقط برای انجام یک تکلیف الهی، بلکه به عنوان پرچم دفاع از ارزش‌های اسلامی و حمایت از فرزندان و شوهران شان که در جبهه‌ها با خون خود از آن پاس داری می‌کردند و می‌دارد.^۱

حجاب بعد از پایان جنگ تحمیلی تا به امروز

پس از این دوران، مسئله‌ی بدحجابی که تا حدی مرتفع شده، هر از گاهی افکار عمومی و مسئولان را به خود متوجه می‌کند؛ تا آن که نفوذ و رشد اندیشه‌های فمینیستی در جامعه‌ی ایران قوت می‌گیرد. با روی کار آمدن دولت سازندگی، سیاست‌های فرهنگی - اجتماعی جامعه، مسیر دیگری را می‌پیماید. از سوی دیگر، دولت‌های غربی از ابتدای دهه‌ی هفتاد با برنامه‌ریزی دقیق و پیچیده برای تهاجم فرهنگی در ایران، زمینه‌ی بدحجابی در بستر جامعه را فراهم می‌کنند که بر همین اساس، در سال ۱۳۷۱ مسئله‌ی مانتویا چادر در محافل مختلف طرح می‌شود. هرچه به سال‌های پایانی دولت سازندگی نزدیک‌تر می‌شویم، شیب بدحجابی در جامعه تندتر می‌شود و دختران بیش‌تر به سمت مدگرایی حرکت می‌کنند. این امر با روی کار آمدن دولت اصلاحات، طرح شعار آزادی و تفاسیر نادرست از آن (تفاسیر سکولار)، با توسعه‌ی بدحجابی ادامه می‌یابد؛ به گونه‌ای که اعتراض‌های فراوانی به این امر شکل می‌گیرد؛ اما ره به جایی نمی‌برد. شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۲ برای مرهم نهادن بر زخم سرگشاده‌ی بدحجابی، طرحی را با عنوان «توسعه‌ی حجاب و عفاف» به تصویب می‌رساند؛ طرحی که به دنبال احیای پوشش اسلامی در تمامی مراکز دولتی و غیردولتی است.

۱. حجاب در ایران: فصل نامه‌ی بانوان شیعه، سال چهارم.

مردم به امید بهبود شرایط فرهنگی جامعه، در انتخابات سال ۸۴ به سود جریان اصول گرا رأی می دهند؛ و فکر می کنند اقدام های مؤثری برای بهبود شرایط حجاب در جامعه از سوی مسئولان انجام خواهد شد. علی رغم اظهارات تند برخی مقام های دولت اصول گرا درباره ی مسئله ی حجاب، شرایط تغییرچندانی نسبت به دوران اصلاحات نمی کند. نارضایتی علنی مراجع تقلید از رواج بدحجابی موجب می شود تا حجاب دوباره در صدر توجه های جامعه قرار گیرد. اعتراض های دانشجویان در دانشگاه ها به وضعیت نابه سامان حجاب در مراکز دانشگاهی و راهپیمایی و اعتراض مردم در سراسر کشور نسبت به عدم توجه به امر حجاب، موجب می شود تا این امر به خواستی عمومی بدل گردد. در پاسخ به این خواست مردمی، اولین گام از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی برداشته می شود و قانون گسترش راه کارهای اجرایی عفاف و حجاب در ۱۳ دی ماه ۱۳۸۴ به تصویب این شورا می رسد. قانون یادشده در طراحی سیاست ها و راه کارها و نیز تعیین وظایف تخصصی دستگاه های مربوط به قوه های مقننه و مجریه یک قانون کامل و یک بسته ی جامع است. دولت اصول گرا هفت ماه پس از روی کار آمدن، مأموریت پیدا می کند برای صیانت از عفت و پاک دامنی در جامعه آن را عملیاتی کند.

در گام دوم، سردار «احمدی مقدم» فرماندهی نیروی انتظامی، از اجرای طرحی خبر می دهد که در ابتدای اجرا، از آن با نام «امنیت ناموسی» یاد می کند و مدتی بعد، نام این طرح به «امنیت اجتماعی و اخلاقی» تغییر می یابد؛ طرحی که در سال های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ هر روز وارد فازهای جدیدی می شود و گستره ی وسیعی را دربرمی گیرد؛ از برخورد با زنان بدحجاب تا اعدام «اراذل و اوباش»ی که از سوی نیروی انتظامی و مراجع قضایی، مخلان امنیت و نظم اجتماعی شناخته می شوند. روند روبه رشد بدحجابی بعد از سال ۱۳۸۸ نیز به علت مسائلی چند که از جمله ی آن می توان به حضور در عرصه های اجتماعی به قیمت تساهل در حجاب، ضعف جامعه پذیری و تربیت اجتماعی، ضعف تعلق خاطر فرد به جامعه و عدم توجه به رعایت هنجارهای حاکم بر آن، افزایش شانس ازدواج با خودآرایی، ضعف غیرت مردان و هم چنین عدم صراحت قانون در برخورد ریشه ای با این مسئله (بی تفاوتی نسبت به رعایت حجاب)، ادامه یافته است؛ به گونه ای که وضعیت پوشش امروز بانوی ایرانی، طوری است که هم گذشته ی تاریخی آن را زیر سؤال برده و هم ارزش های اسلامی - ایرانی را تحت الشعاع قرار داده است. وضعیت اسف باری که هرروزه با تلاش شبکه های ماهواره ای برای تبلیغ و ترویج فرهنگ بی حجابی، هم چنین برآورد بودجه های هنگفت توسط غرب برای نابودی کامل حجاب بانوی مسلمان، خاصه بانوی

ایرانی بر ابعاد آن افزوده شده و گستره‌ای جدید از بی‌مبالاتی نسبت به رعایت حجاب را پیش روی خود می‌بیند؛ طوری که امروزه بی‌اعتنایی به رعایت معیارهای حجاب، به مسائل فراروی نظام جمهوری اسلامی مبدل شده است.^۱

۲-۵. گریز از دین

فرهنگ مهاجم غرب، سعادت و خوشبختی را بر اساس نگرشی که از انسان دارد تعریف می‌کند، لذا آنها مذهب را از زندگی اجتماعی حذف کرده و علم را جانشین دین کرده‌اند. حتی گویند ادیان آسمانی مانع پیشرفت بشر هستند.^۲ هرچند در جوامع غربی این نگاه در حال تغییر است، اما برخی افراد در جوامع اسلامی که تحت تاثیر فرهنگ غربی قرار گرفته‌اند، دنیاگرایی جای دینداری را گرفته و بعضاً هرآنچه را ورای محسوسات باشد مثل قیامت و آخرت منکر می‌شوند. لذا دین و دینداران غریب خواهند بود. پیامبر اسلام ﷺ درباره ویژگی‌های انسان‌های این دوران می‌فرماید:

زمانی بر مردم خواهد آمد که درهم‌های آنان دینشان خواهد بود و همت ایشان شکمشان و قبله آنها زنانشان. برای طلا و نقره، رکوع و سجود به جای می‌آورند. آنان همواره در حیرت و مستی خواهند بود. نه بر مذهب مسلمانی‌اند و نه بر مسلک نصرانی.^۳

ایشان نیز در مورد جایگاه دین اسلام در جامعه می‌فرمایند:

به درستی که اسلام در زمان ظهورش غریب بود و در آخرالزمان هم غریب خواهد بود، خوشا به حال غریبان، کسانی که مصلح‌اند وقتی اکثریت مردم فساد می‌کنند....^۴

۱. مجله پیام زن، بهمن ماه سال ۱۳۹۳ شماره ۲۷۵، حجاب دیروز، حجاب امروز، مریم محمّدی.

۲. تأملات فرهنگی، ص ۱۹۰.

۳. «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ... دِيْنُهُمْ دَرَاهِمُهُمْ وَ هَمُّهُمْ بَطُونُهُمْ وَ قِبْلَتُهُمْ نِسَاؤُهُمْ يَرْكَعُونَ لِلرَّغِيفِ وَيَسْجُدُونَ لِلدِّرْهَمِ حِيَارَى شَكَارَى لَا مُسْلِمِينَ وَلَا نَصَارَى» (مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۷۹، ح ۱۳۳۰۵؛ صحيح مسلم، ج ۱، ص ۱۳۱).

۴. «إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا وَسَيَعُودُ غَرِيبًا كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ...» (الغنية للنعماني، ص ۳۲۱، ح ۱، باب ۲۲ ما روی أن القائم يستأنف دعاء جديدة).

۳. ویژگی علمی و فکری

۳-۱. افول علوم انسانی و رشد علمی محدود به ابعاد مادی

تاریخ بشریت همواره صحنه درگیری جبهه حق با باطل بوده، خط جدا شدن دنیا پرستان از خدا پرستان، که هریک از طرفین برای مدیریت بشر نسخه‌ها و ابزارهایی آماده کرده‌اند. فرهنگ و تمدن غرب نمونه‌ای از جبهه باطل است. که در آخر الزمان با تمام توان به جنگ آموزه‌های وحیانی آمده. باین طریق که هرآنچه را که به بوت‌آزمایش و تجربه در نیاید از ریشه منکر می‌شوند. لذا با حذف دین، عقل جمعی خود بنیاد را به عنوان تکیه گاهی برای تسخیر انسان و طبیعت برگزیده. بهره‌وری مادی افزون‌تر مبنای اصلی جهان‌نگری غربی را تشکیل داده، که نتیجه آن رشد فزاینده علوم صرفاً در ابعاد مادی و افول و انحراف در علوم انسانی است. بطوری که علوم انسانی رایج، بر اساس تعاریف و نگرش مادی به رابطه انسان و جهان فرمول بندی شده و به وضوح با رویکرد توحید محور در زمینه‌ی رابطه انسان، جهان و خداوند ناهماهنگ است.^۱ کلام امام خامنه‌ای در دیدار با دانشگاهیان ناظر به همین مطلب است. «بسیاری از علوم انسانی مبتنی بر فلسفه‌هایی است که مبانی آنها مادی‌گری و بی‌اعتقادی به تعالیم الهی است، که آموزش آنها منجر به ترویج شکاکیت و تردید در مبانی دینی و اعتقادی خواهد شد».^۲

۳-۲. جاهلیت مدرن

خداوند متعال در بخشی از آیه ۳۳ سوره احزاب، خطاب به برخی از زنان پیامبر ﷺ می‌فرماید «لَا تَبْرَجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» و همچون جاهلیت نخستین در بین مردم ظاهر نشوید. طبق نقل برخی مفسرین عبارت «جاهلیه الاولی» اشاره به جاهلیت عصر قبل از پیامبر اسلام دارد.^۳

با استفاده از تعبیر «جاهلیه الاولی» برخی از مفسرین، این نکته را بیان کرده‌اند که این آیه یکی از پیشگوییهای اعجاب آمیز قرآن می‌باشد. چرا که خبر از جاهلیت دیگری می‌دهد که در آینده رخ خواهد داد. امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه می‌فرمایند: «سَتَكُونُ جَاهِلِيَّةً أُخْرَى؛ جاهلیت دیگری نیز به زودی اتفاق خواهد افتاد».^۴

۱. گفتارهایی پیرامون تحول در علوم انسانی، ص ۲۰.

۲. پایگاه اینترنتی مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۶/۸، (www.khamenei.ir).

۳. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۹۰.

۴. بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۱۸۹.

پیامبر گرامی اسلام نیز در بیانی نورانی می‌فرمایند: «بعثت بین جاهلیتین الأخراهما شر من أولاهما» من بین دو جاهلیت که دومین آن سخت‌تر از اولی است، برانگیخته شده‌ام.^۱ امروزه ما شاهد جاهلیت نوع دوم می‌باشیم که به جاهلیت «نوین و یا مدرن» معروف می‌باشد.

برخی از ویژگیهای جاهلیت الاولی

بیشتر رفتارهایی که در زمان جاهلیت قبل از اسلام بود، هم مخالف عقل و علم بود و هم مخالف احکام الهی بود و این خود یکی از شاخص‌هایی است که طبق آن می‌توان بسیاری از مسائل را سنجید.

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند:

بَعَثَهُ وَالنَّاسُ ضَلَالٌ فِي خَيْرَةٍ وَ حَاطِبُونَ فِي فِثْنَةٍ قَدْ اسْتَهْوَتْهُمْ الْأَهْوَاءُ وَ اسْتَرْلَتْهُمْ الْكِبْرِيَاءُ وَ اسْتَحَقَّتْهُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ حَيَارَى فِي زَلْزَالٍ مِنَ الْأُمُورِ وَ بَلَاءٍ مِنَ الْجَهْلِ فَبَالَغَ عليه السلام فِي النَّصِيحَةِ وَ مَضَى عَلَى الطَّرِيقَةِ وَ دَعَا إِلَى الْحِكْمَةِ وَ الْمُوعِظَةِ الْحَسَنَةِ؛^۲ خدا پیامبر اسلام را هنگامی مبعوث فرمود که مردم در حیرت و سرگردانی بودند، در فتنه‌ها به سر می‌بردند، هوا و هوس بر آنها چیره شده، و خود بزرگ بینی و تکبر، به لغزش‌های فراوانشان کشانده بود، و نادانی‌های جاهلیت پست و خوارشان کرده، و در امور زندگی حیران و سرگردان بودند، و بلای جهل و نادانی دام‌گیرشان بود. پس پیامبر در نصیحت و خیرخواهی نهایت تلاش را کرد، و آنان را به راه راست راهنمایی، و از راه حکمت و موعظه نیکو، مردم را به خدا دعوت فرمود.

برخی ویژگیهای جاهلیت مدرن

اعراب زمان جاهلی به دلیل نداشتن علم کافی و پایبند نبودن به دستورات دینی، گرفتار برخی اعتقادات و همچنین انجام دادن برخی کارهایی می‌شدند که تا ابدیت همانند لکه‌ننگی بر پیشانی‌شان نقش بسته است.

اما انسانها، در جامعه امروزی با ادعای علم و دانش و پیشرفت‌های صنعتی و تکنولوژی و داشتن هزاران دانشگاه و مراکز معتبر علمی، روز به روز در منجلاب گناه و فساد و طغیان و

۱. معجم احادیث الإمام المهدي عليه السلام، الشيخ علی الکوثرانی العاملی، ج ۱، ص ۴۴.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۹۵، ص ۱۴۰.

بی بند و باری فرو می‌روند. هر چند بشریت امروزی، با زدن عینک علم و پیشرفت بر چشمان به ظاهر بینای خویش، روز به روز قله‌های علم و صنعت و تکنولوژی را فتح می‌کند و مغرورانه ادعا دارد که همه کاره می‌باشد ولی به خاطر روی برگرداندن از معنویات و دستورات الهی و فاصله گرفتن از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که حجت خداوند بر روی زمین می‌باشد، روز به روز گمراه‌تر می‌شود و در دره‌های هولناک جاهلیت مدرن سقوط می‌کند. امیرالمومنین علیه السلام گوشه‌هایی از اوضاع جاهلیت مدرن را این طور بیان می‌فرماید:

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى فِيهِمْ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رِسْمُهُ وَمِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ وَ مَسَاجِدُهُمْ يَوْمِنَا عَامِرَةٌ مِنَ الْبِنَاءِ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى سُكَّائِهَا وَ عُمَارُهَا شُرَّ أَهْلِ الْأَرْضِ مِنْهُمْ تَخْرُجُ الْفِثْنَةُ وَ إِلَيْهِمْ تَأْوِي الْخَطِيئَةُ يَرُدُّونَ مَنْ شَذَّ عَنْهَا فِيهَا وَ يَسُوقُونَ مَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا إِلَيْهَا! روزگاری بر مردم خواهد آمد که از قرآن جز نشانی و از اسلام جز نامی باقی نخواهد ماند. مسجدهای آنان در آن روزگار آبادان، اما از هدایت ویران است. مسجد نشینان و سازندگان بناهای شکوهمند مساجد، بدترین مردم زمین می‌باشند که کانون هر فتنه و جایگاه هرگونه خطاکاری‌اند. هرکس از فتنه بر کنار است او را به فتنه بازگردانند و هرکس که از فتنه عقب مانده او را به فتنه‌ها کشانند.

همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیثی طولانی برای سلمان فارسی، برخی از ویژگیهای جاهلیت مدرن را این طور بازگو می‌فرماید:

ای سلمان! در آن موقعیت کارهای بد و ناپسند در بین مردم بصورت کارهای شایسته و پسندیده درآید و کارهای پسندیده و نیکو، به صورت کارهای نکوهیده و ناپسند جلوه کند. مردمان خیانت پیشه، مورد وثوق و امانت واقع شوند و به افراد امین و درستکار، نسبت خیانت داده شود و مرد دروغگو را تصدیق کنند و به دروغ‌های او مهر صحت و درستی بنهند و مرد راستگو و درست را دروغگو شمارند و به گفتار او ترتیب اثر ندهند... ای سلمان! در آن وقت مردها به مردها اکتفا می‌کنند و زنها به زنها اکتفا می‌نمایند... مردها خود را شبیه به زنان می‌کنند، و زنان خود را شبیه به مردان می‌نمایند. و افرادی که دارای رحم هستند و برای تولید مثل آفریده شده‌اند که منظور زنان می‌باشند، سوار بر زین‌ها میشوند. پس بر

آن زنان از امت من لعنت خدا باد... ای سلمان! در آن زمان پرده عصمت مردم پاره می‌شود. محرمات الهیه به جای آورده می‌شود. حریم عفاف دریده می‌گردد. معصیت‌های خدا رائج می‌گردد. بدان و اشرار بر اخیار و خوبان تسلط پیدا می‌کنند و دروغ علناً رائج و در بین توده مردم شایع می‌شود. لجاج و خودسری و استکبار ظاهر می‌گردد و نیازمندی و احتیاج، همه توده‌ها را فرا می‌گیرد. مردم به لباس خود بر یکدیگر مباحات می‌کنند. باران‌های فراوان در غیر فصل باران پیدا می‌شود. اشتغال به لهو و لعب از قبیل بازی کردن با باطل و آلات موسیقی را امری پسندیده و نیکو می‌شمرند. امر به معروف و نهی از منکر را گذشته از آنکه به جای نمی‌آورند، امر نکوهیده و ناپسند میدانند. زمانه و وضعیت محیط در آن زمان به قدری انحطاط پیدا میکند که مردمان مؤمن و با ایمان راستین، در آن زمان، در بین مردم از تمام افراد امت پست‌تر و حقیرتر و ذلیل‌تر خواهند بود. در بین زاهدان و عابدان و در بین علما و نزدیکانشان حس بدبینی و بدخواهی ظهور نموده و پیوسته در صدد عیب‌جوئی و ملامت از یکدیگر بر می‌آیند.^۱

اگر اعراب زمان جاهلیت بر اساس دلایل پوچ و پیش پا افتاده، به جان هم می‌افتادند و درگیری‌های قبیلگی و کشتار، راه می‌انداختند، انسانهای عصر جاهلیت مدرن نیز از سر غرور و تکبر به بهانه‌های واهی به جان هم می‌افتند و با استفاده از علم و دانش و صنعت نظامی، در زمان کمتری انسان بی‌گناه بیشتری را به خاک و خون می‌کشند. مثل حملات انتہاری و بمباران مناطق مسکونی در جنگ‌های اخیر در دنیا.

اگر در جاهلیت قبل از اسلام، تعصبات قومی و قبیلگی روسای قبایل، باعث می‌شد که بسیاری از قبایل به جان هم بیفتند، در این عصر نیز کسانی که دنیا را دهکده‌ای بیش نمی‌دانند و خود را رئیس آن دهکده و قبیله می‌دانند، با سیاست‌های غلط خود بیشتر کشورهای دنیا را به جان هم می‌اندازند و با ایجاد تفرقه و اختلاف بین مردم کشورهای مختلف، امنیت و آرامش را از جامعه بشری سلب نموده‌اند.

اگر در زمان جاهلیت قبل از اسلام، زنان روسری‌های خود را طوری روی سرشان می‌گذاشتند که گردن و گردنبند و گوش و گوشواره‌های شان پیدا بود، در این عصر نیز برخی با ادعای داشتن تمدن و فرهنگ، نه تنها با چادر و روسری سروکاری ندارند بلکه با

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۰۵.

کمال افتخار، به برهنه بودن خود می‌بالند و فرهنگ برهنگی را ترویج می‌کنند. اگر چشمانمان را باز کنیم و طور دیگری به این عصر نگاه کنیم، ابو جهل، ابولهب و ابو سفیان‌های بسیار زیادی را می‌بینیم که در مسابقه جهل و نادانی، از سردمداران جاهلیت قبل از اسلام نیز گوی سبقت را ربوده‌اند.

جمع بندی

در مجموع به این نتیجه می‌رسیم که اوضاع فرهنگی اعتقادی جامعه آخرالزمان گرفتار آسیب‌های عمیق شده که در جامعه منتظر و زمینه ساز باید برای رفع این آسیب‌ها تلاش کرد.

از جنبه اخلاق فردی و تربیتی، در این دوره، گناه زیاد شده و در خانواده‌ها حقوق افراد رعایت نمی‌شود. فرزندان برای والدین خود احترامی قائل نیستند و والدین نیز، حقوق فرزندان را ضایع و در تربیت آنها، سستی می‌کنند. عواطف بین اعضای خانواده، از بین می‌رود که شاید دلیل آن، الگو قرار دادن کفار و جوامع غیرمسلمان در تربیت فرزندان باشد؛ لذا روزه روز گرمی کانون خانواده‌ها از بین می‌رود و پایه‌های آن سست می‌شود.

از جنبه اخلاق اجتماعی، در جامعه نیز روابط انسان‌ها رو به تیرگی می‌رود؛ نه جوانان به پیران و نه پیران و بزرگ‌ترها به کوچک‌تر از خود احترام می‌گذارند. حقوق همسایگان رعایت نمی‌شود و عهد و پیمان در جامعه، ارزش و جایگاهی ندارد؛ لذا اعتماد و اطمینان در جامعه از بین می‌رود و اختلافات اجتماعی، افزایش پیدا می‌کند. به عبارتی جامعه قبل از آمدن منجی از نظر اخلاقی، رو به انحطاط است و خود انسان‌ها از آن رنج می‌برند.

از جنبه دینی و علمی و فکری نیز، حرکت جوامع رو به عقب است و روز به روز جامعه از معنویات بیشتر فاصله می‌گیرد. انجام گناه، به علت از بین رفتن قبح آن، علنی و آشکار می‌شود و عبادات هم که انجام می‌گیرد، از معنویت و روح عبادت خالی است. معروف، منکر و منکر، معروف جلوه می‌کند. نمادهای دین، زیبا ساخته می‌شود؛ اما تنها ظاهرسازی و ریاکارانه است و عمل‌کننده واقعی به دین، بسیار کم است. عالمان دین، گاهی از دین و علم خود برای رسیدن به منافع دنیا استفاده می‌کنند. افراد، دچار انحطاط و انحراف فکری و اعتقادی می‌گردند. شاید دلیل این امر، حاکم بودن جوّ مادی‌گری بر جوامع است؛ لذا بیشتر مردم برای رسیدن به منافع دنیایی خود، دین فروشی می‌کنند.

گفتار دوم

وضعیت سیاسی اجتماعی جامعه آخرالزمان

بیان کردیم که این تصویر سیاه از دوران پیش از ظهور، چهره غالب آن دوره است بنابراین، جهان پیش از ظهور اگرچه دوران تلخی است ولی با اتصال به دوره شیرین ظهور این کجی و کاستی‌ها به پایان خواهد رسید. در این گفتار به بیان مختصر ویژگی‌های سیاسی اجتماعی جامعه آخرالزمانی ذیل چند عنوان می‌پردازیم.

الف) ویژگی‌های سیاسی

۱. عدم توفیق حکومت‌های مختلف

امام صادق علیه السلام فرمودند:

... مَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى لَا يَبْقَى صِنْفٌ مِنَ النَّاسِ إِلَّا وَقَدْ وُلُّوا عَلَى النَّاسِ...^۱ امر قیام مهدی ما محقق نخواهد شد مگر اینکه تمام اصناف مردم به حکومت برسند تا نتوانند بگویند اگر حکومت به دست ما داده می‌شد عدالت و حق را اجرا می‌کردیم. بعد از رسیدن همه طبقات به حکومت مهدی ما ظاهر می‌شود و حق و عدالت را اجرا می‌کند.

۲. تنزل حکومت‌ها

پیش از ظهور امام زمان علیه السلام حکومت‌های ستمگر به ضعف می‌گیرند (موج بیداری اسلامی) و این زمینه‌ای می‌شود تا حکومت جهانی حضرت مهدی در سرتاسر جهان مورد پذیرش قرار گیرد. امام سجاد علیه السلام درباره آیه شریفه ﴿حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا﴾^۲ فرمود:

وعده‌ای که در این آیه داده شده است، مربوط به حضرت قائم علیه السلام و اصحاب و یاوران و دشمنانش است. آنگاه که امام زمان علیه السلام قیام کند، دشمنانش

۱. الغیبه، نعمانی، ص ۲۷۴، باب ۱۴، ما جاء فی العلامات التي تكون قبل قیام القائم، ح ۵۳.

۲. جن (۷۲)، ۲۴.

ناتوان ترین دشمنان خواهند بود و کم ترین نیروها و تجهیزات را خواهند داشت.^۱

حکومتی قادر است به مردم کشورش خدمت کند که دارای ثبات سیاسی باشد؛ زیرا در صورتی که در حال تغییر باشد، قادر به انجام کارهای بزرگ در کشور نیست. حکومت‌ها در آخر الزمان در حال تزلزل اند و گاهی حکومتی در آغاز روز بر سرکار می‌آید، ولی هنگام غروب از کار برکنار می‌شود.

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

چگونه خواهید بود، هنگامی که بدون امام هدایتگر و بدون علم و دانش بمانید و از یکدیگر بیزاری جوئید؟ و این زمانی باشد که آزمایش شوید و افراد خوب و بد شما از هم جدا گردند و غربال و زیرورو شوید. آن وقت که شمشیرها در رفت و آمد باشد و جنگ شعله‌ور. حکومتی در آغاز روز، روی کار می‌آید و با کشتار در آخر روز برکنار و سرنگون می‌شود.^۲

۳. استبداد حکومت‌ها

با توجه به مغالطه کشورهای غربی در مسئله مقاومت و ارتباط آن با تروریسم می‌توان گفت: وقتی دفاع مردم مظلوم فلسطین از کیان خود در نظر صهیونیست‌ها و غربی‌ها در حکم تروریسم نهاده می‌شود و حمایت‌های فکری و معنوی جمهوری اسلامی ایران از آنها در حکم حمایت از تروریست‌ها تلقی می‌شود، چه توقعی دارید که سایر رفتارهای این کشورها از سرانسانیت و حقوق بشر و مبارزه با تروریسم باشد. تا مادامی که مجامع بین‌المللی ابزاری در دست زورگویان باقی بمانند، شاهد تداوم بی‌عدالتی‌ها در برخورد با کشورهای مستقل خواهیم بود. با ترکیب فعلی مجامع بین‌المللی به ویژه شورای امنیت این مجامع به ابزاری در دست قدرت‌های زورگو و ستمگر مبدل شده‌اند و نمی‌توان امید چندانی به آنها داشت. جامعه بشری پیش از ظهور امام علیه السلام از ستمی که بوسیله حکومت‌ها بر مردم وارد می‌شود رنج می‌برد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «زمین از ستم و بیداد پُر می‌شود؛ تا جایی که در هر خانه‌ای ترس و جنگ وارد می‌گردد».

حضرت علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «زمین پر از ستم و بیداد می‌گردد؛ تا آنکه ترس و اندوه در

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۸.

۲. ملاحم، ابن طاووس، ص ۶۰.

هر خانه‌ای وارد شود».^۱

این بیم و ترس چیزی است که غالباً از حکومت زمامداران ستمگر و خودسر جهان سرچشمه می‌گیرد؛ زیرا پیش از ظهور آن حضرت، ستمگران بر جهان فرمانروایی می‌کنند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «مهدی علیه السلام هنگامی قیام می‌کند که زمام کارهای جامعه در دست ستمکاران باشد».^۲

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

در آخرالزمان بلای شدیدی - که سخت‌تر از آن شنیده نشده باشد - از سوی فرمانروایان اسلامی بر امت من وارد خواهد شد؛ به گونه‌ای که فراخنای زمین بر آنان تنگ خواهد گشت و زمین از بیداد و ستم لبریز گردد؛ آن چنان که مؤمن برای رهایی از ستم، پناهگاهی که بدان پناهنده شود، نمی‌یابد.

بنابر این روایت مسلمانان تنها از تجاوز و هجوم قدرت‌های بیگانه رنج نمی‌برند، بلکه از سوی حکومت‌های مستبد خودشان نیز تحت فشار قرار می‌گیرند؛ آن چنان که به جای احساس آزادی، خود را در زندانی بزرگ احساس می‌کنند. لذا به خاطر وجود حکام و حکومت‌های استبدادی افراد جامعه روی آرامش را به خود نمی‌بینند و در ترس و اندوه و اضطراب به سر می‌برند.^۳ مانند آنچه که امروزه در برخی کشورهای اسلامی شاهدیم، همچنان که ماهاتیر محمد نخست وزیر سابق مالزی با بیان اینکه بسیاری از برداشت‌ها و تفاسیر از دین اسلام با اهداف سیاسی ارایه می‌شود، بیان کرده که باید مشکلات و ناآرامی‌های اخیر در برخی از کشورهای اسلامی را نه به دلیل اسلامی بودن آن کشورها بلکه ناشی از تفسیر غلط حکمرانان از اسلام دانست.^۴

به گزارش خبرگزاری خاورمیانه، مولانا سید "جلال الدین امری" رهبر جماعت اسلامی هند با ابراز نگرانی از ادامه ناآرامی‌ها در مصر، سوریه، بنگلادش و سایر کشورهای اسلامی گفت: سوریه در جهنم نابودی اقتصادی، اجتماعی گرفتار شده، عراق و افغانستان قربانی کشتار و ویرانی شده‌اند و الجزایر، تونس و شماری از کشورهای دیگر مسلمان نیز شاهد بی‌ثباتی و ناآرامی هستند.

۱. کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۸۴.

۲. الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۳؛ الغیبه، طوسی، ص ۲۷۴.

۳. چشم اندازی به حکومت مهدی علیه السلام، ص ۲۰.

بنابراین هنگامی مردم در آسایش و راحتی به سر می‌برند که کارگزاران حکومت، افرادی صالح و کاردان باشند؛ ولی وقتی که افراد ناشایست فرمانروا شدند، طبیعی است که انسان‌ها از رنج و عذاب به ستوه آیند؛ درست همچنان که پیش از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، اکثر دولت‌ها را افرادی خیانت‌کار، فاسق و ستمکار تشکیل می‌دهند. پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «زمانی خواهد آمد که فرمانروایان، ستم‌پیشه؛ فرماندهان، خیانت‌کار؛ قاضیان، فاسق و وزیران، ستمگر می‌گردند»^۱.

۴. ناامنی و کشتارها

حوادث و فتنه‌های آخرالزمان چون طوفانی، تمامیت جغرافیای شرق اسلامی را فرا می‌گیرد و پنج منطقه «شامات، حجاز، عراق، یمن و ایران» در آن روزها درگیر خواهند شد. روایات بسیاری از شورش‌ها، جنگ‌ها و زلزله‌ها در شام و دمشق، خبر می‌دهد. به طور کلی اگر بخواهیم وضعیت خاورمیانه قبل از ظهور را بررسی کنیم، می‌توانیم به چند نکته اساسی اشاره کنیم. اولین نکته فزونی جنایات و فتنه‌ها در این دوران است. خاورمیانه قبل از ظهور مملو از ناامنی، تشویش، جنایت و سفاکی گری خواهد بود. با توجه به روایات باب ۱۲ الغیبه نعمانی می‌توان گفت که برخی از این جنایات متوجه شیعیان است و شیعه ستیزی یکی از ویژگی‌های بارز این عصر است.

به عنوان نمونه روایت شده که یکی از یاران امام صادق علیه السلام بر او وارد شد و عرض کرد:

... فَقُلْتُ فَكَيْفَ أَضْنَعُ بِهَذِهِ الشَّيْعَةِ الْمُخْتَلِفَةِ الَّذِينَ يَقُولُونَ إِنَّهُمْ يَتَشَبَّهُونَ فَقَالَ فِيهِمُ التَّمْيِيزُ وَفِيهِمُ التَّمْجِيزُ وَفِيهِمُ التَّبْدِيلُ يَأْتِي عَلَيْهِمْ سُنُونَ تُفْنِيهِمْ وَسَيُفْ يَقْتُلُهُمْ وَاخْتِلَافٌ يَبْدُدُهُمْ...^۲ پس چه کنم با این شیعه گوناگون که گویند ما بر طریق تشیع هستیم؟ فرمود: اینان خود گرفتار جدائی و آزمایش خواهند گشت و تبدیل و جابجائی در میان‌شان رخ خواهد داد و به قحطی و کمبود که نابودشان سازد (مبتلا شوند) و شمشیری که خونشان بریزد و اختلافاتی بهم رسد که پراکنده‌شان کند.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «... لَا يَقُومُ الْقَائِمُ علیه السلام إِلَّا عَلَى خَوْفٍ شَدِيدٍ...»^۳ حضرت قیام

۱. المعجم الكبير، ج ۲۲، ص ۳۷۵؛ كشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۶۴؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۹۶.

۲. الغیة، نعمانی، ص ۲۰۳، ح ۴.

۳. همان، ص ۲۳۵.

نمی‌کند مگر در دورانی پراز بیم و هراس».

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَنَالُ الْمُلْكَ فِيهِ إِلَّا بِالْقَتْلِ وَالتَّجْبُرِ وَلَا الْغِنَى إِلَّا بِالْغَضَبِ وَالبُخْلِ...؛ از امام صادق (ع) نقل شده که پیامبر خدا (ص) فرمود: زمانی بر مردم خواهد آمد که جز از راه کشتار و گردنکشی به حکومت نمی‌رسند، و جز از طریق غصب و بخل بی‌نیاز نمی‌شوند، و جز در اثر خارج شدن از دین و پیروی از هوسها محبت را به دست نمی‌آورند.

از این روایت برداشت می‌شود که قبل از قیام حضرت زمام کارهای جامعه در دست ستمکاران می‌باشد، به عبارتی ظهور حضرت زمانی خواهد بود که امنیت سیاسی، اقتصادی و عاطفی در جامعه به شدت کم شده است.

امام رضا (ع) فرمود: «پیش از ظهور امام زمان (ع) کشتارهای پیاپی و بی‌وقفه رخ خواهد داد».^۱

حضرت علی (ع) نیز فرموده:

سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَنَالُ الْمُلْكَ فِيهِ إِلَّا بِالْقَتْلِ وَالتَّجْبُرِ...؛^۲ زمانی می‌آید که حکومت مستقر نمی‌شود مگر به آدم‌کشی و ستمگری....

جعفر بن محمد (ع) می‌فرمایند:

علاماتی قبل از قیام حضرت واقع می‌شود، از جمله بلاهایی از سوی خداوند که می‌فرماید: «حتماً شما را خواهیم آزمود».^۳

یعنی، مؤمنان را به چیزی از ترس از پادشاهان فلان خاندان در پایان سلطنتشان و گرسنگی با گرانی نرخ‌هایشان و کاستی در مال‌ها (منظور خراب شدن بازرگانی و کم شدن رشد و سود در آن و مراد از نقص نفس، مرگ‌های ناگهانی و مراد از نقص در ثمرات کمی و بی‌برکتی محصولات کشاورزی است)، که در چنین زمانی بشارت باد صابرين را به ظهور حضرت مهدی (عج) و رَحْمَةُ الرَّحِيمِ.^۴

۱. همان، ص ۲۷۱.

۲. کافی، ج ۲، ص ۹۱، باب صبر.

۳. بقره (۲)، ۱۵۵.

۴. «إِنَّ قُدَامَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَامَاتٌ تَلَوَّى مِنَ اللَّهِ لِعِبَادِهِ» (الغیة، نعمانی، ص ۲۵۰ ب ۱۴ ح ۵ و ۶؛ کمال‌الدین، ج ۲، ص ۶۴۹، ب ۵۷، ح ۳).

۵. وقوع اختلافات و آوارگی شیعیان

در آخر الزمان طبق روایات شیعیان از دو جنبه گرفتار شداید و سختی ها و آزمایش الهی می شوند.

الف) از جنبه درونی

ب) از جنبه بیرونی

گسیختن و پاره شدن پیوندهای انسانی، از پدیده های ویرانگر پیش از ظهور است. در این روزگاران پیوندهای اجتماعی استواری وجود ندارد و در زندگی انسان ها حق و عدل جایگاهی ندارد. به ظاهر انسان ها در کنار یکدیگر و در یک آبادی یا اجتماعی زندگی می کنند، لیکن دل ها و فکرها باهم و در کنار هم نیست و میان آنها همدلی وجود ندارد. شاید بتوانیم به عنوان مهمترین علل آن گرایش به دنیا و تلاش برای بهره برداری هر چه بیشتر از مادیات و دوری از معنویت را مطرح کنیم، که لازمه آن فرد گرایی و خود خواهی افراد و عدم پذیرش مسئولیت در قبال جامعه و افراد آن خواهد بود. و از برخی روایات استفاده می شود اختلاف بین انسان ها در آستانه ظهور شدت فراوانی می یابد.

الف) از جنبه درونی، طبق روایات بین شیعیان نیز اختلاف واقع می شود. به عنوان مثال از عمیره بنت نفیل روایت شده است که گفت:

سَمِعْتُ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ يَقُولُ: لَا يَكُونُ الْأَمْرُ الَّذِي تَنْتَظِرُونَهُ حَتَّى يَبْرَأَ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ وَيُثْقَلَ بَعْضُكُمْ فِي وُجُوهِ بَعْضٍ وَيَشْهَدَ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ بِالْكَفْرِ وَيَلْعَنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا. فَقُلْتُ لَهُ: مَا فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ مِنْ خَيْرٍ. فَقَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ، يَقُومُ قَائِمُنَا وَيُدْفَعُ ذَلِكَ كُلُّهُ^۱؛ شنیدم حسین بن علی علیه السلام می فرماید: «آن امر که شما انتظارش را می کشید واقع نخواهد شد تا اینکه پاره ای از شما از دیگری بیزاری جوید و بعضی از شما در روی دیگری آب دهان اندازد و پاره ای از شما بر کفر دیگری شهادت دهد و پاره ای از شما عده دیگر را نفرین و لعن کند». پس به آن حضرت عرض کردم: خیری در این چنین زمان نیست. حضرت فرمود: «تمامی خیر در همان زمان است، قائم ما قیام می کند و همه اینها را از بین می برد».

امام صادق علیه السلام نیز درباره اختلافات در آخر الزمان می فرماید:

۱. الغیة، نعمانی، ص ۲۰۶.

قسم به کسی که جانم در دست اوست، آنچه را که دوست دارید نخواهید دید مگر اینکه (آنقدر میان شما اختلاف و دشمنی افتد) که برخی از شما روی برخی دیگر آب دهان بیندازد و برخی از شما برخی دیگر را دروغگو خطاب می‌کنند.^۱

از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره آیه: ﴿فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ﴾^۲؛ و گروه‌های مردم در میان خود اختلاف کردند؛ سوال شد، فرمود: از پدید آمدن سه چیز منتظر فرج باشید. گفته شد: ای امیرالمؤمنین آنها کدامند؟ پس فرمود: اختلاف اهل شام در میان خود و پرچم‌های سیاه از خراسان، و وحشتی در ماه رمضان.^۳

ب) از جنبه برون‌ی نیز شیعیان به علل مختلفی دچار آوارگی می‌شوند. به عنوان مثال: اجرای پروژه شبیه‌سازی واقعه ظهور موعود و منجی، توسط اتحاد صلیب و صهیون (اسرائیل و آمریکا)، آرزوی دیرینه و قدیمی جریان باطل است که از سال‌ها قبل و با حضور میدانی جریان سلفی و وهابی و اهل سنت تکفیری، مجال تحقق پیدا کرده و از آنجا که شیعیان جهادگر، تنها گروه مقابله‌کننده با حرکت‌های تمامیت‌خواهانه صلیبی و صهیونی‌اند و بزرگترین مانع در اجرای آخرین مرحله از پروژه حکومت جهانی یهود، لذا با ایجاد اختلاف و درگیری بین شیعیان، باعث گرفتاری و آوارگی شیعیان شده‌اند؛ به طوری که امروزه در منطقه خاورمیانه و کشورهای اسلامی ما شاهد اختلاف شدید و هرج و مرج بین مردم و سران کشورها هستیم. حتی یکی از نشانه‌های سفیانی به عنوان نشانه حتمی ظهور، شیعه‌کشی و دشمنی اهل بیت بودن است. در حدیث از امام باقر علیه السلام چنین آمده است: «فَإِنَّ حَقَّهُ وَ شَرَّهُ إِمَّا هِيَ عَلَى شِيعَتِنَا؛ شدت خشم و حرص او تنها بر شیعیان ماست».

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: «قائم ظهور نمی‌کند تا آنکه فتنه‌ای شام را فراگیرد و اهل شام به دنبال خلاصی از آنند؛ اما راهی برای آن نمی‌یابند».^۴

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

[كَيْفَ] أَنْتُمْ إِذَا بَقِيتُمْ بِأَإِمَامٍ هُدًى وَلَا عِلْمٍ يَرَى يَبْرَأُ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ؟^۵

۱. «... لَا يَكُونُ ذَلِكَ الْأَمْرُ حَتَّى يَثْقُلَ بَعْضُكُمْ فِي وُجُوهِ بَعْضٍ ...» (الغیة، نعمانی، ص ۲۰۶، ح ۱۰، باب ۱۲).

۲. مریم (۱۹)، ۳۷.

۳. «... أَنْتَظِرُوا الْفَرَجَ مِنْ ثَلَاثٍ ... اخْتِلَافُ أَهْلِ الشَّامِ بَيْنَهُمْ ...» (الغیة، نعمانی، ص ۳۵۶، باب ۱۴، ح ۸).

۴. الغیة، نعمانی، ص ۳۰۰.

۵. همان، ص ۲۹۰.

۶. الغیة، طوسی، ص ۳۴۱، باب ۵.

چگونه‌اید زمانی که بدون امام باشید و هیچ پرچم (یا دانشی) برای شما نباشد، برخی از شما از دیگری بیزاری جوید.

ب) ویژگی‌های اجتماعی

۱. طرد صلاح

امیرالمؤمنین علیه السلام از نظر اجتماعی اوضاع جامعه آخرالزمان را چنین توصیف می‌فرمایند: مسلمانان زمانی بر مردم خواهد آمد که افراد فاجر و گناهکار را مورد احترام خاص قرار می‌دهند، سخن چین و بدزبان را مقرب خود می‌سازند و افراد باانصاف را ضعیف و ناتوان می‌شمارند. عرض کردند: یا امیرالمؤمنین! کی خواهد شد؟ فرمودند: (هر وقت دیدید امانت را غنیمت می‌شمارند (خیانت به امانت می‌کنند)، دادن زکات را برای خود زیان و غرامت می‌پندارند، عبادت را بار و سنگینی بر دوش خود می‌دانند و صله کردن را با منت انجام می‌دهند. عرض کردند: یا امیرالمؤمنین! کی خواهد شد؟ فرمودند: هرگاه دیدید زنان تسلط پیدا کردند (بر امور اجتماعی و سیاسی و غیره) و نوجوانان به زمامداری رسیدند.^۱

۲. گسیختن روابط انسانی

گسیختن و پاره شدن پیوندهای انسانی، از پدیده‌های ویرانگر پیش از ظهور است. در این روزگاران پیوندهای اجتماعی استواری وجود ندارد و در زندگی انسان‌ها حق و عدل جایگاهی ندارد. به ظاهر انسان‌ها در کنار یکدیگر و در یک آبادی یا اجتماعی زندگی می‌کنند، لکن دل‌ها و فکرها باهم و در کنار هم نیست و میان آنها همدلی وجود ندارد. شاید بتوانیم به عنوان مهمترین علل آن گرایش به دنیا و تلاش برای بهره‌برداری هر چه بیشتر از مادیات و دوری از معنویت را مطرح کنیم که لازمه آن فرد گرایی و خود خواهی افراد و عدم پذیرش مسئولیت در قبال جامعه و افراد آن خواهد بود. و از برخی روایات استفاده می‌شود اختلاف بین انسان‌ها در آستانه ظهور شدت فراوانی می‌یابد که ناشی از ستم‌ها و هرج و مرج در جهان است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

۱. «لَيَأْتِينَ... زَمَانٌ يَظْلَمُ فِيهِ الْفَاجِرُ وَيَقْرَبُ فِيهِ الْمَاجِرُ وَيَضَعُ فِيهِ الْمُتَصِفُ...» (همان مدرک، ص ۶۹، باب حدیث علی بن الحسین، ح ۲۵).

... وَ ذَلِكَ عِنْدَ مَا تَصِيرُ الدُّنْيَا هَرْجاً وَ مَرْجاً وَ يَغَارُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فَلَا الْكَبِيرُ يَرْحَمُ الصَّغِيرَ وَ لَا الْقَوِيُّ يَرْحَمُ الضَّعِيفَ فَحِينَئِذٍ يَأْذُنُ اللَّهُ لَهُ بِالْخُرُوجِ؛^۱ ... (غیبت) در هنگامی است که دنیا دچار آشفتگی می‌گردد، و مردمان به یکدیگر می‌تازند، نه بزرگسالان به خردسالان رحم می‌کنند، و نه قدرتمندان بر ناتوانان؛ در این هنگامه‌ها خداوند امام (غائب) را اجازه خروج می‌دهد.

امام علی علیه السلام:

... وَ شَائِبُهُمْ آثَمُ وَ عَالِمُهُمْ مُنَافِقٌ وَ قَارِبُهُمْ مُمَازِقٌ لَا يَعِظُهُمْ صَغِيرُهُمْ كَبِيرُهُمْ وَ لَا يَعُولُ غَنِيَّهُمْ فَقِيرُهُمْ؛^۲ ... جوانشان بدخو، پیرشان گناهکار، عالیشان منافق.... کوچکشان به سالخورده‌گان احترام نمی‌گذارد و توانگرشان از بینوایان دستگیری نمی‌کند....

امام صادق علیه السلام:

... وَ رَأَيْتِ الصَّغِيرَ يَسْتَحْقِرُ بِالْكَبِيرِ وَ رَأَيْتِ الْأَرْحَامَ قَدْ تَقَطَّعَتْ... وَ رَأَيْتِ الْحَارَّ يُوْذِي جَارَهُ وَ لَيْسَ لَهُ مَانِعٌ...؛^۳ ... جوانان و نوجوانان کهنسالان را تحقیر می‌کنند... و همسایه، همسایه را می‌آزارد، و چیزی مانع او (در این آزاررسانی) نیست... و فرموده‌اند: آن امر واقع نخواهد شد تا اینکه برخی از شما در روی بعضی دیگر آب دهان اندازند و دیگری را لعن کنند و تا اینکه گروهی از شما گروه دیگر را دروغ‌گو بنامند.^۴

و نیز حسین بن علی علیه السلام فرموده:

کاری که شما به انتظارش هستید نخواهد شد تا آنکه شما از یکدیگر بی‌زاری جوئید و بعضی گواهی بر کفر دیگری دهد و یکی آن دیگر را لعن کند. راوی پرسید: در چنین دوران خیری وجود ندارد؟ فرمود: همه خیر در آن روزگار است که قائم ما قیام می‌کند و همه این‌ها را از میان بر می‌دارد.^۵

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۰.

۲. نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۳۵۴.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۰.

۴. «لَا يَكُونُ ذَلِكَ الْأَمْرُ حَتَّى يَشْفَلَ بَعْضُكُمْ فِي وُجُوهِ بَعْضٍ وَ...» (الغیبة، نعمانی، ص ۲۰۶، باب ۱۲ ما يلحق الشيعة من التمحيص، ح ۱۰).

۵. «... لَا يَكُونُ الْأَمْرُ الَّذِي تَنْتَظِرُونَهُ حَتَّى يَبْرَأَ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ...» (همان، ص ۲۰۵، ح ۹).

۳. رشد جہالت و دنیاپرستی

در روایات ذیل پیامبر ﷺ صفاتی را ذکر می فرماید که نشانگر دنیاپرستی و ثمره طمع افراد جامعه نسبت به امور مادی و فانی است و فقط افراد معتقد به آخرت از ریا اجتناب کرده و اهل رحمت و عطوفت هستند و به حقوق دیگران تجاوز نمی کنند. پیامبر ﷺ فرموده اند:

برامت من زمانی بیاید که باطن آنها پلید و ظاهرشان به جهت طمع در دنیا آراسته باشد و خداوند را در نظر ندارند عمل آنها ریا است و از او نمی ترسند.^۱

و نیز در توصیف مردم آخر الزمان فرموده اند:

در آخر الزمان مردمانی بیایند که از نظر ظاهر، سیمای آدمیان را دارند، اما دل هایشان مانند قلب های شیطان ها است (پراز خودخواهی و تکبر و غرور و امثال این ها است). مانند گرگ های درنده دلشان خالی از رحمت و عطوفت انسانی باشد، قتل و خونریزی برای آنها یک امر بی اهمیت خواهد بود و از کارهای زشت دوری نمی کنند. اگر با تو سخن گویند دروغ می گویند و اگر آن مردم را امین خویش قرار دادی به تو خیانت می کنند. جوانانشان بی باک و از خود راضی اند؛ چندان که مردم را از بی تربیتی خویش عاجز می کنند. شخص عاقل در میان آنها گمراه به شمار می آید و امر به معروف کننده مورد تهمت و افترا قرار می گیرد. افراد باایمان و صاحبان تقوا در میان ایشان ضعیف خواهند بود، اما افراد فاسق در میان آنها با شخصیت حساب می شوند. کارهای خوب و سنت های الهی در میان این جمعیت بدعت محسوب می شود. در چنین زمانی که مردمش دارای چنین خصوصیات اخلاقی شده اند، خداوند اشرار و مردم بد را بر آنها مسلط می کند و دیگر دعای خوبان اجابت نخواهد شد.^۲

به نظر می رسد منشأ و سرچشمه این صفات مذکور، نهادینه شدن آزادی به جای آزادگی در بشری باشد. به این معنا که آزادی عبارت است از: اینکه انسان بتواند آنچه را که تمایل دارد انجام دهد، در صورتی که مزاحمتی برای دیگران نداشته باشد، به طوری که

۱. «... سَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ تُحِبُّ فِيهِ سَرَائِرُهُمْ وَتُحْسِنُ فِيهِ غَلَاتِيَهُمْ...» (همان، ج ۸، ص ۳۰۶، باب حدیث ابوذر، ص ۲۹۷، ح ۴۷۶).

۲. «... يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ وَجُوهُهُمْ وَجُوهُ الْأَدَمِيِّينَ...» (جامع الاخبار للشعیری)، ص ۱۲۹، الفصل الثامن والثمانون فی الزمان، ح اول).

فصل دوم. ویژگی‌ها و ابعاد جامعه آخرالزمان / ۸۱

اندیشمندی مثل سارتر گوید: «چون به آزادی، ایمان و علاقه دارم، نمی‌توانم به خدا ایمان و اعتقاد داشته باشم».^۱

در نتیجه این نوع نگرش، انسان از آزادی دور و در دام هوس گرایی و هواپرستی افتاده و اسیر و برده نفس گردید. به طوری که پی آمدهای این نگاه را در صفات مذکور در روایات شاهدیم.

۴. خودخواهی (فردگرایی) و عدم توجه به مشکلات بقیه افراد جامعه

در جامعه آخرالزمانی به خاطر گرایش به دنیا و تجمل گرایی، افراد ادعای اسلام دارند، ولی برخلاف دستورات اسلام، در عمل به فکر حل مشکلات افراد دیگر نیستند و فقط به منافع شخصی خود می‌اندیشند در حالی که پیامبر ﷺ فرموده: «کسی که صبح کند شب خود را و در آن روز برای حل امور مسلمین تلاشی نکرده باشد مسلمان نیست».^۲

به امام باقر ﷺ عرض شد: اصحاب و شیعیان ما در کوفه زیاد هستند؛ اگر دستوری صادر فرمایید از شما اطاعت می‌کنند. امام در جوابش فرمودند: «آیا شیعیان ما دست در جیب یکدیگر می‌کنند و نیازمندی‌های خودشان را برطرف می‌سازند؟ عرض شد: خیر. فرمودند: کسی که از انفاق مادیات در راه خداوند مضایقه می‌کند چگونه جانش را به فرمان ما در راه حق بذل می‌نماید؟...».^۳

۵. گسستن روابط خانوادگی

در این دوران، خانواده - به عنوان هسته اصلی اجتماع - دچار تزلزل و سستی می‌گردد و پیوندهای خانوادگی گسیخته و سست می‌شود، مرد حقوق زن و زن حقوق مرد را رعایت نمی‌کند، فرزندان احترام پدران و مادران را ندارند، و مادران و پدران مسئولیت‌های تربیت فرزندان را از یاد برده‌اند. افراد پس از ازدواج با دو نوع وابستگی عاطفی روبرو هستند، وابستگی به خانواده اصلی و وابستگی به همسر، که معمولاً افراد در رویارویی با این دو وابستگی به تعارض دچار می‌شوند. و بسیاری از خانواده‌ها با شروع زندگی جدید حقوق یک طرف را فدای حقوق طرف دیگر می‌کنند. و از طرفی امروزه به عللی از قبیل تحصیل، کار و... خانواده هسته‌ای جای خانواده گسترده را گرفته که نتیجه این گسست خانوادگی محرومیت از حمایت‌های عاطفی، اجتماعی و اقتصادی خانواده اصلی خواهد بود، که

۱. انقلاب اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی، دانشگاه اصفهان، سال اول، بهار ۷۸، ص ۱۹۸.

۲. «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (الكافی (ط. الإسلامية)، ج ۲، ص ۱۶۳).

۳. «... إِنْ أَصْحَابَنَا بِالْكَوْفَةِ جَمَاعَةٌ كَثِيرَةٌ... فَقَالَ يَجِيءُ أَحَدُهُمْ إِلَى كَيْسٍ أَخِيهِ...» (الاختصاص، مفید، ص ۲۴، طائفة من أقوال النبی و الأئمة).

آسیب‌های جدی برای خانواده نوبنیان در پی خواهد داشت.^۱
امام صادق علیه السلام:

... وَ رَأَيْتُ الْعُقُوقَ قَدْ ظَهَرُوا اشْتُخِفَ بِالْوَالِدَيْنِ وَ كَانَا مِنْ أَسْوَأِ النَّاسِ حَالًا عِنْدَ الْوَلَدِ وَ يَفْرَحُ بِأَنْ يَفْتَرِيَ عَلَيْهِمَا ... رَأَيْتُ ابْنَ الرَّجُلِ يَفْتَرِي عَلَى أَبِيهِ وَ يَدْعُو عَلَى وَالِدَيْهِ وَ يَفْرَحُ بِمَوْتِهِمَا ... وَ رَأَيْتُ الْآرْحَامَ قَدْ تَقَطَّعَتْ ...^۲ ... نافرمانی و گستاخی (در برابر پدران و مادران) آشکارا است، و بی حرمتی نسبت به والدین رایج است ... به پدران خود افتراء می‌بنند و مدعی می‌شوند نسبت به پدر و مادر و به مرگ آنها شاد می‌شوند ... و پیوندهای خانوادگی از هم گسسته می‌شود.

به نقل از جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

مهدی این امت از ما خاندان رسالت است؛ وقتی که ... بزرگان به زیردستان رحم نکردند و کوچک‌ترها به بزرگان و کهن سالان احترام نگذاشتند، در چنین ایامی، خداوند مهدی ما را که نهمین فرزند حسین علیه السلام است، برمی‌انگیزاند.^۳

۶. انگیزه‌های غیرانسانی و سودجویانه در روابط اجتماعی

ابوبصیر از امام باقر علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود:

لَا يَقُومُ الْقَائِمُ علیه السلام إِلَّا عَلَى ... اخْتِلَافٍ شَدِيدٍ فِي النَّاسِ وَ تَشَتُّتٍ فِي دِينِهِمْ وَ تَغْيِيرٍ مِنْ حَالِهِمْ حَتَّى يَتَمَيَّزَ الْمُتَمَيِّزُ الْمَوْتُ صَبَاحاً وَ مَسَاءً مِنْ عَظَمِ مَا يَرَى مِنْ كَلْبِ النَّاسِ وَ أَكُلِ بَعْضِهِمْ بَعْضاً؛^۴ قائم علیه السلام قیام نمی‌کند مگر در ... اختلاف سخت بین مردم، و پراکندگی در دینشان، و پیدایش دگرگونی در وضعشان تا جایی که از شدت آنچه از هاری مردم و دریدن پاره‌ای پاره دیگر را که مشاهده می‌کند، شبانه روز آرزوی موت می‌نماید.

به نظر می‌رسد طبق این روایت می‌توان گفت که در آخر الزمان همچنان که شاهدیم، غالباً انگیزه‌های روابط اجتماعی، انگیزه‌هایی الهی و انسانی نیست. محبت‌ها و دوستی‌ها

۱. خانواده در نگرش اسلام، ص ۶۵.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۷۸.

۳. «... وَ مِنَّا مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِذَا صَارَتِ الدُّنْيَا هَرْجاً وَ مَرْجاً وَ تَطَاهَرَتِ الْفِتَنُ ...» (کفایة الأثر فی النص علی الأئمة، ص ۶۳، باب ما جاء عن جابر).

۴. الغیبة، نعمانی، ص ۲۵۵، ح ۱۳.

واقعی نیست. عشق و علاقه واقعی وجود ندارد. دوستی‌ها براساس مسائل پوچ و زودگذر است. رابطه‌ها برای دستیابی به فساد و آلودگی و خوش گذرانی است. یگانگی‌ها زبانی و ظاهری است، و در باطن بیگانگی و دوری است. انسان در ارتباط با انسان دیگر، به سود و سرمایه می‌اندیشد، و با همین انگیزه به میدان پیوندهای اجتماعی وارد می‌شود. در صورتی که سود مادی در کار باشد با هر انسانی رابطه برقرار می‌کند. طبقات اجتماعی هرکدام به نوعی تلاش می‌کنند تا حق دیگران را ببرند، و با کار و تلاش دیگران بر ثروت خود بیفزایند. جامعه انسانی به جنگلی از حیوانات تبدیل می‌گردد که در آن مردمان گرگانی‌اند به جان هم افتاده و حکومت‌ها درندگانی که به جان ملت‌ها افتاده‌اند، و هرکسی دیگری را برای منافع خود می‌خواهد.

جمع بندی

در این گفتار با اشاره به برخی ویژگی‌های سیاسی و اجتماعی، در نهایت به این جمع بندی می‌رسیم که جامعه آخرالزمانی در بعد سیاسی علیرغم تجربه دولت‌ها و قدرت‌های مختلف به ساحل آرامش نرسیده، بلکه جامعه و افراد آن گرفتار حکومت‌های متزلزل متکی به ایدئولوژیهای غلط شده است. که حاکمان برای بقای خود به استبداد و زورگویی متوسل می‌شوند. برخی افراد به خاطر اینکه از حقوق اولیه خود محروم شده و گرفتار مشکلات عدیده اقتصادی و رفاهی و امنیتی شده‌اند شورش کرده و از آنجا که در هر جامعه افراد آزاده‌ای وجود دارند، برخی ملت‌ها زیر یوغ استبداد و ظلم نمی‌روند و بر علیه حاکمان مستبد قیام می‌کنند، لذا ناامنی و کشتار در سراسر جهان فراگیر شده و حکومت‌های استعمارگر برای حفظ سلطه خود دست به هرکاری می‌زنند، مثلاً به حربه معروف اختلاف بینداز و حکومت کن متوسل شده و بذراختلاف و نفاق و کینه را در جوامع می‌پاشند، تا افراد آزاده را گرفتار کرده و با فرسایش قدرت آنها از غضبشان نجات یابند. که این ترفند، اختلاف بین خداپرستان و آوارگی افراد جامعه را در پی دارد.

گفتار سوم

وضعیت اقتصادی جامعه آخرالزمان

در آخرالزمان از لحاظ اقتصادی، عموم مردم، بافاصله گرفتن از آموزه‌های دینی و یاد خداوند، در زندگی سختی به سر خواهند برد. همان گونه که خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً﴾^۱ یعنی و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت، زندگی تنگ (و سختی) خواهد داشت.

در نگاه نخست با پیشرفت صنعت و فناوری به نظر می‌رسد جوامع انسانی رو به رفاه و آسایش می‌روند؛ اما واقعیت این است که بخش‌های زیادی در لایه‌های آشکار و پنهان جامعه، همچنان با فقر و نداری دست به گریبان هستند. امام صادق (علیه السلام) فرمود:

همانا پیش از قیام قائم عجل الله فرجه نشانه‌هایی خواهد بود از جمله: آزمایش به گرفتاری از جانب خدای تعالی برای بندگان با ایمان. عرض کردم: آن آزمایش چیست؟ فرمود: همان فرمایش خدای عزوجل است که: ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾^۲ یعنی و قطعاً شمارا به چیزی از (قبیل) ترس و گرسنگی، و کاهش در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزماییم و مژده ده شکیبایان را.

آن حضرت فرمود: حتماً شمارا خواهیم آزمود؛ یعنی، مؤمنان را به چیزی از ترس از پادشاهان فلان خاندان در پایان سلطنتشان و گرسنگی با گرانی نرخ‌هایشان و کاستی در مال‌ها (منظور خراب شدن بازرگانی و کم شدن رشد و سود در آن)، و جان‌ها ...^۳

در این گفتار ویژگی‌های اقتصادی جامعه پیش از ظهور را ذیل چند عنوان بررسی می‌کنیم:

۱. طه (۲۰)، ۱۲۴.

۲. بقره (۲)، ۱۵۵.

۳. «لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ قُدَّامَ الْقَائِمِ سَنَةٌ تَجُوعٌ فِيهَا النَّاسُ وَيُصِيبُهُمْ خَوْفٌ شَدِيدٌ...» (الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۱، باب ۱۴، باب ما جاء فی العلامات، ح ۶).

۱. ویژگی‌های تولیدی و عمرانی

۱-۱. خشک‌سالی و بی‌رونقی کشاورزی

یکی از منابع درآمد اقتصادی برای جامعه، بخش کشاورزی و تولیدات آن است که به رشد جامعه کمک می‌کند. در آخرالزمان طبق آیات و روایات، به علل مختلفی نظیر ارتکاب گناهان، ترک واجبات الهی مثل امر به معروف و پرداخت زکات، و بهره‌برداری بی‌رویه و غیر اصولی از منابع طبیعی و تخریب آنها، جامعه‌ها گرفتار بارندگی‌های نابجا، خشک‌سالی و بی‌رونقی کشاورزی می‌شوند. به طوری که الآن در دنیا بحران کم‌آبی مطرح است. موسسه منابع جهانی در تازه‌ترین گزارش مورخ ۲۶ آگوست (۴ شهریور) اعلام کرد: ۱۴ کشور از ۳۳ کشوری که سال ۲۰۴۰ (۱۴۱۹ هـ ش) با کمبود جدی آب مواجه خواهند بود، جزو کشورهای حوزه خاورمیانه هستند. میزان تقاضا برای آب به احتمال زیاد طی چند دهه آینده همچون موجی رو به افزایش خواهد گذاشت.^۱

پیامبر ﷺ فرمود:

بر مردم زمانی خواهد آمد که چنان گرگ‌های خون‌خوار، صورت‌هایشان صورت آدمیان و قلوبشان قلوب شیاطین است. از منکری که انجام می‌شود نهی نمی‌کنند. اگر برایشان حدیث کنی تکذیب می‌نمایند و اگر از ایشان دوری کنی از تو غیبت می‌نمایند، سنت نزدشان بدعت و بدعت نزدشان سنت شمرده می‌شود، انسان حلیم بین آنها مکار و انسان مکار حلیم شمرده می‌شود، مؤمن در بین آنها مستضعف و فاسق بینشان شریف شمرده می‌شود... سپس در این هنگام خداوند باران را در زمانش حرام نموده و در غیر زمانش نازل می‌نماید و افراد شرورشان را بر ایشان مسلط می‌گرداند پس آنها بدترین عذاب‌ها را برایشان می‌چشانند، فرزندان‌شان را ذبح نموده و زنان‌شان را حلال می‌شمارند پس خوبانشان دعا می‌نمایند و اجابت نمی‌شود.^۲

۱-۲. شهوت ثروت اندوزی

ثروت اندوزی در تقابل با اقتصاد سالم می‌باشد. در اسلام کسب ثروت برای اهداف

۱. <http://www.elmdaily.ir>

۲. «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يُجَوِّهُهُمْ وَيُجَوِّهُ الْأَدَمِيينَ» (همان، ج ۱۱، ص ۳۷۵ باب ۴۹)؛ (جامع‌الآخبار، ص ۱۲۹، فصل ۸۸ فی الزمان).

متعالی چون خود خوردن و به دیگری نیازمند بخشیدن در قالب انفاق و احسان امری مثبت است؛ اما کسب ثروت برای ثروت همانند هنر برای هنریک دروغ بزرگ و انحراف خطرناک است.

اقتصاد سالم نیازمند مانع زدایی و فراهم آوری مقتضیاتی است که از جمله آنها برداشتن مانع جدی به نام اندیشه ثروت اندوزی است. اگر مردمی بخواهند تنها در اندیشه ثروت اندوزی باشند هرگز به اقتصاد سالم نمی‌رسند؛ زیرا میان اقتصاد سالم و ثروت اندوزی تقابل جدی است.

اگر ملت و دولتی بخواهند به هر شکلی ثروت اندوزی کنند و بردارایی و ثروت خود بیافزایند، همت عالی ایشان از حرکت در مسیر اقتصاد سالم به سمت اقتصاد و کسب ثروت و سرمایه به هر شکلی تغییر می‌یابد؛ این گونه است که هدف وسیله را توجیه می‌کند و دولت و ملت برای کسب ثروت به انواع رفتارهایی دست می‌یازند که گاه خلاف شرع و عقل است چنان که گرایش به اقتصاد ربوی در همین راستا انجام می‌گیرد و یا به سمت اختلاس و دزدی می‌روند یا گاه دیگر برای کسب ثروت، خود را خوار و خفیف کرده و دست به سوی هر کس و ناکسی داراز می‌کنند.

علامه در المیزان علت اصلی بروز گناهان را مسایل اقتصادی می‌داند.

«علت بروز تمامی آنها (گناهان) یکی از دو چیز است: یا فقر مفرطی است که انسان را به اختلاس اموال مردم از راه سرقت، راهزنی، آدم‌کشی، گرانفروشی، کم‌فروشی، غصب و سایر تعدیات وادار می‌کند، و یا ثروت بی حساب است که انسان را به اسراف و ول‌خرجی در خوردن، نوشیدن، پوشیدن، تهیه سکنی و همسر، و بی بند و باری در شهوات، هتک حرمتها، و تجاوز در جان، مال و ناموس دیگران وامی‌دارد. و همه این مفاسد که از این دو ناحیه ناشی می‌شود هر یک به اندازه خود تاثیر مستقیمی در اختلال نظام بشری دارد، نظامی که باید حیات اموال و جمع‌آوری ثروت و احکام مجعول برای تعدیل جهات مملکت و جدا ساختن آن از خوردن مال به باطل را ضمانت کند، وقتی این نظام مختل گردد و هر کس به خود حق دهد که هر چه بدستش می‌رسد تصاحب کند، و از هراهی که برایش ممکن باشد ثروت جمع نماید قهراً سنخ فکرش چنین می‌شود که از هراهی که ممکن شد باید مال جمع‌آوری کرد چه مشروع و چه نامشروع، و بهر وسیله شده باید غریزه جنسی را اقناع و اشباع کرد چه مشروع و چه نامشروع، و هر چند به جاهای باریک هم

بکشد».^۱

کسی که همواره در این اندیشه است که جمع کند و تکاثر داشته باشد، هم چنین اهل انفاق نیست و این گونه است که ثروت جامعه و نقدینگی آن به جای حرکت در تولید و پیشرفت به سمت رکود و تورم و مانند آن سوق داده می‌شود. در آیات قرآنی از جمله:

﴿وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾^۲ و کسانی را که زرو سیم می‌اندوزند و در راه خدا انفاقش نمی‌کنند، به عذابی دردآور بشارت ده.

و نیز آیه ۷ سوره حشر نسبت به بینش و نگرش باطل زراندوزی و کسب ثروت‌ها به هر شکل هشدار داده شده و ثروت اندوزی برخلاف جریان سالم اقتصاد در جامعه به عنوان یک تهدید در مقابل با اصول شریعت و اخلاق اسلامی دانسته شده است.

در حقیقت همان طوری که رباخواری در تقابل با اقتصاد سالم اسلامی است، ثروت اندوزی و کسب ثروت به هر شکل نیز در تقابل با آن است. ثروت بی مورد و بی جا که هیچ مصرف عقلایی و عقلانی نداشته باشد، چه فایده‌ای جز بدبختی دنیوی و اخروی در قالب تکاثر و تفاخر و مانند آن دارد؟

ثروت باید وسیله‌ای باشد برای استفاده همگان، پر کردن خلاءهای اقتصادی؛ مرهم نهادن بر زخم‌های جانگاہ محرومان و برای رسیدگی به نیازها و مشکلات مستضعفان. از نظر اسلام مال و ثروت به خودی خود نه خوب است و نه بد؛ بلکه اگر نردبان صعود انسان به کمال گردد خوب و اگر موجب دل بستگی آدمی گردد و سد راه شود ناپسند خواهد بود. یکی از یاران امام صادق علیه السلام به آن حضرت گفت: چه کار کنم، من دنیا را دوست دارم و به آن علاقه مندم! می‌ترسم دنیا پرست باشم. امام علیه السلام فرمود: «با ثروت دنیا چه می‌خواهی انجام دهی؟» گفت: هزینه خود و خانواده ام را تهیه کنم و به خویشاوندان کمک کنم. در راه خدا انفاق کنم و حج و عمره به جا آورم. امام علیه السلام فرمود: «این دنیا طلبی نیست، بلکه طلب آخرت است».^۳

در جامعه آخرالزمانی به طور محسوسی گرفتار اعتباریاتییم و از واقعیات غافل شده‌ایم. مثلاً

۱. ترجمه المیزان، ج ۹، ص ۳۳۱.

۲. توبه (۹)، ۳۴.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۴، باب ۷.

مالکیت انسان از نگاه اسلام امری اعتباری و عرضی و در طول مالکیت الهی است و خدا را مالک الملک می دانیم. درحالی که با دقت در رفتار خود به این امر واقف خواهیم شد که بعضاً مالکیت بالاصاله الهی را از یاد برده ایم و حتی گاهی آگاهانه برای افزایش مایملک خود به معامله با افراد مضطر به فروش رو می آوریم درحالی که در جامعه مطلوب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف افراد برای رفع گرفتاری دیگران باید از خودگذشتگی و ایثار کنند نه چپاول اموال افراد مضطر!

به عنوان نمونه از ابتدای دهه ۹۰ تا امروز بیش از ۱۳ هزار میلیارد تومان اختلاس و فساد اقتصادی در کشور انجام شده که عاملان آنها تنها ۴ نفر بوده اند. آثار فسادهای مالی تنها محدود به اقتصاد نمی شود و تاثیرات منفی اجتماعی هم در بردارد. در اولین گام، مقایسه گری اجتماعی را زیاد می کند. سپس باعث ترویج فردگرایی و بی تفاوتی نسبت به هم منع شده و در نهایت همبستگی اجتماعی را کاهش می دهد. افراد وقتی در جریان فسادهای مالی با رقم های کلان قرار می گیرند خود را با بالا دستشان مقایسه می کنند و این تصور در آنها شکل می گیرد که اگر آقای ایکس توانست با رانت خواری به امکانات و ثروت دست پیدا کند، چرا ما نتوانیم؟ همین نقطه شروعی است برای آنکه سعی کنند به امکاناتی فراتر از جایگاه خود دست پیدا کنند.^۱

امام صادق علیه السلام می فرماید: «بر مردم زمانی خواهد آمد که عده ای با افراد مضطر معامله می کنند که این افراد جزو شرورترین مخلوقات خداوندند».^۲

امام باقر علیه السلام می فرماید:

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بر مردم زمانی خواهد آمد که به پروردگارشان شکایت می کنند، به این صورت که افراد می گویند سوگند به خدا هیچ سودی نبرده ام و از رأس المال خودم می خورم و می آشامم. که امام فرمود مگر اصل مال تو از خداوند نیست.^۳

به عبارتی افراد مالکیت الهی را فراموش می کنند.

۱-۳. زیاده خواهی

فرآیند مدرنیزاسیون یعنی پذیرش توسعه مدل غربی در کشورهای جهان سوم در عمل

۱. رک: خبر ۴۷۲۳۷، <http://www.khabaronline.ir>

۲. «... يَنْبَرِي فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ قَوْمٌ يَعْمَلُونَ الْمُضْطَرِّينَ هُمْ شِرَارُ الْخَلْقِ»؛ (کافی، (ط - الاسلامیه)، ج ۵، ص ۳۱۰، باب نوادر، ح ۲۹).

۳. «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَشْكُونَ فِيهِ رَبَّهُمْ... يَقُولُ الرَّجُلُ وَاللَّهِ مَا رَبِحْتُ شَيْئاً... وَيَحْكُ وَهَلْ...»؛ (همان، ص ۳۱۲، باب نوادر، ح ۳۷).

عموما نه تنها کشورها را به هدف خود که توسعه بود نرساند، بلکه نظام اجتماعی و کارکرد سنتی آنها را نیز تحت الشعاع قرار داده. به این معنا که با گسترش میزان توسعه، میزان کارکرد جامعه به جای افزایش، کاهش یافته است و مشکلاتی نظیر بی‌نظمی، انحرافات، دزدی، فحشا، بی‌اعتمادی، زیاده‌خواهی و غیره افزایش خواهد یافت. در نتیجه افراد عموماً در هر موقعیتی که قرار دارند، آرامش نداشته و از آن راضی نیستند. لذا از موقعیت اجتماعی خود نه تنها برای بهره‌رساندن به خلق استفاده نمی‌کنند بلکه برای کسب منافع شخصی و پیشرفت خود دست به هرکاری خواهند زد که این باعث رواج بی‌اعتمادی و ظلم در سطح جامعه خواهد شد.^۱

از پیامبر ﷺ از زمان فرارسیدن آخرالزمان پرسیدند، ایشان فرمودند: آخرالزمان زمانی خواهد بود که معیشت انسان جز با معصیت خدا نمی‌رسد، پس در آن هنگام عزوبت حلال است. گفتند: ای رسول خدا شما ما را به تزویج امرنموده‌اید. فرمود: بله، ولی در چنین زمانی، هلاکت مرد به دست پدر و مادرش خواهد بود؛ اگر پدر و مادری نباشد به دستان همسر و فرزندان؛ اگر این نیز نباشد به دست خویشان و همسایگانش خواهد بود. گفتند آن هلاکت چگونه است؟ فرمود: به جهت تنگی معیشت او را عار محسوب می‌نمایند و او را به آنچه قدرت ندارد تکلیف می‌کنند تا اینکه او را به موارد هلاکت وارد نمایند.^۲

۲. ویژگی‌های توزیعی

۲-۱. بن عدالتی در توزیع

با اندک تاملی در کمیت و کیفیت روابط اجتماعی مثل صله ارحام در جامعه آخرالزمانی مشاهده می‌کنیم که مردم به علل مختلفی نظیر مشکلات اقتصادی و گرفتاری‌های روزمره و وجود ارتباطات غیر حضوری مثل فضای مجازی و تلفن و... از انجام این فریضه الهی سر باز می‌زنند. یکی از فرایده و مراتب صله ارحام، باخبر شدن از مشکلات مادی یکدیگر و تلاش برای رفع آن است.^۳ که با ترک این فریضه شاهدیم بین افراد خانواده‌ها نیز شکاف‌های طبقاتی ایجاد شده که یکی نمی‌داند چطور خرج کند و دیگری برای ضروریات

۱. موانع رشد علمی ایران، ص ۶۵.

۲. «قَالَ إِذَا لَمْ تُنَلِّ الْمَعِيشَةَ إِلَّا بِمَعَاصِي اللَّهِ»؛ (مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۸۷، ح ۱۳۳۳۶).

۳. خانواده در نگارش اسلام، ص ۶۲.

زندگی خود محتاج است. که این نشانه توزیع نادرست ثروت است، که دنبال آسایش خود بودن (خودخواهی) و عافیت طلبی جزو پررنگ ترین علت های توزیع ناعادلانه است.

مشخصه اصلی دنیایی که در آن زندگی می کنیم، دگرگونی های پُرشتابی می باشد که تمامی عرصه های زندگی انسان امروزی را تحت تاثیر قرار داده است. شاید در هیچ دوره ای از تاریخ بشر، دگرگونی و تحولات اجتماعی به اندازه ی امروز در روابط انسانی تاثیرگذار نبوده است. از جمله مشکلات پدید آمده در دنیای امروز، با وجود فعالیت های نهادهای مردمی و فعال حقوق بشر، شکاف عمیق و اختلاف زیادی است که بین سطح زندگی مردم در کشورهای مختلف وجود دارد. ثروت در جهان به شکلی ناعادلانه و تبعیض آمیز بین افراد جامعه توزیع شده، تقسیم مردم به دو گروه بالا شهری و پایین شهری وضعیت تکان دهنده عظیمی است که ملل مختلف از آن رنج می برند.

برخی پژوهش ها حاکی از آن است که فقط یک درصد از جمعیت دنیا؛ چهل درصد ثروت جهان را در اختیار دارند، و پنجاه درصد مردم جهان هم صاحب کمتر از یک درصد ثروت می باشند. به طور معمول مشخصه اختلاف طبقاتی نحوه تقسیم سرمایه های مادی و غیرمادی هر جامعه می باشد. به عنوان مثال می توان از میزان دسترسی افراد به آموزش و بهداشت به عنوان ثروت غیرمادی نام برد و تقسیم دارایی های نقدی، جنسی و شغلی را به عنوان ثروت مادی شناخت.

توزیع ناعادلانه ثروت فاصله عمیق طبقاتی را میان انسان ها به میان آورده است که نتیجه ناخوشایند نظام سرمایه داری می باشد. زیرچتر نظام سرمایه داری تعدادی انگشت شمار بخش عظیمی از ثروت جهان را در اختیار داشته و این در حالی است که عده ی کثیری از نفوس جهان در فقر و تنگدستی در حالی زندگی می کنند که لقمه نانی برای خوردن ندارند. به گزارش واحد مرکزی خبر شبکه خبری فرانس ۲۴ در گزارشی درباره بی عدالتی و توزیع ناعادلانه ثروت در جهان اعلام کرد: ۸۵ نفر از ثروتمندترین افراد جهان هم اکنون نیمی از ثروت فقیرترین مردم جهان را در اختیار دارند و به همین علت آکسفام، یکی از بزرگترین گروه های بین المللی فعال در یاری رسانی برای ریشه کنی فقر، گرسنگی و بی عدالتی در جهان، در همین باره و افزایش نابرابری ها در جهان هشدار داده است.^۱

ثروتمندترین مردمان دنیا که تعدادشان به یک درصد جمعیت جهان می رسد، اکنون ۴۰ درصد ثروت کره زمین را در اختیار دارند. شهروندان اروپا، آمریکا و بعضی کشورهای آسیا

۱. واحد مرکزی خبر، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۳، کد خبر: ۴۹۹۸۹.

۱ / فصل دوم. ویژگی‌ها و ابعاد جامعه آخرالزمان ۹۱/

واقیانوسیه بیشترین تعداد ثروتمندان جهان را تشکیل می‌دهند. بیش از یک سوم از ابرثروتمندان جهان در آمریکا زندگی می‌کنند و ژاپن ۲۷ درصد، انگلیس ۶ درصد و فرانسه ۵ درصد از ثروتمندان جهان را به خود اختصاص داده‌اند.^۱

واقعیت نظام سرمایه داری طوری است که تناسب معکوسی را در افزایش سرمایه و دارایی ثروتمندان و گسترش دامنه فقر ایجاد کرده است، چنانچه به همان اندازه که به تعداد سرمایه داران و یا سرمایه‌های آنها افزوده می‌شود؛ به همان اندازه به شدت فقر و گرسنگی افراد فقیر افزوده می‌شود. نظام سرمایه داری همانطوری که از نامش پیداست، نظامی است برای سرمایه داران و طبقه اغنیاء و با افراد فقیر کاری ندارد.

در زمان دولت مهدوی توزیع ناعادلانه ثروت و عمق شکاف طبقاتی از بین خواهد رفت و نظام سرمایه داری دگرگون شده و نظام اقتصادی اسلام روی کار می‌آید تا ثروت را به شکلی میان انسان‌ها توزیع نماید که نزد عده‌ای محدود جمع نگردد و با توزیع عادلانه ثروت اجازه نخواهد داد تا اقلیت ثروتمند بر اکثریت فقیر حاکمیت کنند. بنابراین، چنین نظامی تنها در موجودیت نظام اسلام می‌تواند شکل گیرد. چنانچه، هدف نظام اسلام ایجاد شرایط مناسب زندگی برای تمام انسان‌ها می‌باشد.

۲-۲. آلودگی‌های اقتصادی

در آخرالزمان بحران اقتصادی به حدّ اعلای خود می‌رسد؛ خانواده‌ها تقوای اقتصادی را از دست داده و در منجلاب آلودگی‌های اقتصادی همچون: تصرف در اموال عمومی، ربا، کم‌فروشی، رشوه خواری و گران‌فروشی غوطه ور می‌گردند. پیامبر ﷺ فرمود:

بر مردم زمانی خواهد آمد که در آن ربا به عنوان بیع و شراب به عنوان کُشمش و رشوه به عنوان هدیه، حلال شمرده می‌شود و احدی باقی نمی‌ماند جز اینکه ربا بخورد؛ پس اگر ربا نخورد از غبارش به او خواهد رسید. لعنت خدا و ملائکه و مردم همگی‌شان، بر ایشان باد، من از ایشان بیزار و ایشان از من بیزارند.^۲

در چنین شرایطی که پول بزرگترین دغدغه افراد است، فساد اقتصادی اتفاق می‌افتد و

۱. روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۱۱۲۸ تاریخ چاپ: ۱۳۸۵/۰۹/۲۳، کد خبر ۶۹۳۲۱۸.

۲. «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَشْتَكِلُ فِيهِ الرِّبَا بِالْبَيْعِ» (همان، ج ۱۳، ص ۳۳۳، و ج ۱۷، ص ۶۹، باب تحریم نبیذ، ح ۲۰۷۸۴).

کسب منفعت فردی بیشتر از هر چیزی اهمیت پیدا می کند و می بینیم که افراد از هر طریق سعی در کسب مال بیشتر دارند، ولو از روش های غیرقانونی. از طرف دیگر این تفکر غالب باعث می شود همه چیز معنای خود را در کنار پول و مسایل مالی از دست بدهد. کار، صرفاً فعالیت برای پول درآوردن می شود و تحصیل هم ابزاری است برای رسیدن به موقعیت مالی بهتر. این یعنی همه چیز تحت الشعاع پول قرار می گیرد. در روایات در مورد توصیف وضعیت اقتصادی در جامعه آخرالزمانی آمده که می بینی اگر مردی یک روز گناه بزرگی همچون فحشا، کم فروشی، کلاه برداری و شرب خمر انجام نداده باشد، بسیار غمگین و اندوهگین می شود که گویی آن روز عمرش تباه شده است و می بینی که زندگی مردم از کم فروشی و تقلب تأمین می شود. در آن زمان ربا شایع می شود، کارها با رشوه انجام می یابد، مقام و ارزش دین تنزل می نماید و دنیا در نظر آنها ارزش پیدا می کند.

۳. ویژگی های مصرفی

۳-۱. ترک زهد و ساده زیستی

زهد و ساده زیستی زینت کارگزاران مهدی است. حضرت علی علیه السلام بالندگی جامعه را وابسته به رفتار زاهدانه و قانعانه کارگزاران و مردم می داند.^۱ یکی از موانع رسیدن به جامعه منتظر و تقبل امام و تلاش برای پذیرش او امر و نواهی ایشان دل بستن به دنیا و دنیا طلبی است که در بسیاری از موارد با پذیرش او امر و نواهی امام مغایرت دارد؛ براین اساس روایات زهد را می توان به عنوان یکی از صفات بارز شیعیان قرارداد که به روایتی اشاره خواهیم کرد که در آن به صفاتی اشاره شده که در جامعه آخرالزمانی مدعیان تشیع غالباً فاقد آن اوصاف هستیم، بلکه بعضاً مخالف آن عمل می کنیم؛ مثلاً اسلام ما را از دل بستگی به دنیا نهی کرده و گفته به آن به عنوان مزرعه ای برای کسب توشه برای آخرت نگاه کنیم در حالی که با نگاهی به وضع اسراف کاری ها در کشور خودمان، در سطح فردی می بینیم برخی با غرق شدن در مادیات رو به مصرف گرایی و تجمل گرایی آورده ایم و اهل اسراف در مال و جان و عمر خود شده ایم. تا جایی که حتی در مراسمی که برای اموات برگزار می شود نیز رقابت در پذیرائی های کمرشکن رایج شده به طوری که مصیبت صاحب عزادو چندان می شود. از طرفی در حالی که هزاران جوان دختر و پسر بی همسر، به واسطه فقر از زندگی زناشوئی و

تشکیل خانواده محروم هستند و مفسد اجتماعی گوناگون آن، سعادت همه جامعه و امنیت را تهدید می‌نماید، ملاحظه می‌شود که برخی مرفهان در مجلل‌ترین هتلهای مبالغه‌آمیز با آن می‌شود خانواده‌هایی را از فقر نجات داد صرف می‌نمایند، و در سطح دولتی و کلان نیز شاهدیم مدیران سیاسی - اجتماعی بر سر تجهیزات با هم رقابت می‌کنند و برای هر موضوع پیش پا افتاده‌ای، سمینار، کنفرانس و همایش‌های پرهزینه و کم‌فایده و بعضاً بی‌فایده برگزار می‌کنند.^۱

روشن است وقتی در جامعه این گونه امور افتخار و احترام آفرین باشد فسادهای بسیار گریبانگیر آن جامعه می‌شود. در حالی که امام صادق (ع) در مورد صفات شیعیان فرمودند: «شیعه علی (ع) افرادی لاغر، رنج‌دیده، لب خشکیده، لب‌هایشان چروکیده، شکم‌هایی لاغر و رنگ چهره‌شان متغیر است».^۲

۳-۲. بی‌توجهی به اقشار ضعیف جامعه

افراد جامعه منتظر نسبت به یکدیگر مسئولیت‌هایی دارند که باعث تکامل جامعه و تقویت ظرفیت‌های موجود در جامعه جهت هرچه بیشتر پذیرا بودن امر امام می‌شود. این مسئولیت‌ها در بخش تکافل و تلاش برای تقویت روابط اجتماعی نمودار می‌گردد. جامعه‌ای مطلوب امام است که افراد آن جامعه در جمیع احوال به یکدیگر رسیدگی کنند و غافل از یکدیگر نباشند. در حالی که در جامعه آخرالزمانی، عکس این قضیه ثابت است؛ بنابراین آن جامعه، منتظر و مطلوب امام نخواهد بود، لذا روایات به مواردی چون احوال‌پرسی، عیادت مریض، رسیدگی به فقرا، امانت‌داری، رسیدگی به یتیمان و بدهکاران و غیره اشاره نموده‌اند. به عنوان نمونه:

الف) محمد بن عجلان گوید: «نزد امام صادق بودیم که مردی وارد شد و سلام کرد امام (ع) از او پرسید: برادران دینی تو چگونه‌اند؟ او از آنان ستایش فراوانی نمود. حضرت به او فرمود: احوال‌پرسی توانگران از مستمندان چگونه است؟ گفت: کم است. حضرت فرمود: رسیدگی اغنیا به فقیران بر چه پایه است؟ گفت: رفتار و کردارهایی را یادآور می‌شوید که پیش ما نیست! حضرت فرمود: پس این‌ها چگونه گمان می‌کنند که از پیروان ما هستند».^۳

۱. آناتومی جامعه، ص ۳۳۶.

۲. «شِيعَةُ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) النَّاجُونَ الدَّابِلُونَ ذِبْلَةً [ذَابِلَةٌ] شَفَاهُهُمْ خَمِيصَةٌ بَطُونُهُمْ مُتَغَيَّرَةُ أَلْوَانُهُمْ»؛ (صفات الشيعة، ص ۱۳، ح ۲۴).

۳. «قَالَ لَهُ كَيْفَ عِيَادَةُ أَغْنِيَائِهِمْ لِفَقَرَائِهِمْ قَالَ قَلِيلَةٌ»؛ (همان، ص ۸، ح ۱۳).

ب) امام باقر علیه السلام می فرماید:

... پیروان ما کسانی اند که از خدا بترسند و فرمان بری او را پیشه خود قرار دهند. و آنها به فروتنی و ترس از خدا و... و رسیدگی به همسایگان فقیر و مسکین و وام داران و یتیمان و... شناخته می شوند. جابر گفت: ماکسی را به این رفتار و کردار نمی شناسیم. حضرت فرمود: آیا برای مرد همین بس است که بگوید علی را دوست دارم ولی روش زندگی او را سرمشق خود قرار ندهد؟ این دوستی هیچ بهره ای برای او نخواهد داشت.^۱

جمع بندی

در جوامع آخر الزمان از لحاظ اقتصادی، عموم مردم، به علل مختلفی مثل: استعمار، استبداد، بی عدالتی، فاصله گرفتن از آموزه های دینی و یاد خداوند و... در زندگی سختی به سر می برند. در حالی که با پیشرفت صنعت و فناوری به نظر می رسد جوامع انسانی باید رو به رفاه و آسایش بروند.

امام علی علیه السلام می فرماید:

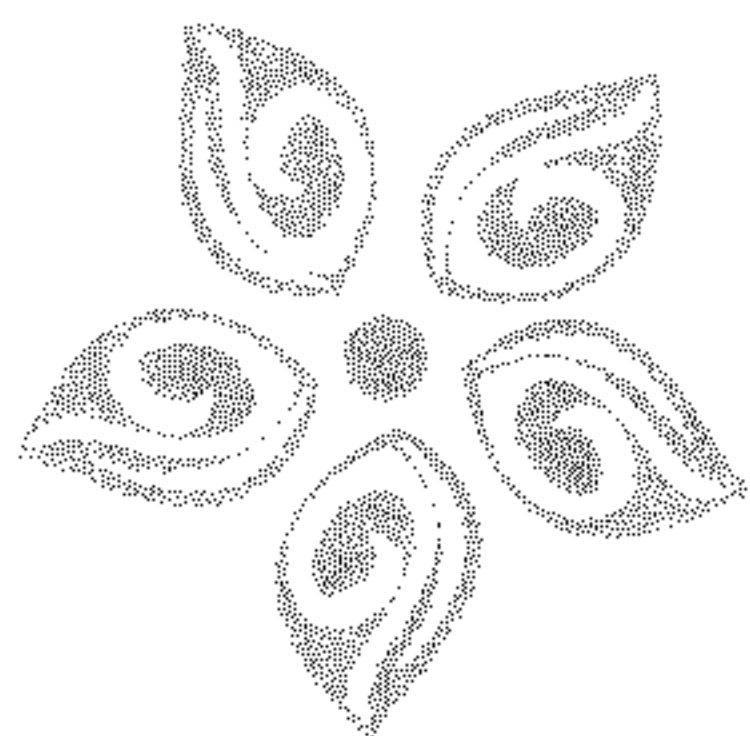
... سوگند به خدا... اگر علم را از معدن آن اقتباس کرده و خیر را از جایگاه آن خواستار شده بودید، و از میان راه به رفتن پرداخته بودید، و راه حق را از طریق روشن آن پیموده بودید، راه های شما هموار می گشت، و نشانه های هدایتگر پدید می آمد، و فروغ اسلام شما را فرا می گرفت، و به فراوانی غذا می خوردید، و دیگر هیچ عائله مندی بی هزینه نمی ماند، و بر هیچ مسلمان و غیر مسلمانی ستم نمی رفت...^۲

اما در جوامع امروزی واقعیت این است که بخش های زیادی در لایه های آشکار و پنهان جامعه، همچنان با فقر و نداری دست به گریبان هستند. البته وقتی برنامه الهی برای سعادت دنیا و آخرت بشر مطرود واقع شود و جوامع بر اساس نسخه پیچیده شده توسط بشر پیش روند، جز این انتظار نیست.

۱. «مَا شِيعَتُنَا إِلَّا مَنْ اتَّقَى اللَّهَ... وَالتَّعَهُدُ لِلْجِيرَانِ مِنَ الْفُقَرَاءِ وَأَهْلِ الْمَشْكَنَةِ وَالْعَارِمِينَ وَالْأَيَّامِ»؛ (صفات الشیعه، ص ۱۲، ح ۲۲).

۲. «...أَمَّا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ لَوِ اقْتَبَسْتُمْ الْعِلْمَ مِنْ مَعْدِنِهِ...، لَنَهَجَتْ بِكُمْ الشُّبُلُ، وَبَدَتْ لَكُمْ الْأَغْلَامُ...»؛ (کافی (دارالحدیث)، ج ۱۵، ص ۹۵).

نهایتاً وضعیت اقتصادی جامعه آخرالزمانی را در ابعاد مختلف اینگونه بیان کردیم که: در بعد تولید جوامع با مشکلات طبیعی نظیر خشکسالی و بی رونقی در تولیدات کشاورزی مواجه‌اند. و در سطح جامعه معاملات حرام رواج می‌یابد که ثمره آن ایجاد اقتصاد ناسالم و شکاف طبقاتی در سطح جامعه است. و سرمایه داران در این بازار برنده خواهند بود و با معامله با افراد مضطرب روز به روز بر سرمایه خود می‌افزایند، و با زیاده خواهی‌های خود و گرایش به مادیات و عدم پرداخت خمس و زکات، در زندگی تجملاتی خود غرق شده و اقشار ضعیف و آسیب پذیر جامعه را نادیده می‌گیرند، و وظیفه خود نسبت به آنان را فراموش کرده، و به فرموده پیامبر خدا ﷺ گرفتار بت پرستی مدرن و خودخواهی و عافیت طلبی می‌شوند. لذا ما باید در جامعه منتظر و زمینه ساز مراقب گسترش چنین آسیب‌هایی باشیم و در اجرای عدالت در تمام ابعاد آن تلاش فراوانی بنماییم.



فصل سوم: ویژگی‌ها و ابعاد

جامعه مهدوی

عصر ظهور

اداره سرزمینی به گسترده‌گی دنیا، با مشکلات عدیده و ویرانی‌های حاصل از جنگ و درگیری‌های آخرالزمان، کار دشواری است که تنها رهبری الهی و کارگزاری دلسوز و معتقد به نظام الهی و حاکمیت اسلام از عهده این کار خواهند آمد. چنین مدیرانی بردشواری‌ها پیروز شده و ویرانی‌های موجود را به آبادانی تبدیل خواهند نمود. باید توجه داشت که حضرت هنگامی زمام امور را به دست می‌گیرد که دنیا وارث انبوهی از نابسامانی‌هاست و از سویی، طبق روایات، مردم جهان، دولت‌ها، احزاب و سازمان‌های بسیاری را خواهند دید که مدّعی خدمت به جهانیان با هدیه کردن آرامش و امنیت و بهبودی وضع اقتصادی خواهند بود ولی در عمل هر کدام از دیگری بدتر رفتار کرده و جز فساد و کشتار و ویرانی چیزی به ارمغان نخواهند آورد. مانند مکاتبی چون کمونیسم، لیبرالیسم، فمینیسم و دموکراسی‌های غربی که جز شعاری مردم فریب چیزی نداشتند.

و در نهایت روزگاری فرا می‌رسد که عدل و عدالت به دست توانای مرد الهی در روی زمین مرده از ستم جاری خواهد شد. حضرت، حکومت را به گونه‌ای سازماندهی می‌کند که به تعبیر روایات، حتی حیوانات نیز دست از تعدّی و ستم برمی‌دارند و گوسفند همنشین گرگ می‌گردد.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه ﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَخِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾^۱ می‌فرماید:

خداوند زمین را با حضرت قائم علیه السلام زنده می‌گرداند. آن حضرت در زمین به عدالت رفتار می‌کند و زمین را با گسترش عدالت زنده می‌نماید؛ پس از آن که در اثر گسترش ستم مرده بود.^۲

۱. بقره (۲)، ۲۵۱.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۶۸.

نیز امام صادق علیه السلام می فرماید:

به خدا سوگند، به طور حتم عدالت مهدی علیه السلام به درون خانه ها و اتاق های شان نفوذ می کند؛ هم چنان که سرما و گرما در آن وارد می شود.^۱

در نتیجه از آیات و روایات استفاده می شود که در نهایت امر، حکومت عدل الهی توسط حضرت مهدی علیه السلام همه جهان را بدون استثنا در بر خواهد گرفت. ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۲

بنابراین ما در فصل سوم ضمن سه گفتار در ابعاد: فرهنگی - اعتقادی، سیاسی اجتماعی و اقتصادی ویژگی های جامعه بعد از ظهور (جامعه مهدوی) و مقارن حضور حضرت را بررسی می کنیم تا در نهایت از مقایسه این دو جامعه بتوانیم برای تقویت جبهه حق و ارتقاء جامعه منتظر گامی برداریم.

۱. الغیبه، نعمانی، ص ۱۵۹.

۲. انبیاء (۲۱)، ۱۰۵.

گفتار اول

ویژگی فرهنگی اعتقادی

فرهنگ معانی گوناگونی دارد.^۱ گاهی به معنای تأدیب و تربیت و پرورش انسان‌ها آمده، گاهی به معنای علم و دانش و معرفت آمده است. اگر فرهنگ به معنای ادب نیکو باشد در عصر امام زمان انسان‌های عالم با آداب اسلامی تربیت می‌شوند و بریکدیگر برتری طلبی ندارند، بزرگ‌تر به کوچک‌تر رحمت و عطوفت و مهربانی می‌ورزد و کوچک‌تر به بزرگ‌تر احترام می‌گذارد. «وَلَا يَغْلُوا بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَ يَرْحَمُ الْكَبِيرُ الصَّغِيرَ وَ يَوْقِرُ الصَّغِيرُ الْكَبِيرَ».^۲ و اگر فرهنگ به معنای دانش و بینش، علم و معرفت باشد در عصر امام زمان بینش و معرفت بشر به کل معارف الهی به اوج خودش می‌رسد؛ تا آنجا که مخدرات در خانه‌های خویش تفسیر قرآن کرده و طبق کتاب و سنت الهی قضاوت می‌کنند.^۳ در نتیجه در جامعه‌ی امام زمان فرهنگ اصیل اسلامی به معنای تام کلمه بر بشر حاکم می‌شود. و هیچ انقلابی بدون یک تحول فکری و فرهنگی اساسی، راه به جایی نخواهد برد. لذا انقلابی عظیم چون انقلاب مهدی عجل الله تعالی فرجه نیازمند انقلابی بزرگ در فرهنگ و آموزش و تربیت است. بدین ترتیب با این انقلاب فرهنگی، آرمان‌های اصلاحی در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تحقق می‌یابد و مردم با کتاب خدا و سنت پیامبر بر اساس فهمی عمیق آشنا می‌شوند. ما در این گفتار به بیان چند ویژگی و شاخصه فرهنگی - اعتقادی جامعه مهدوی می‌پردازیم.

۱. ویژگی اخلاقی و تربیتی

۱-۱. گسترش اخلاق

حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه که حکومت خدا و ارزش‌های الهی برجهان است، ترویج ارزش‌های اخلاقی را در رأس برنامه‌های خود قرار خواهد داد. امام باقر علیه السلام فرمودند:

۱. فرهنگ معین، ج ۲، ص ۲۵۳۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۵، باب ۲۷ سیره و اخلاقه، ح ۱۹۴.

۳. «وَتُؤْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى...»؛ (الغیبه، نعمانی، ص ۲۳۹، باب ۱۳ ما روی فی صفته و سیرته، ح ۳۰).

زمانی که قائم ما قیام کند، دست خود را بر سر بندگان خواهد نهاد، پس عقل‌ها و اخلاق ایشان را به کمال خواهد رساند.^۱

امام خمینی قدس سره درباره‌ی عظمت مقام صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به شامل بودن مفهوم عدل در زمان ظهور اشاره کرده و می‌فرماید:

... حضرت مهدی عدالت را در تمام دنیا اجرا خواهد کرد نه آن عدالتی که مردم عادی می‌فهمند که فقط عدالت در زمین برای رفاه مردم باشد بلکه عدالت در تمام مراتب انسانیت... تمام نفوسی که هستند انحرافات در آنها هست حتی نفوس اشخاص کامل هم در آنها انحرافاتی هست ولو خودش نداند. در اخلاق انحراف هست، در عقاید انحراف هست، در اعمال انحراف هست، و در تمام کارهایی که بشر می‌کند انحرافش معلوم است و ایشان مأمورند برای اینکه تمام این کجی‌ها را مستقیم کنند و تمام این انحرافات را برگردانند به اعتدال...^۲

این سخنان نشان می‌دهد که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در برنامه‌ی کار خود از این نقطه‌ی زیربنایی و مهم که همان انسان‌سازی است، شروع می‌کنند، زیرا تا انسان‌ها ساخته نشوند جامعه بنیاد صحیح نخواهد یافت. و در این زمینه، با توجه به اینکه در حکومت جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، نهادهای اجتماعی فاسد و شیطانی نیز از بین رفته‌اند، بنابراین با گسترش معرفت و اخلاق امکان تحقق این ایده آل که تمام مفاسد ریشه‌کن شود و در صحنه‌ی اجتماع ظهور و بروز نداشته باشند، کاملاً قابل تصور است؛ زیرا هیچ‌گاه آزادی اراده و اختیار از انسان‌ها گرفته نخواهد شد، و ریشه‌ی شهوات نیز در وجود انسان باقی خواهد بود، اما با گسترش معرفت و اخلاق عواملی که به آنها دامن بزند وجود نخواهد داشت، و به عکس وسائل حاکمیت عقل و ایمان، بر شهوات برای طالبان حق و سالکان راه خدا آماده است. بدین ترتیب انحرافات اخلاقی نیز برطرف شده و گناهان و مفاسد اجتماعی فردی زمینه‌ی ظهور را نخواهد یافت و ناسازگاری‌های اجتماعی که ریشه در کینه‌توزی انسان‌ها نسبت به یکدیگر دارد، تبدیل به صلح و صفا و محبت و تعاون می‌گردد، و امنیت پایدار اجتماعی که ناشی از متمدن بودن و موحد بودن واقعی انسان‌هاست، حاصل می‌گردد.

امام علی عجل الله تعالی فرجه الشریف در این باره می‌فرماید: «به دست ما روزگار سختی‌ها سپری گردد... و چون قائم

۱. «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا... فَجَمَعَ بَيْنَهُمَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بَيْنَهُمَا أَخْلَاقُهُمْ» (کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۵، باب ۵۸)؛ (فی نوادر الکتاب، ح ۳۱).

۲. صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۲۰۷.

ما قیام کند کینه‌ها از دل‌ها بیرون رود...»^۱.

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «... خداوند وحدت کلمه پدید می‌آورد، و افکار و قلوب ناسازگار را سازگار می‌کند و خداوند عزوجل در زمین معصیت نشود...»^۲.

۲-۱. رشد تربیت انسانی

تکامل تربیت و بلوغ روحی انسان مقدمه اصلی تشکیل هر نظام صالح و انسانی است. بنابراین از جمله برنامه‌های مهم قیام امام مهدی علیه السلام خواهد بود، زیرا اصلاحات و انقلاب‌ها، نخست باید از درون انسان آغاز گردد و سپس به بیرون جامعه سرایت کند. به عنوان نمونه در زمان ظهور حضرت، کینه - که مانعی اساسی بر سر راه رشد و تعالی انسان است - برداشته می‌شود.

کینه‌توزی، سرشتی شیطنانی است. و زمینه بیشترین ناسازگاری‌های اجتماعی است، که از نابخردی و پایین بودن سطح فرهنگ انسانی سرچشمه می‌گیرد. با رشد تربیت و تکامل عقل کینه‌ها به محبت و دوستی تبدیل می‌شود، و روابط اجتماعی بر اصل انسان دوستی و نوع خواهی استوار می‌گردد.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «... چون قائم ما قیام کند، کینه‌ها از دل‌ها بیرون رود...»^۳. «... بدانید اگر شما از انقلابگر مشرق پیروی کنید، او شما را به راه و روش پیامبر راهنمایی می‌کند، و از بیماری کوری و کری و گنگی نجات می‌دهد...»^۴.

طبیعی است که منظور صرفاً بعد مادی یعنی درمان کوری و کری و گنگی بدنی نیست، بلکه مراد حضرت بعد معنوی آن هم هست یعنی تبعیت از موعود باعث می‌شود که انسان‌ها چشم و گوش و زبان روحشان گشوده شود، و بدون مانع و سرگستگی، روش درست زندگی را کشف کنند و مسئولیت‌ها و تعهدهای اجتماعی و خانوادگی و فردی خویش را شناخته و در همه مسائل زندگی فردی و اجتماعی متعهد خواهند بود.

در رستاخیز ظهور، انسان در اوج تربیت خویش به پایگاهی می‌رسد که تصور آن در دنیای کنونی که درگیر تضادها و کشمکش‌های مادی است دشوار است. تصور اجتماعی که مردم

۱. «... وَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا... وَلَذَهَبَتِ الشُّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ...» (الخصال، ج ۲، ص ۶۲).

۲. «... وَيَجْمَعُ اللَّهُ الْكَلِمَةَ وَيُؤَلِّفُ بَيْنَ الْقُلُوبِ الْمُخْتَلِفَةِ وَلَا يَغْصَى اللَّهُ فِي أَرْضِهِ...» (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶، باب ۲۲ فضل انتظار فرج، ح ۲۰).

۳. «... وَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا... وَلَذَهَبَتِ الشُّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ...» (الخصال، ج ۲، ص ۶۲).

۴. «... وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِنْ اتَّبَعْتُمْ طَالِعَ الْمَشْرِقِ... فَتَدَاوَيْتُمْ مِنَ الْعَمَى وَالصَّمَمِ وَالْبُكْمِ...» (الكافی، ط - الاسلامیه)، ج ۸، ص ۶۶، خطبه امیرالمومنین در مدینه، ح ۲۲).

آن در روابط اجتماعی، در داد و ستدها، کارخانه‌ها و مزارع برای سود کار نکنند و معیار پیوندهای گروهی و جمعی را مبتنی بر اصل سوددهی و سودآوری ندانند، بلکه همه باهم دوست و برادر باشند، آسان به نظر نمی‌رسد. لیکن استعداد فوق‌العاده انسان در تربیت‌پذیری و وجود نمونه‌های بسیار والا و کاملی از این دست انسان‌ها در همه اجتماعات، موضوع را آسان و ممکن می‌سازد، به‌ویژه با توجه به عمق و اصالت شیوه‌های الهی و انسان شناسانه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف. بنابراین امکان دارد از همین انسان‌ها، چنان افرادی شایسته ساخت و روابط اجتماعی را بر چنان معیارهایی والا بنا نهاد، و بخش‌های عظیمی از مشکلات جامعه انسانی را با تربیت درست حل کرد و این‌ها همه در پرتو فرهنگ انسانی و تعالیم مهدوی ممکن و تحقق‌پذیر خواهد بود.

۱-۳. از بین بردن رذایل اخلاقی

مشکل اساسی جوامع وجود نابسامانی، کاستی، زشتی و آلودگی‌ها در جامعه و افراد آن است و برای درمان باید به تربیت روح و روان انسان‌ها توجه کرد و صفات ناپسند و رذایل اخلاقی را در انسان‌ها از بین برد؛ همان کاری که حضرت در عصر ظهور انجام خواهد داد. امام حسین علیه السلام پس از بیان دورنمایی از جامعه قبل از ظهور می‌فرماید: «همه خیرها در آن زمان است که مهدی قیام می‌کند و همه این زشتی‌ها را از میان برمی‌دارد».^۱ در ذیل به چند نمونه از آنچه در عصر ظهور در جامعه نهادینه می‌شود اشاره می‌کنیم.

الف) مبارزه با هوای نفس

حضرت چنان معرفتی به افراد می‌دهد که حیات خود را در هدایت و کمال می‌دانند و مرگ خود را در پیروی از هواهای نفسانی. طبق فرمایش امیرالمؤمنین:

يَغْطِفُ الْهَوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَظَّفُوا الْهُدَى عَلَى الْهَوَى وَيَغْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَظَّفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ؛^۲ حضرت مردمی را که از مسیر الهی دور و تابع نفس شده‌اند، به سوی هدایت برمی‌گرداند.

ب) از بین بردن کینه‌ها و دشمنی‌ها

ریشه اکثر ناسازگاری‌های اجتماعی کینه‌ورزی است. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در این دنیا زندگی

۱. «... الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ يَقُومُ قَائِمُنَا وَيُدْفَعُ ذَلِكَ كُلُّهُ»؛ (الغیبه، نعمانی، ص ۲۰۵، باب ۱۲).

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

بهشتی فارغ از کینه‌توزی را رواج می‌دهد.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «اگر قایم ما قیام کند... کینه‌ها و دشمنی‌ها از سینه‌ها برود».^۱

ج) نابودی روحیه طمع‌کاری

انسان موجودی دوبعدی است، و هر چه انسان از برآوردن نیازهای واقعی و اصلی دور شده و گرفتار ارضای نیازهای غیرواقعی یا زیاده‌خواهی شود از انسانیت دور و به حیوانیت نزدیک می‌شود. لذا حضرت ابتدا به فطرت و نیازهای واقعی انسان‌ها بها داده و با هدایت آنها روحیه بی‌نیازی را در آنها شکوفا می‌کند. به طوری که وقتی ندا داده می‌شود که اگر نیازمندی در جمع هست برخیز فقط یک نفر برمی‌خیزد و حضرت او را بی‌نیاز می‌کند، ولی آن فرد به زودی برمی‌گردد و احساس ندامت می‌کند (عذاب وجدان می‌گیرد) که چرا طمع کرده است، و مال را برمی‌گرداند ولی حضرت نمی‌پذیرد.^۲ حضرت خطاب به مردم می‌فرماید: بیایید این همان مطاع دنیا است که به خاطر آن با اقوام قطع رحم کردید، خون‌های حرام ریختید، به حریم گناهان وارد شدید و...^۳

د) جلوگیری از معصیت و گناه

در عصر ظهور خدا در روی زمین معصیت نشده و حدود الهی مراعات می‌شود و حضرت روابط نامشروع، مشروبات الکلی و رباخواری را از بین می‌برد، مردم به اطاعت الهی رو می‌آورند، امانت‌ها را رعایت می‌کنند و افراد شرور نابود شده و صالحان باقی می‌مانند. «وَجَمَعَ اللَّهُ الْكَلِمَةَ وَیَوَّلَفَ بَيْنَ قُلُوبٍ مُخْتَلِفَةٍ وَلَا يَعْصِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي أَرْضِهِ وَيَقَامُ حُدُودُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَيُرِدُّ اللَّهُ الْحَقَّ إِلَى أَهْلِهِ».^۴

۲. ویژگی دینی و تبلیغی

۱-۲. احیای کتاب و سنت

امام علی علیه السلام در بیانی رسا حکومت قرآنی امام مهدی علیه السلام را چنین توصیف کرده‌اند:

۱. «... وَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا... وَلَذَهَبَتِ الشَّخَنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ»؛ (الخصال، ج ۲، ص ۶۲۶).
۲. «... يَقُولُ مَنْ لَهُ فِي الْمَالِ حَاجَةٌ فَمَا يَقُومُ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ... فَيُرَدُّهُ وَلَا يَقْبَلُ مِنْهُ»؛ (كشف الغممه، ج ۲، ص ۴۸۳).
۳. «... فَيَقُولُ لِلنَّاسِ تَعَالَوْا إِلَى مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَسَفَكْتُمْ فِيهِ الدِّمَاءَ الْحَرَامَ وَرَكِبْتُمْ فِيهِ مَا حَرَّمَ اللَّهُ...»؛ (الغیبه، نعمانی، ص ۲۳۷، ح ۲۶).
۴. کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۶، ح ۷.

در روزگاری که هوای نفس حاکم است، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می کند و هدایت و رستگاری را به جای هوای نفس می نشانند و در عصری که نظر شخصی بر قرآن مقدم شده است، افکار را به قرآن توجه می دهد و آن را بر جامعه حاکم می کند.^۱

حضرت در خطبه ۱۳۸ چنین می فرمایند:

فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدْلُ السَّيْرِ وَ يُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ؛ پس روش عادلانه را به شما بنماید، و آنچه از کتاب و سنت مرده است زنده فرماید.

بنابراین، از دیدگاه علی عليه السلام هدف نهایی قیام مصلح، عدالت سایه گستر جهانی و احیای کتاب و سنت است.

و امام مهدی عليه السلام می آید تا احیا کننده احکام کتاب الهی و سنت پیامبر صلى الله عليه وآله باشد: «و مُجَدِّدًا لِمَا عَظِلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ ... وَ سُنَنِ نَبِيِّكَ»^۲ و تازه کننده احکام تعطیل شده از قرآن تو... و سنت پیغمبرت باشد».

۲-۳. گسترش معنویت

پرستش خداوند در عصر ظهور، گسترش فوق العاده می یابد به نحوی که «بر صفحه روی زمین، خانه ای و خیمه ای باقی نمی ماند مگر اینکه خداوند اسلام را در آن وارد می کند». یا «هیچ زمینی باقی نمی ماند مگر اینکه شهادتین در آنجا شنیده می شود».^۳

و توجه انسان ها به عبادت و پرستش خدا به نحوی است که با همه تلاش برای گسترش مساجد، بازهم کمبود جا احساس می شود.

امام صادق عليه السلام درباره ی گسترش مساجد فقط در شهر کوفه می فرماید:

هنگامی که مهدی آل محمد عليهم السلام قیام کند در پشت کوفه مسجدی برپا می کند که هزار در دارد [کنایه از وسعت فوق العاده] و خانه های کوفه به نهر کربلا متصل می شوند.^۴

۱. «... يَعْطِفُ الْهُدَى إِذَا عَظِفُوا... وَيَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَظِفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ ...»؛ (نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۱۹۵، خ ۱۳۸).

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۶.

۳. «... وَلَا تَبْقَى فِي الْأَرْضِ بُقْعَةٌ عُيِدَ فِيهَا غَيْرُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا عُيِدَ اللَّهُ فِيهَا...»؛ (كمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۴۵).

۴. «... بَنَى فِي ظَهْرِ الْكُوفَةِ مَسْجِدًا لَهُ أَلْفُ بَابٍ وَ اتَّصَلَتْ يُبُوثُ الْكُوفَةِ بِنَهْرِ كَرْبَلَاءَ»؛ (الارشاد، ج ۲، ص ۳۸، فصل مسیره الإمام المهدی).

در هنگامه‌ی ظهور است که حضرت می‌فرماید: «ای مردم ما همان کسانی هستیم که خداوند بلندمرتبه در کتابش به شما وعده داده است».^۱ یعنی اگر حکومت را به دست بگیریم اقامه‌ی نماز به نحو کامل در حکومت ما تحقق می‌یابد.^۲

۳-۲. اقامه حدود الهی

امام کاظم علیه السلام در مورد حکومت الهی مهدی علیه السلام در تفسیر آیه «خداوند زمین را پس از مرگ زنده می‌کند» می‌فرماید:

منظور این نیست که خداوند زمین را با باران زنده می‌کند، بلکه خداوند مردانی برمی‌انگیزاند که زمین را با زنده گردانیدن عدل و اقامه حد در آن، زندگی بخشند و اقامه حد در زمین برای آن مفیدتر است تا چهل روز بارانی پیاپی.^۳

اقامه حدود الهی هدف ائمه علیهم السلام از فعالیت‌های گوناگون آنها بوده است. چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

خدایا تو می‌دانی که آنچه از ما سرزده، نه برای رغبت به سلطنت بوده و نه برای به دست آوردن چیزی از متاع و بهره دنیا، بلکه برای این بود که آثار دین تو را بازگردانیم. در شهرهای تو اصلاح برقرار نمائیم، تا بندگان ستم‌کشیده‌ات در امن و آسایش بوده و احکام تو که ضایع مانده، جاری گردد.^۴

شبهه همین مضمون را نیز امام حسین علیه السلام هنگام ترک مکه و عزیمت به سوی عراق، ایراد فرمود. این هدف مقدس در حکومت حضرت مهدی علیه السلام به تمام و کمال جامه عمل می‌پوشد و بهره‌های دنیوی و اخروی آن حاصل می‌شود.

۴-۲. غلبه اسلام و جهان شمولی آن

در تفسیر آیه شریفه: «اوست خدائی که رسول خود را با دین حق به هدایت خلق فرستاد تا برتمام ادیان عالم تسلط و برتری دهد؛ هرچند کافران ناراضی و مخالف باشند»^۵ از

۱. «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج (۲۲)، (۴۱)).

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۳.

۳. «... قَالَ لَيْسَ بِخِيَّتِهَا بِالْقَطْرِ...» (الكافي، (ط - الاسلاميه)، ج ۷، ص ۱۷۴، باب التَّحْدِيدِ، ح ۲).

۴. «... اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُتَافِسَةً فِي سُلْطَانٍ...» (نهج البلاغه، ص ۱۸۹، خطبه (۱۳۱)).

۵. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه (۹)، (۳۳)).

امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که در پاسخ اینکه آیا خداوند مصداق این آیه را اکنون آشکار ساخته است؟، فرمود: «هرگز، سوگند به کسی که جانم به دست اوست هیچ آبادی نمی ماند مگر اینکه هر صبح و شام در آن شهادت به وحدانیت خدا و رسالت محمدی صلی الله علیه و آله بدهند».^۱

ابو بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام درباره این آیه^۲ سؤال کردم، فرمود: «سوگند به خدا، هنوز تفسیر این آیه تحقق نیافته است». عرض کردم: فدایت شوم، پس چه زمانی تحقق می یابد؟ فرمود: «وقتی با اراده خدا، قائم قیام نماید و چون حضرت ظهور نماید کافران و مشرکان از قیام و ظهور وی ناراضی و نگران اند، زیرا اگر کافرو یا مشرکی در پشت صخره ای نهان شود، آن صخره به صدا درآید و گوید: ای مسلمان! در پناه من کافرو یا مشرکی مخفی شده است او را به قتل برسان؛ وی اقدام کرده و او را به هلاکت می رساند».^۳

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه یادشده فرموده اند: «کسی باقی نمی ماند مگر آنکه به رسالت محمد صلی الله علیه و آله اعتراف و اقرار می کند»^۴، یعنی زمین از لوث کفر و نفاق پاک و پیراسته خواهد شد مانند شمش نقره خالص و ناب.

طبیعی است که گسترش اسلام بین جوامعی که در مادیات غوطه ور و از ارزش های معنوی بی بهره اند کار مشکلی است، ولی حضرت با ایجاد انقلاب در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و تبیین صحیح و کامل دین و با بهره گیری از امور غیبی، به این مهم دست خواهد یافت.

از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود:

در روی زمین هیچ ویرانه ای نمی ماند مگر اینکه آباد می گردد. و هیچ معبودی جز خدا، از بت و غیر آن نمی ماند مگر اینکه دچار حریق گشته و می سوزد.^۵

۱. محجة بخرانی، ص ۸۶.

۲. توبه (۹)، ۳۳.

۳. «وَاللَّهُ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدُ وَلَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَلَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجُهُ حَتَّى لَوْ كَانَ كَافِرًا أَوْ مُشْرِكًا فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ لَقَالَتْ يَا مُؤْمِنُ فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَأَكْسِرْنِي وَاقْتُلْنِي» (كمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۷۰، باب ۵۸، ح ۱۶).

۴. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۸۷.

۵. «... الْقَائِمُ مِنَّا... تُظْهَرُ لَهُ الْأَرْضُ... فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا قَدْ عُمِرَ... فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مَعْبُودٌ دُونَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ صَنَمٍ وَوَتْنٍ وَغَيْرِهِ إِلَّا وَقَعَتْ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَ...» (كمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱، باب ۳۲، ما أخبر به أبو جعفر، ح ۱۶).

۳. ویژگی علمی و فکری

۳-۱. تکامل عظیم علمی

روایات، ترسیم‌کننده‌ی این حقیقت است که در واپسین حرکت تاریخ دروازه‌های علوم و دانش‌ها برای انسان‌ها گشوده می‌شود و مراحل‌ی را که انسان‌ها در طول قرون و اعصار پیموده‌اند به مقیاس چندین برابر در عصر حضرت مهدی خواهند پیمود.^۱

امام صادق (ع) می‌فرماید:

دانش ۲۷ حرف (یا شعبه و شاخه) است. تمام آنچه پیامبران برای بشریت آورده‌اند دو حرف بیش نبود و مردم نیز بیش از آن دو حرف را شناختند، اما هنگامی که قائم قیام کند ۲۵ حرف دیگر را آشکار ساخته و در پرتو خورشید وجودش در میان مردم منتشر می‌سازد و آن دو حرف را نیز بدان ضمیمه ساخته تا همه‌ی علوم کامل و منتشر گردد.^۲

خداوند به وسیله حضرت مهدی (عج) زمین را پس از تاریکی آن از نور آکنده می‌کند و پس از ستم آن، از داد پر می‌نماید و آن را پس از جهل و نادانی، از دانش مالا مال می‌کند.^۳

آموزش همگانی و گسترش علوم در دولت حضرت به حدی است که حتی خانم‌های خانه‌دار از دانش حقوقی در حد اجتهاد برخوردار خواهند بود.

از امام باقر (ع) نقل شده است که:

در زمان ایشان حکمت و دانش به مردم ارزانی می‌شود تا جایی که زنان در خانه خود، به کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) حکم می‌کنند.^۴

عقل از آغاز خلقت به عنوان «حجت باطنه» یار و همراه «حجت ظاهره» آفریده شده است.

امام موسی بن جعفر (ع) فرمود: «خداوند بر مردم دو حجت دارد: حجت ظاهره و حجت باطنه؛ حجت ظاهره رسولان و پیغمبران و امامان هستند و حجت باطنه عقول».^۵

۱. ویژگیهای جامعه توسعه یافته اسلامی، ص ۱۸۷.

۲. «قَالَ الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَ عَشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ...» (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶؛ حدیث ۷۳).

۳. «يُمَلَأُ اللَّهُ عَرْوَ جَلٍّ بِهِنَّ الْأَرْضُ نُورًا بَعْدَ ظُلُمَتِهَا... وَ عِلْمًا بَعْدَ جَهْلِهَا» (كمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۶۰، ح ۵).

۴. «وَتُؤْتَوْنَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ...» (الغیبة، نعمانی، ص ۲۳۸، باب ۱۳، ما روی فی صفته و سیرته، ح ۳۰).

۵. تحف العقول، ص ۴۰۷.

بدین گونه، عقل اگر در مسیر صحیح خود به کار گرفته شود. با کمک ابزار علم از پرتو درخشان نبوت و ولایت بهره گرفته و انسان را در مسیر عبادت خدای متعال که مسیر واقعی خلقت است رهنمون می‌شد. اما بشر هرچه بیشتر از معارف الهی فاصله گرفته، عقل او به هوای نفس نزدیک‌تر شده، و بیشتر در مسیر بندگی طاغوت افتاده و به شیطنیت تبدیل شده است. چنانکه در مورد معاویه‌های تاریخ دیده‌ایم.

یکی از اهداف اصلی رسالت پیامبران نشر دانایی و گسترش آگاهی در تمام زمینه‌ها در میان جامعه است.

امام علی علیه السلام در ترسیم این بخش از اصول رسالت‌های الهی چنین می‌فرماید:

... خداوند فرستادگان خود را در میان مردمان برانگیخت و پیامبران خویش را پیایی روانه کرد، تا از آنان رعایت میثاق فطری (الهی) را باز طلبد، و نعمت‌های فراموش شده خدایی را به یاد آنان آورند... و نیروهای پنهان خود آدمی را آشکار سازند، و آیات بهنجار آفرینش را به مردمان بنمایانند، یعنی سقف افراشته آسمان، و مهد گستره زمین، و نعمت‌ها و وسایل زندگی که حیات مردمان را تأمین می‌کند، و مرگی که (دوران زندگی) آنان را به پایان می‌برد و بیماری‌هایی که آنان را می‌فرساید، و حوادثی که پیایی در زندگی‌شان روی می‌دهد...^۱

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «قائم ما، به هنگام رستاخیز خویش، (به تأیید الهی) نیروهای عقلانی توده‌ها را تمرکز دهد. و خرده‌ها و دریافت‌های خلق را به کمال رساند».^۲ یعنی در پرتو ارشاد و هدایت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و در زیر دست عنایت او مغزها در مسیر کمال به حرکت درمی‌آیند و اندیشه‌ها شکوفا می‌گردند. و تمام کوته‌بینی‌ها و تنگ نظری‌ها که سرچشمه بسیاری از تضادها و تزاخمها و برخوردهای خشونت‌آمیز اجتماعی است برطرف می‌گردد. امروز نیز هرگونه اصلاح اجتماعی در هر مقیاسی، بستگی به این دگرگونی فکری و انقلاب روحی دارد.

۲-۳. تصحیح انحراف‌های فکری گروه‌های اجتماعی و مبارزه با بدعتها

یکی از مشکلاتی که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، با آن روبرو می‌شود مشکل برداشت و تفسیرهای نادرستی است که در راه و روش‌های دین خدا و اصول و فروع احکام الهی پدید آمده. امروزه در

۱. «... فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَاتَّزِلَ بِهِمْ أَنْبِيَاءُهُ...» (نهج البلاغه، ص ۴۳، اختیار الانبیاء).

۲. «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ» (الكافی، (ط - الاسلامیه)، ج ۱، ص ۲۵، کتاب عقل و جهل، ح (۲۱).

سطح جامعه شاهد تشکیل احزاب و گروه‌های سیاسی اجتماعی با تفکرات متفاوت هستیم که بعضی جاهلانه و شاید عامدانه تفاسیر نادرستی از دین و احکام آن دارند که باعث ایجاد مشکل در سطح جامعه و مانع توسعه فرهنگ اسلامی می‌شوند؛ همچنان که بعد از بیداری اسلامی و به تبعیت از ابن تیمیه با برداشت‌های غلط از اسلام گروه‌هایی نظیر داعش و جیش النصرة و غیره باعث ایجاد یک موج اسلام‌هراسی در جهان شدند و جلو توسعه بیداری اسلامی و تشکیل تمدن اسلامی را گرفتند. لذا یکی از اقدامات مهم امام، تصحیح انحراف‌هایی است که در تفسیر احکام و توجیه مبانی دین به مرور ایام روی داده است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

آزاری که قائم به هنگام رستاخیز خویش، از جاهلان آخرالزمان ببندد، بسی سخت‌تر است از آن‌همه آزار که پیامبر از مردم جاهلیت دید. راوی می‌گوید: گفتم این چگونه می‌شود؟ امام فرمود: پیامبر به میان مردم آمد در حالی که ایشان سنگ و صخره و چوب و تخته‌های تراشیده شده (بت‌های چوبی) را می‌پرستیدند، و قائم ما که قیام کند مردمان همه از کتاب خدا برای او دلیل می‌آورند و آیه‌های قرآن را تأویل و توجیه می‌کنند...^۱.

مشکل حضرت، مشکل توده‌های جاهل و نادانی است که در دوران عمر خود گرفتار بدآموزی‌های گسترده در تعالیم دین بوده و به رهبری و راهنمایی تزویرگران عالم نما، از سر جهل، مقابل امام و منجی خویش می‌ایستند.

امام علی علیه السلام:

... چون مهدی درآید، هواپرستی را به خداپرستی بازگرداند، پس از آنکه خداپرستی را به هواپرستی بازگردانده باشند. رأی‌ها و نظرها و افکار را به قرآن بازگرداند، پس از آنکه قرآن را به رأی‌ها و نظرها و افکار خود بازگردانده باشند...^۲.

این کلام حضرت به همین توجیه و تأویل و برداشت‌های نادرست از قرآن، اشاره دارد که در طول دوران غیبت، در اثر نبودن مفسر واقعی قرآن، جامعه‌های اسلامی دچار چنین بدآموزی‌ها و تحریف‌هایی می‌شوند. امام در ادامه می‌فرماید:

... فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَذْلُ السَّيِّئَةِ وَيُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَالشُّنَّةِ^۳... آنگاه است که مهدی به

۱. «إِنْ قَائِمًا إِذَا قَامَ اسْتَقْبَلَ مِنْ جَهْلَةِ النَّاسِ أَشَدَّ مِمَّا اسْتَقْبَلَهُ...» (الغیبة، نعمانی، ص ۲۹۷، باب ۱۷، ما جاء فیما یلقى القائم، ح اول).

۲. «... یعطف الهوی علی الهدی إذا عطفوا الهدی علی الهوی...» (تهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۱۹۵، خطبه ۱۳۸).

۳. همان.

شما نشان دهد که سیرت عدل کدام است، وزنده کردن کتاب و سنت چیست؟

امام علی علیه السلام در معرفی بدعت گذاران می فرماید:

بدعت گذاران کسانی هستند که با فرمان خدا و کتاب او و پیامبرش مخالفت می ورزند و بر اساس رأی و هواهای نفسانی خود عمل می کنند.^۱

در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده که حضرت بعد از قیام، دست عنایت خود را بر سر بندگان می نهد و بدین وسیله عقل آنها زیاد شده و فهم ایشان نیز بالا می رود.^۲ طبق این روایت می توان نتیجه گرفت که زمینه ترک بدعت ها و کارهای خرافی و بی ثمر در اکثریت افراد جامعه وجود دارد و فقط برای گروهی اندک ترک بدعت ها و خرافات سخت خواهد بود که حضرت با اقتدار آنها را به سنت های حقیقی دین اسلام سوق خواهد داد.

امام باقر علیه السلام در توصیف زمان ظهور آن حضرت می فرماید:

هیچ بدعتی را وانگذازد مگر این که آن را از ریشه برکند و از هیچ سنتی نمی گذرد مگر این که آن را برپا خواهد فرمود.^۳

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمانی قیام می کند که جاهلیت دوم با قدرت تمام بر دنیا مسلط شده و ابر قدرت های شرق و غرب اعیان این جاهلیت اند. حضرت نیز مانند جدش بت شکنی می کند، آداب و رسوم جاهلی را محو و نابود می سازد. خرافاتی را که با تعلیمات پاک قرآن آمیخته شده و گاه در میان مسلمین آنچنان رسوخ یافته است که آن را سنت می پندارند به عنوان بدعت برمی چینند. در این باره امام صادق علیه السلام می فرماید:

آزاری که قائم به هنگام رستاخیز خویش، از جاهلان آخر الزمان می بیند، بسی سخت تر است از آن همه آزار که پیامبر صلی الله علیه و آله از مردم جاهلیت دید... پیامبر به میان مردم آمد در حالی که آنها سنگ و صخره و چوب و تخته های تراشیده شده را می پرستیدند و قائم ما که قیام کند، مردمان همه از کتاب خدا برای او دلیل می آورند و آیه های قرآن را تأویل و توجیه می کنند.^۴

محور اصلی این دشواری، آموزش های انحرافی و بد تفسیر کردن قرآن و آیین خداست... مشکل

۱. میزان الحکمه، ح ۱۶۳۲.

۲. «... وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهَا أَخْلَاقَهُمْ»؛ (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۳).

۳. «... وَلَا يَتْرُكُ بَدْعَةً إِلَّا أَرَاهَا وَلَا سُنَّةً إِلَّا أَقَامَهَا...»؛ (الارشاد، مفید، ج ۲، ص ۳۸۵، فصل سیره امام مهدی).

۴. «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ اسْتَقْبَلَ مِنْ جَهْلَةِ النَّاسِ...»؛ (الغیبه، نعمانی، ص ۲۹۷، باب ۱۷، ما جاء فیما یلقى القائم، ح اول).

امام، مشکل توده‌های جاهل و نادانی است که با تحریک مدعیان دروغین علم دین، با امام برحق به ستیز برمی‌خیزند، و درگیری، با حربه‌ی تأویل قرآن خواهد بود.^۱

یکی از بدعت‌هایی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با آن به شدت مبارزه می‌کند، اسراف‌ها و تجمل‌گرایی‌هایی است که در مساجد و معابد صورت می‌گیرد.

ابوهاشم جعفری گوید: نزد امام حسن عسکری بودم که فرمود: «هرگاه قائم قیام کند دستور دهد تا مناره‌ها و محراب‌های داخل مساجد را ویران کنند. می‌گوید: با خود اندیشیدم که این کار چه معنا دارد؟ امام به من رو کردند و فرمودند: معنای این کار این است که این چیزها اموری است بدعت‌آمیز، که نه پیامبری آنها را ساخته است و نه امامی.»^۲

جمع بندی

در جامعه مهدوی حرکت جامعه رو به کمال با رفع نواقص خواهد بود. در این گفتار چند ویژگی فرهنگی - اعتقادی جامعه مهدوی را به این صورت مطرح کردیم که: در ابتدا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در بعد اخلاقی و تربیتی، با گسترش معرفت و اخلاق در سطح جامعه، افراد را به حد اعلای تربیت الهی انسانی خواهد رساند، و با کشیدن دست لطف و محبت خود بر سربندگان، عقول بشر را به کمال می‌رساند و تمام رذایل اخلاقی نظیر هواپرستی، کینه توزی، طمع کاری و ارتکاب محارم الهی را از جامعه و افراد آن دور خواهند نمود؛ در نتیجه کتاب و سنت احیاء و معنویت در سطح جامعه گسترش خواهد یافت و با اجرای حدود الهی، اسلام جهان شمول خواهد شد که البته با تکامل بزرگ علمی و تصحیح انحراف‌های فکری و مبارزه با خرافات و بدعت‌ها و اجرای عدالت مهدوی زمینه گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی فراهم خواهد شد.

۱. عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام. صص ۹۵-۹۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۳.

گفتار دوم

وضعیت سیاسی اجتماعی

در پرتو سیرت فرهنگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف روابط اجتماعی سامانی دیگری می یابد. یکرنگی و یگانگی میان مردمان جاری می شود و دوستی و رحمت قلب ها را پر می سازد و مساوات اجتماعی جلوه می کند. کسی به کسی ستم روا نمی دارد و یاری و دستگیری یکدیگر، واجبی همگانی می شود؛ چنانکه در خبر اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام آمده است: «إِنَّمَا ذَلِكَ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَجَبَ عَلَيْهِمْ أَنْ يَجْهَرُوا إِخْوَانَهُمْ وَأَنْ يَقُوهُمْ...»^۱ این به هنگام ظهور قائم ما است که در آن روزگار واجب همگانی است که به یکدیگر وسایل زندگانی برسانند و نیرو بخشند. در آن دوران حرص و بخل در روابط اجتماعی جایی نخواهد داشت و یکرنگی و یگانگی چنان بر رفتار اجتماعی حاکم شود که هر کس هر چه نیاز دارد از جیب برادرش بردارد، نه این شرمنده باشد و نه آن ناراحت. اخلاق اجتماعی در آن زمان بر مبنای سلامت نفس ها و پاکی دل ها ظهور می یابد. امانت ها به درستی ادا می شود. امنیت اجتماعی در حد نهایی فراهم می شود. مردم به عبادت های اجتماعی - از سرایمان و تقوا - روی می آورند. حقوق اجتماعی در همه امور رعایت می شود و هیچ گونه ستم اجتماعی بر کسی روا نمی شود.

در این گفتار ما به بیان چند شاخص و ویژگی سیاسی اجتماعی جامعه صاحب الزمانی می پردازیم.

الف) ویژگی های سیاسی

۱. تشکیل حکومت فراگیر جهانی

از برنامه های امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تشکیل حکومت فراگیر جهانی است؛ بخش بزرگ تضادها و ستیزها و استضعاف ها در کل جامعه بشری از حکومت ها و درون کاخ ها سرچشمه می گیرد، و به دست آلوده و نیرنگ باز دولت ها و حکم فرمایان در میان انسان ها گسترش می یابد. توده های مردم نوع دوست و مهربان اند، و چنین تضادها و جنگ ها و

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۷، باب ۱۴، استحباب مواساة الإخوان بعضهم لبعض، ح ۲.

خونریزی‌ها را بر سر منافع مادی روا نمی‌دانند، به ویژه اگر درست تربیت شوند. در دوران رهبری امام، با ایجاد مرکزیت واحد و مدیریت و حاکمیت واحد، برای همه اجتماعات و نژادها و منطقه‌ها، یکی از عوامل اصلی تضاد و جنگ و ظلم نابود می‌شود، و انسان‌ها مهربان و برادر و در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند، و مناطق مرفه به مناطق محروم می‌رسند، کمبودها و عقب‌ماندگی‌های طبیعی و بشری و دیگر مشکلات و نابسامانی‌ها به دست بخش‌های توانمند جامعه بشری جبران می‌گردد، و به معنای واقعی کلمه یک امت و یک خانواده از کل اجتماعات بشری تشکیل می‌شود. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

... سوگند به آنکه مرا به حق به پیامبری برانگیخت اگر از دنیا جز یک روز نماند، آن روز را خداوند می‌گستراند تا فرزندم مهدی قیام کند؛ پهنه زمین به نور او روشن گردد و حکومت او شرق و غرب گیتی را فراگیرد.^۱

و نیز می‌فرماید:

... امامان پس از من دوازده تن می‌باشند، نخستین آنها تو هستی ای علی، و آخر ایشان قائم است که به دست او خاور و باختر زمین گشوده می‌گردد.^۲

دو مانع بزرگ بر سر راه چنین آرمانی عظیم وجود دارد:

۱. عوامل سلطه و استکبار جهانی که از سرمایه‌داران و سیاستمداران تشکیل می‌شود.
 ۲. عقب‌ماندگی فرهنگی و نبود تربیت درست انسانی که باعث شده انسان‌ها در مسیر غرض‌ها و خودکامی‌های مستکبران قرار گیرند.
- که این دو عامل در آن دوران به دست باکفایت امام ریشه کن می‌شود، و با تصفیه اجتماعات بشری از عوامل سلطه و استکبار مالی و سیاسی، عامل قدرتمند مرکزی ایجاد می‌شود، و با هدایت و تربیت درست انسان‌ها روابط صمیمی و نزدیک میان همه افراد نوع انسانی، از هر نژاد و ملیت، برقرار می‌گردد. در پرتو این دو جریان، راه بشریت به سوی زندگی سعادت‌مندانه هموار می‌شود.

بنابراین گام نخست، واژگون کردن حاکمان سلطه طلب از قدرت و تشکیل مدیریت

۱. «... وَ تُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِهِ وَ يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ»؛ (کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۰، باب ۲۴، ما روی عن النبی، ح ۲۷).

۲. «... يَفْتَحُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا...»؛ (کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۲، باب ۲۴، ح ۳۵).

قدرتمند مرکزی است که به تربیت انسان‌ها می‌پردازد و اصول والا و ارزش‌های متعالی الهی را در سراسر آبادی‌های زمین نشر می‌دهد و یکدلی‌ها، محبت‌ها و ایثارها را جایگزین بیگانگی‌ها، کینه‌توزی‌ها و خودخواهی‌ها می‌سازد. به همه انسان‌ها و همه اجتماعات یکسان می‌نگرد، و مساوات را در همه پهنه گیتی حاکم می‌سازد، و همه امتیازها را زیر پا می‌نهد. و این چنین است که حکومت فراگیر می‌شود، و مورد پذیرش آحاد انسانی قرار می‌گیرد.

۲. مدیریت انقلابی و شایسته سالاری دینی

سخت‌گیری آن حضرت نسبت به کارگزاران و مأموران دولت خویش در احادیث مورد تأکید قرار گرفته است. این نشان از مدیریت انقلابی حضرت و عدم محافظه کاری ایشان می‌باشد که افراد صالح و شایسته را جایگزین نااهلان خواهد کرد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

... امام مهدی عجل الله تعالی فرجه قاضیان زشت کار را کنار می‌گذارد، و دست سازشکاران را از سرتان کوتاه می‌کند، و حکمرانان ستم‌پیشه را عزل می‌نماید، و زمین را از هر نادرست و خائنی (رشوه بگیران و تباه‌کنندگان) پاک می‌سازد.^۱

۳. مساوات در برابر قانون

از برنامه‌های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه اجرای اصل مساوات و برابری در قبال قانون است. یعنی همه مردم و افراد نوع انسانی، در برابر قانون حقوقی همسان و برابر دارند و هیچ کس در برابر قانون بر دیگری برتری و امتیاز ندارد. و قانون باید درباره همه یکسان اجرا شود، و امنیت اجتماعی و حقوق انسانی همگان را یکسان تأمین کند. مساوات به این معنا در آیات قرآن کریم و احادیث معصومان علیهم السلام فراوان مطرح گردیده است:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ... وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا آوِيًا مِّن دُونِ اللَّهِ...﴾^۲ بگو: ای اهل کتاب! به کلمه‌ای برابر میان ما و شما، روی آورید... و برخی از ما

۱. «... لَيُنْزَعَنَّ عَنْكُمْ قُضَاةُ السُّوءِ... وَلَيُعْزَلَنَّ عَنْكُمْ أُمَرَاءُ الْجَوْرِ وَلَيُظْهِرَنَّ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ غَاشٍ» (بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰، باب ۲، ح ۲۳).

۲. آل عمران (۳)، ۶۴.

برخی دیگر را، به جای خدا، ارباب و خداوندگاران خویش نشمارند.... قرآن کریم، تکلیف‌ها و برنامه‌های خود را برای همه افراد انسانی آورده است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

... إِنَّمَا يَكُونُ هَذَا إِذَا قَامَ قَائِمُنَا فَإِنَّهُ يُقْسِمُ بِالسَّوِيَةِ وَ يَعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ الْبَرِّ مِنْهُمْ وَالْقَاجِرِ...^۱ ... همه چیز را بالسویه بین مردم تقسیم می‌کند و عدالت را مراعات می‌کند در بین بندگان خدا اعم از نیکوکاران و فاجران....

همان برخوردی که امام علی علیه السلام خطاب به حاکم مسلمان می‌فرماید و از او می‌خواهد:
... سپس در روبرو شدن و سخن گفتن و نشستن (مسلمانان) نزد تو برابری مراعات کن تا چنان نباشد که نزدیکان تو در بی‌عدالتی تو طمع بندند، و دشمن از عدالت تو نومید نگردد....^۲

۴. امنیت فراگیر

امنیت از امن و امان به معنای سلامتی و ریشه‌ی اصلی آن سکون و آرامش خاطر است؛ همچنان که مولف التحقیق اشاره کرده: أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي هَذِهِ الْمَادَّةِ: هُوَ الْأَمْنُ وَالسَّكُونُ وَرَفْعُ الْخَوْفِ وَالْوَحْشَةِ وَالْاضْطِرَابِ.^۳

و در اهمیت آن همین بس که ابراهیم علیه السلام درباره‌ی مکه دعا می‌کند: رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا؛^۴ خدایا شهر مکه را شهر امنی قرار ده.

یکی از جهات بسیار مهمی که در جامعه‌ی جهانی امام مهدی علیه السلام خیلی روی آن تأکید شده مسئله امنیت است. در آن زمان امنیت از جمیع جهات در حد اعلا تأمین است: امنیت مالی، امنیت جانی، امنیت آبرویی، امنیت فکری و فرهنگی، امنیت اقتصادی، امنیت اعتقادی، امنیت نظامی، امنیت روحی و روانی، امنیت اجتماعی و... آرامش خاطر بر آن جامعه حکم فرما است و مرزهای امنیت انسان‌ها مورد تهدید واقع نمی‌شود و در کمال آرامش و صلح و صفا به زندگی انسانی مشغول هستند.

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۹.

۲. «... ثُمَّ وَاسِيَ الْمُسْلِمِينَ بِوَجْهِكَ وَ مَنَاطِقِكَ وَ مَجْلِسِكَ حَتَّى لَا يَطْمَعَ قَرِيبُكَ فِي حَيْفِكَ وَلَا يَيْأَسَ عَدُوُّكَ مِنْ عَذْلِكَ ...» (الكافي، (ط - الاسلاميه)، ج ۷، ص ۴۱۳، باب ادب الحكم، ح اول).

۳. التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۱، ص ۱۵۰.

۴. بقره (۲)، ۱۲۶.

قرآن آنجا که سخن از حکومت صالحان مطرح کرده می‌فرماید:

«خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند وعده می‌دهد که آنها را قطعاً خلیفه‌ی روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که پیشینیان را خلافت روی زمین بخشید. و دین و آئینی را که برای آنها پسندیده پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و خوف و ترس آنها را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن چنانکه تنها مرا می‌پرستند و چیزی را برای من شریک نخواهند ساخت»^۱.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه می‌فرماید: «... نَزَلْتُ فِي الْقَائِمِ وَأَصْحَابِهِ»؛^۲ یعنی وعده خداوند، مبنی بر اینکه وحشت و خوف مؤمنان را به امنیت و سلام تبدیل می‌کند، در زمان ظهور آن حضرت، معنی و مصداق کامل می‌یابد.

البته امنیت هدف نیست، بلکه مقدمه‌ای است برای اینکه انسان‌ها با خاطری آسوده خدای یکتا را پرستند و هیچ چیز را شریک او در عبادت قرار ندهند. و در این باره روایات عجیبی در باب جامعه‌ی جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وارد شده که ذیلاً افزاینده‌ی آن نقل می‌کنیم:

... حَتَّى يَأْمَنَ الشَّاءُ وَالذِّئْبُ وَالْبَقَرَةُ وَالْأَسَدُ وَالْإِنْسَانُ وَالْحَيَّةُ وَحَتَّى لَا تَقْرَضَ فَأَرَةً جِرَاباً؛^۳ در آن زمان به قدری دنیا امن و امان می‌شود که گرگ و میش، گاو و شیر درنده، انسان و مار در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و همه از گزند دشمنان خویش احساس امنیت می‌کنند و تا آنجا که هیچ موشی هیچ فرشی را نمی‌جود.

خدا در حدیث قدسی می‌فرماید:

... در آن زمان امنیت را بر روی زمین می‌افکنم، و هیچ چیزی به چیز دیگر ضرر نمی‌رساند و هیچ چیزی از چیز دیگر نمی‌ترسد تا آنجا که حشرات و چهارپایان در میان مردم حرکت می‌کنند و هیچ کدام به دیگری آسیب نمی‌رساند و ستم‌گزاران را می‌برم، و حالت تعصب و هجمه و درندگی را از درندگان سلب می‌کنم...^۴.

... امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرماندهان و امیرانش را به همه بلاد گسیل می‌دارد و به آنها

۱. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ... لَيَسْجِدَ لَهُمْ مَنْ بُعِدَ خَوْفُهُمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»؛ (نور (۲۴)، ۵۵).

۲. الغیة، نعمانی، ص ۲۴۰، ما نزل فيه من القرآن، ذیل آیه ۵۵ سوره نور.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۱، باب ۵ الآيات المؤولة بقيام القائم، ح ۵۹.

۴. «... وَالْقِي فِي تِلْكَ الزَّمَانِ الْأَمَانَةُ عَلَى الْأَرْضِ فَلَا يَضُرُّ شَيْءٌ»؛ (سعد السعود للنفس منضود، ص ۳۴، فصل فی خلق الجن والانس).

امر می‌کند که در میان مردم به عدالت رفتار کنند و در آن زمان گوسفند و گاو یکجا مشغول چرا می‌شوند، و کودکان و مارها و عقرب‌ها کنار هم بازی می‌کنند و به یکدیگر آسیبی نمی‌رسانند، و تمام شر و بدی می‌رود و خیر و نیکی ماندگار می‌شود.^۱

حال این‌گونه تعبیرات کنایه از کمال امنیت و عدالت در زمان حضرت است که انسان‌های گاو صفت در کنار انسان‌های مظلوم و آرام و بی‌ضرر زندگی می‌کنند و حالت سبعیت و درندگی از انسان‌ها سلب می‌شود و کسی در صدد اضرار به دیگران نیست و ممکن است این تعبیر به ظاهرش باقی باشد و واقعاً در آن عصر گاو و میش کنار هم زندگی کنند، کودکان و مارها با یکدیگر بازی کنند و... که این خیلی عجیب است و برای خیلی‌ها ممکن است باورش سنگین باشد، ولی با در نظر گرفتن قدرت خداوند و ولایت تکوینی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این امور بعید نیست، بلکه بعضاً امروزه شاهد تعامل و همزیستی مسالمت آمیز حیوانات وحشی در کنار یکدیگر هستیم. برای مثال در ژاپن زمان مهاجرت قوی ژاپنی چون مردم غذا به آنان می‌دهند دیده می‌شود که حیوانات شکارچی پرندگان مثل روباه و عقاب دست از شکار آنها برداشته و با آنان هم سفره می‌شوند و شاید نمونه‌ی کوچکی از آن را مربوط به زمان حضرت نوح بدانیم که از هر حیوانی یک جفت سوار کشتی نمود و همه در کنار هم زندگی کردند بدون اینکه به یکدیگر آسیب برسانند. و به هر حال اصل وجود امنیت و آرامش خاطر در جمیع جهات مسلم است.

۵. قانونمندی کامل

در جامعه مهدوی با جریان کامل عدالت در تمام ابعاد زمینه قانون شکنی و ظلم و تجاوز به حقوق دیگران از بین می‌رود، و در صورت وقوع ظلم حضرت با قاطعیت برخورد کرده و حق را به حق‌دار خواهد رساند. همچنان که در روایات اشاره شده که:

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، حق هر حق‌داری را بگیرد و به او بدهد، حتی اگر حق کسی زیر دندان دیگری باشد، از زیر دندان انسان متجاوز و غاصب بیرون کشد، و به صاحب حق بازگرداند... او از کسی توبه نپذیرد، و در راه اجرای حکم خدا و استقرار بخشیدن به دین خدا، به سخن کسی گوش ندهد، و نکوهش احدی را نشنود.^۲

۱. «... ترعى الشاة والذئب فى مكان واحد ويلعب الصبيان والحيات والعقارب ولا تضرهم بشئى ويذهب الشرو ببقى الخیر»؛ (الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۴۷، فصل ۹ فی مایقع فی زمانه ورجعته).

۲. همان، ج ۵۲، ص ۳۵۳.

در اثر این قدرت و احاطه، به تدریج، خود مردم با کنترل درونی و نفسانی خود جرم و گناه مرتکب نمی‌شوند و لذا قوانین به‌طور خودجوش رعایت می‌گردند.

امام باقر علیه السلام در بیان علت نام‌گذاری امام زمان به مهدی می‌فرماید:

همانا به این دلیل، امام قائم، مهدی نامیده شده است که به امر پنهان هدایت می‌شود... حتی کسی در خانه‌اش اگر حرفی بزند می‌ترسد که دیوار علیه او شهادت دهد.^۱

از مصادیق بارز قانونمندی در عصر طلایی ظهور این است که در امور راه‌سازی و شهرسازی رعایت اصل تقدم منافع جامعه لحاظ می‌گردد. علامه امینی می‌گوید:

در امور راه‌سازی برنامه‌های جالبی را به مرحله اجرا می‌گذارند. راه‌های اصلی را شصت ذراع [کنایه از وسعت راه‌های اصلی] قرار می‌دهند. در امر راه‌سازی به قدری جدیت می‌نمایند که حتی مساجدی را که در سر راه ساخته شده، خراب می‌کنند. برای خیابان‌ها پیاده‌رو احداث می‌نمایند. به پیاده‌ها دستور می‌دهند از پیاده‌رو عبور کنند و به سواره‌ها امر می‌کنند در وسط خیابان حرکت نمایند. تمام پنجره‌هایی را که به کوچه باز شده مسدود می‌سازد. از ایجاد مستراح و ناودان در کوچه مانع می‌شود. حتی مساجد مشرف و عالی را خراب می‌کند. پیش‌آمدگی‌های ساختمان‌ها را نیز خراب می‌کنند...^۲

ب) ویژگی‌های اجتماعی

۱. عدالت اجتماعی

خداوند می‌فرماید: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...﴾^۳ یعنی هدف اصلی قیام پیامبران - در روابط اجتماعی و انسانی - و ارسال کتاب‌ها و شرایع، قیام مردم به قسط و برپاداری عدالت شمرده شده است.

۱. «... إِنَّمَا سُمِّيَ الْمَهْدِيُّ لِأَنَّهُ يَهْدِي إِلَى أَمْرِ خَفِيِّ...» (همان، ج ۵۲، ص ۳۹۰، باب ۲۷، سیره و اخلاق و عدد أصحابه، ح ۲۱۲).

۲. د/گسترجهان، صص ۴۱۵ - ۳۳۳.

۳. «همانا پیامبران را با نشانه‌های آشکارا برانگیختیم، و با آنان کتاب و میزان فرستادیم تا مردمان به قسط و دادگری برخیزند» (حدید (۵۷)، ۲۵).

صاحب مکیال المکارم، چنین می‌نویسد:

عدل، آشکارترین صفات نیک آن امام است. برای همین (آن حضرت) در دعای شب‌های رمضان، «عدل» نامیده شده است: «اللَّهُمَّ وَصِّلْ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ - الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنتَظَرِ؛ خداوندا به ولی امر خود که قیام‌کننده و عدل‌مورد انتظار همه است درود فرست.»^۱

و در جای دیگر، همین عنوان را به گونه‌ای دیگر می‌یابیم: «السَّلَامُ عَلَى الْقَائِمِ الْمُنتَظَرِ وَالْعَدْلِ الْمُشْتَهَرِ الْغَائِبِ الْمُسْتَتِرِ...»^۲

بنابراین، «عدل» رعایت دقیق حق و حقوق مردم و برابری همه مردم در برخورداری از حقوق و منافع مشروع و معقول خویش است، چنانکه «ظلم» زیرپا نهادن حق و حقوق دیگران است. امام کاظم؟ ع؟ درباره آیه: ﴿يَخِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾ فرموده:

«این زنده کردن» به این نیست که با باران زمین را زنده کند، بلکه خداوند مردانی را برمی‌انگیزد تا اصول عدالت را زنده کنند، پس زمین در پرتو عدل (دیگر بار) زنده می‌شود. (بی‌تردید) اجرای حد خدا در زمین مفیدتر از چهل روز بارندگی است.^۳

تردید نیست که برای ساختن جامعه توحیدی، و تشکیل اجتماعی طبق تعالیم وحی، پایه نخستین و کارمایه اصلی عدالت‌گستری است. در دوران ظهور، اصل عدالت در ریزودرشت مسائل عملی می‌شود، به گونه‌ای که هیچ‌گونه ستمی به کسی صورت نمی‌گیرد. امام رضا علیه السلام فرموده است:

خداوند زمین را به دست قائم از هر ستمی پاک گرداند، و از هر ظلمی پاکیزه سازد... آنگاه که خروج کند، میزان عدل را در میان مردم نهد، و بدین گونه هیچ‌کس نتواند به دیگری ستمی کند.^۴

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

۱. مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم، ج ۱، ص ۱۱۸.

۲. زاد المعاد و مفتاح الجنان، ص ۵۴۱، فی بیان زیارة مولانا صاحب الامر.

۳. «... لَيْسَ يَخْيِيهَا بِالْقَظَرِ وَلَكِنْ يَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا فَيُخَيِّوْنَ الْعَدْلَ فَتُخَيَّا الْأَرْضُ لِأَحْبِيَاءِ الْعَدْلِ...» (الكافي، (ط - الاسلاميه)، ج ۷، ص ۱۷۴، باب التحديد، ح ۲).

۴. «... يَظْهَرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ... وَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا...» (كمال الدين و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۷۲، باب ۳۵، ما روى عن الرضا، ح ۵).

مهدی، عدالت را، همچنان که سرما و گرما وارد خانه می شود، وارد خانه های مردمان کند، و دادگری او همه جا را بگیرد.^۱

در روایتی آمده است که «در دوران ظهور پنجره هایی که به معابر باز شده است بسته می شود و ناودان ها و راه آب هایی که به خیابان ها و کوچه ها می ریزد مسدود می گردد».^۲ این گونه موضوعات که در مسائل اجتماعی اموری فرعی و کم اهمیت به شمار می آید، از تعمیم و گسترش دقیق عدالت در آن دوران پرده برمی دارد، و نشان می دهد که آسایش انسان ها حتی در این گونه امور نیز تأمین خواهد گشت.

بنابراین در نظام عادلانه مهدوی با اجرای دقیق عدالت، ریشه تبعیض ها، بی عدالتی ها، ستم ها، نگرانی ها و کینه توزی ها از دل ها برمی آید و انسان ها بی بیم و هراس و بدون هیچ نگرانی از تضییع حقی، در کنار یکدیگر و با دل هایی سرشار از لطف و محبت با یکدیگر زندگی می کنند. و اخلاق فردی و روابط درونی و پیوندهای روحی انسان ها بهبود می یابد، و درون آدمی از هرگونه دیو سیرتی و زشت خویی سالم می گردد.

۲. عدالت و پیشرفت های قضائی

برای مبارزه با فساد و تجاوز و ستم، از یکسو تقویت پایه های ایمان و اخلاق لازم است و از سوی دیگر به وجود آمدن یک سیستم صحیح و نیرومند قضائی با هوشیاری کامل و احاطه وسیع. در این نیز شک نیست که در عصر آن مصلح بزرگ جهان، آموزش های اخلاقی با وسایل ارتباط جمعی فوق العاده پیشرفته، آن چنان وسعت می گیرد که اکثریت قاطع مردم جهان را برای یک زندگی صحیح انسانی و آمیخته با پاکی و عدالت اجتماعی آماده سازد. اما به هر حال حتی برای اقلیت اشرار و متجاوزان آن زمان که حتی در جامعه صالح هم به خاطر آزادی شان خطا می کنند و به شرارت می پردازند وجود یک دستگاه قضائی آگاه و مسلط لازم است تا از حقوق مردم دفاع کرده و از ظالمان باز پس گیرد و به صاحبان حق بازگرداند و مجرمان نتوانند از چنگ آن فرار کنند و از عدالت سرباز زنند و باعث فساد و گناه و انتشار آن در جامعه شوند.

۱. «أَمَّا وَ اللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَالْقُرُ»؛ (الغیة، نعمانی، ص ۲۹۷، باب ۱۷، ما جاء فیما یلقى القائم، ح اول).

۲. «... وَ یُوسِّعُ الطَّرِيقَ الْأَعْظَمَ... وَ یَهْدِمُ كُلَّ مَسْجِدٍ عَلَى الطَّرِيقِ وَ یُسَدُّ كُلَّ كُوَّةٍ إِلَى الطَّرِيقِ وَ كُلَّ جَنَاحٍ وَ كَنِيفٍ وَ مِيزَابٍ إِلَى الطَّرِيقِ...»؛ (الغیة، طوسی، ص ۴۷۵، فصل ۸، فی ذکر طرف من صفاته و منازل و سیرته).

از مجموع احادیث مربوط به دوران حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه استفاده می‌شود که ایشان از تمام عوامل بازدارنده بهره می‌گیرد؛ آن‌چنان که آن جمله معروف جامه عمل می‌پوشد که: «زمانی فرامی‌رسد که گرگ و میش در کنار هم آب می‌خورند».

در این موارد اشتباه است اگر ما تصور کنیم که در عصر حکومت او همه این مسائل از طریق اعجاز حل می‌شود؛ چرا که اعجاز حکم یک استثنا را دارد و برای مواقع ضروری و مخصوصاً اثبات حقانیت دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله یا امام علیه السلام است، نه برای تنظیم زندگی روزمره و جریان عادی زندگی که هیچ پیامبری برای این مقصد از معجزه استفاده نکرده است. به هر حال آن‌چنان امنیتی در سایه حکومت او جهان را فرامی‌گیرد که طبق روایات «یک زن تنها می‌تواند از شرق جهان به غرب عالم برود بدون اینکه کسی مزاحم او شود».^۱ در روایات می‌خوانیم:

یعنی آن قاضی عادل و دادگستر در میان پیروان تورات (یهودیان) بر اساس کتاب آسمانی خود آنها یعنی تورات (تورات اصیل) قضاوت می‌کند و در میان پیروان انجیل (مسیحیان) بر طبق انجیل قضاوت می‌کند؛ در میان پیروان زبور طبق همان کتاب حکم می‌کند، و در میان پیروان فرقان (قرآن) نیز طبق قرآن حکم و قضاوت می‌نماید.^۲

و از آنجا که این قضاوت صد در صد عادلانه است همه‌ی پیروان ادیان از آن راضی هستند. در حکومت عدل مهدوی در کل جهان قضاوت بر اساس احکام الهی و عادلانه خواهد بود و به احدی کمترین ستمی نمی‌شود.

۳. حیات مجدد اجتماعی

وقتی اسلام حاکم، حدود الهی جاری، عدالت حکم فرما، اقتصاد بسامان و مردم هماهنگ شدند و نشاط جایگزین درد و امید جایگزین یأس گردید و نور جای ظلمت را گرفت، آنگاه است که خون حیات در رگ‌های انسان و جامعه به حرکت درمی‌آید. دنیا که به دلیل اعمال بشر سراسرش را فساد فرا گرفته بود بار دیگر زنده می‌شود و انسان نیز چنین خواهد شد. و خداوند وعده زنده شدن زمین را پس از مرگ در قرآن داده است. «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي

۱. مهدی انقلابی بزرگ، ص ۲۹۱ تا ۳۴۱.

۲. «وَيُخَكِّمُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَةِ بِالتَّوْرَةِ وَبَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِالْإِنْجِيلِ وَبَيْنَ أَهْلِ الزَّبُورِ بِالزَّبُورِ وَبَيْنَ أَهْلِ الْقُرْآنِ بِالْقُرْآنِ» (الغیبه، نعمانی، ص ۲۳۷، ح ۲۶).

الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا^۱ بدانید که خداوند زمین را پس از مرگش زنده می کند. امام باقر (ع) مرگ زمین را «کفر اهلش» تفسیر کرده و فرموده است کافر «مرده» است. فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» قَالَ: يُحْيِيهَا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِالْقَائِمِ (ع) بَعْدَ مَوْتِهَا [يَعْنِي] بِمَوْتِهَا كُفْرَ أَهْلِهَا وَ الْكَافِرُ مَيِّتٌ؛^۲ فرمود: خداوند زمین را به واسطه قائم (ع) زنده می کند از آن پس که مرده باشد و مقصود از مردن آن، کفر اهل آن است و کافر همان مرده است.

و امام صادق (ع) نیز حیات زمین پس از مرگ را «عدل بعد از جور» معنا کرده است: ... أَلَا تَسْمَعُ قَوْلَهُ تَعَالَى فِي الْآيَةِ الثَّالِيَةِ لِهَذِهِ الْآيَةِ: «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» أَيْ يُحْيِيهَا اللَّهُ بِعَدْلِ الْقَائِمِ عِنْدَ ظُهُورِهِ بَعْدَ مَوْتِهَا بِجَوْرِ أُمَّةِ الضَّلَالِ....^۳

زمانی که بشر سرافراز و مستقل و رها شده از قید و بندهای درون و برون و در حال اطاعت از خدا به سربرد به «حیات» می رسد و مرگ را به کناری می زند. همانطور که امام علی (ع) هنگامی که یاران معاویه در صفین بر آب فرات غلبه یافتند و آب را به روی اصحاب او بستند به اصحابش فرمود:

... قَدْ اسْتَطَعْتُمْ كُمْ الْقِتَالَ فَأَقِرُّوا عَلَيَّ مَذَلَّةً وَ تَأْخِيرَ مَحَلَّةٍ أَوْ رَوْوا السُّيُوفَ مِنَ الدِّمَاءِ تَرَوْوا مِنَ الْمَاءِ فَالْمَوْتُ فِي حَيَاتِكُمْ مَقْهُورِينَ وَ الْحَيَاةُ فِي مَوْتِكُمْ قَاهِرِينَ...؛^۴ از شما می خواهند که بر سفره جنگ مهمانشان کنید و شما را دو راه در پیش است، یا تن به مذلت دادن و فرو افتادن از منزلتی که در آن هستید، یا سیراب کردن شمشیرها از خون و سیراب کردن خود از آب. اگر مقهور شوید، زندگیتان مرگ است و اگر پیروز شوید، مرگتان زندگی است.

به این معنا که زندگی همراه با ذلت نوعی مرگ و مرگ با عزت حیات واقعی است.

۴. رفاه اجتماعی

مدینه فاضله اسلامی، مدینه رفاه و آسایش همگانی است. رفاه و تنعم در حدی که دیگر

۱. حدید (۵۷)، ۱۷.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۶۸.

۳. الغيبة، نعمانی، ص ۲۵.

۴. نهج البلاغة، خطبه ۵۱.

نیازمند و صاحب حاجتی در سطح جامعه نمی‌توان یافت. یک دلیل مهم براین امر، توزیع عادلانه ثروت‌ها و منابع است.

هم در تعالیم دینی و هم در آموزه‌های علمی و تجربی بشر، به روشنی، به این واقعیت رسیده‌ایم که در صورتی جامعه از غنا و بهره‌مندی عمومی سرشار خواهد گشت که پیشاپیش از عدالت سیراب گردیده باشد و مشکل کشورها در حال حاضر و در قرون و اعصار متمادی، کمبود منابع و مواهب طبیعی برگستره خاک نبوده، بلکه توزیع ناعادلانه و استفاده غیراصولی از آنها بوده است. آنچه در روایات ظهور، در این خصوص آمده، نشان می‌دهد که خواسته‌ها و آرزوهای مادی انسان، در عصر ظهور، نه تنها نادیده گرفته نشده، بلکه در صدر توجه قرار گرفته و انسان‌ها، به دلیل داشتن چنین خواسته‌هایی، مورد نکوهش قرار نگرفته‌اند، بلکه بر توجه خدا در پاسخ به این خواهش‌ها تأکید فراوان شده است.

در این مورد پیامبر ﷺ می‌فرماید:

در امت من، مهدی قیام کند... و در زمان او، مردم به چنان نعمت و برخورداری و رفاه دست یابند که در هیچ زمانی دست نیافته باشند. (و این رفاه شامل تمامی انسان‌ها خواهد بود، چه نیکوکار و چه بدکار). آسمان مکرر بر آنان ببارد (کنایه از وفور مواهب طبیعی) و زمین چیزی از رویدنی‌های خود را پنهان نسازد.^۱

در روایات دیگر سخن از کثرت مال، وفور نعمت‌ها، باران‌های پی‌درپی، سبک‌باری و رهایی از بارهای سنگین زندگی، آسودگی از رنج طلب کردن و نیافتن، و سخن از ادای دین تمام صاحبان دین و بی‌نیازی تمام انسان‌ها و بذل و بخشش امام بر همگان است، به طوری که افراد از طلب مال و بخشش دیگران بی‌نیاز گردند.

در آن دوران طبق ترسیم آیات و احادیث، جامعه بشری واحدی تشکیل می‌گردد که مانند خانواده‌ای زندگی می‌کنند، و بشریت به طور کلی به رفاه اقتصادی و بی‌نیازی دست می‌یابد، و همین بی‌نیازی زمینه‌ساز رشد و تعالی معنوی و فکری انسان را می‌سازد. طبق تحقیقات کارشناسان و متخصصان، بخش عظیم و مهمی از مسائل عقب‌ماندگی و وابستگی و کمبود مواد غذایی و معیشتی به دو عامل بستگی دارد، و این هر دو عامل با هم در ارتباطند:

۱. «... تَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ تَنَعُّمًا لَمْ يَتَنَعَّمْ مِثْلَهُ قَطُّ... يَرْسُلُ السَّمَاءُ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَلَا تَحْبِسُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ ثَبَاتِيهَا...» (بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۶۹، باب ۴۱، نصوص الرسول).

الف) نظام اقتصادی حاکم بر جهان توسط قدرت های اقتصادی جهان که هدف آنها دستیابی به قدرت اقتصادی روزافزون و سلطه بر منابع ثروت جهان با جلوگیری از هرگونه استقلال، خود کفایی و رشد تولید و پیشرفت اقتصادی در کشورهای تحت سلطه شان است.

ب) نظام سیاسی حاکم بر کشورها که با رسانه ها و ابزارهای تبلیغاتی هرگونه استقلال فرهنگی و اقتصادی را از جامعه سلب می کنند و توده ها را برده وار به اسارت و پیروی کورکورانه و می دارند.^۱ در نتیجه این دو جریان مسلط و حاکم - یکی بیگانه و دیگری خودی - نخستین موضوعی که صدمه می بیند، اصالت فکروفرهنگ خودی و حس اعتماد به نفس و بازیابی نیروهای نهفته در دورن جامعه خودی است.

در رستاخیز ظهور امام منجی، این بندها و دامها از سر راه برداشته می شود و انسان ها آزاد می شوند و با هدایت آن امام به خود می آیند و دیگر بار خویشتن خویش را باز می یابند. و در پرتو این آزادی پدیده شوم فقر و نیاز نفی می گردد و رفاه اقتصادی به جامعه و افراد داده می شود. در نتیجه فرصتی ایجاد می شود تا افراد به مفاهیم بالا و برتر زندگی بیندیشند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «... مردمان بی نیاز می گردند؛ آنگاه که عدالت میانشان حاکم باشد، و آسمان رزقش را نازل کرده و زمین برکات خود را بروز خواهد داد...»^۲.

از نظر تعالیم اسلامی، حاکمیت اگر عادلانه و اسلامی باشد و برنامه ها و مجریانی قرآنی و اسلامی به کار گمارده شوند، محرومیت و نیازمندی در جامعه باقی نمی ماند، زیرا که اصول عدل و حق اجرا می گردد و همه مردم به رفاه و بی نیازی می رسند. رفاه تا این پایه و تأمین سطح زندگی تا این سطح، آرمانی است الهی که به دست مبشر راستین عدل و انصاف و سعادت آسایش، امام مهدی علیه السلام، حاصل خواهد شد.

۵. حفظ و ارتقاء محیط زیست^۳

موضوع محیط زیست و ضرورت صیانت و حمایت از آن در کلیه ادوار تاریخ بشر از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده تا جایی که این امر، انسان ها و جامعه انسانی را واداشته است که در چند دهه اخیر، با وضع مقررات و قواعد ویژه ای، حقوق خاصی را تحت عنوان حقوق

۱. آناتومی جامعه، ص ۳۲۱.

۲. «... إِنَّ النَّاسَ يَسْتَغْنُونَ إِذَا عُدِلَ بَيْنَهُمْ، وَ تُنْزِلُ السَّمَاءُ رِزْقَهَا، وَ...»؛ (کافی (دارالحدیث)، ج ۷، ص ۲۰۴، باب ۴۶، باب صدقة أهل الجزية، ح ۶).

۳. رک: «عصر مهدویت و حقوق محیط زیست»، نشریه علمی - پژوهشی انتظار موعود، ش ۲۴.

محیط زیست تدوین نمایند، اما با این وجود هنوز هم بشر مدرن نتوانسته تبعات مخرب حیات صنعتی، ماشینی و مصرفی خود را بر محیط زیست کنترل نماید و جهان همواره با روند تخریب و آلودگی روزافزون محیط زیست روبه‌رو است.

باید توجه داشت که عمران و آبادی زمین و بهره‌برداری از امکانات آن تا حدی اصولی است که عمران مکانی موجب تخریب محیط زیست نمی‌شود و از همه‌ی فن‌های دقیق علمی و فنی و متناسب با محیط زیست استفاده می‌شود و از سودجویی‌ها و تکاثرطلبی گروه معدودی مسرف جلوگیری می‌گردد، به نحوی که هیچ نقطه‌ای تخریب شده باقی نمی‌ماند مگر اینکه آباد می‌شود.

در عصر ظهور، حقوق محیط زیست به نحو کامل رعایت شده و حتی موجودات و محیط زیست آنها در گستره‌هایی به وسعت جهان هستی دچار ارتقا و تکامل در حیات مادی و معنوی گشته و ضمن همراهی رضایت‌مندانه، و شاید مبتنی بر شعور، به نهایت تحقق استعدادها و قابلیت‌های بالقوه خویش خواهند رسید و عالم هستی از هرگونه تلوث، آلودگی و آلاینده‌ی مادی و معنوی، تطهیر و پاک خواهد شد و با نور الهی، منور می‌گردد. امام علی (ع) درباره‌ی این نعمت در عصر ظهور می‌فرماید:

... چون قائم قیام کند، آسمان - چنانکه باید - باران بارد و زمین گیاه رویاند...
به گونه‌ای که یک زن [در کمال امنیت و آرامش] از عراق می‌آید و تا شام برود و جز بر زمین‌های سرسبز گام ننهد...^۱

بنابراین محیط زیست و موجودات هستی با این تحول و استحاله ایجابی، به اصل و وضع اصلی و طبیعی و الهی خود باز خواهند گردید و بنا به تعریف عدل (قرارگرفتن هر چیز در جای خود و استیفای اهلیت‌ها و استحقاق‌ها) عدالت در مورد آنها اجرا شده و به نهایت اهلیت و سزاواری و تحقق استعدادها و قابلیت‌های مکنون خویش دست خواهند یافت. بقیه معصومین نیز به موضوع محیط زیست بسیار اهمیت داده‌اند؛ مثلاً در نهج الفصاحه، احادیث فراوانی از پیامبر (ص) در مورد اهمیت درخت و درخت‌کاری و عمران و آبادانی محیط زیست نقل شد:

مَنْ عَرَسَ غَرْسًا لَمْ يَأْكُلْ مِنْهُ آدَمِيٌّ وَلَا خَلْقٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ إِلَّا كَانَ لَهُ صَدَقَةٌ^۲ هر که

۱. الخصال، ج ۲، ص ۶۲۶، علم‌الأمیر المؤمنین.

۲. نهج الفصاحه، ص ۲۹۳، ح ۲۹۲۱.

درختی بکارد هر بار که انسانی یا یکی از مخلوقات خدا (به اندازه میوه‌ای که از آن درخت برون می‌شود) از آن بخورد برای او صدقه محسوب می‌شود.

آن حضرت در حدیث ارزشمندی، زمین را همچون مادری می‌داند که حفاظت و مراقبت از آن، بر همگان واجب و لازم است:

تَحْفَظُوا مِنَ الْأَرْضِ فَإِنَّهَا أُمُّكُمْ وَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ عَامِلٍ عَلَيْهَا خَيْرًا أَوْ شَرًّا إِلَّا وَهِيَ مُخْبِرَةٌ بِهِ؛^۱ زمین را خوب نگاه دارید که گویی مادر شما است. هرکس بر روی زمین خوبی کند یا بدی کند، زمین خبر می‌دهد.

توصیه‌های پیامبرگرامی ﷺ در مورد حفظ حقوق حیوانات و برخورد ملاطفت آمیز با آنها فراوان است و ایشان علاوه بر نهی شدید از اذیت و کشتن نابۀ جای حیوانات، بر رسیدگی کامل به آنها تأکید می‌ورزند؛ از جمله فرموده‌اند: «هر حیوان، پرندۀ یا غیر آن به ناحق کشته شود روز قیامت با قاتل خویش مخاصمه کند».^۲

در روایات نبوی بر ساخت و ساز و عمران محیط زیست تأکید فراوانی شده؛ هم‌چنان که ایشان افراد را از سکنی‌گزینی در خانه‌های ویران بر حذر داشته و عدم اجابت دعای چنین کسی را همانند فردی دانسته که در حفظ حیوان تحت مالکیت خویش اهمال می‌ورزد و فرموده‌اند:

خدا دعای سه گروه را نمی‌پذیرد؛ مردی که در خانه ویران جای گیرد و مردی که کنار راه اقامت گزیند و مردی که حیوان خود را رها کند و سپس دعا کند که خدا آن را نگه دارد.^۳

با تأملی کوتاه در روایات مختص به عصر ظهور، به خوبی فهمیده می‌شود که فضای زیستی و موجودات ساکن در این قلمرو در نهایت کمال از مواهب حکومت حضرت مهدی علیه السلام برخوردار گشته و طعم آسایش، آرامش و حیات طیبه مبتنی بر عدالت را خواهند چشید. در آنجا سخن از عمران و آبادی تمامی عرصه خاک است، به گونه‌ای که چون آن حضرت قیام کند، همه خرابی‌ها را آباد کند،^۴ تمامی سطح زمین را از سرسبزی بپوشاند، گنج‌ها و معادن

۱. همان، ص ۶۶۳، ح ۱۱۳۰.

۲. نهج الفصاحه، ص ۱۴۰، حدیث ۱۷۳۰.

۳. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۱۹.

۴. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۳۱.

زمین، مورد استخراج قرار گیرند و زمین آنچه را که مخفی داشته، برای رفاه و آسایش انسان‌ها به دست حضرت خواهد سپرد.

موارد زیربرخی از ویژگی‌های محیط زیست عصر ظهور و رعایت کامل حقوق مزبور در آن دوره خواهد بود:

الف) تطهیر و نورانیت زمین

زمین در عصر مهدوی با لطف الهی از هرگونه جور و ظلمی تطهیر می‌شود و با نور الهی منور و تابان می‌گردد. بدیهی است که هرگونه تلوث و آلودگی، زیرمجموعه معانی جور و ظلم قرار می‌گیرد؛ زیرا هرگونه آلودگی به معنای انحراف از طبیعت مخلوق الهی و به معنای تعدی از حق و حرکت به سوی باطل است؛ هم‌چنان که ظلم به هرگونه تجاوز از حق، اعم از کم و زیاد اطلاق می‌شود.

امام رضا علیه السلام می‌فرمایند:

يُظَهِّرُ اللَّهُ بِهٖ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَيَقْدِسُهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ... فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتْ الْأَرْضُ بِنُورِهِ وَوَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا وَهُوَ الَّذِي تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ...^۱ خداوند به واسطه او، زمین را از هرگونه جور و ظلم تطهیر و منزه می‌نماید. پس هنگامی که وی (حضرت مهدی) خروج کند زمین با نور پروردگار، نورانی گشته و ترازوی عدالت در میان مردم حکم فرما می‌گردد. پس از آن، دیگر احدی به احد دیگر ظلم نمی‌کند و او کسی است که زمین برایش در نور دیده می‌شود.

ب) رضایت و سرور موجودات و محیط زیست

روایات بی‌شماری در تبیین عصر مهدوی، حاکی از نهایت رضایت تمامی ساکنان و موجودات در زمین و آسمان از حکومت مهدی موعود است. پرواضح است که این رضایت و سرور همگانی نمی‌تواند بدون تأمین حقوق محیط زیست و کلیه ساکنان آن باشد. در روایات متعددی به خصوص از پیامبر صلی الله علیه و آله این معنا چنین ذکر شده است:

... يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا يَرْضَى فِي خِلَافَتِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَأَهْلُ السَّمَاءِ وَالطَّيْرِ فِي الْجَوِّ^۲ زمین از عدل پر می‌شود همان‌طور که قبلاً از جور پر شده بود. در خلافت او اهل زمین و اهل آسمان و پرنده در هوا، راضی و خوش حال از این حکومت هستند.

در روایت دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله که گویای اوج حفظ حقوق محیط زیست در آن عصر طیبه

۱. همان، ص ۳۷۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۰.

می باشد آمده است:

نامش نام من است، در موقع ظهور او پرندگان را در آشیانه هاشان و ماهیان در دریاها (با کمال آزادی و دور از هرگونه ترس و مزاحمت دشمن) تولید نسل می کنند و نهرها کشیده می شود و چشمه ها می جوشد و زمین دو برابر محصول خود را می رویاند...^۱

برخی از روایات بیان کننده تحقق کلیه استعدادهای بالقوه محیط زیست در دوران ظهور بدین شرح است. معصوم علیه السلام می فرمایند:

فَيَخْطُبُ النَّاسَ فَتُسَبِّحُ الْأَرْضُ بِالْعَدْلِ وَ تُعْطَى السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ الشَّجَرُ ثَمَرَهَا وَ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ تَتَزَيَّنُ لِأَهْلِهَا... وَ تُخْرِجُ لَهُمُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا...^۲ حضرت مردم را مورد خطاب قرار داده و سپس زمین را به عدالت، بشارت می دهد. در این هنگام آسمان باران خود عطا نموده و درختان میوه های خود را فرو می فرستند. زمین کلیه رستنی های خویش را عرضه نموده و خود را برای اهل عالم با این گیاهان زینت می بخشد...؛ هم چنان که زمین برای مردم، گنج های خود را بروز می دهد.

جمع بندی

در پرتو حضور نورانی حضرت مهدی علیه السلام روابط اجتماعی سامان می یابد. یکرنگی و یگانگی میان مردمان جاری می شود و دوستی و رحمت قلب ها را پرمی سازد و مساوات اجتماعی جلوه می کند. در این گفتار در دو بعد سیاسی و اجتماعی گفتیم در بعد سیاسی حضرت با تشکیل حکومت فراگیر جهانی، تمام تلاش خود را معطوف به اجرای اصل مساوات در برابر قانون، و ایجاد امنیت سیاسی اجتماعی برای تمام افراد خواهد کرد تا بتواند شایسته سالاری را به جای رابطه سالاری بر جامعه حاکم کند. و در بعد اجتماعی نیز حضرت با اجرای عدالت اجتماعی زمینه رشد عقلی و علمی را در جامعه فراهم نمود تا با ایجاد حیات مجدد در جامعه و تزریق نور امید در دل افراد آن، آنها را به تلاش برای نفع رساندن به هم نوعان خود وادارد تا در نهایت رشد و رفاه عمومی در سطح جامعه را پدید آورد.

۱. همان، ج ۵۲، ص ۳۰۴.

۲. همان، ج ۵۳، ص ۸۵.

گفتار سوم

ویژگی های اقتصادی

دوران ظهور، روزگاری بی نیازی اقتصادی است، بیشتر رقابت های ناسالم و غیر انسانی از نیاز داشتن و فقر و محرومیت برمی خیزد. هنگامی که رفاه اقتصادی برای همه حاصل آمد و اقتصاد جامعه سامان یافت، رقابت ها سالم می گردد و فعالیت های اقتصادی و تولید و توزیع در حد بالا و با انگیزه های معنوی و هدف خدمت به جامعه و مردم صورت می گیرد. بر مجموع روابط اجتماعی حس برادری انسانی سایه می گسترده و محیط کار و تلاش به محیط پیش دستی برای رسیدن به کمالات انسانی تبدیل می شود، و حرکت اقتصادی جامعه جهت الهی - انسانی می یابد.

بی نیازی مردمان به سبب تحقق کامل عدالت و فراوانی و عمران و آبادی در اوج کمال و تقسیم اموال به مساوات، از مشخصات اقتصادی جامعه مهدوی است. آن حضرت تمام مناسبات ناسالم اقتصادی را زیر پای می گذارد و محو و نابود می کند؛ از رسول خدا ﷺ روایت شده است که فرمود:

«وَقَالَ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا اُضْمَحَلَّتِ الْقَطَائِعُ فَلَا قَطَائِعَ»^۱ زمانی که قائم ما قیام کند، قطایع از بین می رود به طوری که دیگر قطایعی در میان نخواهد بود. زمین هایی که زمامداران و حکام جور در مالکیت خود درآورده یا واگذار کرده اند و در حقیقت متعلق به امام علی است، در جایگاه خود قرار می گیرد. استثمار و استعمار پایان می پذیرد. همگان به رفاه و آسایش می رسند. امام باقر علیهما السلام فرمود:

تمام اموال زمین - آنچه در دل زمین است و آنچه بر روی زمین است - نزد مهدی علیه السلام گرد آید، آنگاه او به مردمان گوید: بیایید و این اموال را بگیرید. این ها همان چیزهایی است که به خاطرش قطع رحم کردید و خون ها به ناحق ریختید و مرتکب گناهان شدید.^۲

در دولت او زمین همه استعداد های خود را بروز می دهد و دارایی ها انبوه می شود. از رسول

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۹، باب ۲۷، سیره و اخلاق، ح اول.

۲. الغیة، نعمانی، صص ۲۳۸ - ۲۳۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۱.

خدا ﷻ چنین روایت شده است:

در آن زمان امت من چنان از نعمت برخوردار شوند که هرگز امتی آن چنان از نعمت برخوردار نشده باشد، زمین به تمامه محصول دهد و هیچ را از آنان دریغ ندارد، و اموال انبوه شود. هر کس آید و گوید: به من مالی ده - مهدی بی درنگ گوید: بگیر.^۱

بدین ترتیب مردمان با همه وجود و از صمیم قلب از داشتن و گنجینه کردن و انبوه سازی، احساس بی نیازی می کنند؛ همان گونه که پیامبر اکرم ﷺ نوید آن را داده است: «وَيَمْلَأُ اللَّهُ قُلُوبَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ غَنًى وَيَسْعُهُمْ عَذْلُهُ»^۲ دل های پیروان محمد ﷺ را لبریز از بی نیازی می کند و عدالتش همه را فرا می گیرد».

در نظام اقتصادی که مهدی ﷺ برپا می سازد، روابط اقتصادی چنان است که در معاملات سودی گرفته نمی شود. «علی بن سالم از پدرش نقل کرده است که گفت از امام صادق ﷺ پرسیدم: این روایت که سود گرفتن مؤمن از مؤمن رباست؛ معنایش چیست؟ حضرت فرمود: این به هنگام ظهور حق و قیام قائم اهل بیت است، اما اکنون اگر کالایی بفروشد و سود بگیرد اشکالی ندارد».^۳

دولت مهدی ﷺ براساس چنین روابط و مناسبات اقتصادی، شرق و غرب جهان را فرامی گیرد و همه جا را آباد می سازد. نه تنها انسان ها که زمین و آسمان و همه موجودات از دولت و سیرت او راضی اند. در حدیث پیامبر ﷺ آمده است: «يَرْضَى بِخِلَافَتِهِ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ فِي الْجَوِّ»^۴ از خلافت و دولت او، اهل آسمان و زمین و پرندگان آسمان راضی خواهند بود».

در این گفتار به چند شاخصه و ویژگی اقتصادی در جامعه مهدوی اشاره می کنیم.

۱. ویژگی های تولیدی و عمرانی

۱. «... يَتَنَعَّمُ فِيهِ أُمَّتِي نِعْمَةً لَمْ يَتَنَعَّمُوا مِثْلَهَا قَطُّ تُؤْتِي الْأَرْضُ أَكْلَهَا وَلَا تَدْخِرُ مِنْهُمْ شَيْئاً وَالْمَالُ يَوْمئِذٍ كُدُوسٌ يَقُومُ الرَّجُلُ فَيَقُولُ يَا مَهْدِي أَعْطِنِي فَيَقُولُ خُذْ» (كشف الغممه، ج ۲، صص ۴۷۹-۴۷۸؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۸، باب ۶).

۲. كشف الغممه، ج ۲، ص ۴۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۹۱، باب عاش.

۳. «... قَالَ ذَلِكَ إِذَا... قَامَ قَائِمُنَا وَأَمَّا الْيَوْمَ فَلَا بَأْسَ بِأَنْ يَبِيعَ مِنَ الْأَخِ الْمُؤْمِنِ وَيَزِيحَ عَلَيْهِ...» (من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۱۳، باب رهن، ح ۴۱۱۹).

۴. عمدة عيون صحاح الأخبار، ص ۴۳۹. فصل فی ذکر ما جاء فی المهدی، ح ۹۲۲.

در زمان حاکمیت آخرین حجت حق، همه زمین و امکانات آن در اختیار امام خوبان قرار می‌گیرد تا سرمایه‌ای کلان برای پی‌ریزی اقتصادی سالم فراهم شود.

برای دستیابی به خودکفایی و رفاه در سطح جامعه بشری، شناسایی معادن و منابع زیرزمینی و استخراج و بهره‌برداری از آنها کاری ضروری است. بسیاری از ثروت‌ها و مواد لازم برای زندگی، از معادن به دست می‌آید. این معادن و مواد دیگری که برای بشر امروزی شناخته شده نیست، در دوران ظهور مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

پیامبر اکرم ﷺ: «... وَيُظْهِرُ اللَّهُ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ وَمَعَادِنَهَا...»^۱ خداوند برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه گنج‌ها و معادن زمین را آشکار می‌سازد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «... زمین آنچه را در اعماق خویش دارد برای وی بیرون دهد، و همه امکانات و برکات خویش را در اختیار او گذارد...»^۲.

در دوران پیش از ظهور بسیاری از معادن شناخته شده است و بشر کنونی و آینده به سرعت آنها را استخراج می‌کند و در زندگی به کار می‌گیرد. بنابراین از تأکید فراوان احادیث بر موضوع معادن و آشکار شدن آنها برای امام علیه السلام می‌توان حدس زد که آنچه شناخته شده و قابل اکتشاف برای بشر کنونی است بسیار ناچیز است، و در دوران رستاخیز عظیم، مواد و معادنی شناخته و اکتشاف می‌شود که چهره زندگی‌ها را به کلی دگرگون می‌سازد. و باید چنین باشد، زیرا که ایجاد رفاه برای کل جامعه بشری کاری ساده نیست و سرمایه‌های کلان و عظیمی لازم دارد. یکی از منابع تأمین این سرمایه‌ها معادن است و باید از آنها کاملاً استفاده شود.

طبق نظر متخصصان، بسیاری از زمین‌ها قابل عمران و آبادی و کشاورزی است؛ بسیاری از آب‌ها دارای استعداد ذخیره شدن و بهره‌برداری است. این موضوع نیز از نظر متخصصان و آمارگیران ثابت است که زمین استعداد اداره و تأمین چند برابر جمعیت کنونی را دارد به سه شرط:

الف) از همه امکانات بهره‌برداری شود.

ب) از اسراف کاری و شاد خواری و کامروایی فزون از حد گروه‌هایی اندک جلوگیری شود.

۱. کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۹۴، باب ۳۸ ما روی عن أبي محمد الحسن بن علي العسكري، ح ۴.

۲. «وَتُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفَالِيدَ كَيْدِهَا وَتُلْقِي إِلَيْهِ سِلْماً مَقَالِيدَهَا فَيَرِيكُمْ كَيْفَ عَذْلُ التَّيْبَةِ...» (تهجد البلاغه، صبحی صالح، ص ۱۹۶، خطبه ۱۳۸).

ج) فن‌های دقیق علمی و فنی و متناسب با محیط و سرزمین‌ها به کار رود. مانع عظیم اکثریت اجتماعات بشری امروز نبود شناخت و دانش کافی یا برنامه‌ریزی‌های حساب‌شده و درست است و دوران ظهور، دوران سراسر آگاهی و شناخت‌های ناب و خالص است که همه زوایای زندگی انسان را روشن می‌سازد و در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی، هنری، فنی، اجتماعی، اقتصادی و... نقطه ابهام و عقب‌ماندگی نمی‌ماند و شیوه‌ها و روش‌های اصولی و درست و مقرون به صرفه و به سود انسان ارائه می‌شود و زندگی در همه جای زمین چهره‌ای زیبا و انسانی و سرشار از رفاه به خود می‌گیرد؛^۱ به طوری که نه تنها انسان‌ها بلکه زمین و آسمان و همه موجودات از دولت و سیره حضرت در کمیت و کیفیت بهره‌وری از منابع طبیعی راضی‌اند. در حدیثی پیامبر ﷺ فرموده است: «يَرْضَى بِخِلَافَتِهِ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ فِي الْجَوْ»^۲ از خلافت و دولت او، اهل آسمان و زمین و پرندگان آسمان راضی خواهند بود».

۱-۲. عمران و آبادانی

تقسیم ناعادلانه ثروت و بهره‌برداری افراطی از امکانات زمین در دوران پیش از ظهور با همه پیشرفت علوم و فناوری در همه زمینه‌ها باعث آسیب و تخریب محیط زیست گردیده؛ به طوری که بحران کم‌آبی و خشکی سفره‌های زیرزمینی دامنگیر بسیاری از کشورهای جهان شده است.

اما در حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که امر تولید و توزیع ساماندهی می‌شود، همه جا به نعمت و آبادانی می‌رسد. و مشکلات زیست محیطی رخت برمی‌بندد، و مردم در کمال آرامش و به طور عادلانه از مواهب الهی بهره‌مند شده و دیگر مکان خرابی در زمین باقی نخواهد ماند؛ همانطور که روایات به عمران و آبادانی اشاره می‌کند.

امام باقر علیه السلام در توصیف روزگار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرمایند:

... زمین برای قائم ما درهم پیچیده می‌شود (و به لحظه‌ای از هر نقطه به نقطه دیگر می‌رسد) ... و در زمین جای ناآبادی باقی نمی‌ماند.... حضرت به کارگزاران خود دستور می‌دهد که شهرها را آباد سازند. و زمین به دست حضرت آباد و سرسبز می‌شود.^۳

۱. عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام، ص ۸۷.

۲. عمدة عیون صحاح الأخبار، ص ۴۳۹، فصل فی ذکر ما جاء فی المهدی، ح ۹۲۲.

۳. «... الْقَائِمُ مِمَّا... تُظَوَّرُ لَهُ الْأَرْضُ... فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا قَدْ عُمِرَ...» (کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱، باب ۳۲،

از برنامه‌ها و اقدامات امام زمان عجل الله تعالی فرجه پدید آوردن رفاه در کل جامعه‌ی بشری است. احادیث درباره‌ی رفاه اقتصادی و رشد فوق‌العاده دوران ظهور بسیار است و این، شاید اهمیت موضوع و نقش آن را در ساختن جامعه‌ی آرمانی اسلام می‌رساند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

در امت من مهدی قیام کند... و در زمان او همه مردم به نعمت‌هایی دست می‌یابند که در هیچ زمانی دست نیافته باشند، چه نیکوکار و چه بدکار، آسمان باران رحمتش را بر آنان ببارد و زمین چیزی از رویدنی‌های خود را پنهان ندارد.^۱ در هنگامه‌ی بعد از ظهور، به علت تقوای عمومی مردم و هدایت آنان توسط امام زمان عجل الله تعالی فرجه خداوند وعده‌ی خود را درباره جامعه تقوا پیشگان آشکار می‌کند:

﴿قُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا - يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا - وَ يُنْزِلُ عَلَيْكُمْ مِائِدًا مِّنَ السَّمَاءِ فِي سَاعِدِ الْمَصْرِفِ - ذَلِكُمْ يَوْمَ الْمُنَادِ - نَادَىٰ ذُو الْقُرُونِ مِن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَأُخْفَىٰ خَلْفَهُمْ قَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ السَّادِقُ - الَّذِي وَعَدْنَاهُ إِنَّهُ كَانَ فِي بَيْنِ يَدَيْهِ عِلْمُ السَّاعَةِ فَأَنشَرَهُمْ بَدَأَ فَفَنَزَلَ الْمَوْتُ فَفَعَلَهُمْ فَكَرَرُوا وَفَرَرُوا - وَ يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا - وَ يُنْزِلُ عَلَيْكُمْ مِائِدًا مِّنَ السَّمَاءِ فِي سَاعِدِ الْمَصْرِفِ - ذَلِكُمْ يَوْمَ الْمُنَادِ - نَادَىٰ ذُو الْقُرُونِ مِن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَأُخْفَىٰ خَلْفَهُمْ قَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ السَّادِقُ - الَّذِي وَعَدْنَاهُ إِنَّهُ كَانَ فِي بَيْنِ يَدَيْهِ عِلْمُ السَّاعَةِ فَأَنشَرَهُمْ بَدَأَ فَفَنَزَلَ الْمَوْتُ فَفَعَلَهُمْ فَكَرَرُوا وَفَرَرُوا﴾^۲ سپس گفتم از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او آمرزنده است. تا از آسمان برایتان پی‌درپی باران فرستد. و شمارا به اموال و فرزندان مدد کند و برایتان بستان‌ها و نهرها بیافریند.

در دوران ظهور که دوران سراسر آگاهی و شناخت‌های کامل و اصیل و مفید است، همه‌ی زوایای زندگی انسان روشن می‌گردد و طبیعت کاملاً مسخر انسان می‌گردد و بدین ترتیب از یک طرف سرمایه‌های مادی فوق‌العاده زیاد می‌گردد و از طرف دیگر این امکانات به نحو عادلانه توزیع می‌گردد. از سویی مردم نیز از نظر غنای روحی و سطح اخلاق و معرفت و تقوا چنان اوج می‌گیرند که دامنه حرص و آز (که سرچشمه تکاثرو بخل و احتکار و تنازع است). در نتیجه رشد اقتصادی یعنی در سایه تحولات در سیستم تولید، توزیع و مصرف برچیده می‌شود.

احادیث جالب و گویایی وجود دارد که نشان می‌دهد که جهش علمی در صنایع و فناوری

ما أخبر به أبو جعفر، ح (۱۶).
۱. «يَتَنَعَّمُ فِيهِ أَقْتَبَى نِعْمَةً لَمْ يَتَنَعَّمُوا مِثْلَهَا قَطُّ...» (كشف الغممه، ج ۲، صص ۴۷۹ - ۴۷۸، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۸، باب ۶).
۲. نوح (۷۱)، ۱۰-۱۲.

نیز در مقیاس وسیعی در رشد اقتصادی تحول ایجاد می کند، مانند حدیثی که ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

هنگامی که کارها به حضرت مهدی علیه السلام برسد خداوند هر نقطه فرورفته ای از زمین را برای او مرتفع، و هر نقطه مرتفعی را پائین می برد آن چنان که تمام دنیا نزد او به منزله کف دستش خواهد بود! کدام یک از شما اگر در کف دستش موئی باشد آن را نمی بیند؟!^۱

وسایل اطلاعاتی آن قدر پیشرفته خواهد بود که دنیا را همچون کف دست آشکار می سازد و به حکومت مرکزی تسلط کامل بر اوضاع جهان می بخشد تا به موقع و بدون فوت وقت برای حل مشکلات جهانی بکوشد، و هرگونه فساد را (عمدی و غیر عمدی) در نطفه خفه کند. مسئله انرژی و نور آن چنان حل می شود که مردم بی نیاز از انرژی خورشیدی می شوند، با اینکه بازگشت همه انرژی ها جز انرژی اتمی به آن است. وسایل سریع السیری که با وسایل کنونی قابل مقایسه نیست، نه فقط برای دور زدن کره زمین در یک زمان کوتاه، بلکه برای مسافرت های دوردست فضائی در اختیار آن حکومت قرار می گیرد.^۲ و این نیز به اهداف اصلاحی این حکومت کمک می کند. در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام چنین آمده است:

چون قائم ما قیام نماید خداوند گوش و چشم شیعیان ما را چنان تقویت می کند که بین آنها و امام علیه السلام پست و پیک وجود نداشته باشد، به گونه ای که وقتی امام با آنها سخن می گوید آنان می شنوند و او را می بینند و امام در جایگاه خود قرار دارد.^۳

یعنی وسایل انتقال «صدا» و «تصویر» به طور همگانی و ساده و آسان در اختیار همه پیروان او قرار می گیرد، چنانکه در عصر حاضر شاهد پیشرفت های سریعی در علم ارتباطات و وسایل ارتباطی هستیم، و همه به هم نزدیک اند و به راحتی می توانند یکدیگر را ببینند و صدای یکدیگر را بشنوند. همانطور که در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام در این زمینه نقل شده است که می فرماید:

مؤمن در زمان قائم علیه السلام در حالی که در مشرق است برادر خود را در مغرب می بیند

۱. بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۱۸۵.

۲. همان.

۳. «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ يَكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ» (الكافي، (ط - الاسلاميه)، ج ۸، ص ۲۴۱، ح ۳۲۹).

و همچنین کسی که در غرب است برادرش را در شرق می‌بیند.^۱

این ارتباط مستقیم نه تنها در سطح حکومت، بلکه در سطح عموم عملی می‌شود و پیوندهای ظاهری و جسمانی، پیوندهای معنوی دل‌ها را استحکام می‌بخشد؛ آن گونه که جهان به راستی به شکل یک خانه و مردمش همچون اهل یک خانواده خواهند بود. و به این ترتیب علم و دانش و صنعت در اختیار بهسازی وضع جهان و تحکیم پایه‌های اخوت و برادری - و نه در راه ویرانگری که اکنون معمول است - قرار خواهد گرفت.

شبهه

بعضی می‌پندارند که در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه دنیا از نظر صنعتی به عقب بازمی‌گردد و زندگی انسان‌ها از نظر صنعتی به سان زندگی عصر پیامبر صلی الله علیه و آله خواهد شد؛ نوع سلاح همان نوع سلاح گذشته و مرکب همان مرکب و سایر وسایل زندگی نیز متناسب همان عصر خواهد بود.

پاسخ

یک حکومت گسترده جهانی نیازمند به وسایل بسیار پیشرفته‌ای است که بتواند ارتباط قسمت‌های مختلف سراسر جهان را تأمین کند، تسلط حکومت مرکزی را بر آنها آسان سازد و بروسائل صنعتی و سلاح‌های پیچیده‌ی موجود جهان پیشی گیرد، زیرا بنا نیست که پایه‌های حکومت حضرت در تمام زمینه‌ها بر اعجاز باشد. احادیث متعددی که در این زمینه وارد شده موید این مدعا است.^۲

الف) پیشرفت صنعت و تکنولوژی

در حدیثی که از امام صادق علیه السلام نقل شده در می‌یابیم که در آن عصر، بشر به آنچنان قدرت تکنولوژیکی دست می‌یابد که به طور کامل از نور خورشید بی‌نیاز می‌گردند.^۳

ب) پیشرفت در وسایل ارتباطاتی

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام از گسترش عظیم مخابرات و ارتباطات خبر داده می‌شود به نحوی که افراد در شرق و غرب عالم می‌توانند همدیگر را از دور دست‌ها نظاره کنند و با هم ارتباط تصویری داشته باشند:

۱. «إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَهُوَ بِالشَّرْقِ لَيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ وَكَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ» (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱، باب ۲۷، سیره و أخلاقه و عدد أصحابه، ح ۲۱۳).

۲. ویژگیهای جامعه توسعه یافته اسلامی، ص ۱۸۷.

۳. «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَفَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَاسْتَعْنَى الْعِبَادُ مِنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ» (الغیبه، طوسی، ص ۴۶۸، فصل ۸).

«مومن در زمان حضرت در حالی که در مشرق است، برادر خود را در مغرب می بیند. همچنین کسی که در مغرب است، برادرش را در مشرق می بیند».^۱

ج) پیشرفت در وسایل حمل و نقل

در روایات به استفاده حضرت از وسایل سریع السیری اشاره شده که با وسایل موجود قابل مقایسه نیست و جالب اینکه این وسایل محدود به سفر و جابجایی بر روی زمین نیست، بلکه برای سفر به کرات دیگر نیز استفاده می شود.

«مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر ابرها سوار می شود و از وسایلی نظیر وسایل آسمان های هفت گانه استفاده می کند».^۲

و نیز در حدیث قدسی آمده است:

«بادها را مسخر او خواهم کرد، ابرهای تند را گین سخت را برای او رام خواهم کرد. او را از طریق اسبابی به سفر کردن به آسمان ها موفق خواهم داشت».^۳

۲. ویژگی های توزیعی و اصلاحی

۱-۲. توزیع عادلانه ثروت

تقسیم و توزیع عادلانه بیت المال بدون هیچ تبعیضی در عصر حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق خواهد شد، و امکانات در اختیار مستحقانش قرار می گیرد. و با توزیع عادلانه اموال، از شکاف طبقاتی جلوگیری می شود.^۴

امام باقر علیه السلام فرموده اند:

... إِذَا قَامَ قَائِمُنَا فَإِنَّهُ يُقْسِمُ بِالسَّوِيَةِ وَيَعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ الْبَرِّ مِنْهُمْ وَالْفَاجِرِ؛^۵
وقتی قائم خاندان پیامبر قیام کند (اموال را) به تساوی تقسیم و میان خلق -
نیکوکار و بدکار - به عدالت رفتار می کند.

۱. «إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَهُوَ بِالْمَشْرِقِ لَيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ وَكَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ»؛ (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱، باب ۲۷، سیره و أخلاقه و عدد أصحابه، ح ۲۱۳).

۲. ... أَمَّا إِنَّهُ سَيَرْكَبُ السَّحَابَ وَيَرْقَى فِي الْأَسْبَابِ أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَالْأَرْضِينَ السَّبْعِ»؛ (همان، ج ۵۲، ص ۳۲۱).

۳. «... وَلَأُسَخِّرَنَّ لَهُ الرِّيحَ وَلَأَذْلَلَنَّ لَهُ الرِّقَابَ الصُّعَابَ وَلَأَرْقِيَنَّهُ فِي الْأَسْبَابِ»؛ (كمال السدين و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۵۶، باب ۲۳، ح ۴).

۴. ر. ک: حضرت مهدی فروغ تابان، صص ۱۲۸-۱۲.

۵. وسائل الشيعة، ج ۹، ص ۲۸۲، باب ۳۶، حدیث آخر.

«... امام مهدی عجل الله تعالی فرجه میان مردم به مساوات رفتار می‌کند، به گونه‌ای که کسی پیدا نشود که نیازمند زکات باشد».^۱ ره‌آورد این مساوات در سطح جامعه آن است که فقر و تهی‌دستی ریشه کن می‌شود و فاصله‌های طبقاتی از بین می‌رود. و قسط و عدل (به معنای عدم تبعیض در تقسیم بیت المال و رعایت حقوق مردم) به طور کامل اجرا خواهد شد.

۲-۲. بازپس‌گیری ثروت‌های غصب‌شده و ایجاد اقتصاد سالم

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه از راه دیگری که از اهمیت فراوانی برخوردار است نیز سرمایه‌های بزرگ و کلانی به دست می‌آورد، و از آن راه بودجه‌هنگفت سامان بخشیدن به جامعه انسانی و ایجاد رفاه عمومی را تأمین می‌کند. امام با از میان برداشتن جباران و سرمایه‌داران مانع اجرای عدالت، پول‌ها و سرمایه‌ها و همه امکانات آنها را که از راه‌های نامشروع، استثمار، غصب، احتکار، ظلم، تعدی، گرانفروشی، ارزان خریدن مواد خام و کالای مردمان محروم و... به دست آورده بودند، بازپس می‌گیرد و در اختیار توده‌های محروم بشری قرار می‌دهد. در دولت حضرت رباخواری از بین می‌رود.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در رستاخیز ظهور، این مالکیت‌های دروغین و صوری را ابطال می‌کند. مهدی حق هر حقداری را بگیرد و به او دهد، حتی اگر حق کسی زیر دندان دیگری باشد، از زیر دندان انسان متجاوز و غاصب بیرون کشد، و به صاحب حق باز گرداند.^۲

هنگامی که قایم ما قیام کند، قطایع (زمین‌هایی که زمامداران و حاکمان جور در مالکیت خود درآورده یا واگذار کرده‌اند) از بین می‌رود.^۳ در احادیثی آمده است که همه اموال دنیا نزد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه گرد می‌آید، و امام آنها را میان مردمان طبق قانون عدل و براساس نیاز و برای رسیدن به رفاه و بی‌نیازی تقسیم می‌کند.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«... همه اموال جهان، در نزد مهدی موعود علیه السلام گرد آید؛ آنچه در دل زمین است و آنچه بر روی زمین، آنگاه مهدی به مردمان بگوید: «بیائید! و این اموال را بگیرید!»

۱. «... وَ يَسْوِي بَيْنَ النَّاسِ حَتَّى لَا تَرَى مُحْتَاجًا إِلَى الزَّكَاةِ ...» (بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۹۰، ح ۲۱۲).

۲. خورشید مغرب، ص ۳۱ به نقل از المهدی الموعود المنتظر، ج ۱، ۲۷۹.

۳. «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا - أَصْحَابُ الْقَطَائِعِ فَلَا قَطَائِعَ» (وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۲۲، باب ۵۴).

اینها همان چیزهایی است که برای به دست آوردن آنها قطع رحم کردید و خویشان خود را رنجاندید، خون های به ناحق ریختید، و مرتکب گناهان شدید، بیایید و بگیرید! ...»^۱

۳. ویژگی مصرفی

۱-۳. رواج فرهنگ زهد و ساده زیستی

از موضوعاتی که تأثیر بسیار چشمگیری بر زندگی فردی و اجتماعی انسان ها دارد، مقوله ی زهد و ساده زیستی است که متأسفانه در هیاهوی مدرنیته و عصر تکنولوژی کمتر به آن توجه می شود؛ در حالی که از نقطه نظر فرهنگ دینی و اسلامی ما، یکی از ارزش های متعالی به حساب می آید.

عصر ما، عصر حاکمیت دو نگاه افراطی و تفریطی به نحوه ی بهره مندی از مادیات در زندگی است. از یک سو عده ای از مردم را می بینیم که چنان اسیر زرق و برق و تجملات مادی دنیا گردیده اند که گویی تمام هدف از حیات دنیوی انسان، بهره مندی از همین مادیات است و از سویی دیگر عده ای را شاهدیم که چونان راهبان تارک دنیا و اهل ریاضت، حتی در استفاده از حلال دنیا نیز به شدت برخورد سخت می گیرند!

البته امروزه بیشتر مردم به زندگی از نوع اول متمایل شده اند و رشد روز افزون عوامل قدرت و ثروت و ترویج دائمی زندگی مصرف گرایانه در رسانه های جمعی، خطر روی آوردن به زندگی تجملاتی و فرورفتن در مرداب دنیا را افزایش داده است.

هرچند ساده زیستی برای تمام افراد جامعه ارزش محسوب می شود، اما برای مسئولان و مدیران جامعه، یک ضرورت است. اگر مسئولان سبک زندگی ساده را برگزینند، درد و رنج محرومان را بهتر لمس خواهند کرد. زهد، قناعت و دل بردن از مواهب دنیوی و پی بردن به حقیقت زندگی مادی گرایانه، ریشه های تعارضات درونی و بیرونی بین انسان ها را برطرف می کند. و ترویج فرهنگ ساده زیستی در جامعه و الزام مسئولان به چنین رفتاری، آرامش خاطر و دوری از نزاع را در بین مردم پدیدار ساخته و امنیت روانی را که از عوامل ثبات و پایداری یک اجتماع انسانی است، برقرار می سازد. قلوب مردم را به سوی آنان جلب کرده و آرامش روحی را به جامعه تزریق می کند. به همین دلیل است که در طول تاریخ، عالمان

۱. «... وَ تُجْمَعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ الدُّنْيَا... فَيَقُولُ لِلنَّاسِ تَعَالَوْا إِلَى مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ... وَ رَكِبْتُمْ فِيهِ مَا حَرَّمَ اللَّهُ...» (الغیة، نعمانی، ص ۲۳۷، حکمه ع، ح ۲۶).

دینی مورد عنایت و محبت مردم بوده و مردم از جان و دل مطیع آنان بودند و از آنجا که با حفظ حکومت اسلامی، اصل دین هم حفظ خواهد شد، در همین راستا رفتار زاهدانه و ساده‌زیستی مسئولان، بزرگ‌ترین عامل تثبیت حکومت خواهد بود؛ زیرا زمینه‌ی اصلاح فکری و تقویت مبانی اعتقادی مردم را نسبت به حکومت فراهم می‌نماید. امام علی علیه السلام قناعت را برای تثبیت حکومت کافی می‌داند و می‌فرماید: «قناعت دولت‌مندی را بس [است]».^۱

مفهوم ساده‌زیستی با مفاهیمی همچون زهد، قناعت و بی‌رغبتی، ارتباط وثیقی دارد. اگر صفت زهد را مربوط به حیطه‌ی گرایش‌های قلبی انسان به دنیا و مادیات بدانیم، ساده‌زیستی، ناظر به زندگی فردی و اجتماعی است و لذا تجمّل‌گرایی که حاکی از دل‌بستگی به دنیا است با زهد و ساده‌زیستی در تضاد خواهد بود. استاد شهید مرتضی مطهری می‌گوید:

زهد، حالتی است روحی و زاهد از آن نظر که دل‌بستگی‌های معنوی و اخروی دارد، به مظاهر مادی زندگی بی‌اعتناست. این بی‌اعتنایی و بی‌توجهی تنها در فکر و اندیشه و احساس قلبی نیست و در مرحله‌ی ضمیر پایان نمی‌یابد. زاهد در زندگی عملی خویش، سادگی و قناعت را پیشه‌ی خود می‌سازد و از تنعم تجمّل و لذت‌گرایی پرهیز می‌نماید. زهاد جهان آنها هستند که به حداقل تمتع و بهره‌گیری از مادیات اکتفا کرده‌اند.^۲

در طول تاریخ هرگاه امامی، حکومت را به دست گرفته و به رهبری پرداخته، اصل در زندگی او «ساده‌زیستی» بوده و هرگز زندگی مرفه و تجمّلاتی را انتخاب نکرده است. در حکومت امام زمان علیه السلام نیز مثل دیگر معصومین علیهم السلام زهد و عدم وابستگی به دنیا زینت کارگزاران و یاران حضرت است. یاران امام منتظر با داشتن چنین صفاتی چنان خود ساخته‌اند که اگر همه دنیا به آنان پیشنهاد شود تا تخلف از فرمان امامشان کنند، نمی‌پذیرند.^۳

آنان خوشکامی و نیک‌بختی را در آرامش دیگران می‌جویند و بستر بهره‌گیری از مواهب الهی را برای دیگران فراهم کرده و خود با دنیا‌گرایی در ستیزند. غذایشان ساده و لباسشان

۱. نهج البلاغه، ترجمه شهیدی.

۲. سیری در نهج البلاغه، ص ۲۱۴.

۳. منتخب الاثر، ص ۳۶۰.

بی پیرایه است.

امام صادق علیه السلام در برابر پافشاری دوستان برای قیام و شتاب در خروج قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

چرا در خروج قائم شتاب می‌ورزید؟! به خدا سوگند، لباسش درشت و غذایش ناچیز است. زندگی در حکومت او جنگیدن و مرگ در سایه شمشیر است.^۱

امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «خدا بر پیشوایان دادگروا جب فرموده خود را با مردم ناتوان برابر نهند تا مستمندی تنگدست را به هیجان نیارند و به طغیان و اندازند».^۲

۳-۲. توجه به اقشار ضعیف و کم درآمد

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

... بدانید اگر شما از منجی شرق پیروی کنید، شما را به روش پیامبر در می‌آورد تا از رنج و سختی (برای کسب وسایل زندگی) آسوده باشید و بار سنگین (زندگی) را از شانه‌هایتان بر زمین نهید...^۳

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

امام مهدی، در سال دوبار به مردم مال ببخشید و در ماه دوبار امور معیشت بدانان دهد... تا نیازمندی به زکات باقی نماند. و صاحبان زکات، زکاتشان را نزد محتاجان آورند، و ایشان نپذیرند. و پس آنان زکات خویش در کیسه‌هایی نهند و در اطراف خانه‌ها بگردند (برای دستیابی به محتاجی)، و مردم بیرون آیند و گویند: ما را نیازی به پول شما نیست... پس دست به بخشش گشاید، چنانکه تا آن روز کسی آنچنان بخشش اموال نکرده باشد.^۴

یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد دولت حضرت رسیدگی کامل به تمام افراد جامعه با انجام کارهایی نظیر محرومیت زدایی، پرداخت بدهی بدهکاران، آزادی بردگان، رد مظالم و... است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

۱. النبیة، نعمانی، ص ۲۳۳.

۲. نهج البلاغه، ترجمه‌ی دکتر سید جعفر شهیدی، خطبه‌ی ۲۰۹.

۳. «... سَلَكَ بِكُمْ مَنَاهِجَ الرَّسُولِ... وَ كُفَيْتُمْ مَوَؤَنَةَ الظَّلْبِ وَ التَّعْشِفِ، وَ تَبَدُّثُ الثَّقَلِ الْفَادِحِ عَنِ الْأَعْنَاقِ...»؛ (همان، ص ۱۸۶).

۴. «وَيُعْطَى النَّاسُ عَطَايَا مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ وَ يَرْزُقُهُمْ فِي الشَّهْرِ رِزْقَيْنِ...»؛ (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰، باب ۲۷ سیره و أخلاقه و عدد أصحابه، ح ۲۱۲).

مهدی علیه السلام... هر برده مسلمانی را آزاد می‌کند. بدهی بدهکاران را پرداخت می‌کند و حق کسی را در دست کسی باقی نمی‌گذارد جز اینکه از او باز می‌ستاند و به صاحب حق بر می‌گرداند. کسی کشته (قصاص) نمی‌شود، مگر اینکه دیه او را به صاحبانش تسلیم می‌کند، بدهی‌اش را می‌پردازد و زندگی خانواده او را تأمین می‌کند...^۱

امام صادق نیز می‌فرماید: «به بینوایان طعم کره را می‌چشانند و در روزگار او دنیا پاکیزه می‌شود و اهل دنیا نیک می‌گردند».^۲

جمع بندی

دوران ظهور، روزگاری بی‌نیازی اقتصادی است، رقابت‌ها سالم می‌گردد و فعالیت‌های اقتصادی و تولید و توزیع در حد بالا و با انگیزه‌های معنوی و هدف خدمت به جامعه و مردم صورت می‌گیرد. مردمان به سبب تحقق کامل عدالت و فراوانی و عمران و آبادی در اوج کمال و تقسیم اموال به مساوات، به بی‌نیازی خواهند رسید.

در این گفتار وضعیت اقتصادی جامعه مهدوی ذیل عناوین ویژگی‌های تولیدی، رفاهی و توزیعی مطرح شد.

در بعد تولیدی، با پیشرفت صنایع به بهره‌برداری از منابع طبیعی و زیرزمینی پرداخته و با رشد فوق‌العاده اقتصادی، عمران و آبادانی را برای جامعه به ارمغان خواهد آورد.

و در بعد رفاهی و خدماتی، با پیشرفت صنایع و تکنولوژی در ابعادی نظیر ارتباطات و حمل و نقل، با توسعه رفاه و بی‌نیازی معیشتی در سطح جامعه، وضعیت بدهکاران و نیازمندان را سرو سامان خواهد داد.

ایشان در بعد توزیعی نیز با توسعه عدالت در ابعاد اجتماعی و اقتصادی، و ایجاد اقتصاد سالم و فضای رقابتی با بازپس‌گیری ثروت‌های غصب شده، زمینه توزیع عادلانه ثروت را فراهم خواهد نمود. و شکاف طبقاتی را از بین خواهد برد.

۱. «فَلَا يَتْرُكُ... غَارِمًا إِلَّا قَضَى دَيْنَهُ وَلَا مَظْلِمَةً لِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَدَّهَا...» (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۵، ح ۸۷).

۲. «المهدی کأتمای یلق المساکین الرّبد...» و فی ایام دولته تطیب الدنیا و اهلها؛ (التشریف بالمنن، ص ۱۴۴، باب ۱۴۳).



**فصل چهارم: وجوه الگوگیری و
زمینه‌سازی جامعه آخرالزمانی از
جامعه مهدوی**

گفتار اول

نقد جامعه آخرالزمانی

در جامعه آخرالزمانی، اکثریت افراد از ارزش و جایگاه عبودیت و خلیفه الهی بودن خود غافلند و در برابر خدای متعال اظهار عجب و کبر، نافرمانی و سرکشی، و بی‌نیازی و استقلال می‌کنند و ارتباط خالق - مخلوقی میان خدای متعال و همه چیز و همه کس را از یاد برده‌اند. لذا در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری دچار انحرافات هستند. و از طرفی نوعی احساس پوچی، تحیر و سردرگمی بر افراد جامعه حاکم است. و رابطه انسان با خدا، دیگران، خود و طبیعت را تحت الشعاع قرار داده است. به عنوان نمونه مارکسیسم خداپرستی انسان را مایه از خود بیگانگی او و مسئله مالکیت انسان نسبت به چیزی را مایه تعلق انسان به غیر خود می‌داند و برای رهایی فرد از خود بیگانگی مذهبی و اقتصادی، اصل مذهب و مالکیت را حذف می‌کند.^۱ ولی دین اسلام خدا فراموشی را مایه خود فراموشی می‌داند؛ آنجا که می‌فرماید: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ﴾^۲؛ مانند آن گروه نباشید که خدا را فراموش کردند و خداوند آنان را به خود فراموشی دچار ساخت.

امیرمومنان (علیه السلام) می‌فرماید: «من نسی الله أنساه نفسه و اعمى قلبه»^۳ هر کس خدا را فراموش کند، خداوند او را به خود فراموشی و کوردلی دچار می‌سازد.

به عبارت دیگر، مهم‌ترین خصیصه جامعه آخرالزمانی، کفر و شرك و لوبه صورت خفی است. اسلام هستی را در مادیات خلاصه نمی‌کند، در حالی که مارکسیسم اصالت را به ماده

۱. فرهنگ واژه‌ها، درآمدی بر مکاتب و اندیشه های معاصر، ص ۲۹۰.

۲. حشر (۹۷)، ۱۹.

۳. فهرست غرر الحکم، ص ۳۸۱.

می‌دهد. حقیقت مالکیت در اسلام، تعلق مال به انسان است نه تعلق انسان به مال. امیرمومنان علیه السلام در این مورد تعبیری بس لطیف دارد، آنجا که می‌فرماید:

وَمَنْ أَبْصَرَ بِهَا بَصَرَهُ وَمَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا أَعْمَتُهُ؛^۱ هر کس به جهان به دیده معبر و گذرگاه و وسیله و ابزار کار بنگرد، مایه روشنی دل او می‌گردد و هر کس به آن از زاویه هدف و آرمان نگاه کند، او را کور دل، و قلب او را بی بصیرت می‌سازد.

از این جهت در اسلام دنیاداری و تجمل پرستی مذموم و مایه نابودی سعادت انسان بشمار می‌رود.

متأسفانه با دقت در روایاتی که اوصاف جامعه آخرالزمانی در ابعاد مختلف را بیان کرده به این نتیجه می‌رسیم که اکثر افراد در تمام ابعاد جامعه آخرالزمانی اعم از فرهنگی - اعتقادی، سیاسی - اجتماعی و اقتصادی از مکتب اسلامی فاصله گرفته و عملاً به مکاتب ناسالم و ظالمانه نظیر کمونیستی، سرمایه داری، فمنیستی و... روی آورده‌اند. لذا ما در گفتار اول با بیان نمونه هایی از بروزهای خارجی این وابستگی و الگوبرداری و تأثیر آن در ابعاد فرهنگی - اعتقادی، سیاسی - اجتماعی و اقتصادی که در روایات مطرح شده به نقد جامعه آخرالزمانی و بیان کاستی‌های آن در این ابعاد می‌پردازیم:

۱-۱. نقد فرهنگی - اعتقادی

از روزی که امت مسلمان عملاً دست از قوانین اسلامی برداشته و دنبال مدلهای وارداتی رفتند، اضافه بر استعمار سیاسی، اقتصادی، سایر کشورها توانستند فرهنگ پوسیده خود را به کشورهای اسلامی صادر نموده تا امت مسلمان با دنباله روی از آن به طور عملی اسلام را از یاد ببرند. به نظر می‌رسد روایاتی که اوصاف فرهنگی - اعتقادی جامعه آخرالزمانی را مطرح کرده‌اند، آسیب‌های دوری از مکتب اسلام و گرایش به مکاتب غربی را به ما گوشزد کرده که در آخرالزمان تبعات وابستگی به آن مکاتب، جوامع اسلامی را هم در ابعاد فرهنگی - اعتقادی در بر خواهد گرفت. مانند:

یکم. شبیخون فرهنگی

شبیخون یک نوع تاکتیک جنگی است که در آن سعی می‌شود با تمام سرعت و به صورت ناگهانی بر دشمن حمله شود. شبیخون فرهنگی یعنی دشمن یک هجوم فکری، اعتقادی و

۱. نهج البلاغه. خطبه ۷۹.

اخلاقی (فرهنگی) ناگهانی و غافلگیرانه را متوجه یک ملت می کند تا باورها و اعتقادات و اخلاق آن جامعه را متلاشی کرده و یا حداقل از کار آیی لازم باز دارد. و این شبیخون شیوه های خاص کارشناسی شده خود را همراه دارد و در واقع جنگی تمام عیارانه با تسلیحات نظامی، بلکه با موضوعات فرهنگی است.

تهاجم فرهنگی (cultural Invasion): این اصطلاح مترادف اصطلاح امپریالیسم فرهنگی - خبری، یعنی اعمال قدرت به منظور اشاعه ارزش های فرهنگی امپریالیسم در میان ملل جهان سوم و خفه کردن فرهنگ این ملت ها است. به عبارت دیگر تهاجم فرهنگی به این معناست که يك مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خود و اسارت يك ملت، به بنیانهای فرهنگی آن ملت هجوم می برد و باورهای تازه ای را به زور به قصد جایگزینی با فرهنگ و باورهای آن ملت وارد کشور کند. تهاجم فرهنگی برای بی اعتقاد کردن نسل نوبه دین و به اصول انقلابی انجام می گیرد.^۱

امروز، مسئله خطرناك این است که سر رشته تحولات منفی در سطح بین المللی در دست کسانی است که می خواهند به وسیله این تحولات، اهداف خودشان را که یا زراست یا زور، تأمین کنند و برای آنها چیزی به نام هویت ملت ها، اصلاً ارزش ندارد که متأسفانه این، در صد و پنجاه سال اخیر، در دنیا اتفاق افتاده است؛ یعنی تحولات کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین، در دام طراحی باندهای قدرت بین المللی افتاده است و طراح اینها، صهیونیست و سرمایه داران بین المللی بوده اند.

آن چه برای اینها مهم است، کسب قدرت سیاسی است که بتوانند در کشورها و دولت های اروپایی و غیره نفوذ کنند؛ آن وقت اگر اقتضا کند که اخلاق جنسی ملت ها را خراب کرده، مصرف گرایی را در بین آنها ترویج کنند و بی اعتنایی به هویت های ملی و مبانی فرهنگی را در آنها ترویج کنند، این کار را می کنند. اینها، اهداف کلان آنها است که تصویر کرده اند. آن وقت، همیشه لشگری هم از امکانات فرهنگی و رسانه ای و روزنامه های فراوان و مسائل گوناگون تبلیغات، در پشت اینها قرار دارد که از آنها به «ناتوی فرهنگی» تعبیر می کنند؛ یعنی مانند پیمان ناتو که آمریکایی ها در اروپا به عنوان مقابله با شوروی سابق، يك مجموعه مقتدر نظامی به وجود آوردند؛ اما برای سرکوب هر صدای معارض با خودشان، در منطقه خاورمیانه و آسیا و غیره، از آن استفاده می کردند، حالا يك ناتوی فرهنگی هم به وجود

۱. ر.ک: مرکز اطلاعات و مدارك علمی ایران، فرهنگ علوم سیاسی، ص ۸۱؛ علی ذوعلم، فرهنگ و تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری.

آورده‌اند. این، بسیار چیز خطرناکی است. البته برای حالا هم نیست؛ سال‌هاست که این اتفاق افتاده است. مجموعه زنجیره به هم پیوسته رسانه‌های گوناگون از ماهواره‌ها، تلویزیون‌ها و رادیوها که حالا اینترنت هم داخلش شده است، در جهت مشخصی حرکت می‌کنند تا سر رشته تحولات جوامع را به دست بگیرند.

«جنگ سرد فرهنگی سیا و جهان هنر و ادب» عنوان کتابی است از خانم فرانسیس ساندرس، پژوهش‌گر و روزنامه‌نگار انگلیسی که در سال ۱۹۹۹ م. در لندن منتشر شد و اندکی بعد، غوغایی به پا کرد. این کتاب، به افشاگری نقش سازمان سیا در هدایت فرهنگی و هنری در بسیاری از کشورها، به ویژه در دوران جنگ سرد می‌پردازد. سازمان سیا، با بهره‌گیری از تجارب دوران جنگ سرد، با بودجه و شدت بیشتری، برای پیروزی در عرصه‌های دیگری، چون اسلام و ایران و از طریق شیوه‌های زیرتلاش می‌کند:

الف) سینما

در هالیوود، مأموران سیا، کارگردانان را ترغیب می‌کنند تا در فیلم‌های خود از سیاه‌پوستان بیشتری استفاده نمایند؛ آنان را آراسته و خوش لباس به تصویر بکشند و از این طریق، آمریکا را جامعه‌ای آزاد و دمکرات نشان دهند. فیلم «مزرعه حیوانات» جرج اورول، در این راستا و با سرمایه سیا در سال ۱۹۸۴ م تولید شد.

ب) کتاب

بسیاری از کتاب‌های کمپانی پراگر، با بودجه سیا چاپ می‌شوند. کتاب «طبقه جدید» میلوان جیلاس هم با کمک سیا و در تیراژ بالا منتشر شد و در سراسر جهان توزیع گردید. سیا، ۵۰ هزار نسخه از یکی از کتاب‌های ایروینگ کریستون را برای توزیع مجانی در سراسر جهان خریداری کرد. طبق تخمین خانم ساندرس، تنها در دوران جنگ سرد، حدود ۱۰۰۰ عنوان کتاب به وسیله سیا و تحت پوشش بنگاه‌های انتشاراتی تجاری و دانشگاهی، در آمریکا به چاپ رسید.

ج) همایش

سیا در سال ۱۹۵۰ م. با گردآوردن ۱۰۰ نویسنده مشهور از سراسر جهان، کنگره آزادی فرهنگی را در برلین دایر کرد. در این کنگره، نویسندگان برجسته‌ای چون آرتور کوستلر، سیدنی هوک، ملوین لاسکی، ایناتسیو سیلونه و جرج اورول شرکت داشتند. یکی از اولین اقدامات کنگره، اختصاص بودجه‌ای کلان، برای چاپ نشریات روشنفکری در پاریس، برلین و لندن بود. هدف ابتدایی کنگره، تقویت چپ‌گرایان غیرکمونیست و مقابله با روحیات و تبلیغات ضدآمریکایی بود. هدایت کنگره را مایکل یسلون، کارمند واحد جنگ روانی برعهده داشت.

(د) دانشگاه

تعدادی از دانشگاه های مشهور آمریکا مانند کلمبیا، استنفورد، نیویورک و هاروارد، زیر نفوذ سازمان سیا هستند. بنیاد فارفیلد در دانشگاه کلمبیا، یکی از مهم ترین مراکزی است که بودجه عملیات فرهنگی سیا، از طریق آن به نهادهای فرهنگی مبلغ فرهنگ آمریکایی منتقل می گردد. ظاهراً این بنیاد را یک ثروتمند یهودی به نام جولیس فیلشن ایجاد کرده، ولی در واقع با بودجه سیا اداره می شود. هدایت این بنیاد را زمانی جک تامپسون، مأمور سیا و استاد دانشگاه کلمبیا در دست داشت.

(ه) روشنفکران

خانم ساندرس، فهرستی از شوالیه ها یا روشنفکرانی چون کارل پوپر، توماس کوهن، آیزایا برلین، والت روستو، دانیل بل، ریمون آرون، حنا آرنست، سیدنی هوک و هنری لوس را ذکر می کند که با تأسیس نشریاتی چون پارتیزان ریویو، نیولیدر، در مونات، کینان ریویو و پرووه، مخالفان کمونیسم دیروز و دشمنان اسلام امروز را در سراسر جهان، تغذیه فکری می کنند. عجیب آن که اکثر شوالیه های جنگ سرد فرهنگی، یهودی اند!

(و) ترور

ترویج فرهنگ به اصطلاح آزاد، همپای سیاست ترور و کشتار روشنفکران و دگراندیشان، در تمامی دوران جنگ سرد و پس از آن جریان دارد. طبق برخی از تخمین ها، حداقل در دوران جنگ سرد، سیا، حدود ۱۵۰ هزار معلم، استاد، رهبر اتحادیه کارگری، کشیش و روحانی مخالف را به قتل رسانده و برخی این رقم را تا ۳۰۰ هزار نفر افزایش داده اند. این پدیده که از آن به «ترور دولتی» یاد می شود، پنهان و مخفیانه صورت می گیرد.^۱

هدف مهاجمان به فرهنگ ایران اسلامی، براندازی نظام جمهوری اسلامی و تهی کردن ارزش های آن و مسخ جوانان کشور است. دیوید کیویکی از مهره های سازمان سیا در ارتباط با هدف نهایی تهاجم فرهنگی آمریکا علیه ایران چنین می گوید: «مهمترین حرکت در براندازی جمهوری اسلامی ایران، تغییر فرهنگ فعلی ایران است و ما مصمم به آن هستیم».^۲ نخست وزیر وقت اسرائیل در تابستان سال ۱۳۸۱، از کنگره آمریکا خواست تا آمریکا از طریق تهاجم تبلیغات ماهواره ای نظام جمهوری اسلامی را تغییر دهد.^۳

۱. تهدیدات فرهنگی (دوره تربیت پاسداری)، ص ۳۵ و ۳۶.

۲. ماهنامه پاسدار اسلام، شماره ۲۴۶.

۳. روزنامه کیهان، ۱۶/۷/۱۳۸۲.

دوم. رواج لذت پرستی و بی حجابی

در روایات آمده که:

يُظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ اقْتِرَابِ السَّاعَةِ وَ هُوَ شَرُّ الْأُزْمَةِ نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ عَارِيَاتٍ مُتَبَرِّجَاتٍ مِنَ الدِّينِ دَاخِلَاتٍ فِي الْفِتَنِ مَائِلَاتٍ إِلَى الشَّهَوَاتِ مُسْرِعَاتٍ إِلَى اللَّذَاتِ مُسْتَحِلَّاتٍ لِلْمُحَرَّمَاتِ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٍ^۱ در آخر الزمان زنانی ظاهر می شوند که از نظر حجاب و پوشش وضع خوبی ندارند و اهل فتنه و شهوت پرست و دنبال لذات نفسانی اند و حرام الهی را حلال می کنند و این افراد خالد در جهنم خواهند بود.

البته به نظر می رسد که یکی از عوامل این وضعیت نگاه ابزاری و مادی غرب به زن و جایگاه آن است.

در این روایت و امثال آن به آسیب مهم جوامع آخر الزمانی اشاره شده که عبارت است از رواج لذت پرستی که یکی از بروزهای خارجی آن رواج بی حجابی و بی عفتی است. ما در اینجا به طور مختصر به پیامدهای این آسیب اشاره می کنیم:

یکی از مکاتب اخلاقی واقع گرای طبیعی، لذت گرایی است. اصل بنیادین لذت گرایی این است که: عمل و رفتار درست عملی است که دست کم به اندازه هر بدیل دیگری غلبه لذت برالم را در پی داشته باشد. به عبارتی هر چیزی که خوشایند و لذت بخش باشد خوب است.

در نقد این نظریه آمده است که: از پیامدهای لذت گرایی غفلت شده، زیرا چه بسیارند لذات آنی که منشا دردهای فراوانی در آینده می شوند و لذات افراد هم در مواردی با هم در تعارض خواهند بود؛ آنجا چه باید کرد؟ از طرفی در این دیدگاه صرفاً بر غرایز تکیه شده و سایر ابعاد وجودی انسان را نادیده گرفته است و از طرفی صرفاً توجه خود را به لذات زودگذر دنیا معطوف کرده و از لذات اخروی غافل شده اند. یکی از پیامدهای سیاسی اجتماعی این مکتب عبارت است از حاکمیت نگرش فردگرایانه بر رفتار افراد، یعنی افراد بدون هیچ محدودیت سیاسی اجتماعی و بدون داشتن الزامات اجتماعی و وظایفی در قبال جامعه و افراد دیگر صرفاً به دنبال کسب لذات حسی خود خواهند بود. در حالی که لذات ذاتی در نگاه اسلام لذاتی است که با

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۰ کتاب النکاح، باب المذموم من اخلاق النساء و صفاتهن ح ۴۳۷؛ روضة المتقین، ج ۸، ص ۱۰۷.

/ فصل چهارم. وجوه الگوگیری و زمینه سازی جامعه آخرالزمانی از جامعه مهدوی/ ۱۵۳

کمال انسانی متلازم باشد و دو صفت: ابدی، نه زودگذر و عرفانی و معنوی، نه حسی و خیالی بودن را دارا باشد.

متأسفانه در جامعه آخرالزمانی، اشتغال به لذت گرایی حسی تبدیل به یک فرهنگ شده که با روح اسلام ناسازگار است که در نتیجه آن افراد در سطح جامعه به دنبال منافع و لذات شخصی خود حرکت کرده و کاری با جامعه و ملزومات آن ندارند و حتی حرام الهی را نیز حلال می دانند و لذات زودگذر حسی و خیالی و بعضاً حرام دنیایی را بر لذات حلال و پایدار معنوی و اخروی مقدم می دانند. این نگرش در ابعاد مختلف سیاسی - اجتماعی، فرهنگی - اعتقادی و اقتصادی در حیطه فردی و اجتماعی تاثیر گذار است، لذا افراد عملاً برخلاف اسلام و اصول اخلاق انسانی عمل می کنند. از آنجا که جامعه ها غالباً خانواده محورند، گرایش به لذت پرستی که یکی از ابعاد آن بی حجابی و بی حیایی است منجر به افزایش خیانت بین زوجین و فروپاشی خانواده ها و در نهایت منجر به فروپاشی اجتماعی خواهد شد. ترویج بی حجابی در جامعه منجر به ترویج بی دینی و لاپالایی گری و بی اعتنائی به احکام شرعی می شود و حکومت دینی در معرض فروپاشی قرار می گیرد. از طرفی توجه افراد جامعه از امور جدی مانند معنویت، تولید، عدالت خواهی و سازندگی معطوف به مصرف گرایی، مدپرستی و امور تفننی می شود؛ یعنی بخش عظیمی از جامعه به جای اینکه وقت خودشان را صرف تفکر، عقلانیت و تولید در همه عرصه ها بکنند، وقت، توان و سرمایه خود را صرف شهوت می کنند. بی حجابی علت اصلی رواج فساد اخلاقی در جامعه است و فساد اخلاقی مهمترین عامل انحطاط و نابودی فرهنگ یک جامعه به شمار می آید. عمده ترین پیامدها و آسیب های اجتماعی لذت گرایی و بی حجابی در جامعه عبارتند از: کاهش ازدواج، افزایش طلاق، افزایش روابط نامشروع، افزایش آمار جنایت و خشونت علیه زنان، افزایش بیماری های روحی و روانی، کاهش میزان بازدهی کار و تحصیل در جامعه؛ زیرا خود به خود کششها و جاذبه های کاذب پیش می آید که این امر سبب عدم تمرکز در کار یا درس می شود و این امر میزان بازدهی کار یا تحصیل را به شدت کاهش می دهد.

سوم. شیوع گسترده مفاسد اخلاقی

در آن روزگار، فساد و بی بند و باری اخلاقی، به طور گسترده ای گسترش می یابد. به طوری که رسول خدا ﷺ می فرماید:

قیامت برپا نمی شود تا آن که زنی را در روز روشن و به طور آشکار (و در پیش روی همگان از چنگ صاحبش) گرفته، در وسط راه به او تعدی کنند؛ ولی احدی این

کار را نکوهش نکند و از آن جلوگیری ننماید.^۱

مفاسد و مشکلات و گرفتاریهای اخلاقی روز افزون که از این آزادی های بی قید و شرط به وجود آمده، سبب شده که تدریجاً این مساله به عنوان یک معضل اساسی اجتماعی مطرح گردد؛ چرا که علت اصلی رواج فساد اخلاقی در جامعه بی حجابی است و فساد اخلاقی مهمترین عامل انحطاط و نابودی فرهنگ یک جامعه به شمار می آید. وقتی فساد و بی بند باری در جامعه زیاد شود، آن جامعه قادر به حیات واقعی نخواهد بود و در مقابل هرگونه هجوم بیگانگان نابود خواهد شد. مطالعه ادوار گذشته تاریخ بشری نشان می دهد هر قومی به فساد روی آورده به سرعت دچار نابودی گردیده است. علامه در المیزان علت اصلی بروز گناهان را مسایل اقتصادی می داند و به برخی از آثار فساد اشاره می کند:

وقتی این نظام مختل گردد و هر کس به خود حق دهد که هر چه بدستش می رسد تصاحب کند، و از هر راهی که برایش ممکن باشد ثروت جمع نماید قهراً سنخ فکرش چنین می شود که از هر راهی که ممکن شد باید مال جمع آوری کرد و بهر وسیله شده باید غریزه جنسی را اقناع و اشباع کرد چه مشروع و چه نامشروع، و هر چند به جاهای باریک هم بکشد. و پرواضح است که وقتی کار بدینجا بکشد شیوع فساد و انحطاطهای اخلاقی چه بلایی بر سر اجتماع بشری درمی آورد، محیط انسانی را به صورت يك محیط حیوانی پستی درمی آورد که جز شکم و شهوت هیچ همی در آن یافت نمی شود، و به هیچ سیاست و تربیتی و با هیچ کلمه حکمت آمیز و موعظه ای نمی شود افراد را کنترل نمود.^۲

در تهاجم فرهنگی نیز رواج بی حجابی و هرزگی در جامعه بهترین ابزار دشمن به شمار می رود. عمده ترین پیامدها و آسیب های اجتماعی گسترش فساد اخلاقی و بی حجابی در جامعه عبارتند از:

۱. کاهش ازدواج

وقتی در جامعه فساد اخلاقی افزایش یابد، طبیعتاً روابط نامشروع نیز زیاد می شود. زمانی که مردان بخش زیادی از نیاز جنسی خود را از غیر روابط مشروع و قانونی ازدواج تامین کنند، میل و

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۴۰؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۶۵.

۲. ترجمه المیزان، ج ۹، ص ۳۳۱.

/ فصل چهارم. وجوه الگوگیری و زمینه سازی جامعه آخرالزمانی از جامعه مهدوی / ۱۵۵

رغبتی به ازدواج ندارند؛ چرا که تشکیل خانواده و پذیرش مسئولیت نوعی محدودیت و گرفتاری برای آنها به وجود می آورد. برخی از متفکران معتقدند یکی از فلسفه های حجاب این است که جذابیت زن ها برای مردان حفظ شود، زیرا در غیراین صورت مردان هرگز حاضر به ازدواج نخواهند شد.

۲. افزایش طلاق

یکی از پیامدهای مخرب فساد اخلاقی در جامعه، آسیب دیدن کانون گرم خانواده است. وقتی مردان هرروز با انواع و اقسام خانم های بدحجاب روبرو می گردند، آن زمان است که به اشکال تراشی و بهانه گیری از همسر خود روی می آورند و زمینه برای از هم پاشیده شدن خانواده فراهم می شود. بررسی ها نشان می دهد که افزایش بدحجابی در جامعه علاوه براینکه آمار طلاق را زیاد می نماید، ازدواج های بدون شناخت و سطحی نیز که بیشتر آنها بعد از مدتی به طلاق منجر می شود، افزایش می یابد.

۳. افزایش روابط نامشروع

وقتی با بدحجابی، جاذبه های جنسی در اجتماع زیاد شود دیگر جوانان به نگاه چشم چرانی اکتفا نمی کنند و تا مرحله ای پیش می روند که از ضوابط و شرع دست می کشند و به روابط نامشروع گرفتار می گردند و این همان بحرانی است که امروزه در غرب پیداد می کند. بیماری های مقاربتی مثل ایدز، فرزندان نامشروع، سقط جنین و ...

۴. افزایش آمار جنایت و خشونت علیه زنان

زمانی که فساد اخلاقی در جامعه افزایش یابد، آمار خشونت و جنایت علیه زنان بالا می رود؛ چنان که شاهد هستیم امروزه در غرب آزارهای جنسی و مساله خشونت علیه زنان روز به روز افزایش می یابد. بدون شک بسیاری از تجاوزها، قتل ها، مزاحمت های خیابانی و آدم ربایی ها از پیامدهای منفی گسترش فساد و بدحجابی در جامعه به شمار می رود.

۵. کاهش میزان بازدهی کار و تحصیل در جامعه

یکی دیگر از پیامدهای منفی فساد اخلاقی در جامعه کاهش میزان بازدهی کار، تحصیل و فعالیت های اجتماعی می باشد. زمانی که یک کارمند یا یک دانشجوی یک دختر یا یک زن بدحجاب و فاسد همکاری یا همدرس باشند، خود به خود کششها و جاذبه های کاذب پیش می آید که این امر سبب عدم تمرکز در کار یا درس می شود و این امر میزان بازدهی کار یا تحصیل را به شدت کاهش می دهد.

باید توجه داشت که انجام رفتارهای پرخطر و ایجاد ارتباطات خارج از چارچوب تعریف شده در قالب هنجارهای اجتماعی، زمینه ساز وقوع بسیاری از آسیب‌ها برای دختران جوان است.

چهارم. بحران معنویت و گریز از دین

پیامبر اسلام ﷺ درباره ویژگی‌های انسان‌های این دوران می‌فرماید:

زمانی بر مردم خواهد آمد که درهم‌های آنان دینشان خواهد بود و همت ایشان شکم‌شان و قبله آنها زنان‌شان. برای طلا و نقره، رکوع و سجود به جای می‌آورند. آنان همواره در حیرت و مستی خواهند بود. نه بر مذهب مسلمانی‌اند و نه بر مسلک نصرانی.^۱

به عبارتی در دوران پیش از ظهور، عبادت و پرستش خدای بزرگ، چنان که شایسته است انجام نمی‌شود. اکثر انسان‌ها در مادیات و دنیا غرق شده‌اند و به هدف خلقت خویش نمی‌اندیشند. توجه ندارند که روزی به سوی خدا باز می‌گردند و در این دوران کوتاه زندگی باید راهی به او بجویند و خود را آماده سفر به سوی خداوند سازند. رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

به زودی زمانی بر امت من فرارسد که از قرآن جز رسم و از اسلام جز اسم باقی نماند. آنان به نام مسلمان خوانده می‌شوند در حالی که دورترین مردم از اسلام‌اند، مساجد آنان آباد و از هدایت خراب (خالی) است. فقهای آن زمان بدترین فقها در زیر آسمان‌اند فتنه از ایشان آغاز می‌شود و به آنان باز می‌گردد.^۲

یعنی از جنبه دین و عبادات، حرکت جوامع رو به عقب است و روز به روز جامعه از معنویات بیشتر فاصله می‌گیرد. و عبادات از معنویت و روح عبادت خالی است. معروف، منکر و منکر، معروف جلوه می‌کند. نمادهای دین، زیبا ساخته می‌شود؛ اما تنها ظاهر سازی و ریاکارانه است و عمل‌کننده واقعی به دین، بسیار کم است. عالمان دین، گاهی از دین و علم خود برای رسیدن به منافع دنیا استفاده می‌کنند. شاید دلیل این امر، حاکم بودن جوّ مادی گری بر جوامع است؛ لذا بیشتر مردم برای رسیدن به منافع دنیایی خود، دین فروشی می‌کنند.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۷۹، ح ۱۳۳۰۵؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۳۱.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۰، باب ۲۵ علامات ظنوره، ح ۲۱.

۱-۲. نقد سیاسی - اجتماعی

شالوده اصلی و اولیه جوامع انسانی «روابط اجتماعی» است. در حقیقت انسان‌ها موجوداتی هستند که حیات و تکاملشان وابسته به تداوم روابط اجتماعی و تأمین نیازهایشان در سایه آن می‌باشد و تحولات اقتصادی و اجتماعی صورت گرفته در جوامع مختلف ساختار اجتماعی آنها را دگرگون کرده است. به همین خاطر مدیریت مناسبی نیز جهت اداره این جوامع مورد نیاز است. در صورتی که مدیریت اجتماعی - فرهنگی مناسبی در زمینه‌هایی چون بهداشت، اشتغال، توزیع مناسب امکانات، بی عدالتی‌های جنسی (زن و مرد) و... صورت نگیرد زمینه بسیاری از بی نظمی‌ها و اصطکاک‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی فراهم می‌آید که متأسفانه در جوامع آخرالزمانی مدیریت ناقص است، زیرا تنها به نیازهای جسمانی و مادی انسان توجه شده و از نیازهای معنوی و روحانی انسان در طرح‌ها و برنامه‌ها غفلت شده است. و هرچند با صنعتی شدن جوامع بعضاً آسایش در زندگی‌ها و ابعاد مادی آن بیشتر شده ولی از بعد روانی انسان‌ها دچار نا آرامی‌اند و به عبارتی از ساحل آرامش و اخلاقیات و دین دور شده‌اند، لذا دچار نوعی تحیر و سرگردانی‌اند. می‌توان گفت با دوری از خداوند و دین الهی و فراموشی جایگاه امام معصوم دچار یک جاهلیت مدرن شده ایم، زیرا فرموده‌اند: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً أَمَا إِنَّ لَهُ غَيْبَةً يَحَارُ فِيهَا الْجَاهِلُونَ وَيَهْلِكُ فِيهَا الْمُبْطِلُونَ وَيَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَّاتُونَ ثُمَّ يُخْرَجُ ...»^۱.

از امام عسکری علیه السلام پرسیدند، ای فرزند رسول خدا! حجت و امام پس از شما کیست؟ فرمود: فرزندم محمد، او امام و حجت پس از من است، کسی که بمیرد و او را نشناسد به مرگ جاهلیت در گذشته است، آگاه باشید که برای او غیبتی است که نادانان در آن سرگردان شوند و مبطلان در آن هلاک گردند و کسانی که برای آن وقت معین کنند دروغ گویند، سپس خروج می‌کند و گویا به پرچمهای سپیدی می‌نگرم که بر بالای سراود در نجف کوفه در اهتزاز است.

درباره وضع سیاسی - اجتماعی جهان در آخرالزمان روایات بسیاری وارد شده است. به نظر می‌رسد این روایات، آسیب‌های نگاه تک بعدی به انسان و غفلت از نیازهای معنوی او و دوری از مکتب اسلام و گرایش به مکاتب غربی را به ما گوشزد کرده که در آخرالزمان تبعات وابستگی به آن مکاتب، جوامع اسلامی را هم، در ابعاد سیاسی - اجتماعی دربر خواهد گرفت.

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۰۹، باب ۳۸. ما روی عن أبي محمد الحسن بن علي العسكري.

الف) نقد وضعیت سیاسی

حکومت‌ها استبدادی و افراد فاسد و ظالم‌اند و حکومت‌های ضعیف و زودگذر و متزلزل در رأس امور قرار دارند. به عبارتی نگاه منفعت طلبانه و ابزاری به انسان باعث حاکم شدن افراد فاسد شده که با حاکمیت ظالمانه خود ایجاد کننده بی عدالتی در اجتماع و نارضایتی مردم می‌شوند که نتیجه آن انقلاب گرسنگان خواهد بود که انقراض و تزلزل حکومت‌ها را در پی دارد. و کم هستند افرادی مثل شهید بهشتی که می‌گفت: ما تشنه خدمتیم نه تشنه قدرت. طبق روایات در جامعه آخرالزمانی ماجرا برعکس است.

۱. استبداد حکومت‌ها

جامعه بشری پیش از ظهور امام عجل الله تعالی فرجه الشریف از ستمی که به وسیله حکومت‌ها بر مردم وارد می‌شود رنج می‌برد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «زمین از ستم و بیداد پر می‌شود؛ تا جایی که در هر خانه‌ای ترس و جنگ وارد می‌گردد». ^۱ حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «زمین پر از ستم و بیداد می‌گردد؛ تا آن که ترس و اندوه در هر خانه‌ای وارد شود». ^۲

این بیم و ترس چیزی است که غالباً از حکومت زمامداران ستمگر و خودسر جهان سرچشمه می‌گیرد؛ زیرا پیش از ظهور آن حضرت، ستمگران بر جهان فرمانروایی می‌کنند. امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید: «مهدی علیه السلام هنگامی قیام می‌کند که زمام کارهای جامعه در دست ستمکاران باشد». ^۳

۲. تزلزل حکومت‌ها

حکومتی قادر است به مردم کشورش خدمت کند که دارای ثبات سیاسی باشد؛ زیرا در صورتی که در حال تغییر باشد، قادر به انجام کارهای بزرگ در کشور نیست. حکومت‌ها در آخرالزمان در حال تزلزلند و گاهی حکومتی در آغاز روز بر سر کار می‌آید، ولی هنگام غروب از کار برکنار می‌شود.

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

چگونه خواهید بود، هنگامی که بدون امام هدایتگر و بدون نشانه‌ی راهنما بمانید

۱. المصنف لابن ابی شیبہ، ج ۱۵، ص ۸۹؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۸۴.

۲. کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۸۴؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۱۷.

۳. ملاحم ابن طاووس، ص ۷۷.

و از یکدیگر بیزاری جویید؟ [و این] زمانی باشد که آزمایش شوید و افراد خوب و بد شما از هم جدا گردند و غربال و زیر و رو شوید. آن وقت که شمشیرها در رفت و آمد باشد و جنگ شعله ور. حکومتی در آغاز روز، روی کار می آید و با کشتار در آخر روز برکنار و سرنگون می شود.^۱

ب) نقد وضعیت اجتماعی

تغییرات اجتماعی در آخرالزمان جهات مثبت فراوانی داشته، چرخه اقتصادی را منظم تر، با رونق ترو سرعت آن را بیشتر کرده و امکانات بهداشتی بیشتری با خود به همراه آورده که خود میانگین امید به زندگی را افزایش داده است. اما جهات منفی نیز به همراه داشته مانند: سست شدن روابط عاطفی، سست شدن بنیان خانواده، از خود بیگانگی، تضعیف اخلاقیات، مجموعه ای از فساد اجتماعی و... در هر صورت در جامعه آخرالزمانی عواطف انسانی ضعیف شده و ترحم به هم وجود ندارد و انواع فسادهای اخلاقی، به طور علنی در جامعه انجام می شود. ترس و اضطراب فراگیر و راه ها نا امن است و جنایت های هولناک صورت می گیرد. مردم، آرزوی مرگ می کنند و مرگ های ناگهانی و زلزله و جنگ و فتنه و بیماری و مرگ زیاد می شود. به عنوان نمونه، خانواده از نگاه اسلام و آموزه های دینی و فرهنگ اسلامی ما، نهادی مقدس، ساحلی برای آرامش و بستری برای رشد و تربیت مادی و معنوی و تجلی گاه شکوفایی و بالندگی است.

خداوند می فرماید:

و از جمله نشانه های خدا این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میان شما مودت و رحمت قرارداد در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند.^۲

اما پایه های خانواده در غرب بعد از انقلاب صنعتی بر اساس منافع مادی بنا شد و در خانواده ارزش های والای انسانی و اخلاقی زیر پا نهاده شده و صفا و صمیمیت رنگ باخته است. در غرب صاحبان صنایع به این نتیجه رسیدند که زنان کارگران ارزان ترو بی دردسرتند، لذا از آنان برای تولید و تبلیغ و مصرف کالاهای خود بهره برداری کردند به این

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۳۴۸.

۲. ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾: (روم (۳۰)، (۲۱)).

طریق که ابتدا با ترویج مکتب فمینیسم و پروبال دادن به بحث مساوات زن و مرد بنیان خانواده را (با زیرسوال بردن قوام بودن مرد بر زن) سست کردند تا آنجا که زن امروزه در غرب به جای الگو بودن برای فرزندان خود به مانکن تبلیغاتی سرمایه داران تبدیل شده و هر روز نیاز جدیدی را به وسیله مد برای بشر تبلیغ می کند.^۱

مارکسیست ها گویند خانواده نهادی ظالمانه مبتنی بر ثروت شخصی است، لذا باید نابود شود. کیت میل - که یک فمینیسم رادیکال است - معتقد است که خانواده نهادی ستمگر است، زنان ملک مردان و برده صرفند و خود خانواده سازمانی فئودالی است، لذا باید از بین برود و مراقبت کودکان به طور قطع بهتر است که به جای افراد آزرده و اغلب ناخرسند (والدین) به مربیان تعلیم دیده از هر دو جنس واگذار شود. او دیدگاهی ضد مرد، ازدواج و خانواده دارد و معتقد است که به طور کلی ازدواج باید جای خود را به معاشرت های اختیاری بدهد.^۲

از حیث روابط هم در غرب پیوند قلبی پدر و مادر با فرزندان بسیار ضعیف است و زن و مرد مانند دو شریک تجاری کنار هم زندگی می کنند و فرزندان با رسیدن به سن قانونی ناچارند خانه پدری را ترک کنند، لذا فرزندان مخصوصا دختران در اثر تنهایی و نداشتن یک مربی دلسوز به انواع مفاسد گرفتار می شوند. انقلاب صنعتی علاوه بر روابط خانوادگی روابط خویشاوندی و اجتماعی را نیز از بین برده است.^۳

در جامعه اسلامی هم وقتی نگاه لیبرالیسم و کمونیستی حاکم شود کم کم بعد شناختی و اعتقادی افراد تغییر کرده و افراد خداپرست در بعد رفتاری به افرادی مادی و دین گریز تبدیل می شوند که روایات مختلفی به این آسیب ها در آخر الزمان اشاره دارد و ما برخی از آنها را در فصل اول از بخش دوم مطرح نمودیم. در این بخش به چند مورد از اشکالات این جامعه اشاره می کنیم.^۴

۱. نابودی روابط سالم انسانی و شیوع روابط ناسالم در فضاهای حقیقی و مجازی

فرهنگ اسلامی مبتنی بر وجود روابط سالم انسانی و اجتماعی است که در آخر الزمان در زندگی انسان ها حق و عدل جایگاهی ندارد. به ظاهر انسان ها در کنار یکدیگر و در یک آبادی یا اجتماعی زندگی می کنند، لیکن دلها و فکرها با هم و در کنار هم نیست و میان آنها

۱. کانون مهر، ص ۵۲.

۲. جنگ علیه خانواده، ص ۱۰۲.

۳. کانون مهر، ص ۵۷.

۴. رک: چشم اندازی به حکومت مهدی، ص ۳۰.

/ فصل چهارم. وجوه الگوگیری و زمینه سازی جامعه آخرالزمانی از جامعه مهدوی ۱۶۱

همدلی وجود ندارد که نمود واضح آن را در روابط ناهنجار در شبکه های مجازی می بینیم که نتیجه آن بالا رفتن اضطراب و احساس بی اعتمادی در افراد جامعه (اعم از عوام و خواص) نسبت به یکدیگر است، لذا افراد در جامعه و خانواده با وقوع اندک بهانه ای به یکدیگر معترض شده و باعث بالا رفتن خشونت در سطح جامعه و خانواده می شوند.

امام صادق علیه السلام فرمود: «آن امر واقع نخواهد شد تا اینکه برخی از شما در روی بعضی دیگر آب دهان اندازند و دیگری را لعن کنند و تا اینکه گروهی از شما گروه دیگر را دروغگو بنامند»^۱. و نیز حسین بن علی علیه السلام فرمود:

کاری که شما به انتظارش هستید نخواهد شد تا آنکه شما از یکدیگر بیزاری جوئید و بعضی گواهی بر کفر دیگری دهد و یکی آن دیگر را لعن کند. راوی پرسید: در چنین دوران خیری وجود ندارد؟ فرمود: همه خیر در آن روزگار است که قائم ما قیام میکند و همه اینها را از میان بر میدارد.^۲

۲. فروپاشی نظام خانواده

در فرهنگ اسلامی خانواده جایگاه ویژه ای در رشد و تعالی مادی و معنوی افراد و جامعه دارد، ولی در آخرالزمان، خانواده - به عنوان هسته اصلی اجتماع - دچار تزلزل و سستی می گردد. مرد حقوق زن و زن حقوق مرد را رعایت نمی کند، فرزندان احترام پدران و مادران را ندارند، و مادران و پدران مسئولیت های تربیت فرزندان را از یاد برده اند. برخی تبعات فروپاشی خانواده و کم شدن کارایی آن عبارتند از: افزایش سن ازدواج، افزایش آمار طلاق، افزایش فرزندان نامشروع که راه حل اساسی این آسیب ها کاری زیربنایی به نام تحکیم بنیان خانواده را می طلبد. به نقل از جابر بن عبد الله انصاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

وقتی که ... و بزرگان به زیردستان رحم نکردند و کوچک ترها به بزرگان و کهن سالان احترام نگذاشتند، در چنین ایامی، خداوند مهدی ما را که نهمین فرزند حسین علیه السلام است، برمی انگیزاند.^۳

دو مورد از تبعات فروپاشی خانواده عبارت است از: افزایش آمار طلاق و بالا رفتن سن ازدواج که این دو می تواند به افزایش اضطراب ها و فشارهای عصبی، کاهش انگیزه فعالیت

۱. الغیة، نعمانی، ص ۲۰۶، باب ۱۲ ما یلحق الشیعه من التمحیص، ح ۱۰.

۲. همان، ص ۲۰۵، ح ۹.

۳. کفایة الأثرقی النص علی الأئمة الإثنی عشر، ص ۶۳، باب ما جاء عن جابر بن عبد الله الأنصاری عن رسول الله.

های اقتصادی و آسیب پذیری جنسی و آسیب های اجتماعی بیانجامد. کم شدن انگیزه ازدواج و بالا رفتن سن آن می تواند پیامد عوامل متعددی باشد؛ شاید بتوان مهم ترین عامل را حاکمیت فرهنگ مادی دانست که آثار خود را در فردگرایی مفرط، محاسبه گری های کوتاه نظرانه و مواردی مشابه نشان می دهد. به نظر می رسد که رواج لذت پرستی و شیوع مفاسد اخلاقی را هم بتوان از تبعات فروپاشی خانواده و کم شدن انگیزه ازدواج دانست.

۳. حاکمیت جاهلیت مدرن در تمام ابعاد

امیرالمومنین علیه السلام، گوشه هایی از اوضاع جاهلیت مدرن را این طور بیان می فرمایند:

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى فِيهِمْ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رِسْمُهُ وَمِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ وَ
مَسَاجِدُهُمْ يَوْمِيذٍ عَامِرَةٌ مِنَ الْبِنَاءِ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى سُكَّانُهَا وَ عَمَارُهَا شُرَّ أَهْلِ
الْأَرْضِ مِنْهُمْ تَخْرُجُ الْفِتْنَةُ وَ إِلَيْهِمْ تَأْوِي الْحَطِيبَةُ يَرُدُّونَ مَنْ شَدَّ عَنْهَا فِيهَا وَ يَسُوقُونَ
مَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا إِلَيْهَا؛ روزگاری بر مردم خواهد آمد که از قرآن جز نشانی و از اسلام جز
نامی باقی نخواهد ماند. مسجدهای آنان در آن روزگار آبادان، اما از هدایت ویران
است. مسجد نشینان و سازندگان بناهای شکوهمند مساجد، بدترین مردم زمین
می باشند که کانون هر فتنه و جایگاه هرگونه خطاکاری اند. هرکس از فتنه برکنار
است او را به فتنه بازگردانند و هرکس که از فتنه عقب مانده او را به فتنه ها کشانند.^۱

همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیثی طولانی برای سلمان فارسی، برخی از ویژگی های جاهلیت مدرن را این طور بازگو می فرمایند:

ای سلمان! در آن موقعیت کارهای بد و ناپسند در بین مردم بصورت کارهای
شایسته و پسندیده درآید و کارهای پسندیده و نیکو، به صورت کارهای نکوهیده و
ناپسند جلوه کند. مردمان خیانت پیشه، مورد وثوق و امانت واقع شوند و به افراد
امین و درستکار، نسبت خیانت داده شود و مرد دروغگو را تصدیق کنند و به
دروغ های او مهر صحت و درستی بنهند و مرد راستگو و درست را دروغگو شمارند و
به گفتار او ترتیب اثر ندهند.... ای سلمان! در آن وقت مردها به مردها اکتفا
می کنند و زنها به زنها اکتفا می نمایند.... مردها خود را شبیه به زنان می کنند، و
زنان خود را شبیه به مردان می نمایند. و افرادی که دارای رحم هستند و برای تولید
مثل آفریده شده اند که منظور زنان می باشند، سوار بر زین ها میشوند. پس بر آن

۱. نهج البلاغه، ص ۵۴۰، حکمت ۳۶۹.

/ فصل چهارم. وجوه الگوگیری و زمینه سازی جامعه آخرالزمانی از جامعه مهدوی / ۱۶۳

زنان از امت من لعنت خدا باد.... ای سلمان! در آن زمان پرده عصمت مردم پاره می شود. محرمات الهیه به جای آورده می شود. حریم عفاف دریده می گردد. معصیت های خدا رائج می گردد. بدان و اشرار بر اختیار و خوبان تسلط پیدا می کنند و دروغ علناً رائج و در بین توده مردم شایع می شود. لجاج و خودسری و استکبار ظاهر می گردد و نیازمندی و احتیاج، همه توده ها را فرا می گیرد. مردم به لباس خود بر یکدیگر مباحثات می کنند. باران های فراوان در غیر فصل باران پیدا می شود. اشتغال به لهو و لعب از قبیل بازی کردن با باطل و آلات موسیقی را امری پسندیده و نیکو می شمرند. امر به معروف و نهی از منکر را گذشته از آنکه به جای نمی آورند، امر نکوهیده و ناپسند میدانند. زمانه و وضعیت محیط در آن زمان به قدری انحطاط پیدا میکند که مردمان مؤمن و با ایمان راستین، در آن زمان، در بین مردم از تمام افراد امت پست تر و حقیرتر و ذلیل تر خواهند بود. در بین زاهدان و عابدان و در بین علما و نزدیکانشان حس بدبینی و بدخواهی ظهور نموده و پیوسته در صدد غیب جوئی و ملامت از یکدیگر بر می آیند.^۱

مثلاً در دوران جاهلیت دختران را در بدو تولد زنده به گور می کردند، اما امروزه در جوامع با شعار فمینیسم و حمایت از حقوق زنان، آنها را به کنیزی گرفته و از آنها استفاده ابزاری می کنند. و در واقع حق حیات معنوی و سالم را از آنها سلب می کنند. و در نتیجه با تربیت غلط، والدین، حق زندگی سالم را از فرزندان خود سلب می کنند.^۲

در زمان جاهلیت اولی به اندک بهانه ای لشکرکشی و خونریزی می کردند و در جوامع امروزی در ظاهر با ادعاهای فریبنده و برای حمایت از حقوق بشر، آتش جنگ را در کشورهای دیگر روشن می کنند تا از این اوضاع آشفته به نفع خود بهره برداری کنند، هر چند انسان های بی گناه زیادی کشته شوند.

۴. شایع شدن دنیاپرستی و ریاکاری

قال رسول الله ﷺ: «بر امت من زمانی بیاید که باطن آنها پلید و ظاهرشان به جهت طمع در دنیا آراسته باشد و خداوند را در نظر ندارند. عمل آنها ریا است و از او نمی ترسند...».^۳

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۰۵.

۲. جنگ علیه خانواده، ص ۱۰۲.

۳. الکافی، (ط - الإسلامية)، ج ۸، ص ۳۰۶، باب حدیث ابی ذر، ص ۲۹۷، ح ۴۷۶.

۵. کم فروغ شدن عواطف و روابط انسانی

پیش از آمدن مصلح و در آخرالزمان، جوامع بشری از جدایی و تفرقه رنج می‌برند. و انسان‌ها آرزوی یک دل و یکسو بودن را دارند و هر کسی و گروهی، از آموزه‌های دینی، برداشت و تفسیر متفاوتی دارد که باعث اختلاف در مسایل و رفتارهای اجتماعی می‌شود. در این روزگاران پیوندهای اجتماعی استواری وجود ندارد و در زندگی انسان‌ها حق و عدل جایگاهی ندارد.

رسول گرامی اسلام ﷺ وضعیت آن روزگار را از نظر عواطف و روابط انسانی چنین بیان می‌دارد: در آن روزگار، بزرگترها به زیردستان و کوچک ترها رحم نمی‌کنند و قوی بر ضعیف تر رحم نمی‌نماید... قیامت برپا نمی‌شود تا آن که زمانی فرارسد که مردی (از شدت فقر) به اقوام و بستگان خود مراجعه کند و آنان را به خویشاوندی سوگند دهد تا بلکه به او کمک کنند؛ ولی چیزی به او نمی‌دهند. همسایه از همسایه خود کمک می‌طلبد و او را به حق همسایگی سوگند می‌دهد؛ ولی همسایه کمکش نمی‌کند.^۱

۶. گسستن روابط خانوادگی و تغییر مفهوم خانواده

در این دوران، خانواده - به عنوان هسته اصلی اجتماع - دچار تزلزل و سستی می‌گردد و پیوندهای خانوادگی گسیخته و سست می‌شود. و بعضاً خانواده‌های نامشروع و مجازی تشکیل می‌شود. در روایتی می‌فرماید: «مرد از همسرش اطاعت می‌کند ولی پدر و مادرش را نافرمانی می‌کند و برای به هلاکت رسیدن برادرش تلاش می‌کند».^۲

۷. انگیزه‌های غیر انسانی و سودجویانه در روابط اجتماعی

در این دوران انگیزه‌های روابط اجتماعی، انگیزه‌هایی الهی و انسانی نیست. محبت‌ها و دوستی‌ها واقعی نیست. عشق و علاقه واقعی وجود ندارد. افراد در ارتباط با افراد دیگر، به سود و سرمایه می‌اندیشند و با همین انگیزه به میدان پیوندهای اجتماعی وارد می‌شوند. طبقات اجتماعی هر کدام به نوعی تلاش می‌کنند تا حق دیگران را ببرند، و با کار و تلاش دیگران بر ثروت خود بیفزایند. جامعه انسانی به جنگلی از حیوانات تبدیل می‌گردد، که در آن مردمان گرگانی‌اند

۱. «وَلَا يَرْحَمُ كَبِيرُكُمْ صَغِيرُكُمْ وَلَا يُوقِرُ صَغِيرُكُمْ كَبِيرُكُمْ» (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۰، باب ۲۵ علامات ظهور، ح ۱۴۸ و ج ۳۶، ص ۳۳۵).

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۳.

/ فصل چهارم. وجوه الگوگیری و زمینه سازی جامعه آخرالزمانی از جامعه مهدوی/ ۱۶۵

به جان هم افتاده و حکومت ها درندگانی که به جان ملت ها افتاده اند، و هر کسی دیگری را برای منافع خود می خواهد.

۸. قرار گرفتن امور ضد ارزشی در جایگاه امور ارزشی

در جامعه آخرالزمانی، طبق فرمایش حضرت علی (ع)، اشرار تکریم و مصلحین تحقیر می شوند، حلم را ضعف و ظلم را فخر می شمارند.^۱

۹. شیوع فساد در جامعه

پیامبر (ص) در روایتی مفاسد اخلاقی و اجتماعی جامعه آخرالزمانی را این گونه مطرح می فرماید:

مفاسد اخلاقی

۱. مردان شبیه به زنان و زنان مانند مردان شوند. (اذا تشبه الرجال بالنساء و النساء بالرجال)
۲. مردها به مردها اکتفا کنند و زنان به زنان. اشاره به لواط و مساحقه. (واكتفى الرجال بالرجال، و النساء بالنساء)
۳. مردم مرتکب زنا شوند. (وارتكاب الزنا)

مفاسد اجتماعی

۱. پذیرش شهادت دروغ و عدم قبول گواهی افراد عادل. (وقبلت شهادة الزور وردت شهادة العدل)
۲. قتل و خونریزی در میان مردم کوچک شمرده شود. (و كثر القتل، واستخف الناس بالدماء)
۳. رواج رباخواری در میان مردم. (واكل الربا)
۴. رواج امر به منکر و نهی از معروف (و ظهر المنکر و امرتک به ونهوا عن المعروف)^۲
۵. آکنده شدن روان ها از عقده ها و کینه ها و گسترش تجمل و مصرف گرایی ها و خرافات و بدعت ها.
۶. گسترش بی سابقه ی مادیت و کاهش روزافزون علاقه ی مردم به دین.

۳-۱. نقد اوضاع اقتصادی جامعه آخرالزمان

از نظر اقتصاد اسلامی، خداوند قانون گذار است که برای کلیه شئون زندگی انسان قانون

۱. کمال الدین، صص ۵۲۸-۵۲۵، باب ۴۷، باب حدیث دجال، ح ۱.

۲. کمال الدین، ح ۱، صص ۲۵۳-۲۵۰، باب ۲۳، باب نص الله على القائم (ع)، ح ۱.

وضع کرده، و قانون الهی همیشه بر قوانین بشری تفوق داشته، چون خدا که آفریننده انسان و جهان است مصالح بندگان خود را بهتر از آنان می‌داند. اسلام یک مکتب انسان ساز است و همیشه در مرحله اول به انسان اهمیت می‌دهد، بعد به مادیات. قرآن مجید می‌فرماید: «ما پیامبران را با دلایل آشکار فرستادیم و با آنان کتاب و ترازوی عدالت را نازل نمودیم، تا مردم در سایه عدل و داد زندگی کنند»^۱.

اما از روزی که امت مسلمان عملاً دست از قوانین اسلامی برداشته و دنبال مدل‌های وارداتی برای مصرف (نه واردات ابزار و امکانات برای تولید) رفتند، به بهترین بازار مصرفی برای کالاهای شرق و غرب تبدیل شدند، ولی از نظر تولید پیوسته به عقب باز گشته و به تمدن و فرهنگ مصرفی و وارداتی راضی شدند. امروزه بهترین منابع ثروت از کشورهای اسلامی به شرق و غرب (چه از طریق جنگ نرم با سست کردن اراده و جا انداختن این باور غلط که شما نمی‌توانید و چه از طریق جنگ سخت و استعمار مانند به یغما بردن نفت عراق و سوریه به دست داعش) صادر، و به جای آن بهای اندکی نصیبشان می‌شود که چند صباحی بتوانند لقمه نانی به دست آورند و به پیش بینی ناظران سیاسی و اقتصادی اگر روزی منابع طبیعی کشورهای اسلامی تمام شد به خاک سیاه خواهند نشست.

اسلام با گسترش آزادی‌ها، جلوگیری از افزایش ثروت دستگاه و افراد حکومتی و با قرار دادن بیت المال، و ارایه راهکارهای متعددی برای برون رفت از مشکلات اقتصادی از جمله:

الف) توصیه به پرهیز از اسراف و تبذیر (اسراء، آیه ۲۶ و ۲۷)

ب) قناعت و میانه روی به معنای مصرف درست کالا (فرقان، آیه ۶۷)

ج) انفاق و احسان: بر اساس آیات ۱۷ تا ۳۱ سوره قلم، ترک انفاق و احسان از اموال و عدم پرداخت حقوق واجب مالی موجب خشم خداوند و گرفتاری انسان و جامعه در مشکلات اقتصادی است؛ بنابراین راه برون رفت از چنین مشکلاتی انفاق و احسان است.

د) یتیم نوازی: بر اساس آیات ۱۶ و ۱۷ سوره فجر ترک یتیم نوازی عامل مشکلات اقتصادی و از دست رفتن برکت از مال است، لذا یتیم نوازی عامل رشد اقتصادی و برون رفت از مشکلات است.

ه) ترک رباخواری (بقره، آیه ۲۷۵؛ روم، آیه ۳۹؛ نساء، آیات ۱۶۰ و ۱۶۱)

و) گردش سالم ثروت، برای رهایی از مشکلات اقتصادی باید انفال و ثروت ملی در تمام اقشار جامعه به گردش درآید نه بین قشر خاصی؛ توجه به انفال و پرداخت یارانه‌های مستقیم و غیرمستقیم و حمایت از اقشار ضعیف و مستضعف از مهمترین راهکارهای قرآنی برای

حل مشکلات اقتصادی است. (حشر، آیه ۷)

خواسته از نظر اقتصادی سطح مردم را بالا ببرد، و به همین جهت اقتصاد اسلامی برخلاف اقتصاد سرمایه داری که تقسیم ثروت در آن ظالمانه و ناموزون است، و اقتصاد کمونیستی که حتی نیازمندی های اولیه انسان را هم نمی تواند تأمین کند بهترین انواع اقتصاد است.^۱ اسلام مکتبی است کامل و پاسخگوی تمام نیازهای انسان و دارای سیستم اقتصادی مستقلى است که به هیچ مکتبی وابسته نیست و خطوط آن بوسیله قرآن و سنت بیان شده است.

هنگامی که به دو شاخص عدالت اقتصادی، یعنی کاهش نابرابری و فقر در عصر جهانی سازی نظر می اندازیم، ملاحظه می کنیم که نابرابری و فقر کاهش نیافته بلکه به طور روز افزون بیشتر می شود. گزارش سازمان ملل به خوبی روشن می کند که در عصر جهانی سازی، اراده سیاسی لازم برای عدالت اقتصادی، وجود ندارد. به گفته سازمان ملل، شمار افرادی که روزگار خود را در شرایط نکبت بار زاغه نشینی سپری می کنند، تقریباً به یک میلیارد نفر، یعنی یک ششم جمعیت جهان رسیده است و استاندارد زندگی بسیاری نیز در حال افت است.^۲ نهادها و سازوکارهای نظام اقتصادی سرمایه داری جهانی به سرکردگی ایالات متحده آمریکا نه تنها عدالت اقتصادی به ارمغان نیاورده، بلکه جهان را پراز ظلم، تبعیض، فقر و نابرابری بیش از پیش کرده است. آیات قرآن کریم و انبوهی از روایات، بیانگر این واقعیت اند که در آخرالزمان جهان پراز ظلم و جور و تباهی خواهد شد که با قیام منجی بشریت، از همه ستم ها پاک و سرشار از عدل و داد خواهد شد و این سنت الهی است.

شاخص های عدالت اقتصادی مهدوی عبارتند از: رشد اقتصادی پایدار، حذف فقر، کاهش مداوم نابرابریها و آموزه کفایت در مصرف^۳ که در جوامع آخرالزمانی هیچکدام از این شاخص ها محقق نشده، بلکه جوامع برخلاف جهت این شاخص ها حرکت کرده اند، مثل افزایش فقر و نابرابری و ایجاد شکاف طبقاتی که در فصل دوم گفتار سوم تحت عنوان ویژگی های اقتصادی جامعه آخرالزمانی به آن اشاره شده. با استفاده از این شاخص ها که از آیات و روایات به دست آمده اند، می توان وضعیت اقتصادی جامعه آخرالزمانی را به نقد کشید، زیرا نظام های اقتصادی هدف نهایی خود را آزادی بی حد و مرز جنسی و مصرفی، برای فروش تولید انبوه کالاها و خدمات کارخانه های خود و رسیدن به سود صاحبان سرمایه

۱. مکتب الاسلام، ص ۸۰.

۲. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به «www.developmentgoals.org».

۳. «جهانی سازی، عدالت اقتصادی و مهدویت»، فصلنامه علمی پژوهشی انتظار موعود، ش ۱۴.

می‌دانند، به طوری که همه چیز باید در راه این هدف قربانی شود و در این راه به حقوق الهی و حق الناس و حق شخصی خود افراد ظلم خواهد شد، در حالی که عدالت در ابعاد فرهنگی، سیاسی اجتماعی و اقتصادی به عنوان هدف نهایی نظام اسلامی تعیین شده است.

نقض شاخص های عدالت اقتصادی مهدوی در جامعه آخرالزمانی

عدالت اقتصادی مهدوی به معنای فرایند تصمیم‌گیری مبتنی بر اسلام است که در زمینه تولید، به «عدالت در حفظ و گسترش ثروت»، در زمینه توزیع، به «عدالت در توزیع ثروت»؛ و در زمینه مصرف یا رفاه اقتصادی، به «آموزه کفایت» می‌رسد.^۱ بنابراین می‌توان گستره اجرای شاخص های اقتصادی را در جامعه آخرالزمانی در سه محور تولید، توزیع [کاهش فقر و نابرابری] و مصرف ثروت مورد نقد قرارداد. و برای جلوگیری از تکرار فقط به اشاره به مفهوم روایات اکتفا می‌کنیم و اصل روایات در گفتار سوم از فصل دوم زیرمجموعه ویژگی های اقتصادی آخرالزمان آورده شده.

الف) چگونگی تولید ثروت (رشد اقتصادی پایدار) در جامعه آخرالزمانی

زندگی اقتصادی انسان ها با داشتن فرصت های برابر برای مشارکت در فرایند اقتصادی ساخته می‌شود. چنین فرصت هایی هنگامی می‌توانند برابر باشند که امکان کار شرافتمندانه و دسترسی به مالکیت شخصی نسبت به دارایی های مولد فراهم شود تا هر فردی این حق را داشته باشد که به عنوان حتی یک کارگرو با انجام کار، یا به عنوان یک مالک و از طریق سرمایه مولد و یا به عنوان کسی که کار و سرمایه را ترکیب می‌کند، درآمدی داشته باشد؛ در حالی که ما مشاهده می‌کنیم که در دنیا سرمایه داری حکومت می‌کند و هر کس سرمایه بیشتری دارد به ثروتش افزوده می‌شود و شکاف طبقاتی در جامعه ایجاد می‌شود به طوری که برخی در تهیه مایحتاج ضروری زندگی مشکل دارند و برخی نمی‌دانند چگونه مصرف کنند و کشورهای سرمایه دار هم به جای کمک، با تحریم کشورهای در حال توسعه آنها را مورد استثمار خود قرار می‌دهند و جامعه و افراد آن برای رشد اقتصادی پایدار به بیراهه رفته و برخلاف اقتصاد اسلامی عمل می‌کنند، لذا دچار آسیب هایی می‌شوند.

البته باید توجه داشت که در اسلام مال و ثروت هیچ وقت تحقیر نشده است؛ نه تولیدش، نه مبادله اش، نه مصرف کردنش؛ بلکه همه اینها تأکید و توصیه شده و برای آنها شرایط و

موازن مقرر شده است و هرگز ثروت از نظر اسلام دور افکندنی نیست، بلکه دور افکندنش (اسراف، تبذیر، تضییع مال) حرام قطعی است. حتی خود ثروت در کمال صراحت در قرآن کریم به عنوان «خیر» نامیده شده است: «كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمُ الْمَوْتُ أَنْ تَرَكَ خَيْراً الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ...»^۱ بر شما نوشته شده: هنگامی که یکی از شما را مرگ فرارسد، اگر چیز خوبی [مالی] از خود به جای گذارده... .

اسلام با هدف قرار دادن ثروت، با این که انسان فدای ثروت شود مخالف است و سخت مبارزه کرده است؛ به عبارت دیگر پول پرستی را و اینکه انسان پول را به خاطر خود پول و برای ذخیره کردن و اندوختن بخواهد محکوم کرده و وعده عذاب داده: «و کسانی که طلا و نقره را گنجینه (و ذخیره و پنهان) می سازند، و در راه خدا انفاق نمی کنند، به مجازات دردناکی بشارت ده».^۲ که نام این حالت حرص و آز است، و یا پول را فقط برای پر کردن شکم و برای عیاشی و بیکاری و ولگردی بخواهند که نام آن شهوترانی است. در این حالت پول خواستن توأم است با دنائت و پستی و محوشخصیت انسانی در پول و فقدان هرگونه شخصیت انسانی و شرافت معنوی.^۳

با کمال تاسف با دقت در وضعیت اقتصادی جامعه آخرالزمانی به این نتیجه می رسیم که جامعه از اقتصاد اسلامی در بعد تولید، فاصله گرفته و به اقتصاد ناسالم و ظالمانه کمونیستی و سرمایه داری روی آورده که در اینجا به نمونه هایی از بروزهای خارجی این وابستگی و الگو برداری در حیطه و بعد تولید ثروت که در روایات به عنوان وضعیت جامعه آخرالزمانی مطرح شده اشاره می کنیم:

۱. فراموشی مالکیت الهی

امام باقر (ع) می فرماید:

پیامبر (ص) فرمودند بر مردم زمانی خواهد آمد که به پروردگارشان شکایت می کنند، به این صورت که افراد می گویند سوگند به خدا هیچ سودی نبرده ام و از راس المال خودم می خورم و می آشامم.^۴

که امام فرمود مگر اصل مال تواز خداوند نیست. به عبارتی افراد مالکیت الهی را فراموش می کنند.

۱. بقره (۲)، ۱۸۰.

۲. «الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ...» (توبه (۹)، ۳۴).

۳. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۰، ص ۴۰۳.

۴. همان، ص ۳۱۲، باب نوادر، ح ۳۷.

۲. معاملات حرام و شیوع ربا در معاملات

پیامبر ﷺ فرمود:

بر مردم زمانی خواهد آمد که در آن ربا به عنوان بیع و شراب به عنوان کشمش و رشوه به عنوان هدیه، حلال شمرده می شود و احدی باقی نمی ماند جز این که ربا بخورد، پس اگر ربا نخورد از غبارش به او خواهد رسید. لعنت خدا و ملائکه و مردم همگی شان، بر ایشان باد، من از ایشان بیزار و ایشان از من بیزارند.^۱

ب) چگونگی توزیع ثروت در جامعه آخرالزمانی

به تخصیص درآمدی که بر اثر مبادلات مورد توافق طرفین در بازار انجام می پذیرد، توزیع گفته می شود. این اصل می گوید افراد باید از نظام اقتصادی، آن چه را که در آن سرمایه گذاری کرده اند دریافت کنند (از طریق کار یا مالکیت سرمایه و یا ترکیبی از کار و سرمایه). این اصل متضمن احترام به کار، مالکیت و قراردادها در یک بازار واقعاً آزاد و باز است. و صاحبان کار و سرمایه بهتر و بیش تر، حقشان است که بهتر و بیش تر داشته باشند و این نابرابری ها عین عدالت اقتصادی است، اما با نابرابری های ظالمانه ناشی از بازار کار، مالکیت، انواع دوگانگی ها مانند دوگانگی های منطقه ای، شهری و روستایی و جنوب و شمال جهان، باید مبارزه شود.

اسلام با توزیع برابر امکانات عمومی، تصحیح نهادهای اقتصادی مالکیت و اشتغال، نهی ربا و عرضه نظام مشارکت در کار و سرمایه و سیاست های ضد فساد، تبعیض و نابرابری های نامشروع و غیرقانونی را در جامعه کاهش می دهد و زمینه را برای فرصت های برابر اقتصادی برای همه فراهم می سازد. البته نتیجه نهایی برابری نخواهد بود؛ ولی همسنگی و توازن نسبی در رفاه اقتصادی در نظام اقتصادی اسلام تحقق می یابد.

در توزیع برابر امکانات عمومی که نقشی کلیدی در توازن اقتصادی دارد، متأسفانه بشر در طول تاریخ خود، همواره با این مشکل روبه رو بوده که ثروت های عمومی را افراد خاص و طبقاتی ویژه دست به دست کرده و مردم عادی از دستیابی به آنها محروم بوده اند، به گونه ای که امیرمؤمنان علیه السلام نیز هنگام خلافتش برای توزیع برابر اموال عمومی سرزنش می شد که جنگ جمل حاصل این عدالت علوی بود. با این وجود، حضرت علیه السلام درآمدهای عمومی را به طور مساوی میان همه مسلمانان تقسیم می کرد و حضرت مهدی علیه السلام نیز این کار را خواهد کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید:

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۳۳۳، باب تحریمه، ح ۱۵۵۱۱ و ج ۱۷، ص ۶۹، باب تحریم نبیذ، ح ۲۰۷۸۴.

/ فصل چهارم. وجوه الگوگیری و زمینه سازی جامعه آخرالزمانی از جامعه مهدوی/ ۱۷۱

به مهدی بشارتتان می دهم. او از میان امت من برانگیخته می شود... ساکنان آسمان و زمین از او خشنود خواهند بود. او مال را درست تقسیم می کند. پرسیدند: درست چیست؟ فرمود: «میان همه، مساوی».^۱

یکی از سرچشمه های مهم نابرابری در جوامع امروزی، مالکیت های بزرگ و مولدی است که به طور موروثی یا از طریق اعمال قدرت و ثروت، قدرتمندان و ثروتمندان به دست می آورند و بردآمد خود بیش از پیش می افزایند. امام زمان عجل الله تعالی فرجه در حکومت جهانی خود، مانع چنین ثروت هایی خواهد شد و قطایع که همان مالکیت های بزرگ مانند روستاها، اراضی بسیار و قلعه هاست و حاکمان و ثروتمندان و قدرتمندان آنها را به نام خود ثبت می کنند، همگی در اختیار امام عجل الله تعالی فرجه قرار می گیرند.

با کمال تأسف با دقت در وضعیت اقتصادی جامعه آخرالزمانی به این نتیجه می رسیم که جامعه از اقتصاد اسلامی در بعد توزیع نیز فاصله گرفته و به اقتصاد ناسالم و ظالمانه کمونیستی و سرمایه داری روی آورده است. در اینجا به نمونه هایی از بروزهای خارجی این وابستگی و الگوبرداری در حیطه توزیع ثروت که در روایات به عنوان وضعیت جامعه آخرالزمانی مطرح شده اشاره می کنیم:

۱. ترک تکافل و عدم حمایت از اقشار ضعیف جامعه

افراد جامعه منتظر نسبت به یکدیگر مسئولیت هایی دارند که باعث تکامل جامعه و تقویت ظرفیت های موجود در جامعه جهت هرچه بیشتر پذیرا بودن امر امام می باشد. این مسئولیت ها در بخش تکافل و تلاش برای تقویت روابط اجتماعی نمودار می گردد. جامعه ای مطلوب امام است که در آن جامعه افراد در جمیع احوال به یکدیگر رسیدگی کنند و غافل از یکدیگر نباشند که اگر چنین نشد، آن جامعه، منتظر و مطلوب امام نخواهد بود. جامعه ای منتظر است که شاخصه تکافل و عهده داری در آن وجودی چشمگیر داشته باشد، لذا روایات به مواردی چون احوال پرسی، عیادت مریض، رسیدگی به فقرا، امانت داری، رسیدگی به یتیمان و بدهکاران و غیره اشاره نموده است.^۲

۲. زیاده خواهی

از پیامبر صلی الله علیه و آله در باره زمان فرا رسیدن آخرالزمان پرسیدند، فرمود:

۱. الغیبة، طوسی، ص ۱۷۸، کتاب الغیبة للحجة، الکلام علی الواقفة: بحار الانوار (ط. بیروت)، ج ۵۱، ص ۸۱، باب اول، ح ۱۳.

۲. صفات الشیعه، ص ۸، ح ۱۳ و ۲۲.

آخرالزمان زمانی خواهد بود که معیشت انسان جز با معصیت خدا نمی‌رسد، پس در آن هنگام عزوبت حلال است. گفتند: ای رسول خدا شما ما را به تزویج امر نموده اید. فرمود: بله، ولی در چنین زمانی، هلاکت مرد به دست پدر و مادرش خواهد بود؛ اگر پدر و مادری نباشد به دستان همسر و فرزندان، اگر این نیز نباشد به دست خویشان و همسایگانش خواهد بود. گفتند: آن هلاکت چگونه است؟ فرمود: به جهت تنگی معیشت او را عار محسوب می‌نمایند و او را به آنچه قدرت ندارد تکلیف می‌کنند تا اینکه او را به موارد هلاکت وارد نمایند.^۱

ج) چگونگی مصرف ثروت در جامعه آخرالزمانی

تأمین نیازهای واقعی بشر و دستیابی به رفاه واقعی اقتصادی، بالاترین هدف عدالت اقتصادی است. اما متأسفانه قرن بیستم شاهد پدیده جدیدی در تاریخ اقتصادی بشر بوده که مصرف‌گرایی را بالاترین هدف در زندگی قرارداد و این روند در قرن بیست و یکم نیز همچنان با شدت بیش‌تر ادامه دارد. و مصرف‌گرایی از طریق جامعه مصرفی جهانی به دو جامعه دیگر متوسط و فقیر با تبلیغات و چشم و هم‌چشمی سرایت می‌کند. به هر حال، ظهور جامعه مصرفی را می‌توان از روی مصرف سربه‌فلک کشیده‌ای معلوم کرد که به صورت نماد عصر جدید درآمده است. با کمال تأسف با دقت در وضعیت اقتصادی جامعه آخرالزمانی به این نتیجه می‌رسیم که جامعه از اقتصاد اسلامی در بعد مصرف نیز فاصله گرفته و به اقتصاد ناسالم و ظالمانه کمونیستی و سرمایه‌داری روی آورده که در اینجا به نمونه‌هایی از بروزهای خارجی این وابستگی و الگوبرداری در حیطه و بعد مصرف ثروت که در روایات به عنوان وضعیت جامعه آخرالزمانی مطرح شده اشاره می‌کنیم:

۱. زهد و ساده زیستی

زهد و ساده زیستی زینت کارگزاران مهدی است. حضرت علی علیه السلام بالندگی جامعه را وابسته به رفتار زاهدانه و قانعانه کارگزاران و مردم می‌داند.^۲ یکی از موانع رسیدن به جامعه منتظر و تقبل امام و تلاش برای پذیرش او امر و نواهی ایشان دل بستن به دنیا و دنیا طلبی می‌باشد که در بسیاری از موارد با پذیرش او امر و نواهی امام مغایرت دارد. بر این اساس روایات زهد را می‌توان به عنوان یکی از صفات بارز شیعیان قرارداد که در شیعیان آخرالزمانی رنگ

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۸۷، ح ۱۳۳۳۶.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۲۲۹.

/ فصل چهارم. وجوه الگوگیری و زمینه سازی جامعه آخرالزمانی از جامعه مهدوی/ ۱۷۳

باخته است و متأسفانه در کنار مردم عادی برخی مدیران سیاسی - اجتماعی نظام اسلامی به بهانه ها و توجیهاتی به زندگی تجملاتی و دور از شان یک مدیر اسلامی پیرو مولا علی علیه السلام روی آورده اند که دیدن وضع زندگی آنها نه تنها مرهمی بر مشکلات قشر ضعیف جامعه نیست، بلکه نمکی است بر زخمهایشان که متأسفانه بعضاً باعث دین زدگی و بروز رفتار خلاف دین از طرف قشر ضعیف جامعه می شود؛ چرا که حضرت علی علیه السلام فرمودند که مردم بر دین ملوکشان اند. و امام صادق فرمودند:

شیعه علی علیه السلام افرادی لاغر، رنج دیده، لب خشکیده، لبهاشان چروکیده، شکم هایی لاغر و رنگ چهره شان متغیر است.^۱

۲. رواج بت پرستی مدرن

در عصر جاهلیت مردم اشکال مختلفی را به صورت مجسمه و بت به عنوان خدای خود می پرستیدند، پس نیاز به پرستش در فطرت بشرو وجود داشته و پیامبران برای بیان این نیاز نیامده اند، بلکه برای نشان دادن و معرفی مصداق صحیح پرستش مبعوث شده اند تا بشر را از جهالت در آورند. در جامعه آخرالزمانی انسان ها ظاهراً متمدند و موحد، ولی در عمل افراد به قدری به مادیات و امور دنیا دلبسته می شوند که به خاطر آن تکالیف شرعی خود را زیر پا می گذارند و حتی با یکدیگر قطع رابطه کرده و بعضاً با یکدیگر بر سر منافع اقتصادی می جنگند و هر کس قدرت بیشتری داشته باشد بیشتر از بقیه از منافع و منابع مادی بهره مند می شود که می توان گفت بت پرستی به شکل مدرن آن، در جامعه رواج دارد. لذا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

زمانی بر مردم خواهد آمد که شکم هایشان خدایشان و زنانشان قبله و دینارهایشان دین و شرفشان متاع ایشان است. از ایمان جز اسمی و از اسلام جز رسمی و از قرآن جز درسی باقی نمی ماند، مساجدشان از جهت بنا آباد و قلب هایشان از جهت هدایت ویران است و... سپس صحابه تعجب کردند و گفتند: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله آیا بت ها را می پرستند؟ فرمود: بله، هر درهمی نزد ایشان بتی است.^۲

۱. صفات الشیعه، ص ۱۳، ح ۲۴.

۲. مستدرک، ج ۱۱، ص ۳۷۶، باب ۴۹: جامع الاخبار، ص ۱۲۹.

جمع بندی

به طور خلاصه آسیب ها و کاستی های موجود در جامعه آخرالزمانی در ابعاد مختلف عبارتند از:

بعد سیاسی

۱. عدم وجود و حضور عینی و ملموس امام معصوم علیه السلام در هرم قدرت سیاسی؛
۲. وجود افراد فاقد صلاحیت لازم و کافی در هرم قدرت و مدیریت سیاسی و اجتماعی جامعه.

بعد فرهنگی

۱. دور شدن از جهان بینی و فرهنگ غنی اسلامی و وابستگی و عمل به فرهنگ های غربی و مخالف اسلام؛
۲. حاکمیت نگاه و فرهنگ غلط منفعت طلبی بر روابط انسان با: خدا، خود، طبیعت و دیگران، که باعث وقوع آسیب های اعتقادی، اجتماعی و زیست محیطی می شود؛
۳. کاهش محسوس کارکرد و بازدهی، و بعضاً بازدهی معکوس نهادهای اجتماعی مانند: نهاد خانواده، سیاست و حکومت، اقتصاد و آموزش و پرورش، و از بین رفتن جایگاه واقعی آنها.

بعد اقتصادی

۱. بهره برداری ناقص، غلط و غیر اصولی از مواهب طبیعی؛
۲. ظلم و بی عدالتی در تولید، توزیع و مصرف ثروت و امکانات بیت المال.

گفتار دوم

بیان تمایزات و وجوه برتری جامعه صاحب الزمان

یکی از دغدغه های بشر که هیچ گاه در طول زمان از آن رهایی نداشته، ایجاد جامعه آرمانی است که آن را «آرمان شهر» گویند. در فرهنگ شیعه نیز این آرمان شهر وجود دارد که بر اساس روایات، این آرمان شهر به دست حضرت مهدی عج تحقق خواهد یافت. یکی از ویژگی های این آرمان شهر، ایجاد «حکومت واحد جهانی» است. تحقق این آینده، در منطق شیعه، حتمی است. در پرتو آرمان مدینه فاضله آتی می توان وضعیت فعلی خود را سنجید و میزان فاصله، تناسب و سازگاری آن را با وضعیت آرمانی مشخص ساخت تا در نهایت، برای کم کردن فاصله وضعیت امروز خود با وضعیت آرمانی بکوشیم.^۱ حکومت جهانی مهدی موعود عج تنها پیش بینی و الگوسازی یک مدل حکومتی برای آینده نیست؛ بلکه مدل و الگوی زندگی امروزی نیز هست.^۲ لذا ما می توانیم با الگوبرداری در ابعاد فرهنگی - دینی، سیاسی - اجتماعی و اقتصادی از آن جامعه مهدوی برای رفع کاستی ها و نابسامانی های جامعه آخرالزمان تلاش کنیم و با تربیت و پرورش افراد جامعه، یک جامعه منتظر و زمینه ساز را بسازیم.

در آینده پژوهی برای مطالعه آینده از سه رویکرد «اکتشافی»، «هنجاری» و «تصویرپرداز» بهره می گیرند.^۳ ما در این پژوهش با استفاده از رویکرد هنجاری، با تبیین جامعه مطلوب مهدوی در آینده، چگونگی تحقق آن موقعیت مطلوب را بررسی می کنیم. این رویکرد که به «پس نگری» شهرت دارد، یک برنامه ریزی از جامعه آینده برای جامعه کنونی است. از آن جا که جامعه آرمانی مهدوی، به سادگی و در افق زمانی نزدیک قابل تحقق نیست؛ جامعه در عمل مجبور است نسخه نازل تری از آن را مبنای عملی قرار دهد.

«پس نگری»، یکی از روش های مؤثر آینده پژوهی برای رقم زدن آینده های بلند مدت است که با تصور آینده مطلوب آغاز شده و با تعیین قدم های لازم برای افزایش اقبال رسیدن به آن

۱. بررسی کارکردهای اجتماعی انتظار حضرت مهدی در ایران معاصر. ص ۸۳.

۲. «باورداشت آموزه مهدویت و نقش آن در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی»، واسعی و امیرمحسن عرفان، سایت موسسه آینده روشن.

۳. «آینده پژوهی مهدوی»، فصلنامه علمی، پژوهشی انتظار موعود، شماره ۲۸، ص ۴۴.

آینده ادامه می‌یابد. پس نگری در واقع عبارت است از ملاحظه آینده مطلوب قابل ایجاد، نه آینده‌ای که احتمال وقوع دارد.^۱

در اندیشه قرآن حرکت تاریخ جبری نیست و اراده انسان‌ها تأثیر بسزایی در رسیدن به قله‌های پیشرفت و تعالی دارد؛ هر چند این سیر از مشیت و قدرت الهی خارج نیست و بر اساس قضا و قدر صورت می‌گیرد. هدف خلقت و خواست خداوند متعال نیز رسیدن انسان به بالاترین حد کمال است؛ اما خواست خداوند به این تعلق گرفته که انسان‌ها با اختیار و آزادی این راه را طی کنند.^۲

این واقعیت را زمانی بهتر می‌شناسیم که به یاد آوریم دگرگونی‌ها و انقلاب‌هایی که در سطح جوامع بر اثر یک رسالت آسمانی انجام می‌گیرد از نظر اصل ایجاد ایده آن نهضت از آن جهت که به نیروی وحی اتکا دارد، نیازمند به ابزار و اسباب نیست؛ ولی از نظر شرایط پیروزی نهضت - که عبارت از آمادگی اجتماع است - خداوند می‌خواهد این شرایط با یک سبک طبیعی و عادی به طور معمول حاصل شود؛ یعنی هر ملتی باید خود آمادگی عوض شدن و دگرگونی را پیدا کند تا نهضت آسمانی در آن جامعه پیش رود.^۳

بر اساس آیات قرآن کریم، هرگونه تغییر بنیادین و تبدیل سرنوشت جامعه، به دست خداوند متعال، به عنوان علت تامه و با اراده او محقق می‌شود. اما هرگونه تغییر و تحولی از سوی خداوند متعال نیازمند زمینه‌سازی و مقدماتی است که در اختیار انسان است و تا آن مقدمات تحقق نیابد، اراده خداوند به تحقق تغییر، تعلق نخواهد گرفت.^۴ خداوند در این باره می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾^۵ خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند.

خاستگاه هر تغییری در اجتماع تغییر افراد آن اجتماع هستند. البته ناگفته نماند که ملاک تحقق مقدمات در تغییرات اجتماعی، تغییر در اکثریت افراد آن اجتماع است. بنابراین، تغییر اجتماعی زمانی رخ خواهد داد که بیشتر افراد فعال آن اجتماع به انجام تغییر در اجتماع معتقد باشند و در راستای تحقق آن اقدام عملی انجام دهند. از این رو افراد خاموش جامعه که حضور اجتماعی فعال ندارند، در تغییر یافتن یا نیافتن آن تأثیری نخواهند داشت.

۱. «جزوه درسی بازانندیشی آینده»، دوره سوم آینده‌پژوهی، دانشگاه عالی دفاع ملی، ص ۳۴.

۲. آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، ص ۵۱.

۳. سنت‌های تاریخی در قرآن، ص ۶۲.

۴. «نظریه تغییر و تأثیر آن در زمینه‌سازی ظهور»، فصلنامه علمی-پژوهشی مشرق موعود، ش ۱۱، ص ۱۶.

۵. رعد (۱۳)، ۱۱.

/ فصل چهارم. وجوه الگوگیری و زمینه سازی جامعه آخرالزمانی از جامعه مهدوی / ۱۷۷

مراد از اکثریت درباره ظهور منجی، اکثریت جامعه جهانی است. از این رو به صرف گرایش اکثریت جامعه در یک کشور به عدالت خواهی، زمینه ظهور فراهم نمی شود.^۱ این همه، نه به آن معناست که وظیفه همگان در این زمینه، مساوی است؛ بلکه زمینه سازی ممکن است به تناسب نوع آن، استعدادهای روحی و اخلاقی و لیاقت های اکتسابی افراد، شکل های گوناگونی داشته باشد. ولی بطور قطع جوامع اسلامی که دارای حکومتی اسلامی نیز هستند، مسئولیت بیشتری در ایجاد جامعه منتظر و زمینه ساز ظهور دارند.

بنابراین ما طبق آیات و تبیین گسترده روایات از وضعیت عصر ظهور پی می بریم که: اولاً: لسان روایات تبیین واقعیتی تحقق پذیر در آینده است که مانند همه حوادث اجتماعی از عوامل واقعی خود نشأت می گیرد نه لسان اسطوره ای و صرف تبیین آرمانی و افسانه ای از آینده.

ثانیاً: رفتار مردم در عصر غیبت، در تقدیم و یا تأخیر ظهور حضرت مؤثر است، لذا برای رسیدن به جامعه مهدوی باید با انتظار پویا، برای فراهم کردن زمینه ظهور حضرت تلاش کنیم و از طرفی بدانیم که حکومت اسلامی در کشور ما از جهاتی خودش الگوی ملت های مسلمان دنیا است.^۲

ثالثاً: تحولات اجتماعی تمهید پذیر و تدریجی است و هیچ گونه حادثه اجتماعی به طور اعجاز گونه به یکباره تحقق نمی یابد. پس در تند یا کند شدن این سیر تاریخی مقدمات و آمادگی جامعه مثمر ثمر خواهد بود.^۳

و از آنجا که در نظر ما، تحولات آخرالزمان با ظهور حضرت، امری غیر عادی که در آخرین بخش زندگی نوع انسان واقع می شود نیست بلکه به تحولات قبلی جامعه انسانی مربوط می گردد؛ چون ما تاریخ را، عبارت از مجموعه حوادث پراکنده و جدا از هم که هر دوره، اتفاقات ویژه خود را دارد نمی دانیم؛ بر این اساس، اجرای عدالت و پیروزی حق بر باطل، ولو به طور محدود و حداقلی در جامعه آخرالزمان هم ممکن است.

در نتیجه آنچه تا به حال گفتیم به نظر می رسد که برای اتصال جامعه آخرالزمانی (که چهره غالب آن ظلمت و فساد بود) به جامعه مهدوی که سراسر عدالت و رفاه است نیاز به وجود

۱. «نظریه تغییر و تأثیر آن در زمینه سازی ظهور»، فصلنامه علمی-پژوهشی مشرق موعود، ش ۱۱، ص ۲۷.

۲. همان، ص ۱۶.

۳. همان.

یک حلقه وصل داریم که ما نام آن را جامعه منتظر یا زمینه ساز یا الگویی می‌نامیم که عبارت است از جامعه‌ای فرضی که در آن، حداکثر ویژگی‌های قابل الگوگیری جامعه مهدوی برای عصر غیبت وجود دارد. این نوع از جامعه با جامعه مهدوی که فقط با حضور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق خواهد شد، فاصله دارد؛ اما برخی شاخص‌های بنیادین جامعه مهدوی در این جامعه نمونه و الگو نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۱ جامعه زمینه‌ساز در پی آن است که زمینه‌های تحقق جامعه مهدوی را فراهم سازد.

در این گفتار ابتدا به بیان تمایزات و مختصات حکومت و جامعه مهدوی اشاره‌ای گذرا خواهیم کرد و در ادامه با بهره‌گیری از روش پس‌نگری تلاش خواهیم کرد وجوه برتری جامعه مهدوی را که از مختصات حضرت نبوده و قابلیت الگوبرداری برای جامعه منتظر را دارد در ابعاد فرهنگی، اعتقادی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بیان کنیم.

الف) بیان تمایزات و وجوه اختصاصی جامعه مهدوی

منظور ما از وجوه اختصاصی اعم است از مختصاتی که در شخص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف یا در زمان و مکان ظهور ایشان وجود دارد. یعنی این وجوه، برخی مربوط به شخص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان منجی عالم است و برخی به زمینه‌های اجتماعی و سیاسی و شرایط خاص زمانی و مکانی آن دوران مربوط می‌شود. در این موارد روایات زیاد است، ولی به جهت اختصار برای هر مورد به بیان یک روایت از منابع دست اول اکتفا می‌کنیم.^۲ این وجوه عبارتند از:

۱. حاکمیت امام معصوم

بر اساس دیدگاه شیعه امامیه، حکومت جهانی را دوازدهمین امام از سلسله امامان معصوم اداره می‌کند. او با یاری جستن از وحی و شریعت آسمانی، بر نیازها و مشکلات جامعه بشری چیره می‌شود و اقتصاد و فرهنگ سالم، آسایش و امنیت، رفاه عمومی و پارسایی را در جامعه می‌گستراند. بنابراین، بخش مهمی از آبادانی، رفاه، آسایش، توسعه اقتصادی و... در جامعه مهدوی، مرهون وجود امام معصوم و مصون از خطا و اشتباه است که با دانایی و توانایی الهی خویش، تمامی مشکلات بشری را پاسخ می‌گوید. برخلاف جوامع آخرالزمانی که جامعه بشری با برنامه ریزی صرفاً بشری و بی بهره از شریعت الهی و سرشار از نقصان و خطا،

۱. «جزوه درسی بازانندیشی آینده»، دوره سوم آینده‌پژوهی، دانشگاه عالی دفاع ملی.

۲. «سیره مهدوی و دولت منتظر»، فصلنامه علمی-پژوهشی مشرق موعود، شماره ۱۰، ص ۳۴.

/ فصل چهارم. وجوه الگوگیری و زمینه سازی جامعه آخرالزمانی از جامعه مهدوی/ ۱۷۹

دچار کاستی و آسیب های فراوانی شده است.

۲. عمل بر اساس علم غیبی و حکم طبق باطن امور

برخلاف سیره بقیه معصومین علیهم السلام که بین مردم طبق موازین ظاهری داوری می کردند، یعنی از مدعی شاهد خواسته و اگر نداشت او را دعوت به قسم خوردن می کردند، حضرت با علم باطنی خود به امور حکم صادر می کند. در سیره قضایی ایشان فرموده اند: آن حضرت مثل حضرت داوود و سلیمان، با علم الهی خویش داوری می کند و بینه نمی طلبد.^۱

۳. شدت عمل و سخت گیری بر مخالفان

این شدت عمل برخورد با دشمنان مختص حکومت حضرت است، زیرا به سبب طول غیبت و تجربه تمام مدل های سیاسی و دیدن ناکامی آنها، و اتمام حجت امام با مخالفان دیگر توجیهی برای کنار آمدن با مخالفان باقی نمی ماند. در حالی که در حکومت بقیه معصومین و حکومت های اسلامی عصر حاضر هر چند مقتدر باشند، باز هم دولت اسلامی ناچار به مدارا و انعطاف به خاطر حفظ ارزش های اسلامی است. همان کاری که حضرت علی علیه السلام با پذیرش حکمیت و امام راحل رحمه الله با پذیرش صلح، برای حفظ اسلام انجام دادند. در مورد سیره حکومتی ایشان از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا امام زمان علیه السلام برخلاف سیره امیرالمومنین علیه السلام عمل می کند؟ حضرت پاسخ دادند: بله... هرگاه امام ظهور فرماید، در میان دشمنانش با شمشیر حرکت می کند و از آنها اسیر می گیرد، زیرا می داند که شیعیانش هیچ گاه بعد از او مغلوب نخواهند شد به خلاف امیرالمومنین.^۲

۴. اجازه استفاده از امور ماورایی و داشتن نیروهای ویژه

روایات اشاره کرده اند به وجود ۳۱۳ یار خاص و ملائکه ای که اجازه نصرت حضرت را دارند و وجود لشکری از رعب که پیشاپیش لشکرزمینی حضرت قلب دشمنان را تسخیر می کنند. و همچنین روایاتی داریم که می فرمایند: آن حضرت معجزه هایی نشان می دهند

۱. «... إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَكَمَ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ، لَا يَسْأَلُ بَيِّنَةً...» (کافی (ط - دارالحدیث)، ج ۲، ص ۳۲۲).

۲. «... أَنْ عَلِيًّا سَارَ بِالْمَنْ وَالْكَفِّ... وَأَنَّ الْقَائِمَ إِذَا قَامَ سَارَ فِيهِمُ بِالسَّيْفِ وَالسَّبِي وَ ذَلِكَ أَنَّهُ يَعْلَمُ أَنَّ شِيعَتَهُ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا» (الغیبه، نعمانی، ص ۲۳۲، ح ۱۶).

که همه در مقابل ایشان خضوع می کنند.^۱

۵. منابع مالی نامحدود برای اداره جامعه

روایات متعددی از در اختیار بودن برکت های مادی زمین و آسمان برای حضرت و جمع شدن ثروت بسیار و بخشش به مردم، به طوری که نیازمندی باقی نخواهد ماند، سخن گفته اند.^۲ این نیز از مختصات حکومت و جامعه مهدوی است، زیرا هیچ حکومتی نمی تواند چنین بودجه ای برای اداره جامعه خود فراهم کند.

ب) وجوه الگوگیری و برتری جامعه مهدوی

در ادامه با بهره گیری از روش پس نگری تلاش خواهیم کرد وجوه برتری جامعه مهدوی را که از مختصات حضرت نبوده و قابلیت الگوبرداری برای جامعه منتظر را دارد، در ابعاد فرهنگی - اعتقادی، سیاسی - اجتماعی و اقتصادی، بیان کنیم.

وجوه الگوگیری در بعد فرهنگی - اعتقادی

هویت، تعریفی است که می توان بر اساس ارزش ها، باورها، آداب، سنن، هنجارها و... از یک فرد یا جامعه ارائه کرد. به تعبیر دیگر، هویت برآیند چیرستی فرهنگی هر فرد یا جامعه به شمار می آید.

هویت به مثابه تکیه گاهی است که جوامع در گذر تاریخی خود به سوی آینده به آن تکیه می کنند. بر این اساس، هویت عنصری است که جامعه به کمک آن از دیگر جوامع متمایز می شود. علت تمایز اجتماعات هویت آنان است و گرنه همه یکی خواهند بود.^۳ بنابراین وقتی جامعه ای بداند که کیست و چه نقشی دارد، بر نیازمندی ها، تمایلات، توانایی ها، ضعف ها، استعدادها و مسئولیت های خود معرفت می یابد. این معرفت او را از سردرگمی ها و آشفتگی ها رها می سازد؛ همان اتفاقی که در جامعه مهدوی برای افراد به وقوع خواهد پیوست و در نتیجه شاهد افراد و جامعه سالمی در تمامی ابعاد فردی و اجتماعی خواهیم بود.

ما در این گفتار به ذکر چند سیره و روش فرهنگی - اعتقادی حضرت در جامعه مهدوی

۱. چشم اندازی به حکومت مهدی، ص ۸۸-۹۲-۱۳۰.

۲. معجم احادیث امام مهدی، ج ۲، ح ۱۳۹ تا ۱۵۳.

۳. تحولات سیاسی اجتماعی ایران معاصر، ص ۳۰۷.

/ فصل چهارم. وجوه الگوگیری و زمینه سازی جامعه آخرالزمانی از جامعه مهدوی/ ۱۸۱

می پردازیم که می توان با الگو گرفتن و عمل به آنها، هویت افراد و جامعه را در ابعاد مختلف ارتقاء داد و زمینه رشد جامعه آخرالزمانی در بعد فرهنگی - اعتقادی را فراهم کرد.

۱. بازیابی کرامت آدمی

بر اساس آموزه های اندیشه مهدویت، اوج بالندگی و شکوفایی نهایی کرامت آدمی را در روزگار ظهور مشاهده می کنیم. این مطلب در روایات اشاره شده: «خداوند به وسیله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ذلت را از گردن های شما برمی دارد»^۱.

و در آن زمان، انسان، به فطرت پاک خویش، آزادی واقعی و تکامل خرد دست می یابد. که علاوه بر آثار مفید اخروی، رفاه و آبادانی دنیا را نیز در پی دارد. همچنین در این عصر، آدمی با کسب تقوای الهی، به کرامت اکتسابی دست یافته و با رعایت قوانین اسلام و احترام آدمیان به یکدیگر به کرامت اجتماعی دست می یابد. کرامت نفس، پایه و محور همه تعلیمات اخلاقی است؛ یعنی محترم شمردن نفس برای دوری از گناهان و مفاسد؛ چنانکه حضرت علی علیه السلام می فرماید: «آنکه در خود احساس کرامت کند، مخالفت با شهوات حیوانی برای او آسان می گردد»^۲.

از نگاه قرآن، کرامت انسان اصل مهم آفرینش و تنیده در سرشت آدمی است. خداوند متعال می فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾؛ ما فرزندان آدم را گرمی داشتیم، و آنان را در خشکی و دریا برنشانیدیم، از چیزهای پاکیزه روزیشان دادیم و آنان را بر بسیاری از آفریده های خود برتری آشکار دادیم.

این آیه نگاه اصلی قرآن را به انسان می نمایاند؛ اگر با توجه به آیه یاد شده، کرامت انسانی را به عنوان یک اصل آفرینشی در وجود انسان در نظر بگیریم، باید از هر نوع رفتاری که با این اصل منافات داشته باشد، پرهیز کنیم. لذا به نظر می رسد مدیران فرهنگی جامعه منتظر باید برنامه های خود را به سمت بازیابی هویت و احیای کرامت انسانی جهت گیری کنند. و با تبیین صحیحی از دین و احکام آن زمینه تقویت کرامت انسانی را فراهم کنند تا افراد جامعه بتوانند غبارهایی که روی فطرت الهی آنها را گرفته بزدايند و با بازگشت به فطرت و حاکمیت قوانین فطری، عدالت خواهی را در سطح جامعه فراگیر کنند.

۱. الغیة، طوسی، ص ۱۸۶.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۴۴.

۲. حاکمیت ارزش های اخلاقی

در جامعه مهدوی که بر مبنای اسلام است، دولتی اخلاقی تشکیل می شود که برگرفته از آموزه های وحیانی، مضامین شریعت، تعقل و فطرت پاک انسانی است. بر اساس دولت مهدوی، جامعه بشری به سمت و سوی بصیرت، معنویت، تقواگرایی و اخلاق متعالی پیش می رود و بسیاری از انحراف ها، فسادها و رذایل اخلاقی، پوچی ها و بی بندوباری ها از جامعه رخت بر می بندد و بدین سان، آسایشی را که بشر قرن ها به دنبال آن بوده است، به بشر عرضه می دارد و آدمی در سایه آن به تکامل روحی و ادراکی نیز نایل می آید.

در روایتی می فرماید: «... يَظْهَرُ عَلَى الثَّقَلَيْنِ وَ لَا يَشْرُكُ فِي الْأَرْضِ الْأَذْنَيْنِ...»؛ بر ثقلین (انس و جن) پیروز می شود و ریشه پستی و انحراف را از روی زمین بر می دارد.^۱

یکی از عواملی که در تحوّل جامعه مورد توجه قرار گرفته، خصلت های اخلاقی اعضای جامعه اعم از خصلت های خوب و بد است. امام علی علیه السلام متخلق شدن اعضای جامعه به برخی خصال را عاملی می داند که می تواند آثار عینی اجتماعی و عمومی داشته باشد. وقتی خصلت های مزبور در حد گسترده ای میان مردم جاری شود، به یک پدیده اجتماعی تبدیل می شود که نتایج اجتماعی ای نیز در بر خواهد داشت. امام در یکی از خطبه های خود، درباره یکی از جوامعی که از نظرایشان وضع مطلوبی پیدا کرده بود، چنین سخن می گوید:

به خدا سوگند، مردمی بودند مبارک رأی، آراسته به بردباری، راست گفتار، وانهنده ستم و زشتکاری، پیش افتادند و راه راست در پیش گرفتند و در آن ره شتابان رفتند. پس پیروز شدند، به نعمت جاودان و کرامت گوارا و رایگان.^۲

امام، ملاک درستی راه و کرامت انسانی را ارزش های دینی می داند و ترویج خصال حسنه اخلاقی مانند صداقت، بردباری و عدالت را عامل نیل به چنین هدفی معرفی می کند.

به پارسایان و راستگویان بپیوند و آنان را چنان پیروز که تو را فراوان نستایند و با ستودن کار بیهوده ای که نکرده ای، خاطرت را شاد ننمایند که ستودن فراوان خود پسندی آرد و به سرکشی وادارد.^۳

از آنجا که مهمترین ویژگی هنجارپذیری انسان فهم و پذیرش قوانین ثابت اخلاقی و تلاش

۱. الغیة، نعمانی، ص ۲۷۵، ح ۵۵.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۶.

۳. همان، نامه ۵۳.

/ فصل چهارم. وجوه الگوگیری و زمینه سازی جامعه آخرالزمانی از جامعه مهدوی/ ۱۸۳

برای گسترش و حاکمیت این اصول است؛ بنابراین در جامعه منتظر می توان با فرهنگ سازی و اصلاح گری اخلاقی و الهی و نهادینه کردن ارزش های واقعی اسلامی و انسانی، جامعه و انسان ها را از فساد و انحطاط فرهنگی و اخلاقی دور ساخت. ثمره پذیرش قوانین ثابت اخلاقی این است که وقتی فردی خود ساخته و دارای حسن خلق شد با آمادگی کامل وارد عرصه اجتماع، از خانواده گرفته تا اجتماع های بزرگتر شده و میزان تاثیر گذاری فرد بیشتر می شود.

به عنوان نمونه می توان با گسترش امر به معروف و نهی از منکر که یکی از تکالیف عمده دینی است جامعه منتظر را از انحراف حفظ کرد و باید اعتقاد داشت که خشنودی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آن است که «معروف» عملی شود و «منکر» ترك گردد، زیرا در عصر ظهور، خود حضرت بزرگ ترین امر و ناهی خواهد بود. بنابراین جامعه منتظر نمی تواند در این مورد بی اعتنا باشد.

۳. نهادینه کردن فرهنگ ساده زیستی و دوری از تجملات و فخر فروشی

افراد و بالاخص مسئولان و دولت مردان نظام اسلامی در جامعه منتظر باید ساده زیست بوده و رعایت حال مستضعفان جامعه را بنمایند؛ همان گونه که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف - اگر چه جهان را فتح می کند و تمام امکانات جهان به دست او می رسد - خود ساده زیست است. از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده که فرموده اند:

«به خدا سوگند! که لباس حضرت غلیظ و غذایش خشک است»^۱.

«... أَنْ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ لَبَسَ لِبَاسَ عَلِيٍّ، وَ سَارَ بِسِيرَتِهِ؛ همانا چون قائم ما قیام کند، لباس علی علیه السلام را بپوشد و بر اساس شیوه و سیره او رفتار نماید»^۲.

ساده زیستی و مراعات سطح مردم عادی یکی از روشهای معصومین است، لذا افراد جامعه منتظر باید از تجمل گرایی، اسراف، تبذیر و فخر فروشی دوری گزیده و با همدلی و برنامه ریزی برای ایجاد رفاه عمومی و بهره برداری همه افراد جامعه از امکانات رفاهی و مورد نیاز تلاش کنند. و مدیران دولت منتظر هم باید با وضع قوانین مناسب و توزیع عادلانه ثروت در جامعه، زمینه گرایش به تجمل گرایی را از بین برده و مردم را به سوی زندگی به سبک اسلامی و دوری از مصرف گرایی افراطی سوق دهند. البته مدل زندگی مدیران سیاسی

۱. «قَوْلَ اللَّهِ مَا لِبَاسُهُ إِلَّا الْغَلِيظُ وَلَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِيبُ»؛ (الغیة، نعمانی، ص ۲۳۰، ح ۲۰).

۲. کافی (ط - دار الحديث)، ج ۱۳، ص ۲۳، باب ۲، ح ۱۵.

اجتماعی نظام در این راه تاثیر بسزایی دارد، و آنها در سطح جامعه الگو خواهند بود، لذا باید در رفتار و نحوه زندگی خود دقت کنند.

۴. تلاش و استقامت در راه رسیدن به هدف

معمولا افراد در زندگی خود دارای اهدافی هستند. لازمه رسیدن به هدف تلاش و پشتکار و دوری از یأس و ناامیدی است و هر چه اهداف عالی تر باشد رسیدن به آنها سخت تر خواهد بود. تصوّر برخی آن است که ظهور امام زمان و حکومت جهانی و عدالت گسترده بدون هیچ زحمت و دردسر، همراه با ناز و نعمت برای منتظران خواهد بود، در صورتی که طبق روایات در مقدمه حکومت ایشان، جهاد و جانفشانی و تحمل سختی های مبارزه مشهود خواهد بود و در ایام دولتش، ساده زیستی و پرهیز از تجمل و اسراف و راحت طلبی نهادینه خواهد شد که این شیوه، برای عافیت طلبان و مرفهین بی درد، ناخوشایند است. و در نهایت توسط منجی موعود و با تحمل این سختی ها بشریت به ساحل آرامش خواهد رسید.

امام صادق علیه السلام فرمود:

چرا درباره قیام قائم شتاب می کنید؟ به خدا سوگند! لباسش جز لباسی ضخیم و خوراکش جز غذایی ناگوار نیست. قیام او جز شمشیر و مرگ در سایه شمشیر نیست.^۱

امام رضا علیه السلام فرمود:

چون قائم ما قیام کند، چیزی جز مرگ و عرق نخواهد بود. افراد همواره بر پشت اسبها (در نبرد) خواهند بود. لباس قائم لباسی خشن و غذایش طعامی ناگوار خواهد بود.^۲

منتظران دولت مهدی علیه السلام، به تعبیر روایات، «مُتَهِّدین» اند، یعنی «آماده سازان»، نه «آماده خواهان»! لذا منتظران واقعی در دوران غیبت حضرت مهدی علیه السلام، تلاش شبانه روزی و پیگیر خواهند داشت تا زمینه تحقق اهداف آن موعود را محقق سازند و از تلاش و استقامت در راه رسیدن به هدف خود لحظه ای باز نخواهند ایستاد.

انتظار ظهور، یکی از بزرگ ترین عوامل پایداری، استقامت و مقاومت در برابر سختی ها و مشکلات عصر غیبت است. انتظار، مسلمانان - به ویژه شیعیان - را در برابر ظلم ها،

۱. الغیة، نعمانی، ص ۲۳۰، ح ۲۰.

۲. «... لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمُنَا علیه السلام لَمْ يَكُنْ إِلَّا الْعَلَقُ وَالْعَرَقُ وَالتَّوَمُّ عَلَى الشُّرُوجِ ...»؛ (الغیة، نعمانی، ص ۲۸۵، باب ۱۵).

/ فصل چهارم. وجوه الگوگیری و زمینه سازی جامعه آخرالزمانی از جامعه مهدوی / ۱۸۵

فسادها، زورگویی ها و انواع بلاها و سختی ها، ثابت و پا برجا نگه می دارد و به آنان دل و جرأت می دهد تا در برابر تهدیدها، تطمیع ها و سخت گیری های دشمنان اسلام، خود را نبازند و از هیچ چیز و هیچ کس نهراستند.

پیامبر اکرم ﷺ به مسلمانان صدر اسلام فرمود:

بعد از شما قومی خواهد آمد که پاداش هر يك از آنها برابر پاداش پنجاه نفر از شما است. گفتند: ای رسول خدا! مگر نه این است که ما در حضور شما، در بدر و احد و حنین شرکت کردیم و قرآن در میان ما نازل شد؟! فرمود: «اگر آنچه بر آنها روی خواهد داد، بر شما روی می داد؛ شما نمی توانستید چون آنها صبر و شکیبایی را پیشه خود سازید.^۱

و نیز فرمود:

... برادران من کسانی اند که در آخرالزمان می آیند و ندیده، به من ایمان می آورند... استقامت هر يك از آنها در دین خود، از کندن خارهای گون در شب تاریک و به دست گرفتن آتش گداخته، سخت تر است. آنها مشعل های هدایت اند که خداوند آنان را از فتنه های تیره و تار، نجات می بخشد.^۲

امام حسین ﷺ نیز در این باره می فرماید:

أما الصابر في غيبته على الأذى والتكذيب، بمنزلة المجاهد بالسيف بين يدي رسول الله؛^۳ ... کسانی که در زمان غیبت او در مقابل آزار و تکذیب، استقامت می کنند، مانند کسانی اند که در حضور رسول خدا شمشیر زده اند.

۵. احیای دوباره اسلام، قرآن و سنت نبوی

امام باقر ﷺ فرموده اند:

او (مهدی) آنچه را پیش از او بوده است در هم ریزد؛ آنگونه که رسول خدا ﷺ امور جاهلیت را در هم ریخت. و اسلام را به گونه ای تازه و جدید ارایه می کند.^۴

۱. منتخب الاثر، ص ۵۱۵؛ الغیبه، طوسی، ص ۲۷۵.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۴.

۳. همان، ج ۵۱، ص ۱۳۳.

۴. «... يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أُمُورَ الْجَاهِلِيَّةِ وَيُسْتَأْنَفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً...»؛ (الغیبه، نعمانی، ص ۲۳۱، ح ۱۳).

از آنجا که بر اسلام در طول این همه قرون، پیرایه‌ها بسته‌اند و در مواردی چهره واقعی اسلام، مسخ و تحریف شده است، وقتی آن حضرت ظهور کند، بدعت‌ها را می‌زداید و اسلام ناب را عرضه می‌کند و مثل پیامبر خدا ﷺ که بت شکنی کرد، اندیشه‌های باطل و خرافات را می‌زداید، گویی اسلام از اول ظهور کرده است، نه آنکه دین تازه‌ای بیاورد. در زمان ما نیز بر افراد جامعه منتظر، زدودن خرافات و تحریفات از چهره اسلام، قرآن و سنت پیامبر خدا و ارایه صحیح آن به جهان بشریت قطعاً فرض و واجب است و عرضه اسلام ناب به جهانیان می‌تواند باعث گرایش آنها به اسلام و فراهم شدن یکی از زمینه‌های ظهور حضرت که پذیرش مردم است خواهد شد.

بنابراین به نظر می‌رسد که باید با الگوبرداری از این روش حضرت در عصر ظهور، ما نیز در جامعه آخرالزمان برای تبیین صحیح اسلام و عرضه اسلام ناب به جهانیان در حد توان خود تلاش کرده و با زدودن خرافات و شبهات از دین اسلام و احیای دوباره آن از مظلومیت اسلام کاسته و آن را در جهان فراگیر کنیم، زیرا همه شاهدیم که امروزه استعمارگران با منسوب کردن هرگونه خشونت، افراطی‌گری، نسل‌کشی و تروریسم به اسلام و عقاید آن، تمام توان خود را برای ایجاد یک موج اسلام‌هراسی در سطح جهانی به کار گرفته‌اند، لذا باید برای تبیین صحیح از دین خود بیشتر تلاش کنیم و موضع تبری و انزجار اسلام و مسلمین را نسبت به هرگونه خشونت، افراطی‌گری، نسل‌کشی و تروریسم، به جهانیان با ایجاد یک جامعه منتظر اعلام کنیم.

۶. تلاش برای حاکمیت عقل بر هوای نفس

یکی از اهداف پیامبران، تهذیب نفوس انسانی و غلبه عقل بر هواهای نفس‌لوامه بوده است. در عصر ظهور، حضرت با آگاهی دادن به مردم و با برنامه‌های جامع خود، زمینه را برای حاکمیت عقل بر هواهای نفسانی فراهم می‌کند؛ همچنان که در این مورد حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند:

هنگامی که مردم هدایت را تحت الشعاع هوای نفس خود قرار دهند، (مهدی) خواسته‌های نفسانی را تحت الشعاع هدایت قرار می‌دهد و هنگامی که مردم قرآن را بر اساس رأی و خواسته‌های خود تفسیر کنند، (مهدی) آراء و نظریات را پیرو قرآن قرار می‌دهد.^۱

۱. نهج البلاغه (للصباحی صالح)، ص ۱۹۵.

... کینه ها و دشمنی ها را از دل مردم بیرون کند....^۱

دوری مردم از راه و روش امامان، تبعیت از هوای نفس است و اگر خواسته ها بر مدار «هدایت» باشد، نه هدایت تابع «هوای نفس»، رویکرد بشریت به خط اهل بیت و راه حق خواهد بود. در عصر امام زمان، «قرآن» محور اندیشه ها و عمل هاست، لذا از این رهگذر ما باید بهره گرفته و با آگاهی دادن به مردم و با برنامه های دقیق و کارشناسانه عوامل گرایش جامعه به هواهای نفسانی و موانع رشد بشر را شناسایی کرده و از بین ببریم تا زمینه را برای حاکمیت عقل بر هواهای نفسانی فراهم کنیم. موانع رشد بشری و حاکمیت عقل بر هوای نفس را می توان در چند بعد بررسی کرد.^۲

الف) بعد فرا انسانی: که منظور ما دشمن قسم خورده بشر، یعنی شیطان است که نابودی کامل این مانع به دست امام زمان و در زمان ظهور میسر خواهد بود.

ب) بعد ساختاری: برخی ساختارها و نهادهای فرهنگی اجتماعی، یا به طور معیوب یک سری آداب و رسوم خشک را ترویج می کنند یا اینکه ایده هایی غیردینی و ناسالم دارند و یا خود کانون فساد و تباهی اخلاقی اند که هریک از این موارد می تواند مانعی جدی برای رشد بشر و حاکمیت عقل بر نفس باشد. این قسم را می توان به منافقین تشبیه کرد.

ج) بعد انسانی: که مانع رشد بشر در ابعاد دینی و اخلاقی، افسادگران و شیاطین انسی اند. که با استفاده از ابزار تبلیغاتی مختلف، نظیر ماهواره و شبکه های مجازی و اینترنت، تمام توان خود را برای ترویج فساد، دنیاگرایی و اشاعه منکرات، به کار می گیرند.

در نتیجه ما در جامعه آخرالزمانی و منتظر باید با تبیین موانع رشد بشری بالاخص بعد فرا انسانی آن به اصلاح ساختاری جامعه پرداخته و با مبارزه با طراحان فساد در سطح جامعه، و خنثی کردن آنها، جامعه را به سوی اصلاح و حاکمیت عقل بر هوای نفسانی هدایت کنیم.

۷. تلاش برای ایجاد جامعه و فرهنگ قرآنی

از برنامه های حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه نشر فرهنگ قرآن در سطح گسترده است، چه از نظر خواندن، چه فهمیدن، چه عمل کردن. در این مورد امام باقر علیه السلام فرموده اند:

چون قائم قیام نماید، خیمه هایی برپای دارد تا افرادی قرآن را آن گونه که خدای

۱. الخصال، ج ۲، ص ۶۲۶، باب علم امیرالمومنین.

۲. تعلیم و تربیت در عصر ظهور، ص ۷۵.

نازل فرموده است به مردم بیاموزند.^۱

از آنجا که در جامعه آخرالزمانی بسیاری از مفاهیم بلند قرآن ناشناخته است یا به آنها عمل نمی‌شود، برپا داشتن خیمه‌هایی برای تعلیم قرآن به مردم و نشر مفاهیم واقعی قرآن، دور از تحریف‌ها و کج‌اندیشی‌ها و برداشت‌های نادرست از قرآن کاری مثمرثمر خواهد بود و مدیران فرهنگی و سیاسی باید در برنامه‌های خود به ایجاد فرهنگ و جامعه قرآنی توجه ویژه‌ای داشته باشند. همانطور که رهبر فرزانه انقلاب بارها اهمیت این موضوع را بیان کرده‌اند و از اداره اوقاف خواسته‌اند که در طی چند سال آینده حداقل ۲۰ میلیون حافظ قرآن تربیت شود تا جامعه و زندگی افراد به سمت و سوی قرآنی شدن پیش برود که در نتیجه آن جامعه در مقابل آسیب و آفت‌ها مقاوم‌تر خواهد شد و راه نفوذ دشمنان بسته خواهد شد، زیرا آنان فرهنگ اصیل قرآنی و جایگاه خانواده در اسلام را مورد هجوم خود قرار داده‌اند و برای فروپاشی و اضمحلال این دو تمام توان خود را بسیج کرده‌اند.

۸. برجسته کردن ماهیت عبادی انسان

انسان موجودی دوبعدی و متشکل از روح و جسم است. متأسفانه در قانون‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های جوامع آخرالزمانی بعد روحانی انسانی مورد غفلت قرار گرفته و در مقابل بعد حیوانی و مادی انسان برجسته شده است، لذا افراد جوامع هم بطور ناخودآگاه دچار یک سرگشتگی و حیرانی شده‌اند، زیرا نیازهای معنوی شان در بعد روانشناختی به درستی ارضاء نشده، مثل نیاز به پرستش؛^۲ در حالی که قرآن هدف خلقت بشر را عبودیت مطرح کرده.^۳ بنابراین یکی از مشکلات بشر خروج از ولایت و عبودیت الهی و قرار گرفتن در ولایت شیطان است که این انحراف منجر به خودپرستی، تکبر، غفلت، کفر و شرک می‌شود که انسان را در معرض لغزش و جنایت و ستم قرار می‌دهد که تنها راه چاره آن بازگشت به دایره عبودیت الهی است. همان کاری که در زمان ظهور به طور کامل به دست با برکت امام حاصل می‌شود. از پیامبر خدا ﷺ نقل شده که درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه فرموده‌اند: «... دل‌های بندگان را پراز عبادت می‌کند...»^۴.

لذا در جامعه منتظر باید مدیران سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تلاش کنند که ماهیت عبادی و

۱. «... إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ ضَرَبَ فَسَاطِيطَ لِمَنْ يَعْلَمُ النَّاسَ الْقُرْآنَ ...» (الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۶).

۲. بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی، ص ۱۲۷.

۳. ذاریات (۵۱)، ۵۶.

۴. «... يَمْلَأُ قُلُوبَ عِبَادِهِ عِبَادَةً ...» (الغیبه، طوسی، ص ۱۷۹).

/ فصل چهارم. وجوه الگوگیری و زمینه سازی جامعه آخرالزمانی از جامعه مهدوی/ ۱۸۹

بعد روحانی انسان را برجسته کرده و ایمان را در قلوب مردم جای داده تا از تمرکز افراد بر بعد مادی کاسته شده و افراد به سوی عبودیت الهی رهسپار شوند و از شر وسوسه های شیطان در امان بمانند تا زمینه پذیرش حکومت عدل مهدوی زودتر فراهم گردد.

وجوه الگوگیری در بعد سیاسی اجتماعی

ما در این گفتار به ذکر چند سیره و روش سیاسی اجتماعی حضرت در جامعه مهدوی می پردازیم که می توان با الگو گرفتن از آنها زمینه رشد جامعه آخرالزمانی را فراهم کرد.

۱. وفاق ملت ها و امت ها

در آخرالزمان که دشمنان دین با استفاده از شعار اختلاف بینداز و حکومت کن، تلاش می کنند که جلورشد فزاینده اسلام را بگیرند یا حداقل کند کنند، همچنان که همه شاهد بودیم که با تلاش خود توانستند حرکت بیداری اسلامی در عصر حاضر را در برخی از کشورها از مسیر صحیح خود به نفع خودشان منحرف کنند، و امروزه برای فروپاشی دولت های مقتدر اسلامی مانند جمهوری اسلامی ایران از حربه های مختلفی بهره می برند که یکی از مهمترین آنها ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی و احزاب سیاسی حتی مدیران نظام و قبایل مختلف در درون جامعه اسلامی است. در نتیجه برای مقابله با این حربه دشمن، ملت اسلامی و دولت مردان در سراسر عالم وظیفه دارند با الگو گرفتن از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در صدد ایجاد وفاق ملی و اتحاد اسلامی باشند، تا بتوانند اصل اسلام را از فتنه های آخرالزمانی محفوظ داشته و زمینه ظهور رهبر بزرگ اسلام را فراهم کنند. روش حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این چنین است:

از امام صادق علیه السلام درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده که فرمود:

خداوند عزوجل به واسطه او حق را ظاهر و عدل را در شهرها گسترش می دهد و حال عموم مردم را بهبود می بخشد و وحدت کلمه پدید آورده و بین قلوب های گوناگون الفت ایجاد می کند.^۱

در دعای ندبه نیز آمده است: «أَيُّنَ جَامِعُ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى؛^۲ کجاست آن کسی که سخن ها را بر تقوا جمع می کند».

۱. «... وَيَجْمَعُ اللَّهُ الْكَلِمَةَ وَيُؤَلِّفُ بَيْنَ قُلُوبٍ مُخْتَلِفَةٍ...» (كمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۴۷، باب ۵۵، ح ۷).

۲. المزار الكبير، ص ۵۷۳.

بنابراین یکی از مهم ترین وظیفه های فرد منتظر، یکپارچگی و اتحاد شیعیان و پای بندی به عهدشان با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. هرگونه اخلال در صفوف متحد منتظران، منافی با وظایف دینی آنان و کمک به دشمنان آن حضرت است. امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در توقیع معروف خود به شیخ مفید رحمته الله می نویسد:

ولو ان اشيا عنا - وفقهم الله لطاعة - على اجتماع من القلوب في الوفاء بالعهد عليهم لما تأخر عنهم اليمن بلقائنا ولتعجلت لهم السعادة بمشاهدتنا على حق المعرفة منهم بنا؛^۱ اگر شیعیان ما - که خداوند به اطاعت خویش موفقشان بدارد - در وفا به پیمانی که با ما دارند، یکپارچه می شدند و هرگز از میمنت ملاقات ما محروم نشده و ظهور ما به تأخیر نمی افتاد و البته سعادت حضور در محضر ما، با معرفتی حقیقی هر چه زودتر نصیبشان می شد.

۲. پرورش افراد مستعد

مدیران سیاسی - اجتماعی با الگوبرداری از سیره حضرت برای رشد افراد جامعه باید شعار جذب حداکثری و دفع حداقلی را سرلوحه کار خود کنند و با گذشت و رأفت اسلامی افرادی را که قابل هدایت بوده و دارای استعداد کمال هستند پرورش داده و به کمال برسانند. از امام باقر علیه السلام نقل شده که درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَأَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ؛^۲ چون قائم ما قیام کند دستش را بر سر بندگان می گذارد و عقول آنها را متمرکز ساخته و فکرهايشان را به کمال می رساند.

از این حدیث استفاده می شود که مردم باید خود اقدام کرده و شروع به تحصیل کمال کنند و دولت مردان وظیفه دارند تا نواقص را جبران نمایند. امام صادق علیه السلام نیز فرموده است: هر يك از شما باید برای خروج حضرت قائم (سلاحی) مهیا کند - هر چند يك تیر باشد - خدای تعالی هرگاه بداند کسی چنین نیتی دارد، امید آن است که عمرش را طولانی کند تا آن حضرت را درک کند) و از یاران و همراهانش قرار گیرد.^۳

پس برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاری آن حضرت، باید در هر لحظه ای آماده بود و

۱. بحار الانوار ج ۵۳، ص ۱۷۷، ح ۸.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۳۳۶، باب ۲۷، ح ۷۱.

۳. الغیة، نعمانی، ص ۳۲۱، ح ۱۰.

/ فصل چهارم. وجوه الگوگیری و زمینه سازی جامعه آخرالزمانی از جامعه مهدوی/ ۱۹۱

خود را مهیا نگه داشت و این شامل آمادگی نظامی، جسمانی و... می شود؛ اما مهم تر از همه آمادگی فکری، علمی و سیاسی در عصر غیبت است.

۳. پناهش برای مردم

باید مسئولان جامعه منتظر با تاسی به سیره امام در جامعه مهدوی در سختی ها و مشکلات، پناهگاه مردم باشند. و تلاش کنند برای مردم حتی غیرمسلمانان، جاذبه داشته، با سخنان و عملکرد خود، مردم را به سوی اسلام جذب نمایند. در روایتی آمده است:

... یاوی الی المهدی ائمه کما یاوی النحلة الی یعسوبها...؛ امت مهدی به او پناه می برند، همان گونه که زنبور به دور ملکه خود می گردد.^۱

همچنین در روایتی نقل شده است:

... یُخْرِجُ الْمُهْدِي فِي أُمَّتِي يَبْعَثُهُ اللَّهُ غِيَاثًا لِلنَّاسِ...؛ از میان امت من، مهدی عجل الله تعالی فرجه قیام می کند، خداوند او را برای فریادری مردمان برمی انگیزاند.^۲

بنابراین باید مسئولان جامعه منتظر، برای مردم از جهات مختلف: اعتقادی، اخلاقی و عملی، در بعد فردی و اجتماعی، و بالاخص سبک زندگی اسلامی، به عنوان پناهگاه، و نوعی تسلی خاطر در مشکلات روزمره زندگی باشند، نه اینکه با رفتار و روش زندگی خود خاری شوند در چشم اقشار ضعیف جامعه.

۴. گسترش عهد الله اجتماعی

گسترش عدل و احسان از دیگر ویژگی های جامعه منتظر است که منتظران باید به آن ارج نهند. انتظار فرج، انتظار برای تحقق دادگستری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است که با تزکیه، اعمال نیک، پالایش درونی، تنفر از ستم و دفاع از حق توأم باشد. انتظار فرج تعهد آفرین و مسئولیت ساز است و با راحت طلبی و اشرافی گرایی و بی عدالتی و ظلم منافات دارد. جامعه منتظر باید عدالت پیشه و عدالت محور باشد تا نمونه ای از عدل مهدی عجل الله تعالی فرجه به شمار آید. قرآن کریم می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾^۳؛ خداوند به اقامه عدل و اشاعه احسان امر می کند.

۱. إثبات الهداة، ج ۵، ص ۲۷۱، ح ۱۱.

۲. کشف الغمة، ج ۲، ص ۴۷۰، ح ۱۵.

۳. نحل (۱۶)، ۹۰.

بنابراین باید سرلوحه کارهای مسئولان و دولت مردان، اصلاح جامعه باشد و نهایت کوشش خود را برای گسترش عدل - که یکی از اهداف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است - به کار گیرند.

از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل شده، درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

... يَمْلَأُ قُلُوبَ عِبَادِهِ عِبَادَةً وَيَسْعُهُمْ عَدْلُهُ؛ ... دل های بندگان را پراز عدالت کرده، عدلش فراگیر می شود.^۱

در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا... يَغْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ الْبَرِّ مِنْهُمْ وَالْفَاجِرِ؛^۲ چون قائم ما به پای خیزد... در میان خلق خدا - با نیک و بد - به عدالت رفتار می نماید.

حاکم اسلامی با اقتدا به سیره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، باید به والیان خود دستور دهد تا جایی که می توانند، عدالت گستر باشند.

... يبعث المهدي إلى أمرائه لساتر الأمصار بالعدل بين الناس...؛^۳ ... حضرت مهدی، امیران و کارگزاران خود را به شهرها می فرستد و دستور می دهد، عدالت را میان مردم اجرا کنند...

و از مهم ترین امور در زندگی محبتان و منتظران قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف رعایت حقوق برادران و مسلمانان و کمک به آنان است. انسان منتظر، نمی تواند به گونه ای زندگی کند که حقوق دیگران بر عهده اش باشد و در عین حال خود را دوستدار و منتظر مهدی موعود بداند؟! امام باقر علیه السلام به جابر جعفی فرمود:

ای جابر! آیا کسی که ادعای تشیع می کند، برای او این قول که دوست اهل بیت هستم، کافی است؟! سوگند به خدا، شیعه ما نیست، مگر کسی که پرهیزگار بوده و اطاعت از خداوند کند. شیعیان ما را به این صفات بشناسید: تواضع، خشوع، امانت داری، بسیار دریاد خدا بودن... ای جابر! به ولایت و دوستی ما، جز از راه عمل و پرهیزگاری نمی توانی بررسی.^۴

۱. الغیبه، طوسی، ص ۱۷۹.

۲. وسائل الشیعه، ج ۹، باب ۳۶، ص ۲۸۲.

۳. الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۴۷.

۴. «... وَ مَا كَانُوا يَعْرِفُونَ يَا جَابِرُ إِلَّا بِالتَّوَّاضِعِ وَ الشَّحْشُوعِ...»؛ (کافی، (ط - الاسلامیه)، ج ۳، ص ۷۴).

/ فصل چهارم. وجوه الگوگیری و زمینه سازی جامعه آخرالزمانی از جامعه مهدوی / ۱۹۳

به همین جهت امام صادق علیه السلام وظایف شیعیان را در رابطه با برادران مسلمان خود، چنین معرّفی می کند:

آنچه را برای برادر مسلمانان دوست بداری که برای خودت دوست می داری؛ از خشمگین کردن برادر مسلمان دوری کنی و آنچه را که مورد رضایتش است، انجام دهی و اوامرش را اطاعت کنی؛ چشم و راهنما و آئینه او باشی و... وقتی چنین کردی، دوستی خود را، به دوستی او و دوستی او را به دوستی خود پیوند داده ای.^۱

نتیجه اینکه علاقه مندان و یاران امام مهدی علیه السلام، باید کاملاً خود را وظیفه شناس و پایبند به اسلام و متعهد و مسئول بدانند و همواره مراقب احوال و کارهای خود باشند و از انحرافات دوری جسته و پناه به خدا ببرند و موبه مواحکام اسلام را عمل نمایند تا شایستگی سربازی آن حضرت را پیدا کنند.^۲

جلب خشنودی مردم و حفظ ارتباط مردمی

کسانی که به حکومت یا پُست و مقامی رسیدند، باید تا جایی که می توانند به امور مراجعه کنندگان رسیدگی کنند و آنان را خشنود نمایند. همچنان که درباره حکومت حضرت مهدی علیه السلام می خوانیم:

الف) «در روزهای خلافتش، اهل زمین و آسمان و پرندگان هوا، خشنود خواهند شد».^۳
ب) «اهالی آسمان و زمین، او را دوست می دارند... و زنده ها آرزو می کنند، ای کاش مرده ها هم زنده بودند تا عدالت و آرامش را به چشم خود می دیدند...».^۴
حاکمان و مدیران در جامعه اسلامی، باید میان مردم زندگی کرده، از وضع زندگی آنان آگاه باشند. اگر به سبب مصالح امنیتی و... نمی توانند میان مردم باشند، وظیفه دارند، ارتباط مردمی را حفظ کرده و از درد دل آنان آگاهی پیدا کنند، همان گونه که حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت صغرا، ارتباط خود را با مردم از راه وکلا و سفیران حفظ نمود؛ و بعد از آن در عصر غیبت کبری، خود حضرت هنگام ضرورت به فریاد شیعیان رسیده، رفع گرفتاری می نمایند، زیرا ایشان در توقیع خود به شیخ مفید می فرماید:

۱. همان، ج ۲، ص ۱۶۹.

۲. ر.ک: محمد مهدی اشتهاردی، حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت، ص ۲۵۹ - ۲۶۰.

۳. «يَرْضَى فِي خِلَافَتِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَأَهْلُ السَّمَاءِ وَالطَّيْرِ فِي الْجَوْ» (كشف الغمّة في معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۴۶۹، ح ۹).

۴. «يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَسَاكِنُ الْأَرْضِ... حَتَّى يَتَمَتَّى الْأَحْيَاءُ الْأَمْوَاتُ» (بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۰۴، باب اول).

ما در رسیدگی و سرپرستی شما، کوتاهی و اهمال نکرده، شما را از یاد نبرده‌ایم که اگر جز این بود، دشواری‌ها و مصیبت‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان، شما را ریشه‌کن می‌نمودند.^۱

۱. باز پس گیری حقوق مستضعفان از مفسدان اقتصادی و اجتماعی

در یک جامعه منتظر باید حکام دفاع از مظلوم و بازپس گرفتن حق مستضعفان از چنگال مفسدان را با اقتدا به حضرت مهدی عج سرلوحه کار خود قرار دهند و مواظب باشند که مرور زمان یا دخالت‌های دیگران یا محافظه‌کاری قُضات، سبب نشود حق مظلوم از ظالم گرفته نشود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

کار امام مهدی درباره پس گرفتن حقوق بدانجا رسد که اگر در بُن دندان انسانی حق فردی دیگر نهاده باشد، آن را بازپس گرفته و (به صاحب حق) برمی‌گرداند.^۲

آنگونه که حضرت علی علیه السلام هم در خطبه آغاز خلافتش فرمود، هر جا که باشد حق ستم‌دیده گرفته می‌شود و به او رد می‌گردد.

تاریخ، صحنه حضور و نزاع دو گروه حق و باطل و دو اندیشه طغیان‌گری و حق‌گرایی است؛ راه حق و صلاح، راه پیامبران و صالحان و راه باطل و کفر، راه شیاطین و سردمداران زر و زور و تزویر است. این دو گروه و نبرد میان آنها، همیشه در جامعه بوده و همه منتظران واقعی امام زمان عج، باید پیرو و طرفدار حق و مخالف و دشمن باطل باشند. با ظهور حضرت مهدی عج، جهان شاهد مصاف نهایی حق و باطل و پیروزی و غلبه حق به رهبری آن حضرت خواهد بود و منتظران ظهور نیز در هر حال باید برای چنین مصافی آماده باشند و خود نیز باید حق و حق‌خواهی را محور و مدار برنامه‌ها و فعالیت‌هایشان قرار دهند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این زمینه می‌فرماید:

لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ حَتَّى يَأْتِيَ امْرَأُ اللَّهِ؛^۳ گروهی از امت من همواره حق را آشکار می‌کنند تا فرمان خدا (امر ظهور) فرا رسد.

۱. «إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِدِكْرِكُمْ» (فضائل الشيعة، ص ۳).

۲. «... يَبْلُغُ مِنْ رَدِّ الْمُهْدِيِّ الْمَظَالِمَ حَتَّى لَوْ كَانَ تَحْتَ خُرْسِ إِنْسَانٍ ...» (التشريف باليمن في التعريف بالفتن، ص ۱۴۳).

۳. نهج الفصاحة، ج ۲، ص ۵۱۶.

/ فصل چهارم. وجوه الگوگیری و زمینه سازی جامعه آخرالزمانی از جامعه مهدوی / ۱۹۵

حضرت علی علیه السلام نیز می فرماید:

والله ما يكون ما تأملون حتى يهلك المبطلون و يضمحل الجاهلون و يأمن المتقون!^۱
به خدا سوگند! آنچه آرزو می کنید، تحقق نمی یابد، مگر هنگامی که باطل از بین رود و نادان ها نابود شوند و پرهیزگاران، آرامش خود را باز یابند.

۲. نظارت دقیق و با شدت و حدت لازم بر عملکرد کارگزاران

نظارت دقیق بر اجرای صحیح وظایف محوله به زیر مجموعه در یک نظام حکومتی باعث افزایش امنیت روانی- اجتماعی، افراد و جامعه، و افزایش عدالت اجتماعی، اقتصادی خواهد شد. و در مقابل، عدم نظارت باعث افزایش فساد اجتماعی و تزلزل ارکان نظام خواهد شد. لذا مدیران جامعه منتظر باید با اقتدا به جامعه مهدوی برای گسترش عدالت در سطح جامعه منتظر تلاش کنند.
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

از نشانه های مهدی، سختگیری در برخورد با کارگزاران، بخشندگی مال، مهربانی و رحمت با تهیدستان می باشد.^۲

حضرت نسبت به مأموران حکومتی خویش، سختگیر خواهد بود تا در انجام وظایف، کوتاهی نکنند و نسبت به محرومان، بخشنده و مهربان خواهد بود، تا لذت زیستن در سایه دولت مهدوی و برخوردار از عدل و رأفت اسلامی را با همه وجود، لمس کنند.

۳. شایسته سالاری و عزل کارگزاران غیر صالح

طبق روایات بیان کردیم^۳ که در جامعه آخرالزمان عزل و نصب ها بر اساس رابطه سالاری است نه شایسته سالاری، و افراد فاجرو گناهکار را مورد احترام خاص قرار می دهند، سخن چین و بدزبان را مقرب خود می سازند و افراد با انصاف را ضعیف و ناتوان می شمارند. در حالی که معیار عزل و نصب ها در حکومت حضرت «حق و عدل» است. از این رو دولتمردان او همه صالح و متعهد خواهند بود و هر که با شیوه الهی او منطبق و هماهنگ نباشد، کنار گذاشته خواهد شد و با کسی بر سر معیارها و ارزش ها مصالحه نخواهد شد. با تمسک به این سیره حضرت نتیجه می گیریم که در جامعه منتظر هم باید شایسته سالاری

۱. نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۹۸، الغیة، طوسی، ص ۲۷۹.

۲. «... عَلَامَةُ الْمَهْدِيِّ أَنْ يَكُونَ شَدِيدًا عَلَى الْعُمَالِ ...»؛ (شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، ج ۳، ص ۵۶۱).

۳. ر.ک: فصل دوم، ویژگی های سیاسی اجتماعی جامعه آخرالزمانی، ص ۵۷.

حاکم باشد و با اجتناب از رانت خواری و حزب بازی، کار را به افرادی که دارای سه صفت: تدین، تعهد و تخصص هستند سپرد. و از طرفی بدون محافظه کاری و مماشات با مدیران فاقد این صفات برخورد کرده و شایستگان را جایگزین آنها قرار دهیم.

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

به راستی او (مهدی) قاضیان زشت کردار را برکنار می کند و حکمرانان ستمگر را بر می دارد و زمین را از هر ستمگری پاکیزه می کند و خود به عدالت رفتار می نماید.^۱

۴. بی نیاز کردن مردم با معنویات

باید مسئولان تلاش کنند با بهره برداری از روش امام علیه السلام مردم را به وسیله گسترش معنویات در سطح جامعه و بین افراد و افزایش نورانیت دلها با اشاعه معارف الهی، از امور مادی بی نیاز کنند، همان کاری که امام زمان علیه السلام در عصر ظهور انجام خواهد داد. لذا باید در سطح جامعه طوری برنامه ریزی شود که افراد با شناخت کامل نسبت به انسان و جایگاه او در عالم خلقت و با تلاش خود رذایل اخلاقی مانند آرزوهای طولانی و طمع را از خود دور کرده و در راه کسب فضایل اخلاقی مانند قناعت و از خود گذشتگی و ایثار گام بردارند تا طعم شیرین بندگی خدا و بی نیازی نسبت به خلق را بچشند.

در روایتی از قول امام صادق علیه السلام آمده:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَاسْتَعْنَى النَّاسُ...^۲ چون قائم ما قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن می گردد و مردم همگی، طلب بی نیازی می کنند.

۵. تلاش برای عمران و آبادی جامعه

جامعه منتظر باید جامعه ای شاداب و آباد باشد و دولت مردان و مدیران باید برای رسیدن به این مهم تلاش وافر انجام دهند، هر چند عمران و آبادی در سطح جهانی، از ویژگی های عصر ظهور است که در سایه حکومت آن حضرت پدید می آید. ثروت ها و امکانات، صرف آبادی زمین و شهرها و روستاها می شود و این عمران در همه دنیا که قلمرو حکومت ایشان است، مشهود خواهد بود.

امام صادق علیه السلام فرمود:

۱. «... لَيَنْزِعَنَّ عَنْكُمْ قُضَاةَ الشُّوْءِ... وَلَيَعْرِضَنَّ عَنْكُمْ أَمْرَاءَ الْجَوْرِ...» (شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار ج ۳، ص ۵۶۱).

۲. الغيبة، طوسی، ص ۴۶۸، فصل ۸.

/ فصل چهارم. وجوه الگوگیری و زمینه سازی جامعه آخرالزمانی از جامعه مهدوی/ ۱۹۷

... نَفَرَقُ الْمُهْدِيَّ أَصْحَابَهُ فِي جَمِيعِ الْبُلْدَانِ وَيَأْمُرُهُم بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ...؛^۱

مهدی اصحاب خویش را در تمامی شهرها می پراکند و آنان را به عدالت و احسان فرمان می دهد، آنان را حاکمان مناطق مختلف قرار داده به آنان دستور می دهد که به آبادانی و سازندگی شهرها بپردازند.

در عصر ظهور، همه جهان تحت حکومت واحد اداره خواهد شد و کارگزاران حکومتی آن حضرت، در همه جای عالم به فرمان او مأمور خواهند بود که همه شهرها را آباد سازند و شیوه عدالت و احسان را حکم فرما کنند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

قائم ما به وسیله بیم، یاری شود و با پیروزی تأیید گردد. حکومت او مشرق و مغرب را فرا گیرد. پس در تمامی روی زمین خرابی باقی نمی ماند مگر آنکه آباد شود.^۲

البته چنین چیزی وقتی ممکن می شود که از همه امکانات بهره برداری شود و از اسراف گروهی اندک نیز جلوگیری شود. هم چنین از تکنیک های دقیق علمی و فنی متناسب با محیط ها و سرزمین های گوناگون باید بهره برداری شود. پس جامعه منتظر باید برای آبادانی زمین و حفظ محیط زیست تلاش کند و بکوشد تا خود را به سطح مطلوبی از حیث توسعه علمی و فنی پایدار برساند تا بتواند زمینه ظهور حکومت امام عصر علیه السلام را فراهم سازد.

۶. حمایت از اقشار ضعیف و آسیب پذیر

در جامعه منتظر باید مثل جامعه مهدوی اقشار ضعیف مورد حمایت های مادی قرار گیرند، مثلاً ستاد هایی مثل ستاد دیه باید برای پرداخت بدهی، نفقه و گرفتن حق این اقشار ضعیف تشکیل شود و مثل حکومت حضرت در طی سال بسته های حمایتی به این اقشار پرداخت شود، تا از حیث عاطفی و معنوی و مادی احساس کمبودی نداشته باشند و از آسیب های فردی و اجتماعی محفوظ بمانند.

امیرمؤمنان علیه السلام در توصیف امام مهدی علیه السلام فرمود:

هیچ برده مسلمانی باقی نمی ماند مگر آنکه حضرت او را خریده و آزاد می سازد و بدهکاری نیست مگر آنکه وام او را بپردازد. ستمی بر کسی نمی رود مگر آنکه داد او

۱. الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۷۲.

۲. تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۲۱۲.

را بستانند. کسی کشته نمی‌شود مگر اینکه قرض او ادا می‌کند و خانواده‌اش را تحت پوشش کمک‌های خویش قرار می‌دهد.^۱

امام باقر علیه السلام نیز فرمودند:

در سال دوبار بر شما بخشش می‌فرماید و در هر ماه دوبار روزی می‌دهد. در زمان او حکمت به شما داده شود، تا آنجا که زن در خانه خویش بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله حکم می‌کند.^۲

بر اساس این حدیث، هم درآمدها و حقوق مادی مردم در آن روزگار، فراوان خواهد بود، هم بهره‌های علمی و معنوی به همه جا خواهد رسید. اینکه يك زن در خانه‌اش بر اساس قرآن و سنت حکم می‌کند، کنایه از گسترش علوم اسلامی در همه جای جهان و در میان همه اقشار و اصناف است.

وجه الگوگیری در بعد اقتصادی

ما در این گفتار به ذکر چند نمونه از سیره و روش اقتصادی حضرت در جامعه مهدوی می‌پردازیم که مبتنی است بر رعایت عدالت اقتصادی در ابعاد، تولید، توزیع و مصرف ثروت، که می‌توان با الگو گرفتن از آنها زمینه اجرای اقتصاد مهدوی در جامعه آخرالزمانی را فراهم کرد.

۱. سامان‌دهی اقتصاد

حفظ دین و فرهنگ و مظاهر دینی و هم چنین گسترش و تبلیغ آن، بالاخص زمینه سازی برای ظهور، نیازمند قدرت مالی و اقتصادی است. اعضای جامعه دینی و منتظر ظهور باید بکوشند با کار حلال، به توان‌گری دست یابند و آن را، هنگام ضرورت، در خدمت نشر دین خدا و آرمان‌های والای انسانی به کار گیرند. جامعه و افراد انسانی نیز در مواردی نیازمند کمک مالی هستند. به طور کلی، همه ابعاد جامعه برای پیشرفت و تکامل به هزینه نیاز دارد. بنابراین ما باید با الگوگیری از عدالت اقتصادی حضرت در ابعاد تولید، توزیع و مصرف، (که توضیح آن در بحث ویژگی‌های اقتصادی جامعه مهدوی مطرح شد) اقتصاد جامعه خود را به سبک اسلامی سامان بخشیم تا جامعه‌ای پویا و عاری از محرومیت و تجمل‌گرایی و اسراف داشته باشیم، و بتوانیم جامعه خود را به عنوان یک مدل و نمادی از جامعه جهانی

۱. «... وَلَا غَارِمًا إِلَّا قَضَىٰ دَيْنَهُ وَلَا مَظْلَمَةً لِأَحَدٍ مِّنَ النَّاسِ إِلَّا رَدَّهَا...»؛ (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۵، باب ۲۵).

۲. الغیة، نعمانی، ص ۲۳۹، ح ۳۰.

حضرت به دنیا ارایه دهیم.

۲. عدالت اقتصادی

اهمیت عدالت اقتصادی به این خاطر است که روزمره، زندگی انسان را تحت الشعاع قرار می دهد و به وسیله آن می توان در فکر و اندیشه و مذهب دیگران رسوخ کرد. امام باقر علیه السلام می فرمایند:

چقدر عدالت باعث توسعه می شود که اگر در میان مردم عدالت مراعات شود، همه ثروتمند می شوند و آسمان به اذن الله عزوجل رزق ها را فرو می ریزد و زمین برکت های خود را بیرون می آورد.^۱

اساساً در اقتصاد سه هدف مهم وجود دارد:

الف) رشد اقتصادی یا افزایش تولید ناخالص ملی نیز از اهداف مهم اقتصادی است.
ب) استقلال اقتصادی به معنای خودکفایی جهان اسلام و بی نیازی از کفار است که باعث ایجاد زمینه برای تحقق سخن خداوند متعال در بعد اقتصادی خواهد شد که فرمود: خداوند کافران را بر مومنان سلطه ای نداده است.^۲ همانطور که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «الْإِسْلَامُ يَغْلُو وَلَا يَغْلَى عَلَيْهِ»^۳ اسلام برتری می کند و چیزی بر آن برتری نمی کند». این جمله به روشنی دلالت دارد که کافر نباید تسلط و برتری بر مؤمن داشته باشد و گرنه کفر بر اسلام برتری پیدا می کند که در این حدیث نفی شده است. این حدیث مشتمل بر دو جمله است؛ یکی اثبات و دیگری نفی. جمله اول که می گوید: اسلام برتری می کند به این معناست که تمام احکامی که وضع شده است، برتری اسلام بر کفر در آن رعایت شده و جمله دوم که می گوید: چیزی بر آن برتری نمی کند عکس آن را معنا می دهد، یعنی حکمی که باعث برتری کافر بر مسلمان باشد در اسلام نیست. البته این حدیث هم مانند آیه شریفه عمومیت دارد و شامل برتری از لحاظ حجت و دلیل و موارد دیگر هم می شود. و فرق حدیث و آیه در این است که حدیث از برتری اسلام سخن می گوید ولی آیه از برتری مسلمانان حرف می زند و چندان تفاوتی از لحاظ مفهوم بین آنها

۱. «مَا أَوْشَعَ الْعَدْلُ إِنَّ النَّاسَ يَسْتَعْنُونَ إِذَا عُذِلَ فِيهِمْ وَ...» (من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۳، باب الخراج والجزية، ح ۱۶۷۷).

۲. «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء (۴)، (۱۴۱)).

۳. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۳۴.

وجود ندارد، زیرا برتری کافر بر مسلمان به منزله برتری کفر بر اسلام است.^۱

ج) عدالت اقتصادی بدین معنا است که مقوله اقتصاد، چه در بخش تولید و چه در بخش توزیع، از خطوط کلی عدالت پیروی می کند. اما آنچه در همه این ها مهم است رعایت عدالت و ارزش های اسلامی است که نقطه عطف و فرق اساسی اقتصاد اسلامی با غیر اسلامی می باشد.

قرآن مجید می فرماید:

آنچه را خداوند از اهل این آبادی ها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است. تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد! آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده، خودداری نمایید و از (مخالفت) خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است.^۲

خداوند منظور خودش را از این حکم این می داند که اموال در دست گروهی خاص انباشته نشود و جامعه از نظر اقتصادی به تعادل برسد.

وظیفه دولت اسلامی است که بودجه کشور را بدون تبعیض بین تمام استان ها و نقاط کشور و بین افراد گوناگون به مقدار نیاز و استعداد آنها تقسیم نماید؛ همانگونه که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین خواهد کرد.

در حدیثی از رسول الله آمده است:

... خدای عزوجل در آن هنگام مهدی ما را می فرستد... او که از همه بیشتر به رعیت خود رحیم بوده و از همه بیشتر به طور مساوات عدالت را اجرا می کند...^۳

و در حدیثی دیگر فرموده اند:

چون قائم اهل بیت قیام کند به طور مساوی اموال را تقسیم کرده و در بین مردم به عدالت رفتار خواهد نمود...^۴

وجود این همه فقر و محرومیت در جهان و کشورهای اسلامی، نتیجه تبعیض های ظالمانه

۱. تفسیر کوثر، ج ۲، ص ۵۹۸.

۲. «... كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ...» (حشر (۵۹)، ۷).

۳. «... ارحمهم بالرعية و اعدلهم بالسوية...» (بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۹، باب اول، ح ۵).

۴. «... قسم بالسوية و عدل في الرعية...» (الغية، نعمانی، ص ۲۳۷، ح ۲۶).

/ فصل چهارم. وجوه الگوگیری و زمینه سازی جامعه آخرالزمانی از جامعه مهدوی / ۲۰۱

و رعایت نکردن عدالت اجتماعی و اقتصادی در تمام ابعاد است. ثروت ها عادلانه تقسیم نمی شود. از این رو عده ای در رفاه کامل و دارای اموال فراوانند، عده ای هم در فقر، دست و پا می زنند. اگر ثروت ها عادلانه تقسیم شود، آنگونه که در دولت مهدوی خواهد شد، از نیازمندان رفع محرومیت می شود، به نحوی که فقری یافت نمی شود تا به اوزکات بدهند، لذا برای رفع محرومیت ها باید افراد جامعه منتظر برای ایجاد عدالت اقتصادی تمام توان خود را به کار گیرند و از قشر محروم جامعه غافل نشوند و حمایت های لازم را از آنها به عمل آورند. همانطور که حرکت های خود جوش و مردمی برای محرومیت زدایی از جامعه در تلاش اند و بعضاً از جان خود مایه می گذارند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

چون قائم علیه السلام ظهور کند آنگونه بین مردم به مساوات رفتار نماید که نیازمند به دریافت زکات دیده نشود.^۱

۳. تلاش برای ایجاد رفاه اقتصادی با محوریت ایمان به خدا

اولین هدف بعثت پیامبران، دعوت انسان ها به یکتاپرستی و ایمان به خدا است: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾^۲ و در حقیقت در میان هرامتی فرستاده برانگیختیم تا خدا را پرستید و از طاغوت پرهیزید.

رسالت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نیز در همین مسیر بود. ایشان در طی ۲۳ سال نبوت، لحظه ای از این هدف و الا غافل نشد و همه جهادها، جنگ ها و دلسوزی هایشان برای همین هدف، یعنی خدا محوری و دعوت به سوی خداوند متعال بوده است. این موضوع از چنان اهمیتی برخوردار است که در همه تمدن ها، عامل اساسی همه پیشرفت ها محسوب می شود.

رهبر معظم انقلاب معتقدند که بدون ایمان، پیشرفت میسر نیست و کار به نحو صحیحی انجام نمی شود. اکنون آن چیزی که به آن ایمان داریم، می تواند لیبرالیسم، کاپیتالیسم، کمونیسم، فاشیسم یا توحید ناب باشد. بالاخره به یک چیزی باید ایمان داشت، اعتقاد داشت، به دنبال این ایمان و اعتقاد پیش رفت. مسئله ایمان، مهم است. ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد؛ یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. که بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد.^۳

۱. ﴿... إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ سَوَى بَيْنَ النَّاسِ حَتَّى لَا تُرَى مُخْتَلَجًا إِلَى الزَّكَاةِ...﴾ (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱، ح ۲۱۲).

۲. نحل (۱۶)، ۳۶.

۳. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳.

بنایراین، مهم‌ترین شاخص جامعه اسلامی، همان خدامحوری و ایمان به خالق انسان‌هاست که باید در همه سطوح جامعه اجرا شود و روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی براساس آن شکل می‌گیرد.

در منطق اسلامی رفاه اقتصادی با محوریت ایمان به خدا و عمل به دستورات الهی است. برخلاف اقتصادهای الحادی که برپایه استثمار و سلطه‌گری استوار گشته است و لذا قرآن کریم می‌فرماید:

و اگر آنان (یهود و نصارا) تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارشان بر آنان نازل شده، برپا می‌داشتند از بالای سرشان (آسمان) و از زیر پایهایشان (زمین) روزی می‌خوردند. بعضی از آنان میانه رو هستند، ولی بسیاری از آنان آنچه انجام می‌دهند، بد است.^۱

یعنی اگر پیروان کتب آسمانی دیگر در برابر قرآن تسلیم می‌شدند، در این صورت، علاوه بر بهره‌های اخروی در قیامت، در همین دنیا نیز انواع نعمت‌ها به سویشان سرازیر می‌شد. در سوره‌ی اعراف نیز به این معنا اشاره شده: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ﴾^۲؛ و اگر ساکنان آبادی‌ها ایمان آورند و تقوا پیشه کنند، برکات زمین و آسمان را بر آنها باز می‌کنیم.

با این بیان روشن می‌شود که جامعه منتظر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف اگر بخواهد به رونق اقتصادی برسد بایستی شاخصه‌های اقتصادی آن با محوریت ایمان و تقوا باشد. همچنان که در جامعه مهدوی طبق این آیات و با رعایت ایمان و تقوا، طبق روایات شاهد رفاه و آسایش در حد اعلای آن هستیم.

۳. اشتغال

در جامعه منتظر، دولت مردان وظیفه دارند تا برای مردم شغل فراهم ساخته و آنان را به کار و کسب مشغول سازند تا از این راه زندگی آبرومندانه‌ای را برای خود فراهم نمایند. و با رفع نیازهای زیستی خود در راه خود شکوفایی و رسیدن به مراحل معنوی بالاتری تلاش کنند. در حدیثی از حضرت علی علیه السلام درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین آمده است: «...»

۱. مائده (۵)، ۶۶.

۲. اعراف (۷)، ۹۶.

/ فصل چهارم. وجوه الگوگیری و زمینه سازی جامعه آخرالزمانی از جامعه مهدوی / ۲۰۳

صاحب پرچم ظهور می کند ... و زمین را (برای کار کردن بر روی آن) آماده می سازد...»^۱.

۵. تلاش برای بهره برداری بهتر از منابع طبیعی برای ارتقای سطح کیفی زندگی

ما باید در جامعه منتظرمانند جامعه مهدوی در تمام ابعاد بدنبال رشد و توسعه بوده و در بعد اقتصادی نیز با بهره گیری از علم برای رسیدن به سطح کیفی مناسب، از حیث بهره برداری بهتر و بیشتر از مواهب طبیعی در جهت بهبود زندگی افراد جامعه تلاش کنیم. رسول الله ﷺ فرمود: «مهدی گنجها را استخراج می کند و ثروتها را تقسیم می نماید»^۲. خداوند در سطح زمین، گنجینه های فراوان قرار داده که بسیاری از آنها دست نخورده باقی مانده است. استخراج این معادن و ذخائر و تقسیم صحیح آنها در حکومت مهدوی واقع خواهد شد.

۶. گرفتن مالیات و بازگرداندن اموال غصب شده به صاحبان آنها

در جامعه منتظرمانند جامعه مهدوی باید مدیران نظام در امر جمع آوری مالیات برای توسعه رفاه عمومی تلاش کرده و سهل انگاری نکنند. و اموال غصب شده اعم از اموال فردی یا عمومی را پس گرفته و به صاحبان اصلی آن برگردانند. در حالی که متأسفانه در جامعه خود بخاطر سهل انگاری مدیران شاهد فرارهای مالیاتی و غصب اموال بالاخص اموال عمومی مثل جنگل ها و سواحل و تخریب محیط زیست هستیم. امام صادق علیه السلام فرمود: همه زمین هایی که در اختیار شیعیان ماست بر آنان حلال است تا آنکه قائم ما قیام نماید و از آنان مالیات زمین هایی را که در اختیار آنان است بستاند و زمین را به ایشان واگذار نماید. اما زمین هایی که در اختیار غیر شیعیان است، درآمد آنان از این زمین ها حرام است تا وقتی که قائم ما به پای خیزد و زمین را از آنان بازستاند و با ذلت آنان را بیرون براند.^۳

۷. مبارزه با سرمایه داری و ایجاد شکاف طبقاتی

در جامعه منتظر باید تدبیری اندیشیده شود که راه را برای گردآوری سرمایه نزد قشری خاص ببندد. تا در نتیجه جامعه از ایجاد شکاف طبقاتی مصون بماند و هر کس به مقدار تلاش و سرمایه خود اعم از سرمایه پولی و کاری و علمی خود به طریق صحیح از سود آن بهره

۱. «... يظهر صاحب الراية ... يمهّد الأرض ...» (شرح ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۱۲۹).

۲. دلائل الإمامة (ط - الحديث)، ص ۴۷۱.

۳. «... حَتَّى يَأْتِيَ قَائِمُنَا فَيَجْبِيَهُمْ ظَنَقَ مَا كَانَ فِي أَيْدِيهِمْ وَيُتْرَكُ الْأَرْضُ فِي أَيْدِيهِمْ ...» (الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص ۴۰۸).

مند شود. البته اسلام با قرار دادن خمس و زکات و خراج، برای جلوگیری از شکاف طبقاتی اقدام کرده است، لذا در جامعه منتظر با عمل به این قوانین و ارایه راه کارهای دیگر باید حس همدلی را در جامعه ایجاد کرد و به اینجا رسید که به قول شاعر:

چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

امام صادق علیه السلام فرمود:

چون قائم ما قیام کند، هر گنجی را بر صاحب آن حرام نماید، تا آن را به خدمت او آورند و او آن گنج را (در راه مصالح مردم) به کار گیرد.^۱

به امید توفیق برای زمینه سازی ظهور و حضور در جامعه مهدوی.

جمع بندی و پیشنهادها

از آنجا که خداوند خود را مربی و تربیت کننده انسان ها و دین اسلام را برنامه ای جامع برای رشد و سعادت معرفی نموده است،^۲ پی می بریم که باید طبیعت افراد واحد باشد، زیرا در صورت تکثر طبایع افراد، دیگر نمی شود برنامه ای عمومی برای تربیت افراد مطرح کرد.

انسان مانند سایر مخلوقات دارای فطرتی الهی است که او را به سوی تکمیل نواقص و رفع حاجت هایش هدایت نموده و هدف تمام بشر رسیدن به سعادت است که مشترک است بین افراد مختلف، زیرا اگر سعادت افراد به خاطر تفاوت هایی که با هم دارند و سرزمین هایی که در آن زندگی می کنند و به اقتضای زمان هایشان مختلف می شد، تشکیل يك نوع و يك جامعه صالح که ضامن سعادت افراد باشد، ممکن نبود و سیر تکامل در اجتماع انسانی جایگاهی نداشت، زیرا در صورت نبودن يك جهت مشترك و ثابت بین انسان های گذشته و آینده نقص و کمال معنا نخواهد داشت. لذا راهنمایی به نام فطرت که قابل تبدیل نیست انسان را به سوی کمال، هدایت می کند.^۳ در نتیجه امکان تشکیل یک جامعه یکپارچه در بین از ظهور حضرت مهدی علیه السلام و لویه طور محدود اثبات می شود. که ما آن را جامعه منتظر و زمینه ساز می نامیم.

بنابراین به نظر می رسد که بهترین وجه برای پیوند جامعه آخر الزمانی به جامعه صاحب الزمانی وجود فطرت واحد و پاک انسانی در کنار وجود اختلاف سلیقه، فرهنگ،

۱. تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۴۴، ح ۴۰۲.

۲. فاتحه (۱)، ۱؛ مائده (۵)، ۳.

۳. ترجمه المیزان، ج ۱۶، ص ۲۶۷.

سرزمین و زمان ها می باشد که ما می توانیم با:

الف: زدودن غبارهای موجود در فطرت بشر؛

ب: هدایت بشر به سوی فطرت اصیل الهی؛

ج: الگوگیری از شاخص های جامعه صاحب الزمانی در ابعاد: فرهنگی اعتقادی، سیاسی اجتماعی و اقتصادی؛

د: و تلاش برای اجرای حداکثری آنها در جامعه آخرالزمانی.

زمینه تحقق یک جامعه منتظر و زمینه ساز که حکم یک حلقه مفقوده برای وصل این دو جامعه به هم را دارد فراهم کنیم.

ما در گفتار دوم فصل مفاهیم و کلیات به سه نتیجه رسیدیم:

اول اینکه:

نوع انسان به حکم فطرتی که در او ودیعه نهاده شده طالب کمال و سعادت حقیقی خود، یعنی استیلا بر عالی ترین مراتب زندگی مادی و معنوی به صورت اجتماعی هست و روزی به آن خواهد رسید. و انحرافات که در طی پیمودن این راه طولانی نصیب انسان می گردد از نوع خطای در تطبیق است. و کلام الهی «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا»^۱ که با جمله «لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» پایان می یابد، این معنی را می رساند که حکم فطرت در نهایت امر تخلف ناپذیر است و انسان پس از یک سلسله چپ و راست رفتن ها راه خویش را می یابد. یعنی جامعه ها و تمدن ها و فرهنگ ها به سوی یگانه شدن، متحدالشکل شدن و در نهایت امر در یکدیگر ادغام شدن سیر می کنند و آینده جوامع انسانی، جامعه جهانی واحد تکامل یافته است که در آن همه ارزش های بالقوه انسانی به فعلیت می رسد و انسان به کمال حقیقی و سعادت واقعی خود و بالاخره به انسانیت اصیل خود خواهد رسید و عاقبت از آن متقین است.

دوم اینکه:

مفهوم آخرالزمان، عبارت از قطعه و دوره آخر عمر این نسل از بشر است که مقدمه ای برای پایان این دوره عالم و سپس برپایی قیامت است؛ اما خود این دوره مدتی از عمر بشر را در بر می گیرد که با ظهور منجی و مصلح، بشر به تکامل و ترقی لایق خود رسیده و در نهایت، جهان رو به صلاح و رستگاری می رود؛ اگرچه قبل از این دوره جهان و زندگی بشری مدتی دست خوش تحولات و دگرگونی هایی می شود که بیشتر، بعد منفی دارند و فطرت سالم

بشری از وجود آنها رنج برده و جوامع، دچار اضطراب می شوند. لذا جامعه آخرالزمان به دو بخش متمایز تقسیم می شود:

الف) پیش از ظهور (آخرالزمانی) که انسان به مراحل پایانی انحطاط اخلاقی می رسد؛ فساد و ستم همه جوامع بشری را فرا می گیرد.

ب) بعد از ظهور (جامعه صاحب الزمانی) که عصر تحقق وعده های الهی است که با قیام مصلح جهانی آغاز و تحول عظیمی در جوامع واقع می شود؛ فساد و ظلم از میان رفته و رشد کامل عقلی و علمی در سراسر زندگی انسان ها گسترش می یابد.

سوم اینکه:

چرایی و ضرورت اقتدا و الگوبرداری از سیره و روش حکومتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در جامعه مهدوی برای جامعه آخرالزمانی در ابعاد فرهنگی - اعتقادی، سیاسی - اجتماعی و اقتصادی تبیین شد و پذیرفتیم که دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکومت او دارای خصوصیات است که فقط در زمان ظهور او امکان پذیر است، ولی در غیر این موارد می توانیم سیره آن حضرت را الگوی خود قرار داده و به اندازه توان محدود خود، جامعه مهدوی را برپا کنیم. و شاید یکی از علل توصیف خصوصیات دولت مهدوی در عصر ظهور در لسان روایات این باشد که ما از این دولت الگو گرفته و تا حد امکان خود را به حضرت و دولت او شبیه نماییم.

در فصل دوم به این نتیجه رسیدیم که طبق روایات معصومین علیهم السلام جامعه آخرالزمانی در ابعاد فرهنگی - اعتقادی، سیاسی - اجتماعی و اقتصادی، با فاصله گرفتن از فطرت الهی و معارف اسلامی گرفتار آسیب های جدی و مزمنی شده که افراد جامعه را به ورطه هلاکت و نابودی در تمام ابعاد رهنمون می کند و تا هنگامی که روابط اجتماعی ظالمانه و بیدادگری های اقتصادی و سیاسی و... از میان برداشته نشود، ریشه کینه توزی و دشمنی و عدم سلامت روانی در جامعه باقی خواهند ماند.

و در آخرالزمان طبق روایات علیرغم ترسیم تصویر سیاه از آن، هستند دین باوران حقیقی که بر عهد خود با خداوند استوار مانده و هم خود پاک زیستند و هم دیگران را به پاکی دعوت می کنند، چون می دانند که می توان از راه ترویج خوبی ها مقدمات قیام و حکومت او را فراهم کرد. بنابراین، چنین نیست که همه در ظلم و فساد فرورفته باشند، بلکه عده ای با زحمات فراوان، خود را حفظ می کنند و فروغ امید را در دل مردم روشن نگه می دارند، لذا جهان پیش از ظهور اگرچه دوران تلخی است، ولی به دوره شیرین ظهور منتهی می شود.

در فصل سوم با بیان ویژگی های جامعه صاحب الزمانی در تمام ابعاد به این نتیجه رسیدیم که با حضور عینی و ملموس امام معصوم عجل الله تعالی فرجه الشریف در حیطه مدیریت جامعه و تلاش در رفع موانع رشد

/ فصل چهارم. وجوه الگوگیری و زمینه سازی جامعه آخرالزمانی از جامعه مهدوی / ۲۰۷

و کمال انسانی و برقراری کامل عدالت در تمام ابعاد، گرد غبار از فطرت الهی انسان پاک خواهد شد و با پیروی از فطرت الهی فضایل اخلاقی در افراد و جامعه در ابعاد فرهنگی - اعتقادی، سیاسی - اجتماعی و اقتصادی نهادینه خواهد شد و تمام موجودات اعم از جمادات، نباتات، حیوانات و انسان ها به کمال واقعی خود خواهند رسید.

و در نهایت در فصل چهارم در گفتار اول با نقد جامعه آخرالزمانی در تمام ابعاد به این نتیجه رسیدیم که با الگوبرداری از ابعاد مختلف جامعه مهدوی می توان مقدار زیادی از کاستی های و آسیب های جامعه آخرالزمانی را برطرف کرد.

و در گفتار دوم به این نتیجه رسیدیم که برای اتصال جامعه آخرالزمانی (که چهره غالب آن ظلمت و فساد بود) به جامعه مهدوی که سراسر عدالت و رفاه است. نیاز به وجود یک حلقه وصل داریم که ما نام آن را جامعه منتظریا زمینه سازی الگویی می نامیم. که عبارت است از جامعه ای فرضی که در آن، حداکثر ویژگی های قابل الگوگیری جامعه مهدوی برای عصر غیبت وجود دارد. این نوع از جامعه با جامعه مهدوی که فقط با حضور حضرت مهدی عج محقق خواهد شد، فاصله دارد؛ اما برخی شاخص های بنیادین جامعه مهدوی در این جامعه نمونه و الگو نیز مورد استفاده قرار می گیرد، لذا در این گفتار ابتدا به بیان تمایزات و مختصات حکومت و جامعه مهدوی مانند حاکمیت امام معصوم و بهره بردن از امور غیبی و امدادهای الهی و غیره اشاره کردیم و در ادامه با بهره گیری از روش پس نگری، وجوه برتری جامعه مهدوی که از مختصات حضرت نبوده و قابلیت الگوبرداری برای جامعه منتظر را دارد در ابعاد فرهنگی - اعتقادی، سیاسی - اجتماعی و اقتصادی بیان کردیم که می توان با الگوگرفتن و عمل به آنها، هویت افراد و جامعه را در ابعاد مختلف ارتقاء داد و زمینه رشد جامعه آخرالزمانی را فراهم نمود و نیز با ایجاد زمینه برای اجرای اقتصاد مهدوی در جامعه آخرالزمانی می توان عدالت اقتصادی و سیاسی - اجتماعی را در جامعه منتظر پایه ریزی کرد.

و در نهایت می توان با ایجاد انقلاب فرهنگی - اعتقادی، سیاسی - اجتماعی و اقتصادی روابط انسانی را در ابعاد فردی (رابطه با خود و خدا)، اجتماعی (رابطه با طبیعت و افراد جامعه) اصلاح کرد به طوری که مردم با کتاب خدا و سنت پیامبر بر اساس فهمی عمیق آشنا شده که این شناخت عمیق و صحیح، افکار انسان ها را شکل خواهد داد که ثمره آن اصلاح روابط و رفتارهای انسانی در ابعاد فردی اجتماعی خواهد بود.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر.
- نهج البلاغه، مصحح، صبحی صالح، نشر هجرت، قم، ۱۴۱۴ ق.
- ۱- ابن فارس، أبوالحسن أحمد، معجم مقاییس اللغة، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۸ ق.
 - ۲- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام، مصحح: حسینی جلالی، محمد حسین، ناشر: جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۹ ق.
 - ۳- ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، مصحح: غفاری، علی اکبر، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲ ش.
 - ۴- —، صفات الشیعه، نشر علمی، تهران، ۱۳۶۲ ش.
 - ۵- —، کمال الدین و تمام النعمه، مصحح: غفاری علی اکبر، تهران، ۱۳۹۵ ق.
 - ۶- —، من لا یحضره الفقیه، مصحح: غفاری، علی اکبر، نوبت چاپ دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳ ق.
 - ۷- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، مصحح: غفاری، علی اکبر، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۳ ق.
 - ۸- ابن طاووس، علی بن موسی، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، نشر مؤسسه صاحب الأمر، قم، ۱۴۱۶ ق.
 - ۹- —، سعد السعود للنفوس، نشر دار الذخائر، قم، بی تا.
 - ۱۰- ابن بطریق، یحیی بن حسن، عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۷ ق.
 - ۱۱- ابن أبی زینب، محمد بن ابراهیم، الغیة نعمانی، مصحح: غفاری، علی اکبر، نشر صدوق، تهران، ۱۳۹۷ ق.
 - ۱۲- ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، مصحح: قیومی اصفهانی، جواد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۹ ق.
 - ۱۳- اسفندیاری (اسلامی)، رضا، «سیره مهدوی و دولت منتظر»، فصلنامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، سال سوم، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۸۸ ش.
 - ۱۴- اسماعیلی سادیانی، مهدی، از نگاه آمار، چاپ اول، انتشارات شکوری، قم، ۱۳۸۷ ش.

فهرست منابع / ۲۰۹

- ۱۵- اشتهازدی، محمد مهدی، حضرت مهدی فروغ تابان، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۰ ش.
- ۱۶- امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، چاپ چهارم، دارالفکر، قم، بهار ۱۳۵۲ ش.
- ۱۷- بیات، عبد الرسول و جمعی از نویسندگان، فرهنگ واژه‌ها، درآمدی بر مکاتب و اندیشه‌های معاصر، نشر موسسه اندیشه و فرهنگ دینی، قم، ۱۳۸۱ ش.
- ۱۸- بستان، حسین، جامعه شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی، چاپ اول، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۹۰ ش.
- ۱۹- بندرریگی، محمد، فرهنگ جدید عربی- فارسی، چاپ هفتم، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۷۰ ش.
- ۲۰- بافکار، حسین، کانون مهر، چاپ اول، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، تهران، ۱۳۸۰ ش.
- ۲۱- بهروزی لک، غلامرضا، سیاست و مهدویت، قم، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۸ ش.
- ۲۲- —، «وجوه الگویی ارتباطات در جامعه مهدوی برای جامعه امروز با روش پس‌نگری»، فصلنامه علمی- پژوهشی مشرق موعود، سال سوم، ش ۱۱، پاییز ۱۳۸۸ ش.
- ۲۳- —، جزوه درسی بازنندیشی آینده، دوره سوم آینده‌پژوهی، دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۹۲ ش.
- ۲۴- بی. پی. کول، فاصله عقب ماندگی، ترجمه ذوالفقارپور و محمود ریاضی، نشر امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۵ ش.
- ۲۵- بروس کوین، مبانی جامعه شناسی، ترجمه: توسلی، غلامعباس، چاپ ۲۳، نشر سمت، تهران، ۱۳۹۰ ش.
- ۲۶- تقوی، سیدرضا، تأملات فرهنگی، چاپ اول، نشر یاس، تهران، ۱۳۸۴ ش.
- ۲۷- جمعی از نویسندگان، معجم احادیث امام مهدی، مؤسسه معارف اسلامی، قم، ۱۳۶۹ ش.
- ۲۸- جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت، آفتاب مهر، بنیاد فرهنگی موعود، تهران، بی تا.
- ۲۹- جهانیان، ناصر، ویژگیهای جامعه توسعه یافته اسلامی، بی تا، بی جا، نرم افزار موعود.
- ۳۰- جمعی از نویسندگان، نگاهی تحلیلی به زندگی حضرت مهدی، چاپ اول، نشر دبیرخانه اجلاس، تهران، ۱۳۷۷ ش.
- ۳۱- جمعی از نویسندگان، بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی، چاپ سوم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۹۳ ش.
- ۳۲- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۹ ق.
- ۳۳- —، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، نشر اعلمی، بیروت، ۱۴۲۵ ق.
- ۳۴- حلی، حسن بن یوسف، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، نشر جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۷ ق.
- ۳۵- حکیم، محمد تقی، الاصول العامة للفقهاء المقارن، نشر موسسه آل البيت، قم، چاپ دوم، ۱۹۷۹ م.

- ۳۶- حکیمی، محمد، عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام، چاپ هشتم، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۷ش.
- ۳۷- —، جهانی سازی مهدوی و جهانی سازی غربی، چاپ سوم، نشر دلیل ما، قم، ۱۳۸۷ش.
- ۳۸- حکیمی، مهدی، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و آینده زندگی، چاپ سوم، آستان قدس، مشهد، ۱۳۸۴ش.
- ۳۹- حسینی شیرازی، محمد، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جلوه جمال الهی، مترجم محمدی اشتهاردی. نشر امام عصر، قم، ۱۳۸۴ش.
- ۴۰- حیدری کاشانی، محمد باقر و همکاران، خانواده و تربیت مهدوی، چاپ نهم، نشر کتاب یوسف، تهران، ۱۳۹۳ش.
- ۴۱- حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، زمستان ۱۳۶۰ش.
- ۴۲- خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الاثنی عشر، مصحح: حسینی کوه کمری، نشر بیدار، قم، ۱۴۰۱ق.
- ۴۳- خمینی، روح الله، صحیفه امام، چاپ اول، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، تهران، بی تا.
- ۴۴- خدادادی، محمد اسماعیل، مبانی علم سیاست، جزوه درسی، قم، دانشکده محلاتی ۱۳۷۳ش.
- ۴۵- دلشاد تهرانی، مصطفی، دولت مهدی سیرت مهدی، چاپ دوم، نشر ذکر، تهران، ۱۳۷۵ش.
- ۴۶- راغب اصفهانی، حسین، المفردات (الفاظ) فی غریب القرآن، نشر دارالعلم، بیروت، ۱۴۱۲ق.
- ۴۷- ربانی خوراسگانی، محمدصادق، بررسی کارکردهای اجتماعی انتظار حضرت مهدی در ایران معاصر، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۸ش.
- ۴۸- رفیع پور، فرامرز، آناتومی جامعه، چاپ ۴، نشر شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۸۵ش.
- ۴۹- سیوطی، جلال الدین، الدر المشور فی تفسیر المأثور، نشر کتابخانه مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ق.
- ۵۰- سعیدی، احمد، اوصاف المهدی، چاپ اول، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۶ش.
- ۵۱- سلیمیان، خدامراد، درسنامه مهدویت، چاپ دهم، مرکز تخصصی مهدویت، قم، ۱۳۹۱ش.
- ۵۲- —، فرهنگنامه مهدویت، چاپ سوم، بنیاد فرهنگی موعود، قم، ۱۳۸۸ش.
- ۵۳- سالاری فر، محمدرضا، خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی، چاپ هشتم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، بهار ۱۳۹۱ش.
- ۵۴- سبحانی نیا، محمدتقی، «نظریه تغییر و تأثیر آن در زمینه سازی ظهور»، فصلنامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، سال سوم، ش ۱۱، پاییز ۱۳۸۸ش.
- ۵۵- شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار، مطبعة حیدریه، نجف، بی تا.
- ۵۶- مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی، چاپ ۶، انتشارات نسل جوان، قم، ۱۳۸۷ش.
- ۵۷- شایان مهر، علی رضا، دایرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، چاپ اول، کیهان، تهران، ۱۳۷۷ش.

- ۵۸- صافی گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الاثر*، نشر سیده معصومه، قم، ۱۴۱۹ق.
- ۵۹- —، *پاسخ به ده پرسش*، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۹۰ش.
- ۶۰- صدر، سید محمدباقر، *تاریخ مابعد الظهور*، نشر موعود عصر، قم، ۱۳۸۹ش.
- ۶۱- —، *سنت های تاریخی در قرآن*، ترجمه: سید جمال موسوی، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، ۱۳۸۳ش.
- ۶۲- صادقی، سعید، *سیر اندیشه سیاسی در غرب*، چاپ اول، انتشارات پیام نور، تهران، ۱۳۸۶ش.
- ۶۳- طوسی، أبو جعفر محمد بن حسن، *الغیة*، چاپ اول، مؤسسه معارف اسلامی، قم، ۱۴۱۱ق.
- ۶۴- طوسی، نصیرالدین، *رساله امامت*، بی جا، تهران، ۱۳۳۵ش.
- ۶۵- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، نشر فراهانی، تهران، ۱۳۶۰ش.
- ۶۶- طبری آملی، أبی جعفر محمد بن أبی القاسم، *بشارة المصطفی لشعبة المرتضى: المكتبة الحیدریة*، نجف، ۱۳۸۳ق.
- ۶۷- —، *دلائل الإمامة*، نشر بعثت، قم، ۱۴۱۳ق.
- ۶۸- طباطبایی، محمدحسین، *تفسیر المیزان*، ترجمه موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم، ۱۳۷۴ش.
- ۶۹- طبسی، نجم الدین، *چشم اندازی به حکومت مهدی*، چاپ سوم، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۰ش.
- ۷۰- —، *نشانه هایی از دولت موعود*، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۹ش.
- ۷۱- طاهری، ابوالقاسم، *«تاریخ اندیشه های سیاسی در غرب»*، ج اول، نشر قومس، تهران، ۱۳۷۴ش.
- ۷۲- عمید، حسن، *فرهنگ لغت عمید*، چاپ نخست، نشر اشجع، تهران، ۱۳۸۹ق.
- ۷۳- عالم، عبدالرحمان، *بنیادهای علم سیاست*، چاپ ۱۷، نشر نی، تهران، ۱۳۸۶ش.
- ۷۴- عباس، حسن، *النحوالوافی العلوم العربیه*، چاپ اول، نشر دارالمجتبی، قم، ۱۳۹۱ش.
- ۷۵- قمی، عباس، *سفینه البحار*، چاپ اول، نشر اسوه، قم، ۱۴۱۴ق.
- ۷۶- قادری، حاتم، *اندیشه های سیاسی در قرن ۲۰*، چاپ نهم، انتشارات سمت، تهران، بهار ۱۳۸۷ش.
- ۷۷- قائمی، علی، *آینده از نظر ما و دیگران*، نشر امیری، قم، ۱۳۵۴ش.
- ۷۸- قرضاوی، یوسف (۱۳۸۲). *جهانی شدن و نظریه پایان تاریخ و برخورد تمدن ها*، ترجمه عبدالعزیز سلیمی، نشر احسان، تهران.
- ۷۹- قزوینی، سید محمدکاظم، *امام مهدی از ولادت تا ظهور*، ترجمه علی کرمی، و سید محمد حسینی، چاپ ۸، انتشارات الهادی، قم، ۱۳۸۷ش.
- ۸۰- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، مصحح: غفاری علی اکبر، دار الحدیث، قم، ۱۴۲۹ق.
- ۸۱- —، *الکافی*، مصحح: غفاری علی اکبر، دار الکتاب الاسلامیه،

تهران، ۱۴۰۷ ق.

- ۸۲- کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه، مهدی حقی، چاپ ۱۶، نشر تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۸۸ ش.
- ۸۳- کوشاری، رضا، اوضاع در آخر الزمان، چاپ سوم، نشر مهر امیرالمومنین، قم، ۱۳۸۵ ش.
- ۸۴- کارگر، رحیم، آینده جهان، (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، چاپ سوم، بنیاد فرهنگی موعود، تهران، ۱۳۸۹ ش.
- ۸۵- _____، «آینده پژوهی مهدوی»، فصلنامه علمی-پژوهشی انتظار موعود، شماره ۲۸.
- ۸۶- _____، تعلیم و تربیت در عصر ظهور، چاپ دوم، بنیاد حضرت مهدی، تهران، ۱۳۸۹ ش.
- ۸۷- گلستانی، محمد امین، سیمای جهان در عصر امام زمان، مسجد جمکران، ۱۳۸۵ ش.
- ۸۸- گروه پژوهشی موسسه فرهنگی موعود، آخر الزمان در آینه روایات، چاپ دوم، نشر موعود عصر، تهران، ۱۳۸۷ ش.
- ۸۹- گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم (ع)، فرهنگ جامع سخنان امام حسین (ع)، چاپ دوم، نشر معروف، قم، ۱۳۸۵ ش.
- ۹۰- گادنر، ویلیام، جنگ علیه خانواده، ترجمه معصومه محمدی، چاپ اول، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۶ ش.
- ۹۱- لک زایی، نجف، تحولات سیاسی اجتماعی ایران معاصر، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۰ ش.
- ۹۲- مصباح یزدی، محمد تقی، جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، نشر مؤسسه امام خمینی، قم، ۱۳۹۱ ش.
- ۹۳- _____، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، چاپ ۲، نشر مؤسسه امام، قم، ۱۳۸۷ ش.
- ۹۴- مطهری، مرتضی، حق و باطل، احیای تفکر اسلامی، چاپ ۱۴، صدراء، تهران، ۱۳۷۳ ش.
- ۹۵- _____، اسلام و مقتضیات زمان، چاپ پنجم، صدراء، تهران، ۱۳۶۸ ش.
- ۹۶- _____، قیام و انقلاب مهدی، چاپ دوازدهم، صدراء، تهران، ۱۳۷۱ ش.
- ۹۷- موسوی بجنوردی، کاظم و همکاران، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۴ ش.
- ۹۸- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه: شیخی، حمید رضا، چاپ ۲، دارالحدیث، قم، ۱۳۷۹ ش.
- ۹۹- محمدی، محمد حسین، آخر الزمان در ادیان ابراهیمی، چاپ دوم، بنیاد حضرت مهدی موعود، قم، ۱۳۹۰ ش.
- ۱۰۰- مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، مصحح: غفاری، علی اکبر و محرمی زرنندی، المؤتمر

- العالمی لالیفہ الشیخ المفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- ۱۰۱- —، **الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد**، مصحح: مؤسسة آل البيت، نشرکنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- ۱۰۲- مجلسی، محمد باقر، **بحار الأنوار**، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق
- ۱۰۳- —، **مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول**، مصحح: رسولي محلاتی، سید هاشم، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۴ ق.
- ۱۰۴- —، **زاد المعاد - مفتاح الجنان**، مصحح: اعلمی، علاءالدین، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۲۳ ق.
- ۱۰۵- موسوی اصفهانی، محمدتقی، **مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم**، امام مهدی، قم، ۱۳۶۳ ش.
- ۱۰۶- مفضل بن عمر، **توحید المفضل**، مصحح: مظفر، کاظم، نشر داوری، قم، بی تا.
- ۱۰۷- مکارم شیرازی، ناصر، **«حکومت جهانی حضرت مهدی»**، چاپ ۱۱، نشر نسل جوان، قم، ۱۳۸۰ ش.
- ۱۰۸- معین، محمد، **فرهنگ فارسی معین**، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۶ ش.
- ۱۰۹- موسوی، سید محمد، **نظام سیاسی و دولت در اسلام**، چاپ سوم، انتشارات حدیث امروز، قزوین، ۱۳۸۵ ش.
- ۱۱۰- موسوی، عبدالرحیم، **تاریخ عصر غیبت و علایم الظهور**، نشر اهل بیت، قم، بی تا.
- ۱۱۱- مدرسی، عباس، **تملن در عصر ظهور**، ترجمه لطیف راشدی، چاپ دوم، چاپخانه پاسدار اسلام، زمستان ۱۳۸۳ ش.
- ۱۱۲- میرباقری، محمد مهدی، **گفتارهایی پیرامون تحول در علوم انسانی**، چاپ دوم، نشر فجر ولایت، قم، ۱۳۸۹ ش.
- ۱۱۳- نوری، حسین بن محمد تقی، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۸ ق.
- ۱۱۴- هاشمی خویی، حبیب الله، **منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة**، مترجم: حسن زاده آملی، حسن و کمره ای، محمد باقر، مصحح: میانجی، ابراهیم، مکتبه الإسلامية، تهران، بی تا.
- ۱۱۵- واحد پژوهش موسسه موعود، **پیشگویی ها و آخرالزمان**، مجموعه مقالات، چاپ اول، نشر موعود عصر، تهران، ۱۳۸۵ ش.
- ۱۱۶- ویلیام کی، فرانکا، **فلسفه اخلاق**، ترجمه هادی صادقی، نشر طه، قم، ۱۳۷۶ ش.
- ۱۱۷- ویل برانت، دیکتاتور کاتلها، ترجمه همایون الهی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳ ش.
- ۱۱۸- —، **جهان مسلح، جهان گرسنه**، ترجمه همایون پور، چاپ اول، انتشارات انقلاب اسلامی،

تهران، ۱۳۶۵ش.

۱۱۹- واحد تحقیقات جمکران، امامت، غیبت، ظهور، چاپ دوم، انتشارات مسجد جمکران،

۱۳۸۲ش.

۱۲۰- وثوقی، منصور و نیک خلق، علی اکبر، مبانی جامعه شناسی، ج ۲، نشر خردمند، تهران، ۱۳۷۱ش.

۱۲۱- واسعی سیدعلیرضا، عرفان امیرمحسن، باورداشت آموزه مهدویت و نقش آن در احیای فرهنگ و

تمدن اسلامی، سایت موسسه آینده روشن.

۱۲۲- یوسفی، محمد، داستان های شگفت انگیز از سیمای زنان در آخر الزمان، چاپ اول، نشر

خورشید هدایت، قم، ۱۳۸۹ش.

نشریات و مجلات

۱. فصلنامه علمی - پژوهشی انتظار موعود، قم، مرکز تخصصی مهدویت، شماره های: ۱۴-۱۷-۲۷-۳۱-۴۰-۳۵.
۲. فصلنامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، قم، پژوهشکده مهدویت، سال سوم، ش ۱۰-۱۱-۹، تابستان ۱۳۸۸ ش.
۳. فصلنامه مدیریت در اسلام، قم، تخصصی مدیریت در اسلام، ش ۱۶-۱۵-۱۴، پاییز و زمستان ۹۰.
۴. فصلنامه تخصصی نشریه/خلاق، اصفهان، دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان، ش ۸، سال ۱۳۸۶ ش.
۵. فصلنامه علمی پژوهشی انقلاب اسلامی، دانشگاه اصفهان، سال اول، ش ۲، سال ۱۳۷۸ ش.
۶. مجله تخصصی الهیات و حقوق، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۱۴، سال ۱۳۸۳ ش.
۷. فصلنامه دانشگاه آزاد، تهران، نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها، ش ۵، سال ۱۳۷۷ ش.
۸. فصلنامه علوم سیاسی، قم، دانشگاه باقر العلوم، ش ۱۷، سال پنجم، ۱۳۸۱ ش.
۹. پایگاه مجلات تخصصی نور. WWW.NOORMAGS.COM.

نرم افزارها

۱. مجموعه آثار حضرت امام خمینی رحمته الله علیه، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور، تیرماه ۱۳۸۸ ش.
۲. مجموعه آثار آیت الله مکارم شیرازی، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور، تیرماه ۱۳۸۸ ش.
۳. جامع الاحادیث، نسخه ۲/۵، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور، تیرماه ۱۳۸۸ ش.
۴. جامع التفاسیر، نسخه ۲، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور، تیرماه ۱۳۸۸ ش.
۵. مجموعه آثار مطهری، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور، تیرماه ۱۳۸۸ ش.
۶. حکمت اسلامی، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور، تیرماه ۱۳۸۸ ش.
۷. دانشنامه علوی، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور، تیرماه ۱۳۸۸ ش.
۸. آخرین امید، مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان.
۹. موعود، مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان.